

# فرهنگ سخنان حضرت فاطمه عليها السلام

مؤلف: محمد دشتی

این کتاب توسط مؤسسه فرهنگی - اسلامی شبکه الامامین الحسنین عليهم السلام بصورت الکترونیکی برای مخاطبین گرامی منتشر شده است.

لازم به ذکر است تصحیح اشتباهات تاییبی احتمالی، روی این کتاب انجام نگردیده است.

## سخن آغازین چاپ چهاردهم

بسمه الله الرحمن الرحيم

از سالهای 65 تا 72 که کار استخراج سخنان حضرت زهرا علیها السلام را برای رهنمونی بانوان مسلمان که در جستجوی الگوی کامل زندگی بودند، آغاز کردیم، و گوهرهای درخشنده کوثر قرآن را از لابلای صدها کتاب گرد می آوریم، و گل های همیشه معطر بوستان فاطمی را می بوئیم.

نمی دانستیم که عطر کلمات بزرگ بانوی جهانیان در فرصت کوتاهی جان و جهان را این گونه معطر می سازد، و با این سرعت از مرزهای خاکی ما می گذرد، و همه مرزها را در می نوردد، و نسیم دل انگیز آن در فضای دورترین کشورهای اسلامی وزیدن آغاز کرده روح و روان جهان را شاداب می کند. و نامه های فراوانی از کشورهای اروپایی و افریقایی و آسیایی، هند و پاکستان به طرف ما سرازیر می شود.

که در تمام نمایشگاههای داخل و خارج حضور فعال می یابد. که روحانی پیرمردی با پیمودن 400 کیلومتر راه در کشور هند خود را به خانه فرهنگی جمهوری اسلامی ایران رسانده، با گریه می گوید:

«یک جلد نهج الحیة به من بدهید، زیرا ما فقط نامی از حضرت فاطمه

علیها السلام شنیده بودیم، و نمی دانستیم که فرهنگ سخنان او، موجود است»

باور نمی کردیم که فرهنگ سخنان حضرت فاطمه علیها السلام تنها در مدت 3 سال

13 بار چاپ و منتشر می شود. (آن هم بدون امکانات نشر و توزیع مناسب)

و در همین فرصت کوتاه برای ارزیابی مفاهیم وحی گونه اش، سمینارها

برگزار می گردد، و مسابقات فرهنگی تحقق می یابد

و باور کرده ایم که با داشتن منابع روایی، و آثار ارزنده اهل بیت پیامبر  
علیهم‌السلام نباید از تهاجم فرهنگی دشمن بهراسیم  
اگر بیدار شویم، و به ارزشهای خویش باز گردیم  
اگر به گونه ای شایسته این فرهنگ غنی را شناخته و به جهانیان بشناسانیم  
اگر مصداق این شعر نباشیم که:

«آنچه خود داشت ز بیگانه تمنا می کرد»

پس از انتشار نهج الحیة، رهنمودهای فراوان و پیشنهادهای ارزشمندی به  
دست ما رسید که اصلاح و بازنگری بایسته ای را می طلبد مانند:

الف - تغییر کیفی عبارات فارسی و عربی

ب - ادیت متن کتاب

ج - آوردن نام و سال وفات و مذهب مؤلفان در پاورقی کتاب

د - اصلاح و کنترل پاورقی در سراسر کتاب

ه - کنترل اعراب متن عربی

و - کنترل مجدد آدرسها و مدارک و اسناد احادیث در پاورقی کتاب

ز - اصلاح ترجمه ها

امیدواریم با ویژگیهای یاد شده در چاپ چهاردهم، به بخشی از خواسته های  
علاقه مندان پاسخ داده، و رضایت اول شهید خط ولایت را جلب کرده باشیم.

انشاءالله - 75/10/20 - محمد دشتی

## مقدمه

بسم الله الرحمن الرحيم

بر اساس رهنمودهای پیامبر اسلام ﷺ دین کامل الهی بر پایه های همیشه استوار قرآن و عترت «خط ثقلین» جاودانه است و برای همه انسانها در تمام قرون و اعصار یک ضرورت غیر قابل انکار می باشد. همواره هشدار داده اند که:

روی آوردن به قرآن فقط و با گرایش به اهل بیت علیهم السلام جدای از قرآن تفکری انحرافی و گرایشی خلاف اسلام ناب و دین کامل الهی است.

تکامل و سعادت فرد و جامعه در پذیرش خط ثقلین، «قرآن و عترت» است. درست است که باید همه چیز را از قرآن خواست و در قرآن جستجو نمود. اما بدون رهنمودهای عترت پیامبر صلی الله علیه و آله در قالب هزاران حدیث که در تفسیر و تاویل آیات الهی مطرح شده اند هرگز نمی توان حقایق قرآنی را شناخت و به ارزشهای واقعی قرآن راه یافت.

بودند افرادی که با همه ادعاها و با برخورداری از همه علوم مقدماتی و ابزار شناخت و تفسیر، نتوانستند بدون رهنمودهای عترت پیامبر صلی الله علیه و آله حتی مباحث و مسائل ابتدائی قرآن را بدرستی درک نمایند و هر چه تلاش کردند فایده ای نداد.

خدای بزرگ در این باره بروشنی می فرماید:

و ننزل من القرآن ما هو شفاء و رحمة للمؤمنین و لا یزید الظالمین الا خسارا  
(و ما آنچه را که از قرآن فرستادیم شفای دل و رحمت الهی برای اهل ایمان است، لکن کافران و ظالمان را جز زیان چیزی نخواهد افزود. <sup>(1)</sup>)

و امام موسی بن جعفر علیه السلام فرمود:

من نظر برایه هلك و من ترك اهل بيت نبیه ﷺ ضل و من ترك كتاب الله و قول نبیه ﷺ كفر

(کسی که به رای خویش عمل کند، هلاک می شود و کسی که اهل بیت پیامبر ﷺ را ترک نماید، گمراه می گردد و کسی که قرآن کریم و سنت رسول گرامی را ترک کند کافر است. (2))

امام علی علیه السلام در رهنمود وحی گونه ای علل نیازمندی انسانها را به قرآن و عترت و ضرورت تداوم خط تقلین، چنین بیان فرمود:

هذا القرآن انما خط مستور بين الدفتين لا ينطق بلسان و لا بدله من ترجمان (این قرآن، خطوطی است که میان دو جلد خود پنهان است با زبان سخن نمی گوید نیازمند به ترجمان است. (3))

پیامبر گرامی اسلام ترجمان قرآن، و زبان های گویای وحی الهی را در روایت معروف «تقلین» شناسانده است، و بهمه انسانها پیام خود را ابلاغ فرمود که:

اسلام ناب و دین کامل الهی در تداوم خط تقلین «قرآن و عترت» امکان پذیر است.

از این رو شیعیان و پیروان عترت پیامبر صلی الله علیه و آله برای فهم و تفسیر و ارزیابی قرآن کریم از هزاران روایت و حدیث و رهنمودهای گسترده و متنوع اهل بیت علیهم السلام استفاده می کنند و در جمع آوری و ضبط و حفظ احادیث، تلاشی مستمر دارند.

آنان، سنت و حدیث و رهنمودهای پیامبر اسلام و اهل بیت آن حضرت علیهم السلام را یکی از پایه های استوار اجتهاد و استنباط احکام الهی می شناسند.

در تداوم همین تلاش پر برکت است که بزرگ سنگرداران مرزهای اندیشه شیعه، «اصول کافی و تهذیب و من لا یحضره الفقیه و استبصار» و هزاران کتاب و جزوه و مقاله روائی را بجهانیان هدیه نمودند.

و با بر خورداری از رهنمودهای عترت رسول خدا ﷺ به تفسیر واقعی قرآن راه یافتند و آب را از سرچشمه زلال حقیقت نوشیدند و از هر گونه تفسیر به رای و جعل و تحریف و بدعت ها در امان ماندند و همان اسلام ناب رسول خدا ﷺ را در تمام اعصار و قرون، با جهاد و پیکار و خون و شهادت، تداوم بخشیدند.

دانشمندان شیعه، فقهاء و علمای بیدار اسلام قتل عام شدند، ناقص العضو گردیدند، سیاه چال ها را پر کردند، رنج مهاجرت های پیاپی را بر خود هموار نمودند، سر بر دار شدند اما داغ آرزوی «جدائی قرآن از عترت» را بر دل های منحرفان همیشه تاریخ نهادند.

### نهج الحیة:

در تداوم تلاش جاودانه پاسداری از مرزهای اندیشه، به فکر جمع آوری سخنان حضرت زهرا علیها السلام افتادیم تا ارزشهای اسلامی را و تفسیرهای واقعی آیات قرآنی را از کلمات نورانی آن بزرگ زن جهانیان، فراگیریم و در این تلاش و جستجو، نام زیبای «نهج الحیاه» یا «راه و رسم زندگی» از دیدگاه حضرت زهرا علیها السلام را برگزیدیم که هم سنگ نهج البلاغه و راهنمای همه تشنگان حقیقت باشد.

در تحقیق این آرمان مقدس، تلاش های فرهنگی زیر صورت گرفت

### 1. شناسائی و استخراج

پس از تشکیل جلسات نهائی گروهی از پژوهندگان مؤسسه تحقیقاتی امیرالمؤمنین علیه السلام انتخاب و در طول 6 سال منابع شیعه و اهل سنت دقیقاً مورد مطالعه قرار گرفت و روایات و اظهار نظرهای آن یگانه کوثر قرآن علیه السلام، شناسائی و استخراج گردید.

## 2. انتخاب عناوین و قالب ریزی احادیث فاطمه علیه السلام

چون هدف ما در تدوین نهج الحیاة، ارائه الگوهای ناب و ارزشهای اصیل اسلامی به نسل معاصر و بخصوص جامعه بانوان بود، ناچار بودیم تا پس از مطالعه و ترجمه و ارزیابی دقیق احادیث فاطمه زهرا علیه السلام آنها را در قالب عناوین و فهرستهای زیبا و گویائی، مطرح نمائیم، تا مراجعه کنندگان بسهولت بتوانند مفاهیم ارزشمند و مباحث وحی گونه و گرانسنگ آن بزرگ بانوی جهانیان را بشناسند و در فراگیری آن بکوشند.

## 3. ترجمه احادیث

در ترجمه روایات حضرت زهرا علیه السلام سعی بر این بوده است تا اهداف اصلی آن حضرت در قالب عبارت فارسی گنجانده شود و مقید بودن به عباراتی عربی، مشکلی را در فهم مباحث نهج الحیاة پدید نیاورد.

## 4. انتخاب سوژه ها و زمینه سازی های مناسب

اگر احادیث و روایات حضرت زهرا علیه السلام را بدون پردازش لازم عرضه می کردیم، اهداف آموزشی آنحضرت روشن نمی شد و مراجعه کننده برای پیدا کردن معانی واقعی روایات سرگردان می شد.

برای تحقق این هدف ارزنده آموزشی کارهایی ضرورت داشت مانند:

الف - انتخاب سوژه ها

ب - زمینه سازیهای لازم

قبل از آوردن یک حدیث، در چند خط، علت صدور، مکان و زمان روایت و هدف حضرت زهرا علیها السلام را به روشنی آورده ایم، تا مطالعه کننده، به آسانی، اهداف سیاسی، عقیدتی آن حضرت را بشناسد، در این رابطه از روش شهید مطهری در عرضه داستانهای، کتاب (داستان راستان)، رهنمود گرفته ایم.

### ج - تعیین جایگاه اصلی حدیث

مخاطبها را شناسانیدیم، علت لطف و محبت یا خشم و غضب را در آغاز یا پایان احادیث آوردیم.

### د - نتیجه گیریهای ضروری

در کنار هر روایتی سعی کردیم تا نتیجه های لازم را بدست آوریم و اهداف آموزشی خود را مشخص نمائیم.

### 5. نظم الفبائی «فرهنگ سخنان فاطمه علیها السلام»

همه می دانیم که اگر پردازش ضروری، پیرامون احادیث در منابع روایی انجام نپذیرد، یافتن یک حدیث به سهولت ممکن نیست، بخصوص برای مراجعه کنندگان که علوم مقدماتی حوزه های علمیه را فرانگرفته اند.

اگر روایات اهل بیت علیهم السلام پس از استخراج، ترجمه و قالب ریزی شده و آنگاه دارای نظم الفبائی گردد، هر مراجعه کننده ای در حداقل فرصت مناسب می تواند روایات دلخواه خود را بیابد. <sup>(4)</sup>

### 6. فهرست موضوعی

گرچه انجام فهرست موضوعی، وقت زیادی می طلبد و مشکلات فراوانی داشت اما برای یافتن احادیث دلخواه، ضروری بود.

### 7. ثبت سلسه روات



در نهج الحیاه تلاش کردیم تا نام راویان یک حدیث را بیاوریم که برای اهل تحقیق امری ضروری و برای تشخیص صحت احادیث، سرنوشت ساز می باشد.

#### 8. جمع آوری اسناد و مدارک و روایات

کار دیگری که برای مراجعه کنندگان به احادیث اهل بیت علیهم السلام بسیار ارزنده و مفید می تواند باشد، جمع آوری اسناد و مدارک یک روایت است.

در این کتاب خواهید دید که روایات مطرح شده اسناد و مدارک متعددی دارد و در بسیاری از منابع دست اول اسلامی آمده است.

#### 9. فهرست موضوعی منابع تحقیق

از آغاز تا مرحله نهائی استخراج کلمات حضرت زهرا علیها السلام که با منابع فراوانی از شیعه و اهل سنت آشنا شدیم اسامی تمام آنها را بصورت «فهرست موضوعی منابع تحقیق» در پایان کتاب آورده ایم، تا علاقه مندان به تحقیقات و بررسی های بیشتر بتوانند به منابع اصلی مراجعه نمایند.

#### 10. گزینش و انتخاب احادیث

پس از جمع آوری سخنان حضرت زهرا علیها السلام کار گزینش و انتخاب احادیث، را آغاز نمودیم که دو روش مطرح بود.

اول - طرح همه روایات جمع آوری شده

برخی اعتقاد داشتند که:

همه روایات فراهم آمده را مانند روش علامه مجلسی در بحارالانوار باید

تدوین و منتشر کرد.

این نظر تا حدودی درست بود: اما با هدفداری کار ما سازگار نبود زیرا اگر

کسی بخواهد دائرة المعارفی یا یک منبع روایی به جامعه محققان عرضه نماید،

می تواند همه روایات فراهم آمده را منتشر کند و کار تحقیق و ارزیابی و تشخیص صحیح و نادرست را به محققان واگذارد.

دوم - گزینش و انتخاب روایات

نظریه اول گر چه درست بود اما با اهداف ما سازگار نبود، هدف ما این بود که:

الگوهای اصیل، ارزشهای ناب اسلامی را به جامعه بانوان و نسل جوان معاصر ما، معرفی نمائیم که از دیدگاه حضرت زهرا علیها السلام، «بایدها» و «نبایدها» را بشناسند.

پس باید زحمت ارزیابی و مشکلات تشخیص صحت یا بطلان یک روایت را بر خود هموار سازیم.

از این رو با ملاک ها و مبانی اصولی و فقهی شیعه و اصول مسلم اعتقادی نقد و ارزیابی روایات پرداختم.

روایاتی را انتخاب کردیم که:

1. مخالف قرآن نباشد
2. مخالف سنت رسول خدا نباشد
3. مخالف عقل (مستفاد از قرآن و حدیث) نباشد
4. مخالف اجماع علماء شیعه نباشد
5. مخالف اصول مسلم اعتقادی نباشد
6. مخالف صفات و ویژگیهای معصومین علیهم السلام (مانند: علم غیب، عصمت و...) نباشد

که در این راه از «علوم مقدماتی» و روش «جرح و تعدیل» حوزه های علمیه استفاده گردید و با صاحب نظران و حدیث شناسان آگاه، مشورت شد، تا

مجموعه احادیث «نهج الحیاه» برای مراجعه کنندگان، مشکلاتی ایجاد نماید و چراغ راه تشنگان حقیقت باشد.

همواره، «خود ببوید»

و «زلال حقیقت را خود بگوید» که:

«آفتاب آمد دلیل آفتاب».

سرانجام 213 حدیث بشماره «حروف ابجد» مطابق با نام نورانی «زهرا»

انتخاب گردید که پس از مطالعه خواهید خواهید دانست:

نردبان آسمان است این کلام هر که از آن بر رود آید به بام

نی به بام چرخ کان اخضر بود بل به بامی کز فلک برتر بود

و رمز و راز جاودانگی و جامعیت و فصاحت و بلاغت حضرت فاطمه زهرا

علیها السلام را باید از زبان همسر نمونه آن مظلومه، امیر بیان، اول مظلوم تاریخ،

حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیهما السلام شنید که فرمود:

و انا لامراء الکلام و فینا تنشبت عروقه و علینا تهدلت غصونه

(همانا امیران سخن ما می باشیم و ریشه درخت سخن در میان ما ریشه

دوانده و شاخه های آن بر سر ما سایه گسترده است. (5))

در پایان از همه عزیزانی که در جهت تکمیل و اعراب گذاری متن احادیث و

ادیت عبارات و تطبیق فهرست ها، تلاش موثری نمودند تشکر می کنیم و

پاداش همه را به الطاف خفیه حضرت فاطمه علیها السلام می سپاریم.

قم - مؤسسه تحقیقاتی امیرالمؤمنین علیهما السلام - 11 ذیقعدہ 1372 روز تولد امام

رضا علیهما السلام محمد دشتی

## آ: اول: آیین همسر داری

### 1- ایثارگری فاطمه علیها السلام

همسر ایده آل، برای گرم نگهداشتن کانون خانواده، باید مهربان و ایثارگر باشد، دیگران را بر خود مقدم بدارد، با سختیهای زندگی و ناملازمات آن بسازد، و با لبخند شادی آفرین خود، تاریکی حزن و اندوه را از دل شوهر بزدايد. در این رابطه به سخنان فاطمه علیها السلام باید نظر دوخت.

در یکی از صبحگاهان امام علی علیه السلام فرمود: فاطمه جان! آیا غذایی داری تا گرسنگی ام بر طرف شود؟ پاسخ داد:

نه، بخدایی که پدرم را به نبوت و شما را به امامت برگزید سوگند که دو روز است در منزل غذای کافی نداریم، آن چه بود به شما و فرزندانم «حسن و حسین» دادم و خود از غذای اندک موجود، استفاده نکردم.

اما با تاسف فرمود:

فاطمه جان! چرا به من اطلاع ندادی، تا بدنبال تهیه غذا بروم؟

حدیث 1

قالت فاطمه علیها السلام: یا ابا الحسن انی لا ستحیی من الهی ان اکلف نفسک ما لا

تقدر علیه <sup>(6)</sup>

حضرت زهرا علیها السلام فرمود: (ای ابا الحسن! من از پروردگار خود حیاء می کنم

چیزی را از تو درخواست نمایم که تو بر آن توان و قدرت نداری) <sup>(7)</sup>

زنان دنیای معاصر باید از اینگونه جلوه های ایثار درس زندگی بگیرند، و با

ساده زیستی و مراقبت از خویشتن و دوری از آرزوهای زودگذر، زندگی

زناشویی را رنگی جاودانه زنند.

## 2- کار در خانواده

الف - هماهنگی زن و شوهر در کار روزانه: ز. زن و کار، حدیث 92

ب - تقسیم کار در خانواده: ز. زن و کار، حدیث 94

ج - تقسیم کار با همسر: ز. زن و کار، حدیث 95

## 3- اوج ادب و ایثار

امام علی علیه السلام باغ خود را به 12 هزار درهم می فروشد و همه پولها را بین فقرا و تهیدستان مدینه تقسیم می کند و به منزل باز می گردد. طبیعی است که انتظار فرزندان و همسر، پس از فروش باغ، آوردن غذا و میوه به منزل است.

فاطمه علیها السلام پرسید: غذای امروز ما چه شد؟ امام برای تهیه غذا بیرون می رود، اما فاطمه علیها السلام ناراحت است، با خود می گوید: چرا سؤال کردم؟ و آنگاه فرمود:

حدیث 2:

قالت: فانی استغفر الله و لا اعود ابدا. (8)

(من از خدا آمرزش می طلبم و دیگر این رفتار را تکرار نخواهم کرد) (9)

## 4- هماهنگی با شوهر: دفاع حدیث 73

پس از ماجراهای تلخ سقیفه و انزوای اهل بیت علیهم السلام، سران سقیفه برای جلب افکار عمومی مردم بفرجه افتادند، تا بگونه ای از حضرت زهرا علیها السلام دلجوئی نمایند، که اجازه ملاقات می خواستند و تظاهر به جبران اشتباهات می کردند.

اما فاطمه علیها السلام در تداوم یک مبارزه منفی همه جانبه، هر گونه پیشنهادی را رد می نمود، و موضع اعتراض یا سکوت و بیزاری را ادامه می داد.

روزی امام علی علیه السلام وارد منزل شد و فرمود:

فاطمه جان خلیفه و عمر در پشت درب خانه، منتظر اجازه ورود می باشند،

تا نظر شما چه باشد؟

حضرت زهرا علیها السلام در برابر شوهر فرمود:

حدیث 3:

قالت: البیت بیتک والحرّة زوجتک فافعل ما تشاء

(علی جان! خانه، خانه توست و من همسر تو می باشم. هر آنچه می خواهی

انجام ده <sup>(10)</sup>)

5- تحمل مشکلات اقتصادی:

م - مشکلات اقتصادی حدیث 179 و 180 و 181

6- تحمل مشکلات زندگی و خانوادگی:

م - مشکلات اقتصادی حدیث 179 و 180 و 181 ش - شعرهای فاطمه

علیها السلام

7- معرفی همسر نمونه: ر- روابط اجتماعی، حدیث 84

آ: دوم: آداب غذا خوردن:

ب - بهداشت حدیث 29

آ: سوم: آرایش و زیبائی:

ز - زن و آرایش حدیث 96

آ: چهارم: آگاهی و شناخت

1. آگاهی از زمان شهادت خود

2. آگاهی از لحظه شهادت

3. آگاهی از شهادت حسین علیه السلام در کربلا

4. آگاهی از حوادث تلخ آینده

ع - علم و آگاهی

ع - عرفان فاطمه علیها السلام

## الف: اول: احکام اسلامی

### 1- کیفیت تطهیر کودک

امام حسن مجتبی علیه السلام از مادرش حضرت زهرا علیها السلام نسبت به تطهیر ادرار کودک نقل کرد که:

حدیث 4:

قالت: رایت ام سلمه تغسل بول الجاریه ما کانت، و لا تغسل بول الغلام حتی یطعم، تصب علیه الماء صبا <sup>(11)</sup>

حضرت زهرا علیها السلام فرمود:

(ام سلمه را دیدم که ادرار دختر بچه را اینگونه می شست «با آب کر یک بار و با آب قلیل 3 بار» اما ادرار پسر بچه ای را که هنوز غذاخوار نشده و شیر مادر می خورد، نمی شست، تنها بر روی ادرار پسر بچه مقداری آب می پاشید <sup>(12)</sup>)

### 2- مصرف گوشت عید قربان

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله، حضرت علی علیه السلام را به سفری دور اعزام فرمود، حضرت زهرا علیها السلام که بار سفر و وسائل رفت و آمد را آماده می ساخت، مقداری از گوشت قربانی را برای شوهرش ذخیره نمود

پرسیدند مگر رسول خدا صلی الله علیه و آله از مصرف گوشت قربانی نهی نفرمود؟ پاسخ داد:

حدیث 5:

انه قد رخص فیها <sup>(13)</sup>

(مصرف گوشت عید قربان اجازه داده شد <sup>(14)</sup>)



## الف: دوم: اخلاص در عبادت

عبادت پسندیده است، اما اخلاص در عبادت پسندیده تر. باید با اخلاص و توجه لازم به عبادت خدا پرداخت که ره آورد فراوانی به همراه خواهد داشت.

حدیث 6:

قالت فاطمه عليها السلام: من اصعد الى الله خالص عبادته اهبط الله عزوجل اليه

افضل مصلحته <sup>(15)</sup>

حضرت فاطمه عليها السلام فرمود:

(کسی که عبادت های خالصانه خود را بسوی خدا فرستد، پروردگار بزرگ،

برترین مصلحت را بسویش فرو خواهد فرستاد)

## الف: سوم: اخلاق و روابط انسانی

### 1- خوشرویی

امام صادق علیه السلام روش برخورد صحیح اجتماعی با پرهیزکاران و فاسدان و دشمنان را از حضرت فاطمه علیها السلام اینگونه توضیح داد.

حدیث 7:

قالت: بشر فی وجه المومن یوجب لصاحبه الجنة و بشر فی وجه المعاند المعادی یقی صاحبه عذاب النار  
(یاداش خوشرویی در برابر مؤمن بهشت است و خوشرویی با دشمن انسانهای ستیزه جو، انسان را از عذاب باز می دارد (16))

### 2- اخلاق زناشویی:

آ - آئین همسراری

### 3- اخلاق اقتصادی:

م - مشکلات اقتصادی

### 4- اخلاق سیاسی:

م - مبارزات سیاسی - و - ف - فدک

الف - امامت و رهبری

و - وصیتهای سیاسی

ج - جنگ و جهاد

د - دفاع

### 5- اخلاق فردی

ح - حجاب و پوشش

ف - فضایل فاطمه علیها السلام

الف - اخلاص

ع - عرفان فاطمه علیها السلام

خ - خداشناسی

ز - زن و زندگی اجتماعی

د - دعاهاى فاطمه

ز - زن و کار

خ - از خودگذشتگی

ش - شادی و شهادت

ش - شعرهای فاطمه علیها السلام

ق - قیامت - و - ت - ترس

الف - ازدواج

م - مشکلات زندگی

الف - ویژگیهای امام علی علیه السلام

پ - پیامبر و فاطمه علیها السلام

## 6- اخلاق اجتماعی

آ - آئین همسرمداری

ز - زن و کار، زن و زندگی اجتماعی

د - دعاهاى حضرت زهرا علیها السلام

ز - زن و ساده پوشی

خ - از خودگذشتگی

ز - زن و آرایش

- م - مبارزات سیاسی
- د - دفاع حضرت زهرا علیها السلام
- م - مشکلات زندگی
- الف - ازدواج
- پ - پیامبر و فاطمه علیها السلام
- الف - امامت و رهبری
- ح - حجاب و پوشش زن
- خ - خطبه های حضرت زهرا علیها السلام
- ش - شکوه های فاطمه علیها السلام
- ش - شعرهای فاطمه علیها السلام
- ع - ارزش علم
- ت - تربیت کودک
- و - وصیت های شخصی
- و - وصیت های سیاسی

## الف: چهارم: ازدواج از دیدگاه فاطمه عليها السلام

### 1- مشورت با دختر

یکی از آداب پسندیده در ازدواج اسلامی، مشورت و تبادل افکار پدر با دختر است که آگاهانه همسر ایده آل خود را برگزیند.

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله این اصل تربیتی، روانی را بدقت رعایت می کرد و به امت اسلامی سفارش می فرمود، تا از ظلم و ستم دوران جاهلیت دوری گزینند، و پدران و مادران بدون مشورت و رضایت دختران در امر ازدواج اقدامی نکنند. چنانکه پیامبر نسبت به ازدواج دخترش با او مشورت کرد و فرمود:

دخترم فاطمه! پسر عمویت علی عليه السلام از تو خواستگاری نموده است. پاسخ

تو چیست؟

فاطمه عليها السلام به پدر احترام کرد و فرمود نظر شما چه می باشد؟

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

اذن الله فيه من السماء

خدا از آسمان اجازت فرمود.

فاطمه (عليها السلام) گفت: (در حالی که تبسم بر لب داشت):

حدیث 8:

رضیت بما رضی الله لی و رسوله <sup>(17)</sup>

(خشنودم به آنچه که خدا و پیامبر او برای من رضایت دادند <sup>(18)</sup>)

و در روایتی دیگر آمده است که فرمود:

رضیت بالله ربا و بک یا ابتاه نبیا و باین عمی بعلا و ولیا

(خشنودم که خدا پروردگار من است و تو ای پیامبر من و پسر عمویم (علی

علیه السلام) شوهر و امام من است <sup>(19)</sup>)

## 2- احترام متقابل دختر به نظر پدر

یکی دیگر از آداب پسندیده و مسأله قابل توجه در ازدواج، احترام متقابل فرزندان به افکار و آراء پدر و مادر است.

دختران و پسران باید بدانند که مریبان دلسوزشان آرزوی سعادت و تکامل و بهروزی آنها را دارند و در امر ازدواج نباید نظریات پدر و مادر را نادیده انگارند.

آنگاه که پیامبر اسلام ﷺ برای دخترش ارزش و اعتبار قائل شد و در ازدواج با علی علیه السلام با او به مشورت نشست، حضرت زهرا علیها السلام نیز به پدر احترام کرد و رای و نظریه پدر را محترم شمرد و فرمود:

حدیث: 9

قالت فاطمه علیها السلام: یا رسول الله انت اولی بما تری <sup>(20)</sup>

(ای رسول خدا! تو از من سزاوارتری (که اظهار نظر کنی)) <sup>(21)</sup>

## 3- پرهیز از ارزشهای دروغین در ازدواج

در امر مقدس ازدواج که پایه تربیت انسانهای کامل است، نباید به ارزشهای دروغین و آداب و رسوم ناروا و ناپسند توجه نمود بلکه سلامت جسم و جان و دین دختر و پسر را باید اساس پذیرش قرار داد.

بزرگان قبائل و سرمایه دارانی با باورهای زشت مادی و جاهلی، از دختر پیامبر ﷺ خواستگاری نمودند، ولی جواب منفی شنیدند.

پیامبر و فاطمه علیها السلام در شرایطی به ازدواج امام علی علیه السلام پاسخ دادند که نه سرمایه ای داشت و نه باغ و زمین و اموالی فراهم آورده بود

در این ازدواج مقدس، توجه فاطمه عَلَيْهَا به ارزشهای معنوی و سلامت و عصمت همسر آینده اش بود.

وقتی صبح عروسی پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ پرسید:

کیف رایت زوجک؟

(دخترم! شوهرت را چگونه دیدی؟)

پاسخ داد:

حدیث 10:

قالت: يا ابة خير زوج <sup>(22)</sup>

(ای پدر! بهترین شوهر دیدم <sup>(23)</sup>)

#### 4- شکوه از طرفداران ارزشهای جاهلی در ازدواج:

بسیاری با ارزشهای مادی و جاهلی به ازدواج و شوهر آینده می نگرند، و به سرزنش این و آن می پردازند. ارزشهای انسانی و اسلامی همسران خودساخته را چیزی نمی شمارند، و با کنایه و اشاره و به سرزنش روی می آورند.

حضرت زهرا عَلَيْهَا از این گرایش جاهلی نزد پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ شکایت می کند:

حدیث 11:

قالت فاطمه عَلَيْهَا: يا رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ!

دخل على نساء من قريش و قلن لي زوجك رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ من فقير لا مال

له <sup>(24)</sup>

(ای رسول خدا! زنانی از قریش به منزل من وارد شدند و سرزنش آغاز

کردند و گفتند: پیامبر، تو را همسر کسی قرار داد که فقیر است و سرمایه ای

ندارد. <sup>(25)</sup>)

## 5- حالات معنوی فاطمه علیها السلام در شب ازدواج:

شب ازدواج و آغاز لحظه های یک زندگی نوین برای هر زن و مردی شیرین و خاطره انگیز است

بسیاری این لحظه های شیرین را به انواع گناه می آلاینند

و فکر می کنند، هر گونه زشتی و پلیدی می تواند مجاز باشد.

باید دید که کاملترین الگوی بانوان جهان، حضرت فاطمه علیها السلام در شب عروسی چه حالاتی دارد؟ و زندگی مشترک با همسرش را چگونه شروع می نماید؟

در شب ازدواج امام علی علیه السلام، فاطمه زهرا را نگران و گریان دید. پرسید:

چرا ناراحتی؟

پاسخ داد:

حدیث 12:

قالت: تفکرت فی حالی و امری عند ذهاب عمری و نزولی فی قبری فشبته دخولی فی فراشی بمنزلی کدخولی الی لحدی و قبری فانشدک الله ان قمت الی الصلاة فنعبد الله تعالی هذه الليلة <sup>(26)</sup>

(پیرامون حال و رفتار خویش فکر کردم. به یاد پایان عمر خویش و قبر افتادم که امروز از خانه پدر به خانه شما منتقل شدم و روزی دیگر از اینجا به طرف قبر و قیامت خواهم رفت پس تو را به خدا سوگند می دهم که: بیا تا به نماز بایستیم تا با هم در این شب خدا را عبادت کنیم)



الف: پنجم - افشاگریهای حضرت زهرا علیها السلام

(برای اطلاع دقیق به خطبه ها و مبارزات سیاسی مراجعه فرمائید.)

الف: ششم - امامت و رهبری

1- ارزش اهل بیت علیهم السلام و امامان علیهم السلام:

حضرت زهرا علیها السلام در رابطه با ارزشهای معنوی اهل بیت علیهم السلام فرمود:  
حدیث 13:

قالت: و نحن وسیلته فی خلقه و نحن خاصته و محل قدسه و نحن حجتہ فی  
غیبه و نحن ورثه انبیائه <sup>(27)</sup>

(ما اهل بیت رسول خدا صلی الله علیه و آله وسیله ارتباط خدا با مخلوقاتیم، ما برگزیدگان  
خداییم و جایگاه پاکیها، ما دلیلهای روشن خداییم و وارث پیامبران الهی <sup>(28)</sup>)

2- ره آورد امامت (فلسفه امامت):

حضرت زهرا علیها السلام با اشاره به فلسفه امامت فرمود:  
حدیث 14:

قالت: فجعل الله... اطاعتنا نظاما للملة و امامتنا امانا للفرقة  
(خدا اطاعت و پیروی از ما (اهل بیت علیهم السلام) را سبب برقراری نظم اجتماعی  
در امت اسلامی و امامت و رهبری ما را عامل وحدت و در امان ماندن از تفرقه  
ها قرار داده است <sup>(29)</sup>)

و: حدیث 3 نقش تربیتی

3- نقش تربیتی پیامبر و امام علیهم السلام:

حضرت زهرا علیها السلام با توجه به ضرورت الگوهای کامل تربیتی در جامعه  
انسانها، به نقش تربیتی پیامبر و امام علی علیه السلام اشاره کرد و فرمود:

## حدیث 15:

قالت فاطمه عليها السلام: ابوا هذه الامه محمد و علي عليهما السلام يقيمون اودهم و ينقذانهم من العذاب الدائم ان اطاعوا هما و يبيحانهم النعيم الدائم ان وافقوا هما (محمد و علي عليهما السلام دو پدرا امت اسلام می باشند، کجی ها را راست و انحرافات را اصلاح می نمایند، اگر مردم ایشان را اطاعت کنند، این دو آنها را از عذاب جاویدان نجات می دهند. و اگر مردم با ایشان موافق و همراه باشند، این دو، نعمتهای پایدار خداوندی را ارزانیشان دارند<sup>(30)</sup>)

### 4- معرفی امامان 12 گانه:

- ص. صحیفه حضرت زهرا عليها السلام 126 و 127 و 128

- اثبات امامت، حدیث 16

- ش - شهادت، حدیث 122.

### 5- معرفی حضرت قائم آل محمد عليه السلام.

- اثبات امامت، حدیث 16

- ص - صحیفه حضرت زهرا حدیث 126 و 127 و 128

### 6- ضرورت گرایش مردم به امام:

- اثبات امامت، حدیث 16

## الف: هفتم - اثبات امامت امام علی علیه السلام «هدایت تشریحی»

### 1- یادآوری روایات رسول خدا صلی الله علیه و آله:

محمود بن لبید می گوید:

پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله، فاطمه علیها السلام را در کنار قبر حضرت حمزه در احد، در حال عزاداری و گریه مشاهده کردم، فرصت را غنیمت شمرده سؤال کردم:

آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله، می توان دلیلی آورد؟

حضرت زهرا علیها السلام پاسخ داد:

حدیث 16:

قالت فاطمه: واعجابه انسیتم یوم غدیر خم؟

سمعت رسول الله يقول: علی خیر من اخلفه فیکم، و هو الامام والخلیفة بعدی، و سبطای و تسعه من صلب الحسین علیه السلام ائمه ابرار لئن اتبعتموهم و جدتموهم هادین مهیین و لئن خالفتموهم لیکون الاختلاف فیکم الی یوم القیامه؟

قلت: یا سیدتی فما باله قعد عن حقه؟

قالت: یا ابا عمر لقد قال رسول الله صلی الله علیه و آله:

مثل الامام مثل الکعبه اذ تؤتی و لا تاءتی

اما و الله لو ترکوا الحق عل اهلہ و اتبعوا عتره نبیه لما اختلف فی الله اثنان، و لورثها سلف عن سلف و خلف بعد خلف حتی یقوم قائمنا التاسع من ولد الحسین و لکن قدموا من اخره الله و اخروا من قدمه الله: حتی اذا الحدوا المبعوث و او

دعوه الجدت المجدوث اختاروا بشهوتهم و عملوا بأرائهم تبا لهم اولم يسمعوا الله  
يقول:

«و ربك يخلق ما يشاء و يختار ما كان لهم الخيره؟»

بل سمعوا و لكنهم كما قال الله سبحانه:

«فانها لا تعمى الابصار و لكن تعمى القلوب التي في الصدور»

هيئات بسطوا في الدنيا آمالهم و نسوا آجالهم فتعسا لهم و اضل اعمالهم اعوذ

بك يا رب من الحور بعد الكور<sup>(31)</sup>

(شگفتا! آیا روز غدیر خم را فراموش کرده اید؟)

شنیدم که پیامبر گرامی اسلام فرمود: علی بهترین کسی است که او را  
جانشین خود در میان شما قرار می دهد. علی عليه السلام امام و خلیفه بعد از من است  
و دو فرزندم، (حسن و حسین عليهما السلام) و نه نفر از فرزندان حسین عليه السلام پیشوایان  
و امامانی پاک و نیک اند.

اگر از آنها اطاعت کنید شما را هدایت خواهند نمود و اگر مخالفت ورزید، تا  
روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد.

پرسیدم، بانوی من! پس چرا امام علی عليه السلام سکوت کرد و حق خود را  
نگرفت؟

حضرت زهرا عليها السلام پاسخ داد:

(رسول خدا فرمود: مثل امام، مانند کعبه است، مردم باید در اطراف آن طواف  
کنند، نه آن که کعبه دور مردم طواف نماید)  
(سپس ادامه داد که):

(آگاه باش. قسم به خدا، اگر حق را به اهلش واگذار می کردند و از عترت  
رسول خدا اطاعت می نمودند دو نفر هم (درباره حکم خداوند) با یکدیگر

اختلاف نمی کردند و امامت همان گونه که رسول خدا معرفی فرمود از علی علیه السلام تا حضرت قائم علیه السلام فرزند نهم امام حسین علیه السلام، از جانشینی به جانشینی دیگر به ارث می رسید.

اما (افسوس) کسی را مقدم داشتند که خدا او را کنار زده بود و کسی را کنار زدند که خدا او را مقدم داشت ره آورد بعثت را انکار کردند و به بدعتها روی آوردند. آنها هواپرستی و شهوت را برگزیدند و بر اساس رای و نظر شخصی عمل کردند. هلاکت و نابودی بر آنان باد.

آیا نشنیدند کلام خدا را که فرمود:

«پروردگار تو خلق می کند آنچه را که می خواهد و اختیار امامت بدست

اوست <sup>(32)</sup>»

آری شنیدند اما همان گونه که قرآن فرمود:

«دیده بصیرت آنها کور و چشم دل آنها بی نور است <sup>(33)</sup>»

افسوس، که سران سقیفه، آرزوها و هوسهای خود را تحقق بخشیدند و از مرگ و قیامت غافل ماندند، خدا نابودشان گرداند و آنان را در کارهایشان گمراه کند ای پروردگار! من به تو پناه می برم از کمی یاران پس از پیروزی و فراوانی آنان: <sup>(34)</sup>

## 2- حماسه غدیر و حدیث منزلت:

### الف - یادآوری حدیث منزلت:

حضرت زهرا علیها السلام هر جا که لازم بود با یادآوری حدیث غدیر، مغزهای خفته و انسانهای فریب خورده را هدایت و بیدار می فرمود، و بارها تذکر می داد که:

حدیث 17:

قالت: انسیتم قول رسول الله ﷺ يوم غدیر خم  
من كنت مولاہ فعلی مولاہ؟

و قوله ﷺ انت منی بمنزله هارون موسی (35)

(آیا فراموش کردید، سخنان رسول خدا را در روز غدیر خم (که فرمود: هر  
که من مولا و رهبر او می باشم، علی علیه السلام نیز مولای اوست، و آیا فراموش  
کردید که به علی علیه السلام فرمود یا علی علیه السلام موقعیت تو نسبت به من همانند  
هارون به موسای پیغمبر (علیه السلام) است (36))

ب - پاسخ بهانه جوها:

حضرت زهرا علیها السلام در پاسخ بی تفاوت های بهانه جو که می گفتند:  
اگر علی علیه السلام زودتر شروع می کرد و برای مردم صحبت می نمود، منحرف  
نمی شدند، فرمود:

حدیث 18:

قالت: فما جعل الله لا حد بعد غدیر خم من حجة و لا عذر (37)  
(پس از غدیر خم، خداوند برای هیچکس عذر و بهانه ای باقی نگذاشته است  
(38))

ج - عذر تراشی ممنوع:

و آنگاه که مهاجرین و انصار در عذرخواهی پافشاری کردند، فرمود:

حدیث 19:

قالت: الیکم عنی فلا عذر بعد تعذیرکم و لا امر بعد تقصیرکم هل ترک ابی  
یوم غدیر خم لاحد عذرا؟ (39)

(دور شوید و مرا به حال خود واگذارید. پس از کوتاهی و سهل انگاری، جایی برای عذرخواهی نمانده است، آیا پدرم پیامبر ﷺ پس از حادثه غدیر خم جایی برای عذر تراشی و بی تفاوتی باقی گذاشته است؟<sup>(40)</sup>)

## الف: هشتم: ویژگی های امام علی علیه السلام

«امام علی علیه السلام از دیدگاه حضرت زهرا علیها السلام»

### 1- ارزشهای امام علی علیه السلام

برای شناساندن انسانی خدا گونه در زمین، قلمها و زبانها عاجزند باید از سخنان حضرت زهرا علیها السلام برای شناسائی علی (علیه السلام) یاری طلبید. حضرت فاطمه علیها السلام در برابر یکی از افراد نادان مدینه که خفاش صفت، برابر آفتاب وجود امام، زبان به سرزنش گشوده بود، فرمود:

حدیث 20:

قالت: و هو الامام الربانی و الهیکل النورانی، قطب الاقطاب و سلاله الاطیاب الناطق بالصواب، نقطه دائره الامامة و ابو بنیه الحسن و الحسین الذین هما ریحاتی رسول الله سیدی شباب اهل الجنة <sup>(41)</sup>

(علی امامی ربانی و الهی، و هیکیلی نورانی و مرکز توجه همه عارفان و خداپرستان و فرزندی از خاندان پاکان، گوینده بحق و روا، جایگاه اصلی و محور امامت، و پدر حسن و حسین دو دسته گل پیامبر صلی الله علیه و آله و دو بزرگ و سرور جوانان اهل بهشت است)

و به حدیث 49 «جهاد و دفاع از ولایت» مراجعه شود

### 2- بهترین شوهر: حدیث 10

### 3- سوابق مبارزاتی علی علیه السلام

در آن روزها که امام علی علیه السلام را دست کفر و شرک و نفاق به انزوا کشاند، حضرت زهرا علیها السلام در میان مهاجر و انصار، سوابق مبارزاتی امیرالمؤمنین علیه السلام را یک یک برشمرد، تا حجت الهی را تمام کند



حدیث 21:

قالت: كلما او قدوانا ناراً للحرب اطفأها الله، او نجم قرن الشيطان، او فغرت  
فاغره من المشركين اخاه في لهواتها، فلا ينكفيء حتى يطا صماخها باخمصه، و  
يخمد لهبها بسيفه

مكدودا في ذات الله، مجتهدا في امر الله، قريبا من رسول الله، سيدا في اولياء  
الله، مشمرا ناصحا مجدا كادحا، لا تاء خذه في الله لومة  
لائم و انتم في رفاهيه من العيش:

حضرت زهرا عليها السلام فرمود:

(پس از بعثت رسول خدا صلی الله علیه و آله هر گاه مشرکین آتش جنگ بر افروختند، خدا  
آن را خاموش کرد، و هر گاه شیطان سر برداشت، یا مشرکی ندا می داد تا  
یورش بیاورد، رسول خدا (صلی الله علیه و آله) علی علیه السلام را در کام سختی ها و شعله ها می  
انداخت

و علی علیه السلام بر جای نشست تا بر سر و مغز مخالفان کوبید، و با شمشیر  
مشکلات و تهاجمات را از سر راه اسلام برداشت، علی علیه السلام برای خدا این  
رنجها را تحمل نمود، و در تحقق فرمانهای الهی تلاش کرد، یار نزدیک پیامبر  
صلی الله علیه و آله، و بزرگ و سرور دوستان خدا بود. همواره دامن همت به کمر زده،  
نصیحت گر، تلاشگر، و کوشا بود، و در راه خدا از سرزنش سرزنش کننده ای  
بیم بخود راه نداد، در آن روزهایی که شما مردم در رفاه و آسایش آرمیده بودید  
(42)

4- ایشارگری و بخشش امام علی علیه السلام:

فاطمه زهرا (علیها السلام) خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله رسید و از ایشارگری های علی علیه السلام  
خبر داد و فرمود:

حدیث 22:

قالت: یا رسول الله ما یدع علی شیئا من رزقه الا وزعه بین المساکین  
(ای رسول خدا! علی علیه السلام از طعام و غذا چیزی در خانه باقی نمی گذارد،  
هر چه به دست می آورد، بین فقرا و تهیدستان تقسیم می کند<sup>(43)</sup>)

5- نقش تربیتی امام علی علیه السلام

امامت حدیث 15 «نقش تربیتی»

6- علل غصب خلافت امام علیه السلام

ش «شکوه از خیانت»، حدیث 117

الف «اثبات امامت»، حدیث 16

خ «خطبه ها» خطبه اول

از حضرت زهرا علیها السلام در حالی که در احد بر مزار حضرت علیه السلام عزاداری  
میکرد، پرسیدند:

چرا مردم بر ضد شما و علی علیه السلام هجوم آوردند و حق مسلم او را غصب  
کردند؟

حضرت زهرا علیها السلام پاسخ داد:

حدیث 23:

قالت: لکنها احقاد بدریة و ترات احدیة کانت علیها قلوب النفاق مکتمنه لا  
مکان الوشاة فلما استهدف الامر ارسلت علینا شایب الآثار  
(اینهمه کینه توزیها از جنگ بدر و انتقام جوییها از جنگ احد است که در  
دلها منافقان پنهان بود اما روزی که حکومت را غصب کردند تمام آن کینهها  
و حسادتها را بر ما فرو ریختند<sup>(44)</sup>)

## 7- علی علیه السلام و جاذبه های عاشقانه در عبادت:

ابودرداء می گوید: علی علیه السلام را در حالت سجده بگونه ای مشاهده کردم که هیچ صدایی نمی شنود و حرکتی ندارد، فریاد زدم: سوگند بخدا علی علیه السلام مرده است. شتابان به فاطمه علیه السلام خبر دادم.

حضرت زهرا علیه السلام فرمود:

حدیث 24:

قالت: هی والله الغشیه التي تاءخذہ من خشية الله <sup>(45)</sup>

(بخدا قسم، این حالت معنوی علی علیه السلام است که از ترس در برابر عظمت پروردگار بر او عارض شده و در عبادت مدهوش می گردد <sup>(46)</sup>)

## 8- فاطمه و ارزشهای امام علی علیه السلام:

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله، در یکی از جلسات دوستانه، به ارزشهای علی علیه السلام اشاره فرمود و شدت محبت و علاقه قلبی خود را برای دخترش اظهار نمود.

فاطمه علیه السلام در حالی که به عظمت و ارزشهای امام اعتراف می کرد، فرمود:

حدیث 25:

قالت: والذی اصطفاک و اجتباک و هداک و هدایک الامه لا زلت مقرة له ما عشت

(سوگند به خدایی که تو را به رسالت انتخاب کرد و برای هدایت انسانها برگزید و تو را هدایت کرد و امت اسلامی را به وسیله تو هدایت نمود، تا زنده ام همواره به ارزشهای امام علی علیه السلام معترف خواهم بود <sup>(47)</sup>)

## 9- عامل رستگاری:

حضرت زهرا علیها السلام سعادتمند و رستگاری انسان را در محبت و دوستی با علی علیه السلام می شناساند که فرمود:

حدیث 26:

قالت: ان السعيد، كل السعيد، حق السعيد من احب عليا في حياته و بعد موته (48)

(همانا سعادتمند بمعنای کامل و حقیقی، کسی است که (امام) علی علیه السلام را در درون زندگی و پس از مرگش دوست داشته باشد (49))

## 10- گریه بر مظلومیت امام علی علیه السلام

فاطمه زهرا علیها السلام در لحظه های غمبار احتضار خویش بشدت گریست امام علی علیه السلام پرسید: چرا گریه می کنی؟ پاسخ داد

حدیث 27:

قالت: ابکی لما تلقی بعدی

(بخاطر آن چه که پس از من به تو خواهد رسید، می گریم (50))

امام علی علیه السلام فرمود:

لا تبکی فوالله ذلک لصغیر عندی فی ذات الله تعالی:

گریه مکن سوگند بخدا این گونه سختی ها در راه خدا برای من ناچیز است

## 11- دفاع از امام علی علیه السلام

خ - خطبه ها

م - مبارزات سیاسی

د - دفاع

و - وصیتهای سیاسی

الف - اثبات امامت علی علیه السلام

## 12- نگرانی از انبوه مشکلات علی علیه السلام

روزی در یکی از جلسات خانوادگی، رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله دخترش فاطمه علیها السلام را با انبوه مصائب و مشکلاتی که پس از وی بر امیرالمؤمنین علیه السلام باریدن خواهد گرفت آشنا فرمود.

(ان زوجک یلاقى بعدی کذا و کذا)

حضرت زهرا علیها السلام غم آلود و نگران پرسید:

حدیث 28:

قالت: یا رسول الله الا تدعو الله ان ینصرف ذلک عنه؟! <sup>(51)</sup>

(ای رسول خدا! آیا از خداوند نمی خواهی که این مشکلات از علی

علیه السلام کناره گیرند؟)

فرمود: چرا اما چاره ای جز آن نیست، زیرا انسانها آزادند و از نعمت اختیار

و آزادی سوءاستفاده می کنند. <sup>(52)</sup>

الف: نهم - انفاق و سخاوت فاطمه عليها السلام

ج - جنگ و جهاد، حدیث 48

پ - تلاش برای جلب رضایت پدر حدیث 32

خ - از خود گذشتگی و ایثار، حدیث 61 و 62

ش - شعر در سخاوت و بخشش، حدیث 103 و 104

## الف: دهم - ایثارگری

د- دفاع از امام، حدیث 74 و 75

خ - از خود گذشتگی و ایثار، حدیث 61 و 62

م - مشکلات زندگی، حدیث 184 تا 191

آ- آیین همسررداری، حدیث 1

الف: یازدهم - ایمان فاطمه (علیها السلام)

ع - عبادت

د - دعاهاى فاطمه (علیها السلام)، حدیث 76 تا 82.

ع - عرفان فاطمه (علیها السلام)

خ - خداشناسی



## ب: بهداشتی

### 1- بهداشت دست

حضرت فاطمه (ع.ا.س) نسبت به پاکیزگی دست فرمود:

حدیث 29:

الا لا یلومن امرء الا نفسه یبیت و فی یده ریح غمر<sup>(53)</sup>  
(بهوش باش! کسی که پس از خوردن غذا با دستی آلوده و چرب بخوابد،  
هیچکس جز خودش را سرزنش ننماید<sup>(54)</sup>)

### 2- آداب غذا خوردن

حضرت زهرا (ع.ا.س) درباره آداب غذا خوردن و بهداشت عمومی فرمود:

حدیث 30:

قالت: فی المائده اثنتا عشرة خصله یجب علی کل مسلم ان یعرفها اربع فیها  
فرض و اربع فیها سنة و اربع فیها تادیب  
فاما الفرض فالمعرفه والرضا، والتسمیه، والشکر  
فاما السنه فالوضوء قبل الطعام، الجلوس علی الجانب الایسر، والاکل بثلاث  
اصابع  
فاما التادیب. فالاکل بما یلیک و تصغیر اللقمه و المضغ الشدید و قله النظر فی  
وجوه الناس  
در سر سفره غذا، 12 کار نیک وجود دارد که سزاوار است، هر مسلمانی آنها  
را بشناسد.

4 مورد واجب و 4 مورد مستحب و 4 مورد نشانه ادب و بزرگواری است.

و اما چهار عمل واجب:

1- شناخت و معرفت پروردگار (بدانیم که نعمت ها از اوست)

2- راضی به نعمت های خدا بودن

3- گفتن «بسم الله الرحمن الرحيم» در آغاز غذا

4- سپاسگزاری خدا در پایان (و گفتن الحمد لله رب العالمین)

و چهار عمل مستحب عبارتند از:

1- وضو گرفتن قبل از غذا

2- نشستن بجانب چپ

3- در حال نشسته غذا خوردن

4- غذا خوردن با سه انگشت

و چهار عملی که نشانه ادب و بزرگواری است مانند:

1- از غذای پیش روی برداشتن

2- لقمه ها را کوچک برداشتن

3- غذا را بخوبی جویدن

4- کمتر در صورت دیگران، نگاه کردن<sup>(55)</sup>

3- بهداشت غذا:

ارزش غذایی خرما

حضرت زهرا علیها السلام نسبت به ارزش غذائی خرما فرمود:

حدیث 31:

قالت فاطمه علیها السلام: نعم تحفة المؤمن التمر<sup>(56)</sup>

(برای مؤمن، خرما هدیه خوبی است)

پ: اول: پوشش زن

ح - حجاب زن

پ: دوم: پیامبر و فاطمه علیها السلام

1- نقش تربیتی پیامبر صلی الله علیه و آله در جامعه

الف. اثبات امامت حدیث 4

2- تلاش برای جلب رضایت پیامبر صلی الله علیه و آله

شیخ صدوق نقل می کند:

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله هرگاه به مسافرت می رفت، با فاطمه علیها السلام خداحافظی می کرد و وقتی از سفر برمی گشت، ابتدا به دیدن فاطمه علیها السلام می شتافت.

در یکی از مسافرت‌های پیامبر صلی الله علیه و آله حضرت زهرا علیها السلام دو دستبند نقره و یک جفت گوشواره برای خویش و یک پرده برای درب منزل خرید، پیامبر صلی الله علیه و آله از مسافرت بازگشت و بدیدار دخترش شتافت.

پس از مشاهده پرده خانه و زیورآلات ساده فاطمه علیها السلام، توقف کوتاهی کرد و به مسجد رفت.

حضرت زهرا علیها السلام با خود اندیشید که پدر ناراحت است، و فوری دستبند و گوشواره و پرده را در آورد و خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله فرستاد و پیام داد:

حدیث 32:

قالت: تقرا علیک ابنتک السلام و تقول اجعل هذا فی سبیل الله (57)

(دخترت برای تو سلام می فرستد و می گوید که این زیورآلات اندک را نیز

در راه خدا انفاق کن)

پیامبر گرامی اسلام پس از مشاهده بخشش و ایثار فاطمه عَلَيْهَا سه بار فرمود:

فداها ابوها

(پدرش فدای او باد <sup>(58)</sup>)

### 3- همدردی با پدر

در روزهای واپسین زندگانی، پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به منبر رفت و فرمود:

هر کس از من طلبی دارد، درخواست نماید.

و آنگاه بلال در کوچه مدینه فریاد زد که:

هذا محمد يعطى القصاص من نفسه قبل يوم القيامة

مردم اینک این محمد بن عبدالله است که می خواهد قبل از روز قیامت

قصاص شود هر کس حقی را او طلب بخواند

مردی بلند شد و گفت: ای رسول خدا! شما در جنگ بدر که صف سربازان

را تنظیم می کردید، با شلاق خودتان بر شکم لخت من زدید.

پیامبر فرمود بیا قصاص کن، مرد گفت: همان شلاق را بیاورید.

پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به بلال اشاره فرمود که از خانه فاطمه عَلَيْهَا همان شلاق روزهای

جنگ را بیاورد.

حضرت فاطمه زهرا عَلَيْهَا پرسید:

حدیث 33:

یا بلال ما یصنع والدی بالقضیب و لیس هذا یوم القضیب؟

(لما اخبر بلال ما وقع قالت)

واغماه لعمک یا ابتاه

من للفقراء والمساکین وابن السبیل یا حبیب القلوب یا بلال فقل للحسن و  
الحسین یقومان الی هذا الرجال فیقتص منهما و لا یدعانه یقتص من رسول الله  
ﷺ (59)

(ای بلال! پدرم با شلاق (روزهای جنگ) چه می خواهد بکند؟ الان که روز  
جنگ نیست؟)

وقتی بلال آنچه را که در مسجد گذشت خبر داد. فاطمه زهرا علیها السلام ناله زد و  
گفت:

(وای از این اندوه برای اندوه تو ای پدر، غیر از تو چه کسی سرپرست فقرا و  
تهیدستان و در راه ماندگان است؟)

ای دوست خدا و دوست همه دلها! ای بلال به فرزندانم حسن و حسین بگو  
نزد آن مرد رفته تا از آنان قصاص کند و نگذارند پیامبر را بیازارد (60)

#### 4- عواطف پدرانه پیامبر ﷺ

حضرت زهرا علیها السلام درباره عواطف گرم پدرانه رسول خدا صلی الله علیه و آله مطلبی را نقل  
فرمود که قابل توجه و ارزیابی است:

حدیث 34:

قالت: لما نزلت «لا تجعلوا دعاه الرسول بینکم کدعاء بعضکم بعضا» (61)  
هبت رسول الله صلی الله علیه و آله ان اقول له «یا اباة» فکنت اقول «یا رسول الله» فاعرض  
عنی مرة او اثین او ثلاثا ثم اقبل علی فقال: (62)

یا فاطمه انها لم تنزل فیک و لا فی اهلک و لا فی نسلک انت منی و انا منک  
انما نزلت فی اهل الجفاء و الغلظه من قریش اصحاب البذخ و الکبر؛ قولی «یا  
ابه» فانها احیی للقلب و ارضی للرب (63)  
وقتی این آیه نازل شد:

«رسول خدا را آنگونه که همدیگر را صدا می زنید، نخوانید»

ترسیدم که رسول خدا را با لفظ «ای پدر» بخوانم.  
 من (هم مانند دیگران پدر را) با نام «یا رسول الله» صدا زدم.  
 بدین خاطر پیامبر، یک بار یا سه بار از من روی گردانید (و پاسخ نگفت).  
 سپس رو به من کرد و فرمود:  
 ای فاطمه علیها السلام! این آیه درباره تو و خانواده تو و نسل تو نازل نشده است.  
 تو از من هستی و من از تو هستم.  
 همانا این آیه برای (ادب کردن) جفا کاران درشت خوی قریش، انسانهای  
 خودخواه و متکبر، نازل شده است.  
 مرا با جمله «ای پدر!» خطاب کن که مایه حیات قلب من است و خداوند  
 را خشنود می کند (64)

#### 5- ناله و فریاد در هنگامه رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله

در لحظه های غمبار رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله، حضرت فاطمه علیها السلام، امام علی علیه السلام  
 امام حسن و امام حسین علیهما السلام در اطراف بستر رسول خدا صلی الله علیه و آله حلقه زده و با  
 چشمانی اشکبار، نظاره گر غروب خورشید رسالت بودند.  
 آن بزرگ پیامبر، خواست سخنی بفرماید، اما نتوانست و در حالی که می  
 گریست بی حال در بستر افتاد.

فاطمه علیها السلام با مشاهده این منظره به فریاد آمد و فرمود:

حدیث 35:

قالت: یا رسول الله، قد قطعت قلبی و احرقت کبدی لبکائک یا سید النبیین  
 من الاولین و الاخرین

یا امین ربه و رسوله یا حبیبه و نبیه

من لولدی بعدک؟ و لذل ینزل بی بعدک؟

من لعلی اخیک و ناصرالدین؟

من لوحی الله و امره؟ (65)

(ای رسول خدا! همانا قلب مرا از جا کندی، و جگرم را سوزاندی، آنگاه که گریه تو را مشاهده کردم، ای بزرگ پیامبران از حضرت آدم تا آخرین آنان، ای امین پروردگار، ای فرستاده و محبوب خداوند ای پیامبر خدا!

پس از تو چه بر سر فرزندانم خواهد آمد؟

پس از تو چه مصیبتها و ذلت و خواریها که بر من باریدن خواهد گرفت؟

پس از تو چه بر سر علی علیه السلام خواهد آمد؟

او که برادر توست و (تنها) یاور دین اسلام خواهد بود.

پس از تو چه بر سر وحی الهی و (دستورات خداوند خواهد آمد؟ (66)

آنگاه خود را در آغوش پدر افکند، پدر را بوسید و با اشک فراوان، گونه های پدر را شست.

رسول خدا صلی الله علیه و آله در این هنگام دست فاطمه علیها السلام را در دست علی علیه السلام

گذاشت و فرمود:

علی جان! فاطمه امانت الهی و امانت من در دست تو است، از او محافظت فرما.

## 6- غم و اندوه وفات پیامبر صلی الله علیه و آله

ش - اشعار حضرت زهرا علیها السلام

پس از وفات رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله، فاطمه علیها السلام در اجتماع زنان مدینه

با بیان غم آلودی فرمود:

حدیث 36:

قالت: انا لله و انا الیه راجعون، انقطع عنا خیر السماء

(همه از خدائیم و بسوی او باز می گردیم، (آه که با وفات پیامبر ﷺ) رشته وحی و اخبار آسمانی قطع گردید (67))

### 7- غم از دست دادن پیامبر ﷺ

#### الف - روایت معاذ

از معاذ بن جبل نقل شده است که فاطمه عليها السلام پس از وفات رسول خدا صلى الله عليه وآله فراوان می گریست و می فرمود:

حدیث 37:

قالت: يا ابتاه الى جبريل ننعاه، انقطعت عنا اخبار السماء يا لا ينزل الوحي  
اءلينا من عند الله ابدا (68)

(آه ای پدر! پس از تو باید شکوه های دل را به حضرت جبرئیل گفت. آه که (با وفات تو) خبرهای آسمانی قطع شد و آه ای پدر! دیگر برای همیشه از طرف خدا وحی فرو فرستاده نمی شود (69))

#### ب - روایت انس بن مالک

از انس بن مالک روایت شده که حضرت زهرا عليها السلام پس از وفات پیامبر صلى الله عليه وآله با غم و اندوه می گریست و می فرمود:

حدیث 38:

قالت يا ابتاه اجاب ربا دعاه

يا ابتاه من جنه الفردوس ماواه

يا ابتاه الى جبرئيل ننعاه

(آه ای پدری که دعوت پروردگار را لیبیک گفتی!

آه ای پدری که فردوس برین جایگاه توست

پدر (پس از تو) با جبرئیل (باید) درد دل نماییم (70))



و پس از مراسم تدفین پیامبر ﷺ خطاب به انس فرمود:

حدیث 39:

قالت: یا انس! اطابت انفسکم ان تحثوا علی رسول الله ﷺ التراب؟ (71)

(ای انس! آیا دلتان آمد که خاک بر روی رسول خدا بریزید؟) (72)

## 8- سوگ پدر و تنهایی و مصیبت شوهر!!

حادثه عظیم و غمبار رحلت پیامبر اسلام ﷺ، امت اسلامی را غرق در ماتم کرده بود و فاطمه علیها السلام هم در فراق پدر می سوخت، و شاهد غربت و انزوای اسلام بود.

از یک سو قدرت طلبیها و زنده شدن دوباره ارزشهای جاهلی را مشاهده می کرد، و از سویی دیگر تهاجم و تجاوز به حریم حرمت ولایت را نظاره گر بود کوهی از غمها و دردها، بر جان نورانش سنگینی می کرد. که درد آلود و سوزناک لب به فریاد گشود، و خطاب به پدر چنین فرمود:

حدیث 40:

قالت: یا ابتاه ما اعظم ظلمة مجالسک

فوالسفاه علیک الی ان اقدم عاجلا علیک

و ائکل ابوالحسن المؤمن ابو ولدیك الحسن و الحسین و اخوک و ولیک و

حبیبک و من ربیته صغیرا و آخیته کبیرا و اجلی احبائک و اصحابک الیک، من

کان منهم سابقا و مهاجرا و ناصرا، و اولهم سابقا الی الاسلام، و مهاجرة الیک

یا خیر الانام فها هو یساق فی الاسر کما یساق البعیر

والتکل شاملنا و البکاء قاتلنا و الاسی لازمنا

و امحمداه و اباه، و احیباه، و ابالقاسماه، و الاحمداه، و اقله ناصراه و اغوثاه،

و اطول کربتاه، و احزنه، و امصیبتاه:

(پدر جان! دریغ و آه از فراق تو، ای پدر چه بسیار بزرگ است تاریکی و ظلمتی که در مجالس پس از تو مشاهده می گردد، و من دور مانده از جناب تو دریغ و افسوس می خورم که هر چه زودتر نزد تو آییم.  
(در عزای تو) ابوالحسن امین سوگوار است، پدر دو فرزندت حسن و حسین، برادر و امام برگزیده و دوست بی مانند تو، همو که در کودکی او را بزرگ و تربیت کردی و سپس برادرت خواندی

او که از بزرگترین دوستان و محبوبترین اصحاب در پیشگاه تو بود  
او که در پذیرش اسلام از همه پیشی گرفت و یاور دین گشت و هجرت کرد.  
ای (پدر بزرگوار) ای بهترین انسانها! اکنون (بیا و بنگر که) او را اسیر گونه (به طرف بیعت تحمیلی) می کشند و می برند.

(پدر جان!) غم سوگواری (تو) ما را فرا گرفته (و در هم کوبیده) است و گریه های مداوم، قصد جان ما را دارد، و بدی روزگار دامنگیرمان شده است.  
فریاد ای محمد: فریاد ای دوست، فریاد ای پدر، فریاد ای ابوالقاسم، فریاد ای احمد فریاد از کمی یاران و یاوران، فریاد از ناله بسیار، فریاد از مشکلات فراوان، فریاد از مصیبت و اندوه زیاد، فریاد از مصیبت جانکاه! (73)  
پس از آن سخنان دردآلود و غمبار، صیحه ای زد و بیهوش بر زمین افتاد.

## 9- شکوه از دردها و خیانتها

پس از فراوانی غمها، و تهاجم قدرت طلبان بی پروا، و سختی تحمل دوری پیامبر ﷺ خطاب به پدر فرمود:

حدیث 41:

قالت: انقطعت بک الدنیا بانوارها، و زوت زهرتها، و کانت بهجتک زاهره فقد اسود نهارها فصار یحکی حنادسها، رطبها و یابسها

يا ابتاه لا زلت آسفه عليك الى التلاق  
 يا ابتاه زال غمضى منذ حق الفراق  
 من للارامل و المساكين؟ و من للامه الى يوم الدين؟  
 يا ابتاه امسينا بعدك من المستضعفين  
 يا ابتاه اصبحت الناس عنامعرضين، و لقد كنا بك معظمين فى الناس غير  
 مستضعفين  
 فای دمعه لفراقک لا تنهمل؟ وای حزن بعدک عليك لا يتصل؟ وای جفن  
 بعدک بانوم يکتحل؟  
 و انت ربيع الدين و نورالنبيين  
 فكيف للجبال لا تمور؟ و للبحار بعدک لا تغور؟ و الارض كيف لم تزلزل؟  
 رميت يا ابتاه بالخطب الجليل، و لم تكن الرزیه بالقليل  
 و طرقت يا ابتاه بالمصاب العظيم، و بالفادح المهول  
 بکتک يا ابتاه الاملاک، و وقفت الافلاک  
 فممبرک بعدک مستوحش، و محرابک خال من مناجاتک، و قبرک فرح  
 بمواراتک و الجنه مشتاقه و الى دعائک و صلاتک  
 (دنیا به دیدار تو با رونق و بها بود، و امروز در سوگواری تو انوار او بریده و  
 گلهای او پژمرده است، و خشک و تر آن حکایت از شبهای تاریک می کند، ای  
 پدر! همواره بر تو دریغ و افسوس می خورم تا روز ملاقات  
 ای پدر! از آن لحظه که جدایی پیش آمد، خواب از چشمم گریخت  
 ای پدر! کیست از این پس که بیوگان و مسکینان را رعایت نماید، و امت را  
 تا قیامت هدایت فرماید

ای پدر! ما در حضور تو عظیم و عزیز بودیم، و بعد از تو ذلیل و زبون  
آمدیم، کدام سرشک است که در فراق تو روان نمی شود، و کدام حزن و اندوه  
است که بعد از تو پیوسته نمی گردد، و کدام چشم است که پس از تو سرمه  
خواب می کشد؟ تو بهار دین یزدان بودی، و نور پیغمبران، چه افتاد کوهسارها  
را که نمی ریزد، و چه پیش آمد دریاها را که فرو نمی خشکد، چگونه است که  
زلزله ها زمین را فرو نمی برد.

ای پدر! در بلا و رنجی عظیم و مصیبتی شگرف افتادم، و در زیر بار گران و  
هولناک ماندم

ای پدر! فرشتگان بر تو گریستند، و افلاک در ایستادند. منبر تو بعد از تو (با  
دیگری) انس نگرفت و بدون استفاده گشت و محراب بی مناجات تو معطل  
ماند، و قبر تو بیوشیده داشتن تو خوشحال گشت <sup>(74)</sup> و بهشت مشتاق نماز و  
دعای تو شد.

## 10- ناله از تنهایی و غربت

ورقة بن عبدالله ازدی از حضرت فضه نقل می کند که:

حضرت زهرا علیها السلام پس از دفن پیامبر صلی الله علیه و آله با بی تابی از منزل بیرون آمد و  
در حالی که از گریه و درد حال رفتن نداشت. خود را به قبر پدر رساند و آنگاه  
که جایگاه اذان و محراب را مشاهده فرمود، فریادی برآورد و بیهوش نقش  
زمین شد.

زنان مدینه که وضع را چنان دیدند، به سوی او دویدند و آب بر سر و  
صورت آن حضرت پاشیدند، تا به هوش آمد. سپس در حالی که به قبر پدر  
خیره شده بود فرمود:

حدیث 42:

قالن رفعت قوتی و خاننی جلدی و شمت بی عدوی والمکد قاتلی یا ابتاه  
بقیت والهه وحیده، و حیرانه فریده فقد انخمد صوتی وانقطع ظهیری و تنغص  
عیشی و تکدر دهری فما اجد یا ابتاه بعدک انیسا لوحشتی و لا رادا لدمعتی، و  
لا معینا لضعفی؟

فقد فنی بعدک محکم التنزیل، و مهبط جبرئیل، و محل میکائیل  
انقلبت بعدک یا ابتاه الاسباب، و اغلقت دونی الابواب، فانا للدنیا بعدک قالیه و  
علیک ما ترددت انفاسی باکیه لا تنفد شوقی الیک، و لا حزنی علیک و ابتاه  
والباه

(قوتم رفته و خویشتن داریم را از دست داده ام و دشمنم سرزنش کننده ام  
شده و حزن و اندوه درونی مرا می کشد.

پدر جان! یکه و تنها باقی مانده و در کار خویش حیران و سرگردانم.  
صدایم خفته، و یستم شکسته، و زندگیم درهم ریخته، و روزگارم تیره، شده  
است.

پدر جان! پس از تو برای وحشتم انیسی نمی یابم، و مانعی برای گریه ام، و  
یاوری برای ضعفم پیدا نمی کنم

(آری پدر!) بعد از تو نزول قرآن و محل هبوط جبرئیل و مکان میکائیل از  
بین رفت

پدر جان! پس از تو روابط انسانها دگرگون شد و درها به روی من بسته  
گردید.

من بعد از تو از دنیا نفرت دارم و تا زمانی که نفسم برآید بر تو گریه خواهم  
نمود.

(پدر جان!) شوق من نسبت به تو و حزن من بعد از تو انجامی و پایانی ندارد!

فریاد ای پدر! فریاد ای پروردگار (جهانیان!) (75)

## 11- یاد پدر در جمع کودکان

حضرت زهراء عليها السلام با یاد روزگار شیرین و محبت‌های رسول خدا صلی الله علیه و آله خطاب به کودکان خود فرمود:

حدیث 43:

قالت: این ابوکما الذی کان یکرّمکما و یحملکما مره بعد مره؟  
این ابوکما الذی کان اشدّ الناس شفقة علیکما؟ فلا یدعکما تمشیان علی الارض و لا اراه یفتح هذا الباب ابدا و لا یحملکما علی عاتقه کما لم یزل یفعل بکما؟ (76)

(کجاست پدر مهربان شما دو فرزندم؟ که شما را عزیز و گرامی می داشت، و همواره شما را بر روی دوش خود می گرفت، و نمی گذاشت بر روی زمین راه روید؟

کجاست پدر شما که مهربانترین مردم نسبت به شما بود؟  
دیگر هرگز او را نمی بینم که این درب منزل را باز کند، و شما را بر دوش خود گیرد، همان رفتاری که همواره نسبت به شما انجام می داد (77)

## 12- یاد پدر و اشتیاق شنیدن اذان

پس از وفات رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله، حضرت فاطمه عليها السلام به یاد دوران باشکوه و یرعظمت اسلام و نبوت افتاد و فرمود:

حدیث 44:

قالت: اءنی اشتھی ان اسمع صوت مؤذن ابی صلی الله علیه و آله بالاذان

(بسیار دوست دارم که صدای اذان (بلال)، مؤذن پدرم را «که درود خدا بر  
او و اهل بیت او باد» بشنوم<sup>(78)</sup>)

وقتی این خبر به بلال رسید، با اینکه از اذن گفتن اعتصاب کرده بود، آماده  
شد و اهل مدینه یک بار دیگر صدای دلنشین اذان بلال را شنیدند

شهر در شادی و سرور غرق شد، تا آن که گفت: «اشهد ان محمدا رسول الله»  
ناگاه به بلال خبر رسید که اذان را رها کن زیرا فاطمه عَلَيْهَا بیهوش نقش بر  
زمین افتاده است!

## ت: اول: مباحث تربیتی

### 1- اهمیت قضاوت میان کودکان

رسول گرامی اسلام درباره مسابقه خطاطی به حسن و حسین (علیهما السلام) سفارش فرمود:

هر کس خط او زیباتر است، قدرت او بیشتر است  
حسن و حسین (علیهما السلام) هر کدام خط زیبایی نوشتند، اما رسول خدا قضاوت نکرد و آن دو بزرگوار را به مادرشان، فاطمه (علیها السلام) هدایت فرمود، تا نگرانی قضاوت، با عاطفه مادری جبران شود.

حضرت زهرا (علیها السلام) دید که هر دو خط زیباست و هر دو در این مسابقه هنری شرکت نموده اند، چه باید کرد؟ با خود می گفت:

حدیث 45:

قالت: انا ماذا اصنع و کیف احکم بینهما؟

(من چه می توانم بکنم و چگونه میان دو کودکم داوری کنم؟)

قضاوت نهایی را به تلاش خودشان ارتباط داد و فرمود:

یا قرتی عینی انی اقطع قلاذتی علی راسکما و انشر بینکما جواهر هذه القلادة

فمن اخذ منها اکثر فخطه احسن و تکون قوته اکثر

(ای نور دیدگانم! من دانه های این گردنبند را با پاره کردن رشته آن بر سر

شما می ریزم و میان شما دانه های گردنبند را پخش می نمایم. هر کدام از شما

دانه های بیشتری بگیرد، خط او بهتر و قدرت او بیشتر است (79))

### 2- بکارگیری هنر شعر در پرورش کودک

ش - شعرهای حضرت زهرا (علیها السلام) حدیث 102



3- مشکلات اقتصادی و بچه داری

م - مشکلات اقتصادی حدیث 105

4- نذر کردن برای شفای کودک

ر- روزه حدیث 86

ت: دوم: ترس از عذاب الهی

1- ترس از آتش جهنم

وقتی آیات عذاب بر رسول خدا ﷺ نازل شد که:

و ان جهنم لموعدهم اجمعین لها سبعة ابواب لكل باب منهم جزء مقسوم<sup>(80)</sup>

رسول خدا ﷺ بشدت گریست و یاران پیامبر نیز گریستند.

حضرت زهراء علیها السلام از گریه پدر آگاه شد و پرسید:

حدیث 46:

قالت: یا ابت فدیته مالذی ابکاک؟

(ای پدر! فدایت شوم، چه چیز تو را گریانند؟)

پیامبر اسلام ﷺ آیات عذاب الهی را که تازه نازل شده بود برای فاطمه

علیها السلام خواند، فاطمه زهرا علیها السلام از خوف الهی بر زمین افتاد و فرمود:

الویل ثم الویل لمن دخل النار

(وای، وای بر کسی که داخل آتش جهنم می شود<sup>(81)</sup>)

2- اندوه سفر طولانی قیامت (آخرت گرائی)

پیامبر گرامی اسلام ﷺ در یکی از روزهای پربار زندگی، در منزل حضرت

زهرا علیها السلام وضو گرفت، سپس پرسید:

در چه حالی دخترم؟ حضرت زهرا علیها السلام فرمود:

حدیث 47:

قالت: والله لقد اشدت حزنی واشتدت فاقتی و طال اسفی<sup>(82)</sup>

(سوگند بخدا که حزن و اندوه من فزونی گرفته است و تهیدستی من فراوان

است و تاسف من طولانی «که برای سفر طولانی آخرت، چه آماده کرده ام؟

«<sup>(83)</sup>

## ج: جنگ و جهاد

### 1- شرکت حضرت زهرا علیها السلام

در جنگ خندق که مدینه در محاصره قرار داشت، هر کس به اندازه توان خود از جنگ پشتیبانی می کرد، حضرت زهرا علیها السلام نیز نان می پخت و بخشی از نیازمندیهای مجاهدان سنگر نشین را تاءمین می فرمود. در یکی از روزها که برای فرزندان خویش نان تازه آماده کرده بود، نتوانست بدون پدر از آن استفاده نماید، به خط مقدم جبهه، نزد پدر رفت و فرمود:

حدیث 48:

قالت فاطمه علیها السلام: قرصا خبزته و لم تطب نفسی، حتی اتیتک بهذه الکسره <sup>(84)</sup>  
(قرص نانی که می بینید برای غذای فرزندانم آماده کردم، اما دلم آرام نگرفت  
ناچار آن را «در خط مقدم جبهه» خدمت شما آوردم)  
پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

«این اولین غذائی است که پس از سه روز، پدرت بر دهان می گذارد <sup>(85)</sup>»

### 2- فلسفه جهاد

حضرت زهرا علیها السلام از نظر ارزشی، فلسفه جهاد را بگونه شایسته ای معرفی می فرماید

و خود در پشت جبهه با پختن نان و کمک رساندن به پدر و همسر، در عمل نیز به جهاد می اندیشید که نسبت به ارزش جهاد در راه خدا فرمود:

حدیث 49:

قالت: امامتنا امانا للفرقه، والجهاد عزا للاسلام

(امامت و رهبری ما عترت پیامبر صلی الله علیه و آله عامل ایمنی و نجات از تفرقه و

جدائی است و جهاد در راه خدا مایه عزت و جاودانگی اسلام است <sup>(86)</sup>)

## چ و ح: اول: حجاب و پوشش فاطمه علیها السلام

### 1- پرهیز از نامحرمان

مردی نابینا پس از اجازه گرفتن، وارد منزل امام علیه السلام شد.

پیامبر صلی الله علیه و آله مشاهده فرمود که حضرت زهرا علیها السلام برخاست، فرمود: دخترم!

این مرد نابیناست.

پاسخ داد:

حدیث 50:

قالت فاطمه علیها السلام: ان لم یکن یرانی فانی اراه و هو یشم الریح <sup>(87)</sup>

(پدر، اگر او مرا نمی بیند، من او را می نگرم!

اگر چه او نمی بیند اما بودی زن را استشمام می کند!)

رسول خدا پس از شنیدن سخنان دخترش فرمود:

«شهادت می دهم که تو پاره تن من هستی» <sup>(88)</sup>

### 2- ضرورت رعایت محرم و نامحرم

رسول گرامی اسلام، درب خانه فاطمه علیها السلام را کوبید و فرمود:

السلام علیکم اءادخل؟

پاسخ شنید:

حدیث 51:

قالت: علیک السلام یا رسول الله ادخل یا رسول الله

(سالم بر تو ای فرستاده خدا، داخل شوید ای رسول خدا)

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

(ادخل و من معی؟)

آیا داخل شوم با کسی که همراه من است؟

فاطمه عليها السلام فرمود:

یا رسول الله لیس علی قناع

(اگر نامحرمی با شماست، وارد نشوید که چادر بر سر ندارم)

کمی بعد، چادر به سر کرد و فرمود: داخل شوید

رسول خدا دوباره سلام کرد و فرمود: با کسی که همراه من است؟

پاسخ داد:

علیک السلام یا رسول الله ادخل و من معک <sup>(89)</sup>

(سلام بر تو ای فرستاده خدا، داخل شوید با کسی که همراه شماست <sup>(90)</sup>)

### 3- در اوج عفت و حجاب

الف - نگرانی از کیفیت حمل جنازه بانوان

اسماء بنت عمیس، نقل می کند:

روزهای آخر زندگانی حضرت زهرا عليها السلام با او بودم، روزی مرا به یاد کیفیت

حمل جنازه توسط مردم انداخت، و ابراز نگرانی فرمود: که چرا جنازه زن را

روی تخته ای می گذارند و بالای دست مردان و زنان حمل می کنند؟!

حدیث 52:

قالت: انی قد استقبحت ما یصنع بالنساء، انه یطرح علی المرأة الثوب فیصفها

لمن رای، فلا تحملینی علی سریر ظاهر، استرینی سترک الله من النار <sup>(91)</sup>

حضرت زهرا عليها السلام فرمود:

(من بسیار زشت می دانم که (جنازه) زنان را پس از مرگ بر روی تابوت

سرباز گذاشته و بر روی آن پارچه ای می افکنند، که حجم بدن را برای

بینندگان نمایش می دهد.

مرا بر روی تابوت آنچنانی نگذار و بدن مرا بیوشان که خدا تو را از آتش  
جهنم باز دارد (92)

ب - سفارش به همسر

اسماء بنت عمیس می گوید: وقتی نگرانی حضرت زهرا علیها السلام را دیدم که به  
امام علی علیه السلام فرمود:

حدیث 53:

اوصیک یابن عم ان تتخذلی نعشا فقد رایت الملائکه صوروا صورته  
(وصیت می کنم بشما ای پسر عمو! که برای من تابوتی درست کنید،  
همانگونه که ملائکه شکل آن را بمن نشان داده اند)  
خدمت آن حضرت توضیح دادم:

در سرزمین حبشه، تابوتی برای حمل جنازه ها درست می کنند که بدن میت  
را می پوشاند و سپس به وسیله چوب های تر و شاخه های نازک درخت،  
شکل و قیافه آن را ترسیم کردم.

حضرت زهرا علیها السلام خوشحال شده فرمود:

اصنعی لی مثله استرینی سترک الله من النار (93)

(برای من تابوتی مثل آن درست کن و مرا با آن بیوشان، خدا تو را از آتش  
دوزخ حفظ نماید (94))

دوم: حوریان بهستی و شوق دیدار فاطمه علیها السلام

سلمان فارسی می گوید:

با دعوت امام علی علیه السلام به منزل فاطمه علیها السلام رفتم، تا آن حضرت مرا دید،

فرمود:

حدیث 54:

قالت: يا سلمان جفوتنى بعد وفاة ابي  
(اى سلمان! پس از وفات پدرم با من جفا كردى)  
و آنگاه اجازه نشستن داد و فرمود:  
حديث 55:

قالت: فمه اجلس و اعقل ما اقول لك، انى كنت جالس به بالامس فى هذا  
المجلس، و باب الدار مغلق، و انا اتفكر فى انقطاع الوحي عنا و انصراف جوار لم  
ير الراون بحسنهن، و لا كهيتتهن و لا نضارة وجوههن، و لا ازكى من ريجهن،  
فلما رايتهن قمت اليهن متنكره لهن

فقلت: انتن من اهل مكة ام من اهل المدينة؟

فقلن: يا بنت محمد لسنا من اهل مكة و لا من اهل المدينة، و لا من اهل  
الارض جميعا غير اننا جوار من الحور من دارالسلام، ارسلنا رب العزة اليك يا  
بنت محمد انا اليك مشتاقات

فقلت: للتى اظن اءنهاكبير سنا ما اسمك

فقلت: اسمى مقدوده

قلت: لم سميت مقدوده

قالت: خلقت للمقداد بن الاسود الكندى صاحب رسول الله

فقلت: للثانيه ما اسمك

قالت: ذرة

فقلت: و لم سميت ذره و انت فى عينى نبيله

قالت: خلقت لابي ذر الغفارى، صاحب رسول الله

فقلت: للثالثه ما اسمك

قالت: سلمى

قلت: و لم سمیت سلمی

قالت: انا لسلمان الفارسی مولی اییک رسول الله (95)

(بنشین و درست بیندیش در آن چه که برای تو بازگو می کنم.)  
دیروز در اینجا نشسته بودم و فکر می کردم که با وفات رسول خدا، وحی الهی از ما قطع گردید و از رفت و آمد ملائکه دیگر خبری نیست.  
ناگاه در بسته منزل باز شد و سه دختر وارد شدند که از نظر زیبایی و شادابی و خوش بویی بی مانند بودند و هیچ چشمی به زیبایی آنان ندیده است  
از جایم برخاسته به سوی آنان رفتم، حال آنکه چندان خوش آیند من نبود.  
پرسیدم: از زنان مکه یا مدینه اید؟  
پاسخ داد:

«ای دختر محمد ﷺ! ما از اهل مکه و مدینه و از مردم روی زمین نیستیم،  
از حوریان بهشتی و عاشقان دیدار تو هستیم که پروردگار ما را بسوی تو  
فرستاده است.»

از آن یک که بزرگتر می نمود، پرسیدم، اسم تو چیست؟

جواب داد: «مقدوده»

گفتم: چرا مقدوده؟

گفت: برای زندگی با «مقداد بن اسود» آفریده شده ام.

از دیگری پرسیدم: نام تو چیست؟

گفت: «ذره»

گفتم: تو در دیدگان من بزرگ و نجیب می آیی، چرا ذره؟

گفت: برای همسری با «ابوذر غفاری» خلق شده ام

از سومی پرسیدم: تو چه نام داری؟



گفت: «سلمی»

پرسیدم: چرا سلمی نامیده شده ای؟

گفت: خداوند مرا برای «سلمان فارسی» غلام پدرت آفریده است

سپس حوریان بهشتی خرمایی تازه که خوش بوتر از مشک بود، به من

بخشیدند.

سلمان فارسی می گوید: از آن خرما مقداری بمن عطا فرمود.

خرماها را برداشته در کوچه های مدینه به طرف منزل می رفتم، به هر کس

از اصحاب رسول خدا ﷺ می رسیدم، می پرسید، چه بوی عطر دلنشینی! آیا

مشک با خود حمل می کنی؟ (96)

خ: اول: خداشناسی فاطمه علیها السلام

خداگرایی فاطمه

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله روزی از دخترش پرسید:

فاطمه (علیها السلام)! چه درخواست و حاجتی داری؟ هم اکنون فرشته وحی در کنار من است و از طرف خدا پیام آورده است! تا هر چه بخواهی تحقق پذیرد.

فاطمه علیها السلام پاسخ داد:

حدیث 56:

قالت شغلنی عن مسئلته لذه خدمته، لا حاجة لی غیر النظر الی وجهه الکریم (لذتی که از خدمت حضرت حق می بریم، مرا از هر خواهشی باز داشته است. حاجتی جز این ندارم که پیوسته ناظر زیبا و والای خداوند باشم <sup>(97)</sup>)

## خ: دوم: خطبه ها

### خطبه اول «سخنرانی فاطمه علیها السلام در مسجد مدینه»

حضرت زهرا علیها السلام چادر به سر کرده و با جمعی از بانوان وارد مسجد شد، در حالی که ابابکر و جمعی از مهاجرین و انصار حضور داشتند به احترام آن بزرگ بانوی اسلام پرده سفیدی آویختند که سخنرانی را در پشت پرده آغاز کند.

حضرت زهرا علیها السلام قبل از آغاز سخن، ناله جانسوزی کشید که بسیاری از حاضران گریستند و پس از آن که مردم آرام گرفتند، فرمود:

حدیث 57:

#### 1- ضرورة الحمد و الثناء على الله

قالت: الحمد لله على ما انعم، و له الشكر على ما اهدى، و اثناء بما قدم من عموم نعم ابتداها، و سبوغ آلاء اسداها، و تمام ممن والاه، جم عن الاحصاء عددها، و نای عن الجزاء مدها، و تفاوت عن الادراك ابداه، و ندبهم لا سترادتها بالشكر لاتصالها، و استحمد الى الخلائق باجزالها، و ثنى بالندب الى امثالها. و اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شريك له، كلمة جعل الاخلاص تاء ويلها، و ضمن القلوب موصولها، و انار في التفكير معقولها

#### 2- معرفة الله تعالى

الممتنع من الابصار رؤيته، و من الالسن صفته و من الاوهام كيفيته. ابتدع الاشياء لا من شيء كان قبلها، و انشاءها بلا احتذاء امثلة امتثالها، كونها بقدرته و ذرها بمشيئته من غير حاجة منه الى تكوينها و لا فائدة له في تصويرها الا تثبينا لحكمته و تنبيها على طاعته و اظهارا لقدرته و تعبدا لبريته و اعزازا لدعوته

ثم جعل الثواب على طاعته و وضع العقاب على معصيته ذیاده لعباده عن نعمته  
و حیاشة لهم الی جنته

ترجمه خطبه اول

## 1- ضرورت شکر و سپاس الهی

ستایش خداوند را، بر نعمتهایی که به ما بخشید، و شکر او را! بر آنچه الهام فرمود، حمد و اثنا بر خداوند، برابر نعمتهایی که از پیش فرستاد، و همه نعمتهایی که آفرید، و نعمتهای فراوانی که به انسانها عطا فرمود، و تمام منتها و نعمتهایی که پیایی فرستاد.

نعمتهایی که شمارش آن از توان انسان فزونتر، و پاداش آن ناممکن، و درک دامنه و گستردگی آن از درک و هوش بشر فراتر است.

مردم را به شکرگزاری فرا خواند، تا نعمتها را پیایی فرستد، و به حمد و سپاس راهنمایی کرد، تا نعمتها را فزونی بخشد، و با درخواست بندگان، نعمتها را چند برابر نماید.

گواهی می دهد، بجز الله، خدایی نبوده و شریکی برای او نیست، تفسیر این گواهی و شهادت، اخلاص است، و پایبند آن، قلبهای آگاه که در پیشگاه تفکر و اندیشه، معنای آن را روشن فرمود.

## 2- شناخت خدا

خداوندی که چشمها او را نمی توانند بنگرند، و زبانها از وصف او عاجزند، و هم و خیال از درک ذات او فرو مانده اند، اشیای عالم را بدون این که چیزی موجود باشد، آفرید، و بدون مثال و نمونه ای، ایجاد کرد، با قدرت خود پدید آورد، و با اراده خود، ایجاد نمود، نه به آفریدن آنها نیازمند، و نه از خلقت آنها سود می برد.

جز آن که خواست حکمتش تحقق یابد، و همه را به اطاعت و بندگی آگاه نماید، و قدرت خود را آشکار کند، و به همه راه بندگی بیاموزد، و دعوت خود را عزت بخشد

آنگاه پاداش را بر اطاعت و بندگی، و عذاب را در مخالفت و سرپیچی، قرار داد، تا بندگان را از عقوبت برهاند، و بسوی بهشت سوق دهد.

### 3- فلسفه البعث المحمدیه

و اشهد ان ابی محمدا ﷺ عبده و رسوله، اختاره و انتجبه قبل ان ارسله، و سماه قبل ان اجتبه، و اصطفاه قبل ان ابتعته، اذا الخلائق بالغیب مکنونه و بستر الاهاویل مصونه و بنهایه العدم مقرونه، علما من الله تعالی بمال الامور و احاطة بحوادث الدهور و معرفة بمواقع الامور. ابتعته الله اتماما لامره و عزیمه علی امضاء حکمه و انفاذا لمقادیر حتمه فرای الامم فرقا فی ادیانها، عکفا نیرانها، عابدة لاوثانها، منكرة لله مع عرفانها

### 4- فوائد البعث المحمدیه

فانار الله بابی محمد ﷺ ظلمها و كشف عن القلوب بهمها و جلی عن الابصار غممها، و قام فی الناس بالهدایة فانقذهم من الغوایه و بصرهم من العمایه، و هداهم الی الدین القویم و دعاهم الی الطریق المستقیم. ثم قبضه الله الیه قبض رافه و اختیار و رغبه و ایثار، فمحمدا ﷺ من تعب هذه الدار فی راحه قد حف بالملائکه الابرار و رضوان الرب الغفار و جاوره الملك الجبار صلی الله علی ابی نبیه و امینه و خیرته من الخلق و صفیه و السلام علیه و رحمه الله و برکاته

ثم التفتت الی اهل المجلس و قالت

### 3- فلسفه بعثت پیامبر خاتم ﷺ

گواهی می‌دهم که پدرم محمد ﷺ بنده فرستاده او است، خدا او را قبل از آن که بیافریند، انتخاب کرد، و پیش از آن که بفرستد، به نام نیکو، نامگذاری فرمود، و پیش از بعثت به پیامبری برگزید.

آن هنگام که هنوز مخلوقات در حجاب غیب پنهان بودند، و در تاریکی نیستی پوشانده و آثاری نداشتند.

انتخاب پیامبر ﷺ بر اساس علم خدا به آینده امور، و احاطه و تسلط او به حوادث روزگاران، و شناخت خدا به سرنوشت هر چیزی بود پیامبر را برانگیخت، تا امر خود را تمام کند، و آنچه را که مقدر ساخته به انجام رساند پیامبر دید که هر فرقه ای دینی دارد، و به روشنایی شعله ای روی آورده و بتهای خود را پرستش نموده، و خدا را با آن که می‌شناختند، انکار کردند.

#### 4- ره آورد بعثت پیامبر ﷺ

پس خدای بزرگ، تاریکیهای جاهلیت را به وسیله محمد ﷺ روشن ساخت، و مشکلات و تیرگی کفر را از قلب‌ها زدود، و پرده‌ها از جلوی دیدگان برداشت.

پیامبر ﷺ برای هدایت در میان مردم پیا خواست، و آنان را از گمراهی نجات داد، و از کوری و کوردلی رهانید، و به سوی دین استوار الهی رهنمون شد، و همه را به راه راست فرا خواند، تا روزی که خدا بر اساس رافت و رحمت خویش او را بنزد خود برد، که به دیدار او راغب و سزاوار بود.

پس رسول خدا، هم اکنون از رنج این دنیا راحت است، و گرداگرد او را فرشتگان گرفته‌اند، و در رضوان و خشنودی خدا غرق است، که در جوار رحمت ملک جبار آرمیده است.

درود خدا بر پدرم که نبی و امین خدا بر وحی، و برگزیده او بود، سلام بر او و رحمت و برکات خدا بر او باد. سپس به مردم حاضر در مسجد نگریست و فرمود:

#### 5- فضائل القرآن و العتره النبویه

انتم عبادالله نصب امره و نهیه و حملة دینه و وحیه، و امناء الله على انفسکم و بلغائه الى الامم، زعيم حق له فيکم و عهد قدمه اليکم و بقیه استخلفها علیکم: و معنا کتاب الله الناطق، و القرآن الصادق و النور الساطع، و الضياء اللامع، بينه بصائره، منكشفه سرائره، متجليه ظواهره، مغتبطه به اشياعه، قائد الى الرضوان اتباعه، مود الى النجاه استماعه، به تنال حجج الله المنوره و عزائم المفسره و محارمه المحذره و بيناته الجاليه و براهينه الكافيه و فضائله المندوبه، و رخصه الموهوبه و شرائعه المكتوبه.

#### 6- فلسفه الاحكام و الامامه

فجعل الله الايمان تطهيرا لكم من الشرك، و الصلوه تنزيها لكم عن الكبر، و الزكاه تركيه للنفس و نماء في الرزق، و الصيام تثبيتا للاخلاص، و الحج تشييد للدين، و العدل تنسيقا للقلوب، و طاعتنا نظاما للمله و امامتنا امانا للفرقه، و الجهاد عزا للاسلام، و الصبر معونه على استيجاب الاجر، و الامر بالمعروف مصلحه للعامه، و بر الوالدين و قايه من السخط، و صلح الارحام منسأه في العمر و نماء للعدد، و القصاص حقا للدماء و الوفاء بانذر تعريضا للمغفره، و توفيه المكائيل و الموازين تغيير للبخس، و النهي عن شرب الخمر تنزيها عن

#### 5- ویژگی های قرآن و عترت

شما ای بندگان خدا! که پرچمداران امر و نهی خدايید، و حاملان دين وحی می باشيد، امانت داران حق، و رسانندگان آن به خلق هستيد، بدانيد که امام

بحق، خود در میان شماست، و اطاعت او پیمانی است که از پیش با شما گرفته اند، و پس از پیامبر ﷺ جانشینی است که برای شما باقی مانده است

کتاب ناطق خدا با ما اهل بیت است، قرآن راستگو، نور فروزان و شعاع درخشان، که بیان و استدلالهای آن روشن، و اسرار و باطن آن آشکار است، ظاهر آن جلوه گر، و پیروان آن زبانزد جهانیانند

پیروی قرآن انسان را به بهشت می کشاند، سخن شنوی از آن به نجات می انجامد، به وسیله قرآن به حجت‌های نورانی خدا، و به واجبات تفسیر شده، و به محرمات نهی شده، و به استدلالهای جلوه گر، و به براهین کامل هدایتگر، و به فضائل پسندیده، و به مستحبات بخشوده، و به قوانین و آیین واجب شده پروردگار، می توان راه یافت.

#### 6- فلسفه فروع دین و امامت

سپس ایمان را برای پاک کردن شما از شرک قرار داد، و نماز را برای دوری شما از تکبر، و زکات را برای پاک کردن جان و فراوانی روزی، و روزه را برای تحقق اخلاص، و حج را برای تقویت دین، و عدل را برای استواری دلها، و اطاعت از اهل بیت را برای نظم یافتن ملت اسلام، و امامت ما را برای ایمن ماندن از تفرقه، و جهاد را برای عزت اسلام، و صبر را برای به دست آوردن پاداش، و امر به معروف را برای مصالح اجتماعی عموم مردم، و نیکی به پدر و مادر را برای دوری از عذاب الهی، وصله ارحام را برای فزونی خویشاوند، و قصاص را برای حفظ خون انسانها، و وفای به نذر را برای آمرزش الهی، و رعایت کیل و وزن در معاملات را برای درمان کم فروشی، و نهی از شرابخواری را.



الرجس، واجتناب القذف حجابا عن اللعنه، و ترك السرقة ايجابا للعفه، و حرم  
الله الشرك اخلاصا له لالربوبيه

فاتقوا الله حق تقاته و لا تموتن الا و انتم مسلمون (98)

واطيعوا الله فيما امركم به و نهاكم عنه فانه

(انما يخشى الله من عباده العلماء) (99)

7- جحود النبي في سبيل الدعوة

ثم قالت: ايها الناس اعلموا اني فاطمه و ابي محمد ﷺ اقول عودا و بدوا و  
لا اقول ما اقول غلطا و لا افعل ما افعل شططا

(لقد جائكم رسول من انفسكم عزيز عليه ما عنتم حريص عليكم بالمؤمنين

رؤف رحيم (100)

فان تعزوه و تعرفوه تجدوه ابي دون نساءكم و اخا ابن عمي دون رجالكم و

لنعم المعزى اليه ﷺ

فبلغ الرساله، صادعا بالنداره، مائلا عن مدرجة المشركين، ضاربا ثبجهم،

اءخذا باكظامهم، داعيا الى سبيل ربه بالحكمه والموعظه الحسنه، يكسر الاصنام و

ينكت الهام حتى انهزم الجمع و ولوا الدبر، حتى تفرى الليل عن صبحه و اسفر

الحق عن محضه و نطق زعيم الدين

برای پاکیزه ماندن از پلیدیها، و دوری از تهمت ناموسی را برای محفوظ

ماندن از لعنت الهی، و ترک دزدی، برای تحقق و پاکدامنی، و حرمت شرک را

برای اخلاص در توحید و بندگی، قرار داد.

(پس از خدا آن گونه که شایسته است بترسید، و از دنیا نروید مگر آن که

مسلمان باشید)

خدا را در آنچه امر یا نهی کرده اطاعت نمائید، که همانا فقط دانشمندان از خدا می ترسند.

7- ره آورد بعثت پیامبر اسلام ﷺ

سپس فرمود:

ای مردم! بدانید که من فاطمه هستم، و پدرم محمد است، آغاز و پایان سخن من بر حق است آنچه می گویم ناروا نیست، و آنچه انجام دهم بر ظلم و ناروا تکیه ندارد

(پیامبری از خود شما مردم برای هدایت شما آمد، که رنجهای شما بر او گران، و او بر شما امیدوار، و بر مؤمنان مهربان و رحمت آور بود)  
اگر او را بشناسید، می دانید که پدر من است نه پدر زنان شما، و برادر پسر عمومی من (علی بن ابی طالب) است، نه مردان شما، چه نیکو بزرگواری است که این نسبت را به او دادم، پیامبر ﷺ رسالت خود را به گوش مردم رساند، و آنان را از عذاب الهی ترساند، راه خود را از پرتگاه سقوط مشرکان گردانید، شمشیر بر فرق آنان نواخت، و گلوگاه آنان را فشرده، و با زبان حکمت و موعظه حسنه، مردم را به راه خدا دعوت کرد.

بتها را در هم شکست، سر شجاعان شرک را بر سنگ کوبید، تا اجتماع مشرکان پراکنده و از میدان گریختند تا صبح صادق از دل شب تاریک بیرون زد، و چهره حق از نقاب درآمد و حق خالص جلوه گر شد، و زمامدار و خرس شقاشق الشیاطین وطاح و شیظ النفاق وانحلت عقد الکفر والشقاق،  
و فهمتم بکلمه الاخلاص فی نفر من البيض الخماص

8- الناس فی الجاهلیه

و كنتم على شفا حفره من النار، مذكه الشارب و نهزه الطامع و قبسه العجلان و موطىء الاقدام.

تشربون الطرق، و تقتاتون الورق، اذله خاسئين، تخافون ان يتخطفكم الناس من حولكم فانقذكم الله تبارك و تعالى بمحمد ﷺ بعد اللتيا و التي و بعد ان منى بيهم الرجال و ذؤ بان العرب و مرده اهل الكتاب

9- فضائل اميرالمومنين على بن ابيطالب ؑ

كلما اوقدوا نارا للحرب اطفأها الله او نجم قرن الشيطان او فغرت فاغره من المشركين قذف اخاه فى لهواتها فلا ينكفى حتى يطا صماخما باخمسه و يخمد لهبها بسيفه، مكدودا فى ذات الله مجتهدا فى امر الله، قريبا من رسول الله، سيدا فى اولياء الله مشمرا، ناصحا، مجدا، كادحا، لا تاخذه فى الله لومه لائم

10- معارضو الامس و طلاب السلطه اليوم

و انتم فى رفاهيه من العيش و ادعون فاكهون آمنون، تتربصون بنا الدوائر و تتوكفون الاخبار و تنكصون عند النزال و تفرون من القتال

دين به سخن گویا شد، و عربده های شیطان خاموش، و طرفدارانشان لال شدند، و خار نفاق از سر راه برداشته شد، و گره های کفر و تفرقه، از هم گشوده شد، و دهانهای شما به کلمه اخلاص باز شد، به برکت گروهی از مجاهدان سپیدروی نورانی که شکمهایشان از گرسنگی به پشت چسبیده بود.

8- مردم در عصر جاهلیت

در هنگام بعثت، شما در عصر جاهلیت، بر کناره پرتگاهی از آتش بودید، چون جرعه ای آب خوراک هر کس بودید و لقمه هر طمع کننده، آتش زنه ای بودید، که فوراً خاموش می شدید، لگدکوب هر رونده ای بودید، نوشیدنی شما، آب گندیده، و خوردنی شما، پوست جانور و مردار بود، خوار و ذلیل بودید، و

رانده شده و می ترسیدید که مهاجران اطرافتان شما را بربایند، تا آن که خدای بزرگ با دست محمد ﷺ نجاتتان بخشید، پس از حوادث فراوانی که پدید آمد، و رنجها و بلاهای زیادی که از دست شجاعان شما، از گرگهای عرب، از سرکشان اهل کتاب، کشید.

#### 9- ویژگیها و نقش امام علی علیه السلام در مبارزات رهایی بخش

هرگاه آتش جنگ برافروختند، خدا خاموش کرد، یا هر هنگام که شاخ شیطان سر بر آورد، یا ازدهایی از مشرکین، دهان باز کرد، رسول خدا صلی الله علیه و آله برادرش علی بن ابی طالب علیه السلام را در کام ازدها و شعله های فتنه ها افکند، و علی هم باز نمی گشت، مگر آن که سر سرکشان را، پایمال شجاعت خود می گردانید، و آتش آنها را با آب شمشیرش خاموش می کرد.

علی! فرسوده از تلاش فراوان در راه خدا، کوششگر خستگی ناپذیر در امر خدا، نزدیک و خویشاوند رسول خدا صلی الله علیه و آله سید و بزرگی از اولیای خدا، همواره دامن به کمر زده، نصیحت کننده، و تلاش کننده در راه خداست، که در راه خدا از سرزنش کنندگان پروایی نداشت.

#### 10- نکوهش بی تفاوت های دیروز و تشنگان قدرت امروز

در حالی که شما! در خوشی زندگی می کردید، در امنیت و رفاه، خوش بودید، و منتظر فرصت بودید تا مگر روزگار بر ضد ما دگرگون شود، به زنگ اخبار بودید، به هنگام کارزار فرار می کردید و عقب نشینی داشتید.

فلما اختار الله لنبيه دار انبيائه و ماوى اصفیائه ظهر فيكم حسيكه النفاق و سمل جلباب الدين و نطق كاظم الغاوين و نبغ حامل الاقلين و هدر فنيق المبطلين فخطر فى عرصاتكم و اطلع الشيطان راسه من مغرزه هاتفا بكم، فالفاكم

لدعوتہ مستجبین و للغرہ فیہ ملاحظین ثم استنهضکم فوجدکم خفافا و احمشکم  
فالفاکم غضابا، فوسمتم غیر ابلکم و اوردتم غیر مشربکم  
هذا! والعهد قریب والکلم رحیب ولجرح لما یندمل والرسول لما یقبر ابتدارا  
زعتم خوف الفتنه

(الا فی الفتنه سقطوا و ان جهنم لمحیطة بالکافرین (101)

11- علل انقلاب الرجعی علی لاعقاب

فہیات منکم؟ و کیف بکم؟

و انی توفکون؟ و کتاب اللہ بین اظہرکم امورہ ظاہرہ و احکامہ زاہرہ و  
اعلامہ باہرہ و زواجرہ و اوامرہ واضحہ  
و قد خلفتموہ وراء ظہورکم، ارغبہ عنہ تریدون ام بغیرہ تحکمون؟ بئس  
للظالمین بدلا

(و من یتبع غیر الاسلام دینا فلن یقبل منه و هو فی الاخرہ من الخاسرین (102)

ثم لم تلبثوا الاریث ان تسکن نفرتها و یسلس قیادها ثم اخذتم توروں و  
قدتها و تہيجون جمرتها و تستجیبون  
و آنگاہ کہ خدا، برای پیامبرش خانہ پیامبران، و آرامگاہ اولیاء را برگزید،  
خار و خاشاک نفاق در شما ظاہر شد، و جامہ دین کهنہ گردید، ساکت  
گمراہان، بہ سخن در آمد، و آدمہای پست و بی ارزش با قدر و منزلت شدند و  
شتر نازپرورده اہل باطل، بہ صدا در آمد، و وارد خانہ های شما شد.

و شیطان سر خویش از مخفیگاہ بدر آورد، شما را فراخواند، کہ پاسخگوی  
دعوت باطل او ہستید، و برای فریب خوردن آمادگی دارید، خواست کہ بر ضد  
حق برخیزید، شما را آمادہ این کار یافت، و شما را گرم و آمادہ نمود، و دید کہ

غضبناک شدید، پس بر غیر شتر خود، داغ و نشان زدید، و بر آبی که حق شما نبود فرود آمدید.

در حالی هنوز از عهد و قرار شما (بیعت در خم غدیر دو ماه قبل) چیزی نگذشته بود، و شکاف زخم عمیق بود، و دهانه زخم هنوز بهم نیامده، بهبود نیافته بود، و پیامبر ﷺ هنوز دفن نشده بود که هر چه خواستید کردید. و بهانه آورید که از فتنه می ترسیم

(اما در آتش فتنه سقوط کردید، و راستی که جهنم بر کافران احاطه دارد)

شما کجا؟ و فتنه خواباندن کجا؟ دروغ می گوئید!

11. علل انحراف مردم پس از پیامبر ﷺ

چرا بیراهه می روید؟ در حالی کتاب خدا در میان شماست، مطالبش روشن است، و احکام آن درخشان، و نشانه های هدایت آن آشکار، و نهی و هشدارهای آن روشن، و اوامرش واضح است، اما شما به قرآن پشت کردید، و از آن روی گردان شدید، آیا به قرآن میل و رغبت دارید؟

یا داوری جز قرآن می گیرید؟ بد جایگزینی برای ستمگران است!

(و هر کس غیر از اسلام دینی برگزیند از او پذیرفته نیست، و در آخرت از زیانکاران خواهد بود.)

سپس آن قدر درنگ نکردید که این دل رمیده آرام گیرد، و مهار کردن آن آسان گردد. پس آتش گیره ها را بر افروختید، و به آتش فتنه ها دامن زدید، تا آن را شعله ور سازید و به شیطان گمراه کننده، پاسخ مثبت دادید،

لهتاف الشیطان الغوی و اطفاء انوار الدین الجلی و اهمال سنن النبی الصفی،  
تشریون حسوا فی ارتغاء و تمشون لاهله و ولده فی الخمر والضراء و نصبر منکم  
علی مثل حزالمدی و وخز السنان فی الحشاء

## 12- اثبات الارث بالادله القرآنيه

و انتم الان تزعمون ان لا ارث لنا افحكم الجاهليه تبغون

(و من احسن من الله حكما لقوم يوقنون<sup>(103)</sup>)

افلا تعلمون؟

بلى قد تجلى لكم كالشمس الضاحيه انى ابنته!

ايها المسلمون اغلب على ارثى؟

يا بن ابى قحافه افى كتاب الله ان ترث اباك و لا ارث ابى؟ لقد جئت شيئا

فريا!

افعلى عمد تركتم كتاب الله و نبذتموه وراء ظهوركم؟ اذ يقول

(و ورث سليمان داود<sup>(104)</sup>)

و قال فيما اقتص من خبر يحيى بن زكريا اذ قال:

(فهب لى من لدنك وليا يرثنى و يرث من آل يعقوب<sup>(105)</sup>)

و قال: و اولوا الاحارم بعضهم اولى ببعض فى كتاب الله<sup>(106)</sup>

و براى خاموش كردن نور اسلام آشكار، بسپيچ گشتيد، و به از بين بردن سنتهاى پيامبر برگزيده، روى آورديد، و حرکتهائى منافقانه آغاز كرديد، و براى نابودى اهل بيت او، در پشت تپه ها و درختان كمين كرديد، و ما براى مصيبتهاى كه چونان خنجر بران، يا فرو رفتن سنان در شكم است، چاره اى جز صبر نداريم.

## 12- اثبات ارث با استدلالهاى قرآنى

و شما امروز گمان بريد كه براى ما ارثى نيست!

آيا حكم عصر جاهليت را مى طلبيد؟

(براى اهل يقين چه حكمى بالاتر و بهتر از حكم خداست؟)

آیا نمی دانید؟ در حالیکه برای شما مانند آفتاب درخشان، روشن است که  
من دختر پیامبرم

ای مسلمانان! آیا سزاوار است که ارث پدرم را از من بگیرند؟  
ای پسر ابی قحافه! آیا در کتاب خداست که تو از پدرت ارث ببری و من از  
پدرم ارث نبرم؟ عجب بدعت تازه و زشتی آورده ای!  
آیا آگاهانه و بعمد، کتاب خدا را ترک کرده به آن پشت کرده اید؟  
زیرا قرآن می گوید:

(سلیمان از داوود پیامبر ارث برد)

و در آیه دیگر، آنجا که داستان زکریا را بیان می کند می گوید:  
زکریا عرض کرد:

(پروردگارا! مرا فرزندی عنایت فرما، تا از من و آل یعقوب ارث برد.)  
و فرمود:

(خویشاوندان رحمی اولی، به یکدیگرند)

و قال: یوصیکم الله فی اولادکم للذکر مثل حظ الانثیین (107)

و قال: ان ترک خیرا الوصیة للوالدین والاقربین بالمعروف حقا علی المتقین  
(108)

و زعمتم ان لا حظوه لی و لا ارث من ابی و لا رحم بیننا؟!!

افخصکم الله بایه اخرج منها ابی؟

ام هل تقولون اهل ملتین لا یتوارثان؟

اولست انا و ابی من اهل ملة واحده؟

ام انتم اعلم بخصوص القرآن

و عمومه من ابی وابن عمی؟



فدونکها مخطومه مرحوله تلقاک یوم حشرک، فنعم الحکم الله والزعیم محمد  
و الموعد القیامه و عن الساعه یخسر المبطلون و لا ینفعکم اذ تندمون و (لکل  
نباہ مستقر و سوف تعلمون<sup>(109)</sup> من یاتیه عذاب یخزیه و یحل علیه عذاب مقیم)  
ثم رمت بطرفها نحو الانصار فقالت:

13- توییح الانصار علی خذلاتهم

یا معشر الفتیة و اعضاء المله و حضنه الاسلام! ما هذه الغمیزه فی حقى والسنه  
عن ظلامتی؟

اما کان رسول الله ﷺ ابی یقول (المرء یحفظ فی ولده)

و فرمود:

(خدای تعالی به شما درباره اولاد، وصیت می کند، که برای پسر دوبرابر بهره  
دختر است)

و فرمود:

(هنگامی که مرگ یکی از شما فرا رسد، وصیت کنید برای پدر و مادر و  
نزدیکان، که حکمی است حق برای پرهیزکاران)

شما گمان کرده اید که بهره ای ندارم و از پدرم، پیامبر ﷺ ارث نمی برم؟

آیا خدا شما را مخصوص آیه ای فرمود که پدرم را از آن بیرون کرده؟ یا آن

که می گوئید اهل دو کیش از یکدیگر ارث نمی برند؟

و یا من و پدرم را اهل یک دین و آیین نمی دانید؟

یا آن که شما به آیات خاص و عام قرآن، از پدرم ﷺ و پسر عموی من،

علی بن ابیطالب داناترید؟

ابابکر! اینک این تو و این شتر خلافت، شتری مهارزده، و رحل نهاده، برگیر

و ببر، با تو در روز قیامت ملاقات خواهد کرد

چه نیکو داوری است خدا، و نیکو دادخواهی است محمد ﷺ و چه خوش  
وعده گاهی است قیامت!!

در آن روز اهل باطن زیان می برند، آنگاه دیگر پشیمانی سودی ندارد  
(و برای هر خبری، قرارگاهی است، پس خواهید دانست که عذاب خوارکننده  
بر سر چه کسی فرود خواهد آمد، و عذاب جاویدان چه کسی را در بر خواهد  
گرفت.)

آنگاه رو به سوی انصار کرده چنین گفت

13- نکوهش از سستی انصار

ای انجمن نقباء و مؤمنین! ای بازوان ملت! ای حافظان اسلام! این غفلت و  
سستی چیست که در حق من روا می دارید؟ و چرا برابر دادخواهی من سهل  
انگارید؟

آیا پدرم رسول خدا نمی فرمود:

باید حرمت هر کس در مورد فرزندان او حفظ شود؟

سرعان ما احدثتم و عجلان ذا اهالة و لكم طاقه بما احاول و قوه علی ما  
اطلب و ازاول

اتقولون مات محمد ﷺ؟

فخطب جلیل استوسع وهیه واستنهر فتقه وانفتق رتقه، اظلمت الارض لغيبته  
و كسفت الشمس والقمر وانتثرت النجوم لمصيبته و اكدت الامال و خشعت  
الجبال و اضيع الحريم و ازيلت الحرمة عند مماته فتلك والله النازل الكبری  
والمصیبه العظمی لا مثلها نازله و لا بائقه عاجله  
اعلن بها كتاب الله جل ثنائه فی افیتکم و فی ممساکم و مصبحکم، یهتف فی

افنیتکم هتافا و صراخا و تلاوة و الحانا و لقبه ما حل بانبياء الله و رسله، حکم  
فصل و قضاء حتم

(و ما محمد الا رسول قد خلت من قبله الرسل افان مات او قتل انقلبتم على  
اعقابکم و من ينقلب على عقبيه فلن يضر الله شيئا و سيجزي الله الشاكرين (110)

#### 14- دعوة الناس الى انصافها

ايها بنى قيله ءاهضم تراث ابى؟

و انتم بمرای منى و مسمع و منتدى و مجمع

تلبسکم الدعوه و تشملکم الخبرة و انتم ذووالعدد

با چه سرعتی دچار اعمال ناپسند شدید! و چقدر زود، آب از دهان و دماغ  
بز لاغر فرو ریخت؟ «دچار غفلت شدید» در حالی که شما انجمن انصار، توان  
گرفتن حق ما را دارید، و نیروی کافی برای حمایت من در دادخواهی وجود  
دارد. آیا می گوئید: محمد ﷺ مرد!

آری وفات پیامبر ﷺ مصیبتی بزرگ است، مصیبتی در نهایت بزرگی و  
وسعت، که شکاف زخم آن بسی فراخ است، و زخمهای گذشته دل را دوباره باز  
کرد، و زمین با غیبت او تاریک شد، و ستارگان بی فروغ شدند، و آرزوها به  
ناامیدی گرایید، و کوهها از جای خود فرو ریخت، و حرمت اهل پیامبر  
ﷺ ضایع شد.

آری پس از مرگ، احترامی برای کسی باقی نماند.

پس این مصیبت، بس بزرگ بود، و همانند نداشت، که هیچ بلایی به پایه آن  
نمی رسد، و این را کتاب خدا آشکارا تذکر داد، همان کتابی که در خانه هایتان  
و در مجالس روز و شب شما، آرام و با صدا، با قرائت و لحن زیبا، آن را می  
خوانید

این مصیبت، پیش از این به دیگر پیامبران آسمانی نیز وارد آمد، حکم حتمی خدا، و قضای قطعی الهی است (که فرمود)

«محمد ﷺ نیست مگر پیامبری که پیش از وی پیامبران دیگری در گذشتند، پس اگر او بمیرد، و یا کشته شود، به عقب بر می گردید؟ و آن کس که به عقب برگردد، به خدا زیبایی نمی رساند و خدا شکرکنندگان را پاداش خواهد داد»

#### 14- دادخواهی از مسلمین

آوه! پسران قبیله! (111)

پیش چشم ما میراث پدرم را ببرند و حرمت نگه ندارند  
در حالی که دارای انجمن و اجتماعید.

صدای دعوت مرا همگان می شنوید، و از حال من از هر جهت آگاهیید، و  
دارای نفرت رزمی و ذخیره اید، دارای ابزار جنگی و قوه اید  
والعدة والاداه و القوة و عندکم السلاح والجنه

توافیکم الدعوه فلا تجیبون و تاتیکم الصرخه فلا تغیبون و انتم موصوفون  
بالکفاح، معروفون بالخير والصلاح، والنخبة التي انتخبت و الخيرة التي اختيرت  
لنا اهل البيت

قاتلتم العرب و تحملتم الكد و التعب و ناطحتم الامم و کافحتم البهم، لا نبرح  
او تبرحون، نامرکم فتاتمرون

حتی اذا دارت بنا رحی الاسلام و در حلب الايام و خضعت نعره الشرك و  
سكنت فوره الافک و خدمت نيران الكفر و هدأت دعوة الهرج و استوسق نظام  
الدين فانی حرتم بعد البيان و اسررتم بعد الاعلان و نکصتم بعد الاقدام و اشركتم  
بعد الايمان؟

(الا تقاتلون قوما نکتوا ایمانهم من بعد عهدهم و هموا باخراج الرسول و هم بدعواکم اول مره اتخشونهم فالله احق ان تخشوه ان کنتم مؤمنین<sup>(112)</sup>)

### 15- اسباب تساهل الناس فی نصرها

الا و قد اءری ان قد اخلدتم الی الخفض و ابعدم من هو احق بالبسط والقبض و خلوتم بالدعه و نجوتم من الضیق بالسعه فمججتم ما وعیتم و دسعتم الذی تسوغتم

(فان تکفروا انتم و من فی الارض جمیعا فان الله لغنی حمید<sup>(113)</sup>)

انواع اسلحه و زره و سپر نزد شماست

صدای دعوت من به شما می رسد، ولی جواب نمی دهید!؟ و ناله فریادخواهی من به گوشتان می رسد. ولی مرا یاری نمی کنید!

و حال آن که به شجاعت و جنگاوری معروفید، و به خیر و صلاح مشهور. شما برگزیدگانی بودید که انتخاب می شدید و انتخاب شوندگانی که برگزیده شدید با عرب و بت پرستان درافتادید و تحمل رنج و زحمت نمودید، با امتهای سرکش، به رزم پرداختید، و با پهلوانان به نبرد برخاستید.

همواره ما فرمانده بودیم شما فرمانبر، ما امر می کردیم و شما تسلیم اوامر ما بودید تا آسیاب اسلام به گردش افتاد و پستان روزگار به شیر آمد، و نعره های شرک آمیز خاموش شد، و دیگهای طمع و تهمت از جوش افتاد، و آتش کفر خاموش گشت، و نداهای هرج و مرج طلب ساکت شد، و نظام دین استوار گردید.

پس چرا امروز بعد از اقرار و اعتراف، سرگردان شدید؟ و پس از آشکار کردن عقیده امروز پنهانکاری دارید؟ و بعد از آن پیشگامی، به عقب بر می گردید؟ و بعد از ایمان، شرک آورید؟ «آیا نمی جنگید با گروهی که عهد

شکستند؟ و خواستند رسول خدا را اخراج کنند با آنکه آنها آغازگر جنگ بودند، آیا از آنان می ترسید؟ در حالی که سزاوار است که از او بترسید اگر مؤمنید. «

#### 15- علل سستی مردم

اما جز این نیست که به تن آسایی خو کرده اید، و امام واقعی خود را از زمامداری دور کرده اید، و با رفاه و آسایش خلوت کرده اید، و از سختی زندگی به راحتی و خوشگذرانی رسیده اند، به همین سبب آنچه را که حفظ کرده بودید، از دست دادید، و آنچه را که فرو بردید. استفراغ کردید پس بدانید! (اگر شما و هر که در زمین است کافر شوید، خدای تعالی بی نیاز از همگان است)

الا و قد قلت ما قلت علی معرفه منی بالخذله التی خامرتکم والغدره التی استشعرتها قلوبکم

و لکنه فیضه النفس و نفته الغیظ و خور القناه و بته الصدر و تقدمه الحجه فدونکموها فاحتقبوها دبره الظهر، نقبه الخف، باقیه العار، موسومه بغضب الجبار و سنار الابد، موصوله بنار الله الموقده التی تطلع علی الافتده فبعین الله ما تفعلون

(و سيعلم الذين ظلموا ای منقلب ینقلبون<sup>(114)</sup>)

و انا ابنة نذیر لکم بین یدی عذاب شدید

فاعملوا انا عاملون وانتظروا انا منتظرون

فقال ابابکر سمعت رسول الله یقول: نحن معاشر الانبیاء لانورث درهما و لا

دینارا

#### 16- علل انصراف الناس عن حکم القرآن

فقلت: سبحان الله! ما كان رسول الله ﷺ عن الكتاب صادفا و لا لاحكامه  
مخالفا بل كان يتبع اثره و يقفو سوره افتجمعون الى الغدر اعتلالا عليه بالزور؟  
و هذا بعد وفاته شبيه بما بغى بغى له من الغوائل فى حياته هذا كتاب الله  
حكما عدلا و ناطقا فصلا يقول:

يرثنى و يرث من آل يعقوب (115)

بدانيد! آنچه را که من گفتم از روى آگاهى کامل بود، از سستى شما، و  
هماهنگ شدن قلبهايتان با بى وفائى و خيانت شما آگاهم  
چه کنم، اينها جوشش دل اندوهگين است، و راه بيرون ريختن خشم و  
غضب، و آنچه را که جانم نمى تواند تحمل کند از سينه بيرون ريختم، و حجت  
و برهان را از اين راه در پيش روى شما قرار دادم.

پس خلافت را بگيريد و برويد، ولى بدانيد پشت اين شتر خلافت زخم است،  
و پاى آن تاول زده، عار و ننگ آن باقى است، و نشان از غضب خدا دارد و  
نگ ابدى و جاويدان، و هر کس که آن را بگيرد، فردا به آتش برافروخته خدا،  
که بر قلبها احاطه دارد، وارد مى شود. آنچه انجام مى دهيد برابر چشم خداست  
(و بزودى آنان که ستم کردند، خواهند دانست که به کدام جاىگاه آتسينى باز  
مى گردند).

مردم! من دختر آن کس هستم که شما را از عذاب جهنم که در پيش روى  
ماست، خبر داد

(پس هر چه مى توانيد انجام دهيد، ما هم به دنبال کار خود مى رويم، شما  
منتظر بمانيد، که ما هم منتظر خواهيم ماند).

ابابکر گفت از پيامبر شنيدم که مى فرمود:

ما گروه پيامبران درهم و دينار به ارث نمى گذاريم!

حضرت زهرا عليها السلام در پاسخ فرمود:

## 16- علل روی گردانی مردم از قرآن

سبحان الله! در شگفتی از این تهمت! پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از کتاب خدا رویگردان نبوده، و مخالف احکام قرآن کریم نبود، همواره پیرو قرآن بود، و دنبال سوره ها و آیات آن می رفت

آیا برای توطئه اجتماع کرده و به نیرنگ و دروغ می خواهید به پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله دروغ و بهتان بندید؟ این کار شما پس از وفات او، مانند فتنه هایی است که در زمان حیاتش برای نابودی او به وجود می آوردید. شما که می گوئید پیغمبر ارث نمی گذارد، اینک این کتاب خدا، بین من و شما داوری عادل، و گوینده و جداکننده حق و باطل، است که می گوید.

زکریای پیامبر به خدا فرمود:

«فرزندی به من عطا فرما که از من و آل یعقوب ارث برد»

و ورث سلیمان داود <sup>(116)</sup>

فبین عزوجل فیما وزع علیه من الاقساط و شرع من الفرائض والمیراث و اباح من حظ الذکران والانات ما ازاح علة المبطلين و ازال التنظنی و الشبهات فی الغابین:

(کلا بل سولت لکم انفسکم امرا فصبر جمیل و الله المستعان علی ما تصفون

<sup>(117)</sup>)

فقال ابابکر: الناس حکم بینی و بینک، و انهم بایعونی

## 17- اسباب اسراع الناس الی الباطل

معاشر الناس! المسرعه الی قیل الباطل المغضیه علی الفعل القبیح الخاسر

(افلا تتدبرون القران ام علی قلوب اقفالها)



كلا بل ران على قلوبكم ما اساتم من اعمالكم فاخذ بسمعكم و ابصاركم و  
لبئس ما تاولتم و ساء ما به اشترتم و شر ما منه اعتضتم  
لتجدن و الله محملة ثقيلًا و غبه وبيلا اذا كشف لكم الغطاء و بان ماوارئه  
الضراء و بدالكم من ربكم ما لم تكونوا تحتسبون  
و خسر هنا لك المبطلون (118)

و باز در آیه دیگری می فرماید:

«سلیمان پیغمبر از داود عليه السلام ارث برد»

خداوند متعال در تقسیم سهمیه ها بیان روشنی دارد، و واجبات و سهم ارث  
هر یک از افراد را مشخص کرده است، و سهم ارث فرزندان دختر و پسر را به  
گونه ای توضیح داد که بهانه های اهل باطل را بر طرف کرد، و مجال گمان و  
شک و تردید، تا قیامت برای هیچ فردی باقی نگذاشت.  
چنین نیست که شما می گوئید،

(بلکه نفسهای اماره شما، کاری را برای شما جلوه داده است، پس من چاره  
ای جز صبر نیکو ندارم، و از خداوند یاری می طلبم بر آنچه شما توصیف می  
کنید.)

ابابکر برای ساکت کردن مردم گفت:

(ای دختر پیامبر این مردم بین من و شما داوری خواهند کرد که با من بیعت  
کرده اند.)

پس از اظهار نظر مجدد ابابکر و عوام فریبی او، خطاب به مردم فرمود

17- علل سیر ارتجاعی مردم

ای گروه مردم! که به سوی شنیدن حرفهای بیهوده شتاب می کنید، و کردار

زشت زیانبار را نادیده می گیرید

آیا در قرآن اندیشه نمی کنید؟ یا آن که بر دل‌های شما مهر زده شد؟  
نه بلکه آنچه از اعمال زشتی که انجام داده اید  
(تیرگی آن دل‌های شما را فراگرفته است، و گوشها و چشمهایتان را پر کرده  
است)

بسیار بد به تاویل قرآن روی آوردید، و بر راهی را پیشنهاد کردید، و بد  
معامله ای انجام داده اید!

به خدا سوگند، تحمل این بار برای شما سنگین و سرانجام آن پر از وزر و  
بال است، آن روزی که پرده ها برای شما بالا رود، و زیان آن روشن گردد، و  
آنچه را که حساب نمی کردید بر شما آشکار گردد، آنگاه روشن می شود که  
اهل باطل زیانکارند و چاره ای نخواهند داشت. (119)

### خطبه دوم: «سخنرانی در جمع زنان مهاجر و انصار»

در روزهای سخت بیماری فاطمه علیها السلام، زنان مهاجرین و انصار به عیادتش  
رفتند و عرض کردند، ای دختر پیغمبر، چگونه صبح کردی، با بیماری چه می  
کنی؟

حضرت زهرا علیها السلام پس از حمد خدا و درود بر پدرش فرمود:

حدیث 58:

#### 1- توبیخ الناس علی الانقلاب الرجعی

قالت: اصیحت و الله عائفه لدنیا کن، قالیه لرجالکن، لفظتھم بعد ان عجمتھم و

سنتتھم بعد ان سبرتھم

فقبحا لفلول الحد والعب بعد الجد و قرع الصفاہ و صدع القناہ و خطل الآراء و

زلل الالهواء:

و بئس ما قدمت لهم انفسهم ان سخط الله عليهم و فی العذاب هم

لا جرم لقد قلدتهم ربقتها و حملتهم اوقتها و شنت عليهم غاراتها، فجدعا و عقرا و بعد للقوم الظالمين.

2- اسباب مظلومية امير المؤمنين علي عليه السلام

و يحهم انى زعزعوها عن رواسى الرساله و قواعد النبوة و الدلاله و مهبط الروح الامين و الطبين بامور الدنيا والدين؟

الا ذلك هو الخسران المبين!

و ما الذى تقموا من ابى الحسن؟

تقموا منه و الله نكير سيفه و قلة مبالاته لحتفه و شدة وطاءته و نكال وقعته و تنمره فى ذات الله.

3- خصائص حكومة الامام علي عليه السلام

و تالله لو مالوا عن المحجه اللائحه و تكافوا عن زمام نبذه اليه رسول الله و زالوا عن قبول الحججه الواضحه

ترجمه خطبه دوم

1- نکوهش مردم از سير ارتجاعى

صبح کردم در حالى که بخدا سوگند دنيای شما را دوست نمى دارم و از مردان شما خشمناک و بيزارم، درون و بيرونشان را آزمودم و نامشان را از دهان خویش بدور افکندم، از آن چه کرده اند، ناخشنودم

چه زشت است کندی شمشیرها

و سستی و بازیچه بودن مردانتان پس از آنهمه تلاش و کوشش ها چه زشت است سر بر سنگ خارا زدن، و شکاف برداشتن نیزه ها و فساد آراء و اندیشه ها و انحراف آرمان و انگیزه ها

(برای خویشتن چه بد ذخیره هائی تدارک دیدند و پیش فرستادند که خداوند بر آنان خشم می گیرد و در عذاب الهی جاودانه خواهند بود.)  
زیرا بدون تردید مسئولیت سنگین عهد و پیمان الهی در گردنشان همواره سنگینی خواهد نمود ناچار کار را بدانها واگذار و ننگ عدالت کشی را برایشان بار کردم

نفرین بر این مکاران، و دور از رحمت حق باشند ستمکاران.

## 2- علل مظلومیت امام علی علیه السلام

وای بر آنان! چرا نگذاشتند حق در مرکز خود قرار یابد؟ و خلافت بر پایه های نبوت استوار ماند؟ (از خانه ای که جبرئیل در آن فرود می آمد به خانه دیگر بردند.

و حق را از دست علی، که عالم به امور دین و دنیاست گرفتند

(بدانید که این زیانی بزرگ و آشکار است)

چه باعث شد که با علی علیه السلام کینه توزی نمایند و انتقام گیرند؟

چون سوزش تیغ او را چشیدند و پایداری او را دیدند که نسبت به مرگ بی

اعتنا بود

دیدند که چگونه بر آنان می تازد و با دشمنان خدا نمی سازد و آنان را

عقوبت می کند و خشم علی علیه السلام در راه (رضای) خداست

## 3- ویژگی های حکومت امام علی علیه السلام

بخدا سوگند، اگر پای در میان می نهادند، و علی علیه السلام را بر کاری که پیغمبر

صلی الله علیه و آله به عهده او نهاد می گذارند

لردهم اليها و حملهم عليها و لساربهم سيرا سجحا، لا يكلم خشاشه و لا يكل  
سائره و لا يمل راكبه و لاءوردهم منهلا نميرا صافيا روياء، تطفح ضفتاه و لا  
يترنق جانباه، و لاءصدرهم بطانا

و نصح لهم سرا و اعلانا، و لم يكن يحلى من الغنى بطائل و لا يحظى من  
الدنيا بنائل غير رى الناهل و شبعة الكافل، و لبان لهم الزاهد من الراغب و  
الصادق من الكاذب

«و لو ان اهل القرى امنوا و اتقوا لفتحنا عليهم بركات من السماء و الارض و  
لكن كذبوا فاخذناهم بما كانوا يكسبون<sup>(121)</sup>». «والذين ظلموا من هولاء سيصيبهم  
سيئات ما كسبوا و ما هم بمعجزين<sup>(122)</sup>

4- توبيخ المهاجرين و الانصار على انحرافهم

الا هلم فاستمع و ما عشت اراك الدهر عجباً!

و ان تعجب فعجب قولهم!<sup>(123)</sup>

ليت شعري الى اى سناد استندوا؟ و على اى عماد اعتمدوا؟ و باى عروة  
تمسكوا؟ و على ايه ذريه اقدموا و احتنكوا؟

لبئس المولى و لبئس العشير (و بئس للظالمين بدلا<sup>(124)</sup>)

استبدلوا والله الذنابي بالقوادم و العجز بالكاهل، فرغما لمعاطس قوم

آسان ايشان را به راه راست مى برد، و حق هر يك را به او مى سپرد چنان

كه زيانى نبيند و هر كس ميوه آنچه كشته است بچيند،

اين شتر را سالم به مقصد مى رساند و حركتش براى كسى رنج آور نبود

تشنگان عدالت را از چشمه سرشار و زلال حقيقت سيراب مى كرد « چشمه اى

كه آب زلال آن فواره زنان از هر طرفى جارى است» كه هرگز

رنگ كدورت نپذيرد و همواره سيراب بوده رنج تشنگى نبيند

علی علیه السلام همواره در پنهان و آشکار نصیحت کننده مردم بود و اگر بخلافت می رسید از اموال بیت المال برای خود ذخیره نمی نمود و از ثروت دنیا جز باندازه نیاز برداشت نمی کرد، باندازه آب اندکی که عطش را فرونشاند و طعام مختصری که رفع گرسنگی نماید

در آن هنگام زاهد از حریص به دنیا و راستگو از دروغگو باز شناسانده می

شد

(اگر مردم چنین می کردند، ایمان آورده و تقوی پیشه شده، حق را به امام واقعی می سپردند درهای رحمت از آسمان و زمین بروی آنان می گشود. امام دروغ گفتند و بزودی خدا به کیفر آنچه کردند آنان را عذاب خواهد فرمود)

4- نکوهش از انحراف مهاجرین و انصار

اکنون بیائید و بشنوید!

شگفتا! روزگار چه شگفتی ها در پس پرده دارد و چه بازیچه ها یکی از پس دیگری بیرون می آورد.

(اگر تعجب نمائی! پس گفته های آنان تعجب آور است.)

راستی مردان شما چرا چنین کردند؟ ای کاش می دانستم به چه پناهگاهی تکیه داده اند؟ و کدام ستون استوار را انتخاب نمودند؟ و به کدامین ریسمان چنگ زدند؟ و بر کدام فرزند و خاندانی پیشی گرفتند و غلبه نمودند؟

شگفتا!

(چه دوستان دروغین و سرپرستان نااهلی را انتخاب کردند! و چه زشت است

سرانجام ستمکاران که جایگزین بدی برگزیدند)

سر را گذاشته به دم چسبیدند، پی عامی رفتند و از عالم نپرسیدند!

یحسبون انهم یحسنون صنعا: الا انهم هم المفسدون و لکن لا یشعرون<sup>(125)</sup>

ويحهم:

افمن يهدى الى الحق احق ان يتبع ام من لا يهدى الا ان يهدى فما لكم كيف  
تحكمون؟<sup>(126)</sup>

5- التحذير من المستقبل الدامي

اما لعمري لقد لقت فنظره ريثما تنتج ثم احتلبوا ملء القعب دما عبيطا و  
ذعافا مبيدا

هنالك يخسر المبطلون و يعرف التالون غب ما اسس الاولون  
ثم طيبوا عن دنياكم انفسا واطمانوا للفتنه جاءشا، وابشروا بسيف صارم و  
سطوه معتد غاشم و هرج شامل و استبداد من الظالمين  
يدع فينكم زهيدا و جمعكم حصيدا. فيا حسره لكم و انى بكم و قد:  
عميت عليكم انلزمكموها و انتم لها كارهون<sup>(127)</sup>

(نفرین بر مردمی نادان که تبهکارند و تبهکاری خود را نیکوکاری می  
پندارد. بدانید که آنان فاسدند و بفساد خویش آگاهی ندارند)  
وای بر آنان!

(آیا آن که مردم را به راه راست می خواند، سزاوار پیروی است یا آن که  
خود، راه را نمی داند؟ در این باره چگونه داوری می کنید؟

5- هشدار از آینده ای خونین

اما بجان خودم سوگند. نطفه فساد بسته شد. باید انتظار کشید تا کی مرض  
فساد بیکر جامعه اسلامی را از پای درآورد  
پس از این از پستان شتر بجای شیر خون بدوشید و زهری که به سرعت  
هلاک کننده است (اینجاست که روندگان راه باطل زیان کننده اند.)

و مسلمانان آینده خواهند دانست که سرانجام اعمال مسلمان صدر اسلام چه بوده است؟ از این پس، قلب های خود را از بروز آشوبها مطمئن نمایید.

بشارت باد شما را به شمشیرهای کشیده و حمله ها و تهاجمات پی در پی، و بهم ریخته شدن امور اجتماعی مسلمانان و استبداد و دیکتاتوری ستمگران آنها که غنائم و حقوق شما را اندک پرداخت می کنند

و جمع شما را با شمشیرهای خود درو می نمایند

پس حسرت و اندوه بر شما! کارتان بکجا خواهد انجامید؟

(دریغا! که دیده حقیقت بین ندارید، بر ما هم تاوانی نیست و نمی توانیم شما را به کاری که کراحت دارید! الزام کنیم<sup>(128)</sup>).

### خطبه سوم: سخنرانی در میان جمعی کوچه و بازار

«دفاع از ولایت امام علی علیه السلام و افشاگری لازم در مورد سیر ارتجاعی مردم»

آنگاه که کودتاگران سقیفه تصمیم گرفتند به خانه ولایت تهاجم کنند و فریب خوردگان نزدیک خانه حضرت علی علیه السلام گرد آمده و تسلیم توطئه ها بودند، دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله از خانه بیرون آمد و در کنار در ورودی منزل ایستاد و خطاب به مردم کوچه و بازار فرمود:

حدیث 59:

قالت: لا عهد لی بقوم حضروا اسوء محضرا منکم، ترکتم رسول الله صلی الله علیه و آله جنازة بین ایدینا و قطعتم امرکم فیما بینکم، لم تستاء مرونا و لم تردوا لنا حقا کانکم لم تعلموا ما قال یوم غدیر خم، والله لقد عقد له علی علیه السلام یومئذ الولاة ليقطع منکم بذالک منها الرجاء ولکنکم قطعتم الاسباب بینکم و بین نبیکم، و الله حسیب بیننا و بینکم فی الدنیا و الاخره<sup>(129)</sup>



(من ملتی را مثل شما نمی شناسم که اینگونه عهد شکن و بد برخورد باشند، جنازه رسول خدا را بر روی دست ما گذاشته و رها کردید، و عهد و پیمانهای میانتان را بریدید و فراموش نمودید، و ولایت و رهبری امام علی (علیه السلام) و ما اهل بیت را انکار کردید و حق مسلم ما را باز نگردانیدید، گویا از آن چه رسول خدا ﷺ در روز غدیر خم فرمود، آگاهی ندارید؟

سوگند به خدا که رسول گرامی اسلام در آن روز ولایت و رهبری امام علی عَلَيْهِ السَّلَامُ را مطرح کرد و از مردم بیعت گرفت، تا امید شما فرصت طلبان تشنه قدرت را قطع نماید، ولی شما رشته های پیوند معنوی میان پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و خودتان را پاره کردید، این را بدانید که خداوند در دنیا و آخرت بین ما و شما داوری خواهد کرد. <sup>(130)</sup>

#### خطبه چهارم: سخنرانی در نکوهش پیمان شکنان

در نکوهش پیمان شکنان و مردم بی تفاوت و ساکت فرمود:

حدیث 60:

قالت: معاشر الناس المسرعه الى القيل الباطل، المغضيه على الفعل القبيح

الخاسر

«افلا تتدبرون القرآن ام على قلوب اقفالها <sup>(131)</sup>» كلا بل ران على قلوبكم ما

اساتم من اعمالكم فاخذ بسمعكم و ابصاركم و لبئس ما تاولتم و ساء ما به اشرتم

شر ما منه اعتصبتم

لتجدن و الله محمله ثقيلًا و غبه و بيلا اذا كشف لكم الغطاء و بان ما وراءه

الضراء و بدالكم من ربكم ما لم تكونوا تحتسبون

«و خسر هنالك المبطلون <sup>(132)</sup>»

(ای مردم! که به سوی سخن باطل شتابانید، و اعمال زشت و زیانکارانه  
(اینها) را نادیده می‌گیرید

آیا در قرآن تدبر و تأمل نمی‌کنید؟ یا بر دل‌هاتان مهر و قفل زده شده است  
«که سخن حق را نمی‌شنوید؟»

نه! بلکه اعمال سوء و کردار بد شما است که پرده بر دل‌هاتان کشیده و گوش‌ها  
و چشم‌های شما را گرفته است! و چه بد تاویل و تفسیری «از دین و آئین  
کردید»!

و چه بد نظریه و رای‌ی دادید «که حق را از اهلش گرفتید و بدست ناهلان  
دادید» و چه بد «گناه و ستمی» را «که کردید» گران خواهید یافت و  
سرانجامش را سخت و دشوار. در آن روز که پرده از کار شما برداشته شود، و  
کیفری که در انتظار شماست، آشکار گردد و عذابی را که خدای تعالی برای شما  
آماده کرده که گمان آنرا نداشته‌اید، بر شما نمایان گردد، و در آن روز است که  
اهل باطل دچار زیان و خسران می‌گردد (133)

خطبه پنجم:

د - دفاع و مبارزه حدیث 64

## خ: سوم: از خود گذشتگی و ایثار فاطمه

### 1- مهمان نوازی فاطمه

مرد گرسنه ای در مسجد مدینه بپا خاست و گفت، ای مسلمانان! از گرسنگی به تنگ آمده ام، مرا مهمان کنید. پیامبر اسلام ﷺ فرمود: چه کسی این مرد را امشب مهمان می کند؟

حضرت علی علیه السلام فرمود، من یا رسول الله!

کمی بعد وارد منزل شد و از فاطمه زهرا علیها السلام پرسید: آیا غذایی در منزل داریم؟ مهمان گرسنه آورده ام.

حضرت زهرا علیها السلام ایثارگرانه فرمود:

حدیث 61:

فقلت: ما عندنا الا قوت الصبیه و لکننا نؤثر به ضیفنا (134)

(در خانه ما غذایی نیست، مگر به اندازه خوراک دختر بچه)

اما امشب ایثار می نمایم و گرسنگی را تحمل می کنیم

و همین مقدار غذا را به مهمان می بخشیم (135)

### 2- از خود گذشتگی و ایثار فاطمه علیها السلام

عرب تازه مسلمانی در مسجد مدینه از مردم کمک خواست، پیامبر

صلی الله علیه و آله باصحاب خود نگریست.

سلمان فارسی برخاست

تا نیاز آن بیچاره را بر طرف سازد

هر جا رفت با دست خالی برگشت.

با ناامیدی به طرف مسجد می آمد که چشمش به منزل حضرت زهرا علیها السلام

افتاد، با خود گفت:

فاطمه عليها السلام سرچشمه نیکوکاری است

درب خانه را کوبید، و داستان عرب مستمند را شرح داد.

حدیث 62

قالت: یا سلمان والذی بعث محمداً بالحق نبیا ان لنا ثلاثا ما طعمنا و ان الحسن و الحسین قد اضطر با علی من شده الجوع ثم رقدا کانهما فرخان منتوفان و لکن لا ارد الخیر اذا نزل الخیر ببابی  
(ای سلمان! سوگند به خداوندی که حضرت محمد صلی الله علیه و آله را به پیامبری برگزید، سه روز است که غذا نخورده ایم، و فرزندانم حسن و حسین علیهما السلام از شدت گرسنگی بی قراری می کردند و خسته و مانده به خواب رفته اند.

اما من، نیکی و نیکوکاری را که در خانه مرا کوبیده است، رد نمی کنم)  
آن گاه پیراهن خود را به مسلمان داد تا در مغازه شمعون یهودی گرو گذاشته، مقداری خرما و جو قرض بگیرد.  
سلمان فارسی می گوید: پس از دریافت جو و خرما به طرف منزل فاطمه عليها السلام آمدم و گفتم: دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله! مقداری از این غذاها را برای فرزندان گرسنه ات بردار پاسخ داد:

حدیث 63:

قالت: یا سلمان هذا شیء امضیناه لله عزوجل لسنا ناخذ منه شیئا<sup>(136)</sup>  
(ای سلمان! این کار را فقط برای خدای بزرگ انجام دادیم و هرگز از آن چیزی بر نمی داریم.<sup>(137)</sup>)

خ: چهارم: خوشروئی: د- روابط اجتماعی، حدیث 84

اول: دعوت مردم به قیام

م - مبارزات سیاسی و - وصیت های سیاسی و د- دفاع

دوم: دفاع و مبارزه حضرت فاطمه علیها السلام

1- دفاع در برابر هجوم گستاخانه به منزل امیرالمؤمنین علیه السلام

پس از ماجرای سقیفه، و سرپیچی عده ای از بیعت با ابوبکر، برای آن که به خیال خودشان مرکز تجمع مخالفان را مورد تهدید قرار دهند، به خانه امام یورش آوردند، عمر و قنفذ، و طرفداران آنها تهدید کردند، اگر امام علی

علیه السلام برای بیعت به مسجد بیرون نیاید، خانه را آتش می زنیم!!

حضرت زهرا علیها السلام در دفاع از امام، در برابر مهاجمان فرمود:

حدیث 64:

قالت: ایها الضالون المکذبون ماذا تقولون؟ وای شیء تریدون؟

یا عمر اما تتقی الله؟ تدخل علی بیتی؟ ابحزبک الشیطان تخوفنی؟ و کان

حزب الشیطان ضعیفا

ویحک! ما هذه الجراه علی الله و علی رسوله؟ ترید ان تقطع نسله من الدنيا و

تفنیه و تطفیء نور الله؟ «والله متم نوره<sup>(138)</sup>» وانتهاره لها

طغیانک یا عمر اخرجنی، والزمک الحجه و کل ضال غوی

اما و الله یابن الخطاب لولا اءنی اکره ان یصیب البلاء من لا ذنب له لعلمت

انی ساقسم علی الله ثم اجدہ سریع الاجابه

یا ابتاه یا رسول الله هکذا کان یفعل بحبیبتک وابتنتک؟

آه یا فضه الیک فخذینی فقد والله قتل ما فی احشائی من حمل<sup>(139)</sup>

(شما ای گمراهان و دروغگویان! چه می گوئید و چه می خواهید؟)

ای عمر! آیا از خدا پروا نداری؟ این گونه می خواهی وارد خانه من شوی؟  
 آیا با حزبت که حزب شیطان است، مرا می ترسانی در حالی که حزب  
 شیطان ناتوان است! وای بر تو! این چه جرات و جسارتی است که بر خدا و  
 پیامبر ﷺ او داری؟ آیا می خواهی دودمان پیامبر را نابود کنی؟ و نور خدا را  
 خاموش؟ آگاه باش که خداوند نور خود را فروزان و جاودانه نگه می دارد.  
 از شرکت و حضور در میان نامحرمان پرهیز داشتیم، اما تهاجم و طغیان تو مرا  
 از خانه بیرون کشید و حجت را بر تو و بر دیگر گمراهان تمام کرد.  
 سوگند بخدا، چون کراحت دارم که بی گناهان دچار بلا و گرفتاری شوند،  
 دست از نفرین برمی دارم.  
 اگر چنین نبود، می دانستی که سوگند و نفرین من به سرعت تحقق می یافت  
 و عذاب خدا فرو می بارید. (140)

پس از کوبیده شدن بین در و دیوار و شهادت حضرت محسن علیه السلام فرمود:  
 (ای پدر! ای رسول خدا! بنگر که با دختر مورد علاقه تو چنین رفتار می  
 شود: آه: ای فضا بیا و مرا دریاب. سوگند به خدا، فرزندی که در شکم داشتیم،  
 کشته شد (141))

## 2- دفاع و افشاگری در برابر مهاجمان به منزل امام علی علیه السلام

### الف - افشاگری توطئه ها

در آن هنگامه که عمر با گروهی به منزل امام علی علیه السلام یورش آوردند و با  
 تهدیدهای بیایی نتوانستند در خانه را بگشایند، به دستور عمر هیزم آورده و  
 درب منزل را به آتش کشیدند، حضرت زهرا علیه السلام برای دفاع از ولایت و  
 حرمت حریم امامت، در برابر ستونی از دود و شعله های آتش به پیش رفت و  
 فرمود:

## حدیث 65

قالت: یابن الخطاب اتراک محرقا علی بابی؟ اجئت لتحرق دارنا؟ اتحرق علیا و ولدی؟

(ای پسر خطاب! آیا تو را می بینم که خانه ام را آتش می زنی؟ آیا آمده ای که خانه ما را بسوزانی؟ آیا تو علی علیه السلام و فرزندان مرا به آتش می کشی؟)

پاسخ شنید:

و الله لنخرجنکم الی البیعة او لنحرقنکم

سوگند به خدا یا شما را برای بیعت با ابوبکر بیرون می آورم و یا همه شما را به خانه به آتش می کشم!

حضرت زهرا فرمود:

یا عمر اما تتقی تدخل علی بیتی؟

(ای عمر! آیا از خدا نمی ترسی؟ که (بی اجازه) وارد خانه ام می شوی؟)

ب - شکوه ها با پدر

اینجا بود که حضرت زهرا علیها السلام نگاه به قبر پدر کرد و فرمود:

## حدیث 66:

یا ابتاه یا رسول الله ماذا لقینا بعدک من ابن الخطاب و ابن ابی قحافه! یا ابابکر ما اسرع اغرتم علی اهل بیت رسول الله صلی الله علیه و آله؟ و الله لا اکلم عمر حتی التقی

الله (142)

(وای ای پدر پیامبر خدا! چه مصیبت هایی که از دست پسر خطاب و پسر

ابی قحافه کشیدیم!)

ای ابوبکر، چه زود کینه توزیهای خود را بر اهل بیت رسول خدا  
ظاهر کردید!! سوگند به خدا از این لحظه، تا روزی که خدا را ملاقات می  
کنم، هرگز با عمر صحبت نخواهم نمود! (143)

ج - محکوم نمودن مهاجمان

امام صادق علیه السلام نقل می فرماید که: وقتی مهاجمان به خانه امیرالمؤمنین علی  
علیه السلام یورش آوردند که در خانه را بشکنند یا بسوزانند و وارد منزل شوند،  
حضرت زهرا علیها السلام پشت درب منزل رفته، خطاب به عمر که در پیشاپیش  
مهاجمان بود فرمود:

حدیث 67:

قالت: ويحك يا عمر ما هذه الجراه على الله و على رسوله؟ تريد ان تقطع  
نسله من الدنيا و تفنيه؟ و تطفىء نور الله؟ والله متم نوره (144)  
(وای بر تو ای عمر! این چه جرات و جسارتی است که نسبت به خدا و  
رسول خدا کرده ای، آیا می خواهی نسل رسول خدا را نابود کنی؟ و از میان  
برداری؟ آیا می خواهی نور خدا را خاموش کنی؟ خداوند نور خود را حفظ می  
کند و تداوم می بخشد. (145))

3- دفاع از امیرالمؤمنین علیه السلام

الف - دفاع و یادآوری فضائل اهل بیت علیهم السلام

در آن هنگامه غم آلود که علی علیه السلام را با زور به طرف مسجد می بردند،  
فاطمه علیها السلام میان جمعیت آمد و بین امام و آنها قرار گرفت، و فرمود:

حدیث 68:

قالت: والله لا ادعکم تجرون ابن عمی ظلما



ويلکم ما اسرع ما ختمت الله و رسوله فينا اهل البيت و قد اوصاكم رسول الله  
ﷺ باتباعنا و مودتنا و التمسک بنا فقال الله تعالى

«قل لا استلکم عليه اجرا الا المودة في القربى»<sup>(146)</sup>

(سوگند به خدا، نمی گذارم پسر عموی مرا ظالمانه به سوی مسجد بکشانید.  
وای بر شما چه زود به خدا و رسولش خیانت کردید و به خانواده او ستم  
نمودید، با این که رسول خدا پیروی از ما و دوستی با ما را به شما سفارش کرده  
و فرمود که (در امور زندگی) از اهل بیت ﷺ اطاعت نمایید، که خداوند  
فرمود: به مردم بگو از شما پاداش رسالت نمی خواهم، جز آن که اهل بیت من  
دوستی نمائید.<sup>(147)</sup>

ب - تهدید به نفرین کردن

در آن لحظه که امام علی عليه السلام را به سوی مسجد می کشیدند، و هیچ کس در  
آن غربت و تنهایی دفاع نمی کرد، حضرت زهرا عليها السلام خود را به امام رساند، و  
خطاب به عمر فرمود:

حدیث 69:

قالت: اما والله يابن الخطاب: لولا اني اكره ان يصيب البلاء من لا ذنب له  
لعلمت اني ساقسم على الله ثم اجده سريع الاجابه<sup>(148)</sup>  
(ای پسر خطاب! سوگند به خدا اگر کراهت نداشتم که بیگناهان (مدینه)  
گرفتار بلای الهی شوند، نفرین می کردم و آنگاه می فهمیدی که نفرین من خیلی  
زود تحقق می پذیرد.<sup>(149)</sup>)

4- دفاع از امام در مسجد

آنگاه که امام را مظلومانه و با ستم به مسجد بردند، حضرت زهرا عليها السلام وارد  
مسجد شد و فرمود:

حدیث 70:

فقال: خلوا عن ابن عمی

فوالذی بعث محمداً بالحق لئن لم تخلوا عنه لانشرن شعری و لا ضعن قمیص رسول الله علی راسی و لا صرخن الی الله تبارک و تعالی

فما ناقة صالح باکرم علی الله منی و لا الفصیل باءکرم علی الله من ولدی (150)

(رها کنید پسر عموی مرا؛

قسم به آن خدایی که محمد ﷺ را به حق برانگیخت. اگر از علی دست بردارید، گیسوان خود را پریشان کرده، و پیراهن رسول خدا ﷺ را بر سر افکنده و در برابر خدا فریاد خواهم زد، یقین بدانید که ناقه صالح، در نزد خدا از من گرامی تر و بچه آن ناقه نیز از فرزندان من قدر و قیمتش زیادتر نبود. (151)

#### 5- دفاع از جان امام

پس از بردن امام به مسجد، در آن ازدحام جمعیت، عمر با شمشیر برهنه تهدید کرد که: اگر با ابوبکر بیعت نکنی گردنت را می زنم. در این هنگام حضرت زهرا علیها السلام خطاب به ابوبکر فرمود:

حدیث 71:

قالت: یا ابابکر اءترید ان ترملنی من زوجی؟

والله لئن لم تکف عنه لانشرن شعی و لاشقن جیبی و لآتین قبر ابی (152)

(ای ابوبکر! آیا می خواهی شوهرم را از دستم بگیری؟ (و مرا بیوه سازی؟) سوگند به خدا اگر دست از او برداری، موی سرم را پریشان می کنم و گریبان چاک زده کنار قبر پدرم رسول خدا می روم (153)

سپس دست امام حسن و حسین علیهما السلام را گرفت تا در کنار قبر پیامبر

صلی الله علیه و آله با نفرین و ناله تهدید خود را تحقق بخشد

امام علی علیه السلام به سلمان فرمود:

«سلمان فاطمه را دریاب، گوئی دو طرف مدینه را می نگرم که به لرزه درآمد، سوگند به خدا اگر فاطمه علیها السلام موی خود را پریشان کند و گریبان چاک نماید و در کنار قبر پیامبر صلی الله علیه و آله نفرین و ناله سر دهد، دیگر مهلتی برای مردم مدینه باقی نمی ماند، و زمین همه آنها را در کام مرگبار خود فرو می برد»

سلمان شتابان خدمت زهرا علیها السلام رسید و گفت:

(ای دختر محمد صلی الله علیه و آله! خداوند پدرت را مایه رحمت جهانیان قرار داده است، خواهش می کنم به خانه برگرد و نفرین در حق مردم نادان مکن.

حضرت زهرا علیها السلام پاسخ داد:

حدیث 72:

فقلت: یا سلمان! یریدون قتل علی و ما علی علی صبر فدعنی حتی آتی قبر ابی فانشرن شعری، و اشق جیبی و اصیح الی ربی <sup>(154)</sup>

(ای سلمان! آنها قصد جان علی علیه السلام را دارند، و من در شهادت علی علیه السلام نمی توانم صبر کنم، صبرم تمام شده، مرا به حال خود بگذار تا کنار قبر پدرم بروم، موهابیم را پریشان نمایم گریبان چاک دهم، و به درگاه خدا ناله سر دهم. <sup>(155)</sup>

سلمان فارسی که فاطمه علیها السلام را برای ناله و نفرین مصمم یافت، گفت: امام علی علیه السلام مرا فرستاد و فرمود که به شما بگویم:

(فاطمه به خانه بازگردید و از ناله و نفرین خودداری کنید)

وقتی حضرت زهرا علیها السلام پیام امام را شنید فرمود:

حدیث 73:

قلت: اذا ارجع و اصبر و اسمع له و اطیع <sup>(156)</sup>

(حال که شوهرم و امام من، فرمان داده که به خانه بازگردم)، می روم و صبر می کنم و سخن آن بزرگوار را می پذیرم و از او اطاعت می کنم. (157)

#### 6- دفاع تا رهایی و سلامت امام علیه السلام

آنگاه که سلمان فارسی از یگانه دخت پیامبر خواست تا دست از نفرین و ناله بردارد، و به خانه بازگردد، فرمود:

#### حدیث 74

قالت: ویلهم یا سلمان! یریدون ان یوتموا ولدی الحسین فوالله یا سلمان! لا اخلی عن باب المسجد حتی اری ابن عمی سالما بعینی (158)

(وای بر آنان ای سلمان! آنها می خواهند دو فرزند من حسن و حسین علیهما السلام را یتیم و بی سرپرست نمایند، ای سلمان! سوگند به خدا از درب مسجد مدینه پا بیرون نمی گذارم تا آن که پسر عمویی خود را با چشمان خودم، (رها شده) و سالم مشاهده نمایم. (159))

و پس از لحظاتی چند که در میان سکوت و اندوه و شگفتی حاضران، مهاجمین دست از امام کشیدند و امام علی علیه السلام تنها و مظلوم از مسجد مدینه بیرون آمده راه خانه را در پیش گرفت، حضرت زهرا علیها السلام به شوهر معصوم خود نگریست و فرمود:

#### حدیث 75:

قالت: روحی لروحک الفداء و نفسی لنفسک الوقاء یا ابالحسن! ان کنت فی خیر کنت معک و ان کنت فی شر کنت معک

(علی جان، جانم فدای جان تو، و جان و روح من سپر بلاهای جان تو، یا ابالحسن! همواره با تو خواهم بود، اگر تو در خیر و نیکی بسر میبری با تو

خواهم زیست و یا اگر در سختی و بلاها گرفتار شدم، باز هم با تو خواهم بود.  
(160)

## 7- دفاع از اموال خویش:

ف - فدک

### سوم: دعاهای حضرت زهرا (علیها السلام)

برای آگاهی از دعاهای حضرت فاطمه (علیها السلام) به کتاب صحیفه فاطمیه مراجعه شود، که در این فصل تنها به ارزش دعا و هدفداری دعا از دیدگاه حضرت زهرا (علیها السلام) اشاره می‌گردد.

### 1- دعا برای گناهکاران امت

اسماء، همسر جعفر طیار نقل می‌کند که:

در لحظه‌های پایانی زندگانی حضرت زهرا (علیها السلام) متوجه آن بزرگ‌زنان عالم  
بودم

ابتدا غسل کرد و لباسها را تغییر داد و در خانه مشغول راز و نیاز با خدا شد.  
جلو رفتم، فاطمه (علیها السلام) را دیدم که رو به قبله نشسته، و دستها را به سوی  
آسمان برآورده، چنین دعا می‌کند:

حدیث 76:

قالت: الهی و سیدی اسئلک بالذین اصطفیتهم و بیکاء ولدی فی مفارقتی، ان  
تغفر لعصاه شیعتی و شیعه ذریتی

(پروردگارا! بزرگا! به حق پیامبرانی که آنها را برگزیدی و به گریه‌های  
حسن و حسین در فراق من، از تو می‌خواهم از گناهکاران شیعیان من و  
شیعیان فرزندان من درگذری (161))

## 2- دعا برای همسایگان

امام حسن مجتبی علیه السلام مادر را دید که همواره برای همسایگان، برادران اسلامی، و مردم مسلمان دعا می کند، گفت:  
مادر جان چرا برای خودت دعا نمی کنی؟  
حضرت زهرا علیها السلام پاسخ داد:  
حدیث 77:

قالت: الجار ثم الدار <sup>(162)</sup>

(پسرم! اول همسایه، سپس خانه خود <sup>(163)</sup>)

## 3- توجه به دعا حتی در هنگامه غم از دست دادن پدر

پس از وفات درد آلود رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله، زنان بنی هاشم در منزل آن حضرت اجتماع کردند و نوحه و زاری می نمودند.  
حضرت زهرا علیها السلام همگان را به دعا سفارش فرمود:  
حدیث 78:

قالت: اترکن التعداد و علیکن بالدعا <sup>(164)</sup>

(دست از شمارش افتخارات بردارید و به دعا و عبادت بپردازید <sup>(165)</sup>)

## 4- تقاضای دعا برای شفای امام حسن علیه السلام

امام حسن علیه السلام مریض شد و درد و بی تابی آن بزرگوار بالا گرفت، حضرت زهرا علیها السلام فرزند عزیزش را خدمت رسول خدا برده فرمود:  
حدیث 79:

قالت: یا رسول الله ادع الله لابنک ان یشفیه

(ای رسول خدا! پروردگارت را بخوان تا فرزندت را شفا دهد <sup>(166)</sup>)

## 5- ارزش و اهمیت دعا

رسول گرامی اسلام ﷺ فرمود، دخترم:

آیا دوست داری دعایی را به تو بیاموزم که هیچ کس آن را نمی خواند مگر آنکه خواسته های او تحقق پذیرد؟

در پاسخ پدر فرمود:

حدیث 80:

قالت: یا ابه لهذا احب الی من الدنیا و ما فیها

(پدر جان، چنین دعایی از دنیا و آنچه در آن است، نزد من محبوب تر است

(167)

## 6- دعای معروف حضرت زهرا (علیها السلام)

سلمان فارسی نقل می کند:

حضرت زهرا (علیها السلام) پس از ملاقات با حوریان بهشتی، از خرماي خوش بویی که به آن حضرت تقدیم داشتند، مقداری به من عطا فرمود، که در شهر مدینه با هر یک از اصحاب رسول خدا ﷺ ملاقات کردم. می گفت:

چه عطر دلنشینی؟ آیا مشک ناب با خود داری؟

این ماجرای شگفتی آور را برای حضرت فاطمه (علیها السلام) بازگو نمودم، در حالی

که متبسم و خوشحال بود فرمود:

این خرماي معطر بهشتی از درختی است که برای یکی از دعاهاي من آفریده

شد

و من آن را از رسول خدا ﷺ آموختم

و آن دعا این است:

بسم الله النور

بسم الله الذى يقول للشىء كن فيكون  
بسم الله الذى يعلم خائنة الاعين و ما تخفى الصدور  
بسم الله الذى خلق النور من النور  
بسم الله الذى هو بالمعروف مذکور  
بسم الله الذى انزل النور على الطور بقدر مقدور، فى كتاب مسطور على نبى  
محبور (168)

(بنام خدای نور)

بنام خدایی که به هر چیز می گوید: باش، پس می باشد  
بنام خدایی که چشمها و نگاههای پنهان و راز سینه ها را می داند  
بنام خدایی که نور را از نور آفرید  
بنام خدایی که به نیکی یاد می شود  
بنام آن که نور را بر کوه طور نازل کرد  
به اندازه ای معین  
در نوشته ای بر پیامبری عظیم)

7- دعای بعد از ظهر روز جمعه

حضرت زهرا عليها السلام نسبت به دعای روز جمعه از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله

نقل فرمود که:

حدیث 82:

قالت: ان فى الجمعة لساعة لا يوافقها رجل مسلم يسأل الله عزوجل فيها خيرا

الا اعطاه اياه

فقلت يا رسول الله اى ساعة هى؟

قال اذا تولى نصف عين الشمس للغروب (169)



(در روز جمعه ساعتی است که هر خواسته خیر و نیکوئی در آن ساعت به اجابت می رسد. پرسیدم یا رسول الله! کدام ساعت است. فرمود: آنگاه که نصف قرص خورشید در افق پنهان شود)  
از آن پس حضرت زهرا علیها السلام در این ساعت از غروب جمعه در دعا و خیر خواهی مسلمانان همت می نمود و فردی را می گماشت تا غروب خورشید را به او اطلاع دهد <sup>(170)</sup>

### چهارم: دنیا و دنیازدگی

#### 1- ترک دنیاپرستی

حضرت زهرا علیها السلام فرمودند:

حدیث 83:

قالت: انی لا احب الدنيا

(من دنیای «دنیاپرستان» را دوست ندارم <sup>(171)</sup>)

حدیث 1/58

#### 2- والاتر از دنیا:

حدیث 80 «ارزش دعا» حدیث 88

#### 3. شوق شهادت و بی اعتنایی به دنیا

ش. شادی و خشنودی فاطمه علیها السلام ع. آگاهی از شهادت خویش، حدیث

134 الی 137

#### 4. ایشارگری های فاطمه علیها السلام

خ - از خودگذشتگی م - مشکلات اقتصادی، حدیث 179 الی 195

5. ضرورت ساده زیستی

ز- زن و ساده زیستی، حدیث 88

ذ. ر

اول: روابط اجتماعی

1- کیفیت رابطه با مردم و خانواده

معیار و میزان سنجش ارزشمندی انسان از دیدگاه حضرت زهرا (علیها السلام)،  
روابط شایسته با مردم و خانواده است که فرمود.

حدیث 84:

قالت: خياركم الذينك مناكبة و اكرمهم لنسائهم<sup>(172)</sup>

(بهترین شما کسی است که در برخورد با مردم نرم تر و مهربان تر است و  
ارزشمندترین مردم کسانی هستند که با همسرانشان مهربان و بخشنده اند<sup>(173)</sup>)

2- زن و زندگی اجتماعی

- ز - زن و زندگی اجتماعی، حدیث 87

- ز - زن و آرایش حدیث 96 و 97

3- روابط سیاسی اجتماعی

خ - خطبه های حضرت زهرا (علیها السلام)

د - دفاع

الف - اخلاق اجتماعی

دوم: روزه

1- شرایط روزه داری

حضرت زهرا (علیها السلام) درباره شرایط روزه داری فرمود:

حدیث 85:

قالت: ما يصنع الصائم بصيامه اذا لم يصب لسانه و سمعه و بصره و جوارحه

(اگر روزه، زبان و گوش و چشم و دست و پای روزه دار را از ارتکاب اعمال ناپسند دور نکند، روزه را می خواهد چه کند (و به چه دردش می خورد؟) <sup>(174)</sup>

## 2- روزه نذری (روزه شکرگزاری)

وقتی امام حسن و امام حسین علیهما السلام مریض شدند، حضرت زهرا علیها السلام آن دو بزرگوار را در آغوش گرفت و نزد پیامبر صلی الله علیه و آله برد و فرمود:  
حدیث 86:

قالت: ان بریء ولدای مما بهما صمت لله ثلاثه ایام شکرا  
(اگر فرزندانم شفا یابند، سه روز برای خدا جهت شکرگزاری روزه خواهم گرفت <sup>(175)</sup>)

ز

اول: زن و زندگی اجتماعی

- ح - حجاب

1- آن چه برای زنان نیکو است

امام علی علیه السلام می فرماید: خدمت پیامبر گرامی اسلام بودیم، آن حضرت پرسید: چه چیزی برای زنان نیکو و رواست؟

حضرت فاطمه علیها السلام پاسخ داد:

حدیث 87:

قالت: خیر للنساء ان لا یرین الرجال و لا یراهن الرجال <sup>(176)</sup>

(آن چه برای زنان نیکو است، اینکه «بدون ضرورت» مردان نامحرم را نبینند و نامحرمان نیز او را ننگرند <sup>(177)</sup>)

2- ساده زیستی و کار روزانه فاطمه علیها السلام

روزی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وارد منزل فاطمه علیها السلام شد، دخترش را دید که روی زمین نشسته، با یک دست فرزندش را در آغوش گرفته شیر می دهد، و با دست دیگر با آسیاب دستی گندمها را آرد می کند، اشک در چشمان رسول خدا صلی الله علیه و آله حلقه زد و فرمود:

یا بنتاه تعجلی مراره الدنیا بحلاوه الاخره

(دخترم! تلخی ها و مشکلات دنیا را به یاد شیرینی و سعادت بهشت بر خود

گوارا ساز)

حضرت فاطمه علیها السلام در جواب پدر فرمود:

حدیث 88:

قالت: یا رسول الله، الحمد لله علی نعمائه والشکر لله علی آلائه <sup>(178)</sup>

(ای رسول خدا! حمد و شکر و سپاس سزاوار خداست، در برابر نعمتهای  
بیکرانه او (179))

### 3- ساده پوشی

الف - سادگی در لباس

سلمان فارسی می گوید: روزی حضرت فاطمه علیها السلام را دیدم که چادری  
وصله دار و ساده بر سر داشت.

در شگفتی ماندم و گفتم: عجب! دختران پادشاهان ایران و قیصر روم بر  
کرسیهای طلائی می نشینند و پارچه های زربفت به تن می کنند، وه که این  
دختر رسول خداست! نه چادرهای گران قیمت بر سر دارد و نه لباسهای زیبا.

فاطمه علیها السلام پاسخ داد:

حدیث 89:

قالت: یا سلمان! ان الله ذخر لنا الثياب والكراسی لیوم آخر

(ای سلمان! خداوند بزرگ، لباسهای زینتی و تختهای طلائی را برای ما در  
روز قیامت ذخیره کرده است (180))

ب - سادگی زندگی

حضرت زهرا علیها السلام سپس به خدمت پدر رفت و شگفتی سلمان را مطرح  
فرمود:

حدیث 90:

قالت: یا رسول الله! ان سلمان تعجب من لباسی

فوالذی بعثک بالحق مالی و لعلی منذ خمس سنین الا مسک کبش نعلف  
علیها بالنهار بعیرنا و اذا کان اللیل افترشناه و ان مرفقتنا لمن ادم حشوها لیف (181)

(ای رسول خدا! سلمان از سادگی لباس من تعجب نمود، سوگند به خدائی که تو را مبعوث فرمود، مدت پنج سال است فرش خانه ما پوست گوسفندی است که روزها بر روی آن شترمان علف می خورد و شب ها بر روی آن می خوابیم و بالش ما چرمی است که از لیف خرما پر شده است. (182))

4- لحظه ای که زن به خدا نزدیک تر است.

پیامبر گرامی اسلام ﷺ از یاران خود پرسید:

در کدام لحظه، زن به خدا نزدیکتر است؟

پاسخ مناسبی مطرح نشد، تا اینکه حضرت زهرا علیها السلام سؤال پدر را شنید و

پاسخ داد:

حدیث 91:

قالت فاطمه علیها السلام: ادنی ما تكون من ربها ان تلزم قعر بیتها (183)

(آن لحظه که زن در خانه خود می ماند «و به امور زندگی و تربیت فرزند می

پردازد» به خدا نزدیکتر است. (184))

دوم: زن و آیین زندگی

آ- آیین همسررداری

م - مشکلات اقتصادی

ح - حجاب و پوشش

- الف - اخلاق

- ز - زن و زندگی اجتماعی

- م - مبارزه

- ز - زن و کار

- د - دفاع و مبارزه

سوم: زن و کار

## 1- زن و کار روزانه

ام سلمه از امام علی عَلَيْهِ السَّلَامُ نقل می کند:

روزی رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وارد منزل ما شد و از اوضاع و احوال زندگی

خانوادگی ما پرسید:

حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَامُ پاسخ داد:

حدیث 92:

قالت: يا رسول الله مجلت یدای من الریح اطحن مره و اعجن مره <sup>(185)</sup>

(ای رسول خدا! دستان من با کار کردن با آسیاب سنگی تاول زده و زخم

شده است، زیرا گاهی گندم آرد می کنم و زمانی آرد را خمیر می سازم <sup>(186)</sup>)

## 2- هماهنگی زن و شوهر در کار منزل

حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَامُ چون دیگر زنان جامعه کار می کرد، گندم را با آسیاب

دستی آرد می نمود، نان می پخت، کار روزانه را انجام می داد، به بچه داری و

تربیت کودک توجه کامل داشت، تا آنکه هر دو دست آن یگانه روزگار زخم

شد. ناچار خدمت پدر رفت و فرمود:

حدیث 93:

فقالت: قد مجلت یدای من الریح، لیلتی جمیعا اذیر الریح حتی اصبح، و

ابوالحسن یحمل حسنا و حسینا <sup>(187)</sup>

(یا رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ! هر دو دستم به علت آرد کردن گندم با آسیاب دستی ورم

کرده و زخم شده است، دیشب را تا صبح به آرد کردن گندم مشغول بودم و

ابوالحسن، فرزندانم، حسن و حسین عَلَيْهِمَا السَّلَامُ را نگهداری می کرد. <sup>(188)</sup>)



### 3- تقسیم کار در خانواده

فاطمه علیها السلام در زندگی پر بار خویش، به کار و انجام وظایف خانوادگی و تربیتی توجه کامل داشت، نه تنها کار می کرد، و نیازمندیهای خانواده را بر طرف می ساخت، بلکه به تقسیم کار در خانواده و تحقق عدالت در محیط کوچک خانه و خانواده نیز اهمیت می داد.

کارهای خانه و خانواده را بین خود و امیرالمؤمنین علی علیه السلام، و کار روزانه داخل منزل را نیز بین خود و خدمتکارش فضا، بگونه ای مساوی تقسیم می کرد.

سلمان فارسی می گوید: فاطمه زهرا علیها السلام را دیدم که با دستان مبارک و با آسیاب دستی گندم را آرد می کند، جلو رفته پس از سلام، گفتم:

ای دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله! خود را به زحمت مینداز، در کنار شما خدمتکار منزلتان فضا ایستاده است کار منزل را به ایشان واگذار!!

حضرت زهرا علیها السلام پاسخ داد:

حدیث 94:

قالت: اوصانی رسول الله ان تكون الخدمة لها یوما و لی یوما فکان امس یوم

خدمتها والیوم یوم خدمتی <sup>(189)</sup>

(رسول خدا صلی الله علیه و آله به من سفارش فرمود که کارهای خانه را با فضا تقسیم

کنم، یک روز او کار کند و روز دیگر من، دیروز نوبت او بود و امروز نوبت من است <sup>(190)</sup>

### 4- تقسیم کار با همسر

یکی از عوامل شادابی و تکامل خانواده ها، تعیین حدود مسئولیت افراد در خانواده است.

با تقسیم کار، عدالت اجتماعی در محیط کوچک خانواده سعادت می آفریند،  
و زن را از دخالت در اموری که سزاوار نیست باز می دارد

امام باقر علیه السلام فرمود:

حضرت فاطمه علیها السلام کارهای منزل را با حضرت علی علیه السلام اینگونه تقسیم کرد  
که:

خمیر کردن آرد، و نان پختن، و تمیز کردن و جارو زدن خانه، به عهده فاطمه  
باشد و کارهای بیرون منزل از قبیل، جمع آوری هیزم و تهیه مواد اولیه غذایی  
را علی علیه السلام انجام دهد.

امام صادق علیه السلام فرمود:

این تقسیم کار، با رهنمود رسول خدا صلی الله علیه و آله انجام گرفت.

آنگاه که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: کارهای داخل منزل را فاطمه علیها السلام، و  
کارهای بیرون منزل را علی (ع) انجام دهد، حضرت زهرا علیها السلام با خوشحالی  
فرمود:

حدیث 95:

قالت: فلا يعلم ما داخلني من السرور الا الله باكفائي رسول الله تحمل رقاب  
الرجال (191)

(جز خدا کسی نمی داند که از این تقسیم کار تا چه اندازه خوشحال شدم،  
زیرا رسول خدا مرا از انجام کارهایی که مربوط به مردان است، بازداشت. (192))

## چهارم: زن و زینت و آرایش

### 1. عطر و زینت در نماز

در اسلام، به آرایش و عطر زدن و استفاده از بوهای خوش و وسایل زیبایی  
برای شوهر و محارم یا در منزل و یا در حالت عبادت و نیایش سفارش شده و

نوعی عبادت است. آنچه نهی شده و سفارش به احتیاط کرده اند، استفاده از عطر و آرایش برای نامحرمان یا در روابط اجتماعی است که عامل فساد می شود و حرام است.

در این باره توجه به سفارش حضرت زهرا علیها السلام در لحظه های واپسین زندگی ضروری است که پس از وضوء گرفتن به «اسماء بنت عمیس» فرمود:

حدیث 96:

قالت: هاتی طیبی الذی اتطیب به وهاتی ثیابی التی اصلی فیها، اجلسی عند راسی فاذا جاء وقت الصلوه فاقیمینی فان قمت و الا فارسلی الی علی علیه السلام (ای اسماء! عطر مرا، همان عطری که همیشه می زنم، و پیراهنی را که همیشه با آن نماز می گزارم بیاور و بر بالینم بنشین، هرگاه وقت نماز شد مرا از خواب بیدار کن: اگر بیدار شدم که نماز می گزارم و اگر بیدار نشدم کسی را به دنبال علی علیه السلام بفرست تا بیاید. <sup>(193)</sup>)

## 2. استفاده دائمی از بوی خوش

ام سلمه می گوید: از حضرت زهرا علیها السلام پرسیدم که آیا عطر و بوی خوش ذخیره ای کرده ای؟

فرمود: آری

رفت و شیشه عطری آورد و مقداری در کف دست من ریخت و بوی خوشی داشت که هرگز نبوئیده بودم.

گفتم: این عطر خوشبو را از کجا تهیه کرده ای؟

فرمود:

حدیث 97:

قالت: هو عنبر یسقط من اجنحه جبرئیل <sup>(194)</sup>

(این عطر، مشکى است که از بال و پر جبرئیل فرو ریخته است. (195))

### 3- تهیه عطر برای شب عروسی فاطمه علیها السلام

آرایش و عطر زدن برای زنان آنچنان ارزشمند است که هم عبادت به حساب می آید و هم مایه گرمی و شادابی زندگی زناشویی است.

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به اینگونه ظرافت های زندگی کاملاً توجه داشت که به عمار یاسر ماموریت داد برای شب عروسی حضرت زهرا علیها السلام عطرهاى خوشبو تهیه نماید.

عمار یاسر می گوید: عطر خوبی تهیه کرده به منزل فاطمه علیها السلام بردم فرمود:  
حدیث 98:

قالت: یا اباالیقظان ما هذا الطیب؟

(ای عمار یاسر! این عطر چیست؟ (196))

گفتم: پدرت رسول خدا صلی الله علیه و آله مرا امر کرد، تا فراهم نمایم (197)

### پنجم: بزرگ زن جهانیان

ف - فضائل فاطمه علیها السلام، حدیث 161

ش - شادی و خشنودی فاطمه علیها السلام، حدیث 99

### ششم: بزرگ زن بهشتی

ف - فضائل فاطمه علیها السلام، حدیث 162

س. ش

اول: شادی و خشنودی

1- شادی فاطمه علیها السلام از خبر شهادت

نزدیکان پیامبر صلی الله علیه و آله دیده بودند که در هنگامه وفات رسول خدا صلی الله علیه و آله صحبت‌های خصوصی و سری بین آن حضرت و فاطمه علیها السلام صورت پذیرفت که در ابتدا، زهرا علیها السلام گریست و در پایان صحبت آن حضرت شاد و خندان، دانه های اشک را پاک می کرد.

جای سؤال بود که علت گریه، و سبب خنده و شادی چه بود؟

پس از وفات پیامبر صلی الله علیه و آله از حضرت زهرا علیها السلام پرسیدند، جواب داد:

علت گریه نخستین این بود که

حدیث 99:

قالت: اخبرنی ان جبرئیل کان یعارضه القران فی کل سنه مره و انه عارضه الان مرتین و انی لاری الاجل قد اقترب فاتقی الله واصبری. فبکیت  
و: قال صلی الله علیه و آله یا بنیة انه لیس احد من نساء المسلمین اعظم رزیه منک فلا  
تکونی من ادنی امراة صبرا فاخبرنی انی اول اهله لحوقا به فضحکت لذلك  
(در ابتدا رسول خدا صلی الله علیه و آله به من اطلاع داد که جبرئیل هر سال یک بار قرآن را به من عرضه می فرمود ولی امسال و هم اکنون دوبار عرضه کرد. من مرگ و وفات خود را نزدیک می بینم. دخترم با تقوا باش و صبر پیشه کن. من با شنیدن این خبر گریستم، سپس در ادامه سخن فرمود: دخترم هیچ زنی در مقام و منزلت مانند تو نیست پس در صبر و بردباری مانند کمترین زنان نباش و این را بدان که تو نخستین کسی هستی که به من ملحق خواهی شد. با شنیدن این خبر خوشحال شدم و خندیدم. (198))

## 2- شادی ملائکه در پیروزی مؤمن

دو نفر از زنان مدینه در یک مساله دینی و عقیدتی اختلاف پیدا کردند، یکی از آنها از دوستان فاطمه علیها السلام و زنی مومن، و دیگری از دشمنان اهل بیت علیهم السلام و فاسد بود، نزاع و خصومت را به خدمت حضرت زهرا علیها السلام کشاندند. آن حضرت پس از شنیدن ادعا و استدلال هر یک، با دلیل و برهان قانع کننده نظر زن مومنه را اثبات کرد و ادعای دیگری را باطل دانست، بگونه ای که هر دو نفر پذیرفتند، پس از پایان یافتن اختلاف و نزاع، زن مومنه اظهار خوشحالی کرد که حق پیروز شد و باطل محکوم گردید، حضرت زهرا علیها السلام فرمود:

حدیث 100:

قالت: ان فرح الملائکه باستظهارک علیها اشد من فرحک و ان حزن الشیطان و مردته بحزنها عنک اشد من حزنها:  
(همانا شادی فرشتگان در غلبه تو بر آن زن فاسد بیش از شادی توست و اندوه و نگرانی شیطان و دوستان شیطان در این شکست بیشتر و شدیدتر از آن زن شکست خورده است. (199))

دوم: شعرهای فاطمه علیها السلام

## 1- شب ازدواج و ستودن شوهر

حضرت زهرا علیها السلام در لحظه های آغازین زندگی، لب به ستایش شوهر نمونه اش گشود و به شناساندن آن بزرگمرد پرداخت و فرمود:

حدیث 101:

اضحی الفخار لنا و عز شامخ و لقد سمونا فی بنی عدنان  
نلت العلا و علوت فی کل الوری و تقاصرت عن مجدک الثقلان  
اعنی علیا خیر من وطاء الثری ذالمجد و الاءفضال و الاءحسان

فله المكارم والمعالي والحببا      ماناحت الاطيار فى الاغصان  
(1- افتخار و عزت والا، از آن ما شد و ما در میان فرزندان «عدنان»

سربلند شدیم

2- تو به بزرگی و برتری رسیدی و از همه آفریده ها والاتر شدی و جن و  
انس از عظمت تو عقب ماندند

3- منظورم «علی» است، بهترین کسی که گام بر خاک نهاده است، بزرگوار  
و دارای احسان و نیکی

4- والایه‌های اخلاقی و بزرگی ها از آن اوست، تا آنگاه که مرغان بر شاخه  
ها به ترنم مشغولند)

## 2- استفاده از جاذبه شعر در تربیت کودک

حضرت زهرا علیها السلام آنگاه که کودکان خود را به بازی می گرفت، و به تربیت  
روحی و پرورش جسمی عزیزان خود می پرداخت، در قالب زیبای اشعار  
ادیبانه می فرمود:

حدیث 102:

اشبهه اباک یا حسن      واخلع عن الحق الرسن  
واعبد الها ذالممنن      ولا تـوال ذالاحسن  
(1- حسن جان! مانند پدرت علی علیه السلام باش و ریسمان را از گردن حق

بردار

2- خدای احسان کننده را پرستش کن و با افراد دشمن و کینه توز دوستی  
(مکن)

و آنگاه که امام حسین علیه السلام را بر روی دست نوازش می کرد، می فرمود:  
انت شـبیه بـابى      لست شـبیهـا بعلى

(حسین جان تو به پدرم رسول الله ﷺ شباهت داری و به پدرت علی  
علیه السلام شبیه نیستی.)

امام علی علیه السلام سخنان فاطمه علیها السلام را می شنید و لبخند می زد (200)

### 3- بیان مشکلات اقتصادی

الف - سخاوت و ایثارگری

ب - خبر از شهادت حسین علیه السلام

روزی گرسنه ای درب منزل امام علی علیه السلام را کوبید و تقاضای کمک کرد.  
امام علی علیه السلام در قالب شعری زیبا، نیازمندی آن گرسنه بینوا را به حضرت زهرا  
علیها السلام بازگو فرمود و تذکر داد، اگر امکان دارد، کمک مناسبی شود، حضرت زهرا  
علیها السلام با شعر، چنین پاسخ داد:

حدیث 103:

امرک سمع یابین عم و طاعة مایی من لوم و لا وضاعه  
اطعمه و لا ابالی الساعه ارجو اذا اشبعت من مجاعه (201)

1- فرمان تو را ای پسر عمو بیدرنگ اطاعت خواهم کرد، از طرف من تو را

در این پیشنهاد نه سرزنش و نه ملامتی خواهد بود

2- هم اکنون این گرسنه را طعام می دهم و به یاد آینده خویش نخواهم افتاد

و آرزو دارم با شکم گرسنه در راه خدا ایثار کنم

پس از آنکه امام بار دیگر تاکید در اطعام گرسنه فرمود، پاسخ داد:

حدیث 104:

فسوف اعطیه و لا ابالی و اوثر الله علی عیالی  
امسوا جیاعا و هم اشبالی اصغرهم یقتل فی القتال  
بکربلا یقتل باغتیال لقاتلیه الویل مع وبال



یهوی به النار الی سفال کبوله زادت علی الاکبال

1- بزودی به این گرسنه طعام خواهم بخشید و از گرسنگی خودم باکی ندارم. برای خدا او را بر فرزندان (گرسنه ام) مقدم می دارم.

2- فرزندانم دیشب را گرسنه به روز آوردند، فرزندانم که کوچکترین آنان «حسین» در میدان جنگ کشته خواهد شد.

3- در کربلا فرزندانم را با حيله و تزوير شهيد می کنند وای بر قاتلان او که عذاب دردناک و پستی و خواری بر آنان باد.

4- آنها که با این جنایت به درجات پست آتش جهنم راه می یابند، هر لحظه بر سقوط و خواری آنها افزوده می شود.

امام در برابر اینارگری حضرت زهرا علیها السلام او را ستود و تشکر کرد، پاسخ شنید:

حدیث 105:

لم یبق مما کان غیر صاع قد دبرت کفی مع الذراع  
شبلاى والله هما جیاع یارب لا تترکهما ضیاع  
ابوهمما للخیر ذواصطناع عبل الذراعین طویل الباع  
و ما علی راسی من قناع الا عبا نسجتها بصاع<sup>(202)</sup>

1- از آنچه در خانه ذخیره کرده بودم، جز به مقدار یک پیمانۀ باقی نمانده است. در حالی که دست من «با آرد کردن گندم و گرداندن آسیاب دستی» مجروح گردیده است

2- به خدا سوگند، فرزندانم هم اکنون گرسنه اند. خدایا! آنها را به حال خود نگذار، که از دست بروند.

- 3- پدرشان علی علیه السلام در سخاوت و خوبیها بی نظیر است، و آن چه دارد و به دست می آورد با دستان بخشنده اش به دیگران می بخشد.
- 4- همه غذای موجود خانه را در حالی به گرسنه می دهم که مقنعه و چادر مناسبی بر سر ندارم مگر عبای (چادر) کهنه ای که خودم بافته ام و (از فراوانی وصله) اکنون در حال از بین رفتن است <sup>(203)</sup>

#### 4. در فراق خویش

آنگاه که بیاد پرواز ملکوتی خویش افتاد، خطاب به علی علیه السلام فرمود:  
حدیث 106:

ابکنی ان بکیت یا خیر هاد      واسبل الدمع فهو یوم الفراق  
یا قرین البتول اوصیک بانسل      فقد اصبحا حلیفا اشتیاق  
ابکنی و ابکی للیتامی و لا تنسی      قتیل العدا بطف العراق  
فارقوا اصبحوا یتامی حیاری      احلفوا لله فهو یوم الفراق <sup>(204)</sup>

- 1- ای همسر وفادارم اگر خواستی گریه کنی بر من گریه کن، ای بهترین راهنما و اشکها را سرازیر کن که امروز روز جدایی است.
- 2- ای همدم بتول! وصیت می کنم تو را به فرزندانم، که همدم شوق و محبت شده اند.

3- بر من و بر یتیمان (من) گریه کن فراموش نکن کشته دشمنی ها را در سرزمین عراق.

در حالیکه به خدا سوگند می خورند آن روز روز جدایی است.

- 4- آن جداماندگان در حالی صبح می کنند که یتیمان سرگردان (آن بیابانند <sup>(205)</sup>)، خدای را بر می گزینند. آن روز، روز فراق و جدایی است.

## 5- اشعار در غم از دست دادن پیامبر ﷺ

اول: جهان پس از رحلت پیامبر ﷺ

پس از دفن جنازه پاک پیامبر ﷺ، حضرت زهرا عليها السلام جهان را پس از غروب آفتاب نبوت این گونه معرفی می فرماید:

حدیث 107:

اغبر افاق السماء و كورت شمس النهار و اظلم العصران  
والارض من بعد النبی كئيبه اسفا عليه كثيره الرجفان  
فليكه شرق البلاد و غربها وليكه مضر و كل يمان  
وليكه الطور المعظم جوه والبيت ذوالاستار و الاركان  
يا خاتم الرسل المبارک ضووه صلى عليك منزل القرآن  
1- افق های آسمانها غبار آلود شد و خورشید گرفت و صبح و عصر ما هر دو تاریک گشت.

2- و زمین پس از رحلت پیامبر ﷺ اسفناک و اندوهناک او است و سخت بر خود می لرزد.

3- در غم رحلت پیامبر اسلام باید شرق و غرب عالم بگریند و قبیله مضر و یمن سزاوار است که اشک ریزند.

4. و سزاوار است که آسمان کوه عظیم طور خانه خدا که دارای پرده کعبه و رکن ها است، (بر رسول خدا) بگریند

5- ای خاتم پیامبران! که روشنائی تو مبارک است! درود خدای فرستنده قرآن بر تو باد! (206)

دوم: دردهای سوزناک

حدیث 108:

قالت:

قد كان بعدك انباء و هنبشه  
انا فقدناك فقد الارض وابلها  
و كل اهل له قربي و منزله  
ابدت رجال لنا نجوى صدورهم  
تجهمتنا رجال واستخف بنا  
و كنت بدرا و نورا يستضاء به  
و كان جبريل بالايات يونسنا  
فليت قبلك كان الموت صادفنا  
انا رزئنا بما لم يرز دوشجن  
سيعلم المتولى الظلم حامتنا  
فسوف نبكيك ما عشنا و ما بقيت  
و قد زرئنا به محضا خليفته  
فانت خير عباد الله كلهم  
و كان جبريل روح القدس زائرنا  
ضاقت على بلاد بعد ما رحبت  
و سيم سبطاك خسفا فيه لى نصب

1- بعد از تو خبرها و مسائل مختلف و بلاهای درهم پیچیده ای پیش آمد  
که اگر تو می بودی آن چنان بزرگ جلوه نمی کرد.

2- ما تو را از دست دادیم، مانند سرزمینی که از باران محروم شود، و قوم  
تو مختل ماند بیا ببین آنها را که (چگونه) از راه منحرف شدند.

3- هر خاندانی که برای او نزد خدا قرب و منزلتی بود، نزد بیگانگان هم  
محترم بود (غیر از ما که حرمت ما را درهم شکستند).

- 4- مردانی چند از امت تو همین که رفتی و پرده خاک میان ما و تو فاصله انداخت اسرار سینه ها را آشکار کردند.
- 5- همین که تو رفتی، مردانی دیگر به ما رو ترش کردند و ما را کوچک شمردند و زمینهای ما غصب شد.
- 6- پدر! تو ماه شب چهارده ما و چراغ روشن زندگانی (ما) بودی و از جانب پروردگار بر تو فرامینی نازل می شد.
- 7- جبرئیل با آیات قرآنی، مونس ما بود، ولی وقتی تو رفتی، همه خیرها پوشیده گردید.
- 8- ای کاش که پیش از تو مرده بودیم. آنگاه که از میان ما رفتی و خاک ترا در زیر خود پنهان کرد (و پرده و حجابها بین ما فاصله انداخت)
- 9- به راستی ما بلادیدگان به مصیبتی گرفتار شدیم که هیچ بلا دیده ای نه در عجم و نه در عرب آن چنان مبتلا نگشته است.
- 10- آن کس که به ستم کردن بر قبیله ما دست زده باشد روز قیامت خواهد دانست که به کجا خواهد رفت!
- 11- تا زنده ایم و چشم داریم، بر تو اشک می ریزیم و مثل ابر بهار بر تو می گرییم.
- 12- ما به رفتن کسی مصیبت زده ایم که خلقت او بی آرایش، اخلاق او بی غل و غش، ریشه تبار او، والا و نسب او سرآمد انساب است.
- 13- پس تو (ای پدر) بهترین همه بندگان و در هنگام سخن گفتن راستگوترین مردم بودی
- 14- جبرئیل امین، تا زنده بودی زیارت ما را ترک نمی کرد و چون رفتی سایه از ما برگرفت و هر خیری از ما رو پوشانده است

15- بعد از تو دنیا بر من تنگ شد، پس از آن که گشاده بود و به دو نوه ات  
ستمی روا داشته شد که برای من درد و رنج فراوان دارد. (207)

سوم: در سوگ پدر، در غروب خورشید نبوت

حدیث 109:

قالت:

ماذا علی من شم تربه احمد      ان لا یشم مدی الزمان غوالیا  
صبت علی مصائب لو انها      صبت علی الایام صرن لیالیا  
نفیسی علی زفرتها محبوسه      یا لیتها خرجت مع الزفرات  
لا خیر بعدک فی الحیاه و انما      ابکی مخافه ان تطول حیاتی  
اذا اشتد شوقی زرت قبرک باکیا      انوح و اشکو لا اراک مجاوبی  
فیاصحاب الصحراء علمتنی البکاء      و ذکرک انسانی جمیع المصائب  
فان کنت عنی فی التراب مغیبا      فما کنت عن قلب الحزین بغائب (208)

1- آن که بوی خوش تربت (خاک قبر) پیامبر ﷺ را بوییده است، چه می  
شود، اگر در زمان طولانی بوی خوش دیگری نبوید.

2- باران غم و اندوهی بر جانم ریخته که اگر بر روزهای روشن می ریخت،  
آن روزها مانند (شب تیره و تار) می گردید  
د بجانم ریخته چندان غم و درد مصیبتها  
گردد تیره چون شبها (209)

3- (پدر جان!) جانم با آن همه اندوه و غصه در سینه ام حبس شده است،  
ای کاش با همان اندوهها از بدنم خارج می شد.

4- (پدر جان!) بعد از تو هیچ خیر و نیکی در زندگی نیست، گریه می کنم از  
بیم آن که مبادا بعد از تو زیاد زنده بمانم. (210)

- 5- هر وقت اشتیاقم به دیدار تو زیاد می شود گریان کنار قبر تو می آیم،  
 ناله و زاری می کنم و شکوه می نمایم، ولی جواب مرا نمی دهی.  
 6- ای کسی که در دامن خاک آرمیده ای! گریه را تو به من آموختی و یاد  
 تو همه مصائب را از یاد من می برد.  
 7- گرچه در دل خاک از من پنهان شده ای، ولی از قلب پراندوه (من) پنهان

نیستی (211)

چهارم: شکوه ها از غروب آفتاب و غربت اسلام  
 فاطمه عليها السلام در سوگ آفتاب می نالد و غربت اسلام را نیز با تلخی نظاره گر  
 است، و خطاب به پدر می فرماید:

حدیث 110:

قالت:

قل صبری و بان عنی عزائی	بعد فقدی لخاتم الانبیاء
عین یا عین اسکیبى الدمع سحا	ویک لا تتجلی بفیض الدماء
یا رسول الاله یا خیره الله	و کھف الایتام والضعفاء
قد بکتک الجبال والوحش جمعا	والطیر والارض بعد بکی السماء
و بکاک الحجون والرکن و	المشعر یا سیدی مع البطحاء
و بکاک المحراب والدرس للقر	ء آن فی الصبح معلنا والمساء
و بکاک الاسلام اذ صار فی	الناس غریبا من سائر الغرباء
لو ترى المنبر الذی کنت تعلقوه	علاه الظلام بعد الضیاء
- یا الهی عجل وفاتی سریعا	لقد تنغصت الحیاه یا مولائی

1- صبر و تحمل من کوتاه و عزا و مصیبت من آشکار است، چون خاتم

پیامبران را از دست داده ام.

- 2- دیده! ای دیده اشک بیار، وای بر تو اگر سیل اشک را جاری نسازی!
- 3- ای رسول خدا! ای برگزیده حضرت حق! ای پناه یتیمان و مستضعفان!
- 4- کوهها و حیوانات و پرندگان بر تو می گریند. زمین هم پس از گریه آسمان گریست.
- 5- آقای من! شهر مکه و رکن و مشعر و سرزمین بطحاء اشکها می بارند.
- 6- آسمان و محراب و محل درس قرآن بهنگام صبح و (شام) از فراق تو گریه دارند.
- 7- و اسلامی که در میان امت تو غریب و تنها مانده است، بر تو می گرید.
- 8- (یدر جان) اگر منبرت را بنگری، خواهی دید که پس از نور و روشنائی ظلمت و تاریکی بر آن بالا می رود.
- 9- خدایا! مرگ مرا زود مقرر فرما: زیرا زندگی دنیا بر من تیره و تاریک شده است (212)

پنجم: پیامبر جاودانه است

- اذا مات یوما میت قل ذکره و ذکر ابی مذمات والله ازید  
تامل اذا الاحزان فیک تکاثر اعاش رسول الله ام ضمه القبر؟ (213)
- 1- هر کس که بمیرد یادش کم می گردد، بجز پدرم رسول الله که هر روز یاد او فزونی می گیرد
- 2- بیندیش، هنگامی که غم و اندوه در جانت فراوان می گردد آیا رسول خدا زنده است یا خاک قبر، او را از یادها برده است. (214)

ششم: شکوه از مصیبت و تنهائی

حدیث 112:

قل للمغیب تحت اطباق الثری ان کنت تسمع صرختی و ندائی



صبت علی مصائب لو آنها      صبت علی الایام صرن لیالیا  
 قد کنت ذات حمی بظل محمد      لا اخشی من ضیم و کان جمالیا  
 فالیوم اخشع للذلیل واتقی      ضیمی و ادفع ظالمی بردائیا  
 فاذا بکت قمریه فی لیلها      شجنا علی غصن بکیت صباحیا  
 فلا جعلن الحزن بعدک مونسی      و لا جعلن الدمع فیک وشاحیا  
 ماذا علی من شم تربہ احمد      ان لا یشم مدی الزمان غوالیا  
 1- بگو به آن که در زیر طبقات زمین پنهان است، آیا صدای ناله و فریاد مرا  
 می شنوی.

2- مصیبت هایی بر من باریدن گرفته که اگر بر روزها می بارید، (روزها)  
 شب می شد.

3- من در سایه محمد در حمایت و حفظت بسر می بردم و از هیچ دشمنی و  
 کینه ای نمی ترسیدم و او جمال (و جلوه) من بود.

4- امروز در برابر فرومایگان خاضع و باک دارم به من تعدی شود که ظالم  
 را با چادرم دفع می کنم.

5- اگر قمری، شب هنگام بر شاخه ای بگیرد، من صبحگاهان می گریم.

6- بعد از تو حزن و اندوه را مونس خود خواهم ساخت و اشک را اسلحه  
 خود قرار خواهم داد.

7- چه باکی است! کسی که خاک قبر احمد را بوییده و تمام زندگی هیچ

عطری را نبوید (215)

هفتم: اندوه پایدار

حدیث 113:

فراقک اعظم الاشیاء عندی      و فقدک فاطم ادهی النکول

سابکی حسره و انوح شجوا علی خل مضی اسناسیلی  
الا یا عین جودی واسعدینی فضزنی دائم ابکی خلیلی (216)

1- (جدایی ات پیش من سنگین ترین چیزهاست و از دست دادنت، سنگین  
ترین بند است

2- از روی حسرت و اندوه، گریه و نوحه خواهم کرد، بر آن محبوبی که  
رفت و راهم را روشن ساخت.

3- الا! ای دیده! یاریم کن (تا بگیریم)، چرا که اندوهم پیوسته است و بر  
دوستم می‌گیرم (217)

هشتم: اشک‌های بی‌قرار

پس از دفن پیامبر گرامی اسلام ﷺ یگانه دخت رسول خدا ﷺ در کنار  
قبر پدر از اندوه جانکاه پایدار سخن گفت و فرمود:

حدیث 114:

امسی بخدی للدموع رسوم اسفا علیک و فی الفواد کلوم  
والصبر یحسن فی المواطن کلها الا علیک فاءنه معدوم  
لا عتب فی حزنی علیک لو انه کان البکاء لمقلتی یدوم (218)

1- (در اندوه سوگ تو، بخاطر اشک فراوان بر چهره‌ام نشانه و بر قلبم  
جراحت است. ای وای از مرگ تو!

2- شکیبایی در هر جا شایسته است، مگر بر تو که صبری نیست

3- بر اندوه من در سوگ تو ملامتی نیست، اگر گریه بر مردمک چشمم  
تداوم می‌یافت (219)

نهم: غم بی‌پایان!

ورقه بن عبدالله ازدی از حضرت فضا نقل می کند که فاطمه زهرا علیها السلام  
روزی بر سر قبر اندوهگین نشست، و اینگونه نوحه سر داد:

حدیث 115:

ان حزنی علیک حزن جدید و فوادی الله صب عتید  
کل یوم یزید فیه شجونی و اکتئابی علیک لیس یبید  
جل خطبی فبان عنی عزائی فبکائی فی کل وقت جدید  
ان قلبا علیک یالف صبرا او عزاء فاءنه لجلید  
1- اندوه من (پیوسته) بر تو تازه است، و قلب من به خدا سوگند عاشقی

سرسخت است

2- هر روز حزن و اندوه من (بر پدرم) تازه می شود و نیاز من برای تو  
هرگز از بین نمی رود

3- فاجعه از دست دادنت بسی بزرگ است و سوگواری ام آشکار گشته (و)  
تسلای و بردباری از من دور شده) پس گریه ام هر دو تازه است

4- دلی که در عزا و مصیبت تو صبور باشد، یا تسلیت پذیرد، همانا بسیار  
شکیبا و پر طاقت است (220)

سوم: شکوه های درد آلود و افشاگرانه

1- شکوه از غضب امامت

از حضرت امام صادق علیه السلام نقل شده است که فرمود:

حضرت فاطمه علیها السلام از امت ساکت و بی تفاوت، و از ابوبکر و عمر، در پیش  
پروردگار خود، شکوه ها مطرح می کرد، و در حالی که اشکهای او جاری بود،  
می فرمود:

حدیث 116:

قالت: اللهم اليك نشكو فقد نبیک و رسولک و صفیک و ارتداد امته علينا، و منعهم ايانا حقنا الذي جعلته لنا في كتابك المنزل على نبیک المرسل (221)

(پروردگارا! بسوی تو شکایت می کنم، اندوه از دست دادن پیامبر و فرستاده و برگزیده ات را، و به تو شکایت می کنم از ارتداد امت پیامبر ﷺ و این که حق ما را از ما بازداشتند، همان حق «ولایت و رهبری» را که در قرآن کریم، خود بر پیامبر اسلام نازل فرمودی (222))

## 2- شکوه از خیانت منافقان کینه توز

ام سلمه می گوید: خدمت حضرت زهرا عليها السلام رسیدم و پرسیدم:  
ای دختر رسول خدا! شب را چگونه صبح کردی؟ حالت چگونه است؟  
فرمود:

حدیث 117:

قالت: اصبحت بين كمد و كرب، فقد النبي و ظلم الوصي، هتك والله حجابہ من اصبحت امامته مقتصه على غير ما شرع الله في التنزيل، و سنها النبي في التاويل، ولكنها احقاد بدرية و ترات احديه كانت عليها قلوب النفاق محتمله لامكان الوشاة

فلما استهدف الامر ارسلت علينا شايب الاثار من مخيله الشقاق، فيقطع و ترالايمان من قسى صدورها، و لبئس على ما وعد الله من حفظ الرساله و كفاله المومنين

احرزوا عائدتهم غرور الدنيا بعد انتصار ممن فتك بأبائهم في مواطن الكروب و منازل الشهادات

(صبح کردم در میان حزن شدید و اندوه عظیم، در حالی که پیامبر از دست رفته، و وصی او مظلوم واقع شده است. سوگند بخدا، حشمت و عظمت آن کس

دریده و نابود شد که بر خلاف حکم خدا در قرآن، و سنت و سفارش پیامبر اسلام در تاویل و تفسیر قرآن، حق امام او را غصب کردند و به دیگران سپردند. این گونه برخوردهای خصمانه، از کینه توزیهای جنگ بدر و خونخواهی کشتگانشان در جنگ احد است که در درون قلب نفاق آمیز و اندیشه فتنه انگیزشان پنهان بوده است و تا کنون جرات اظهار آن را نداشتند تا در آن هنگام که حکومت الهی بازیچه دست قدرت طلبان گردید و امام به حق، منزوی شد، آتش کینه های دیرینه شان زبانه کشید و باران مصیبتها و مشکلات را بر ما فرو ریختند، و رشته های ایمان را دریدند و نسبت به وعده های الهی در حفظ و پاسداری از رسالت پیامبر ﷺ و دفاع از پرهیزکاران و مومنان چه زشت، عمل کردند.

اما افسوس که در جهت انتقام گرفتن از پدران (مشرک و منافق) خود که در جنگ های اسلامی ﷺ جنگیدند، کشته شدند به دنیا روی آوردند، (و فریب دنیا را خوردند) <sup>(223)</sup>

### 3- شکوه ها و آرزوی مرگ

درباره شکوه ها و غمهای جانکاه حضرت زهرا ﷺ پیامبر گرامی اسلام ﷺ به اصحاب خویش خبر داد و فرمود:

دختر آنچنان در امواج بلاها و مصیبتها، غمناک و نگران می شود که دست به دعا برداشته، از خدا آرزوی مرگ و شهادت می کند و می گوید:

حدیث 118:

یا رب انی قد سئمت الحیاه و تبرمت باهل الدنیا فالحقنی بابی الهی عجل

وفاتی سریرعا

(پرودگارا! از زندگی خسته و روی گردان شده ام و از بندگان دنیا، بلاها و مصیبت‌های ناگوار دیدم، خدایا! مرا به پدرم (رسول خدا) متصل گردان و مرگ مرا زود برسان (224)

#### 4- شکوه‌ها

ف - فدک، حدیث شماره 153 و 159 و 160

م - مبارزات سیاسی

ح - حوریان بهشتی، حدیث 54 شکوه از سلمان فارسی

چهارم: شفاعت فاطمه علیها السلام

حضرت زهرا علیها السلام درباره شفاعت از گنهکاران امت فرمود:

حدیث 119:

قالت: اذا حشرت يوم القيامة اشفع عصاة امة النبي صلى الله عليه وآله

(آنگاه که در روز قیامت برانگیخته شوم، از گنهکاران امت پیامبر اسلام

صلى الله عليه وآله شفاعت خواهم کرد (225)

ی - یاری و کمک به شیعیان حدیث 211

پنجم: صفات شیعیان و پیروان اهل بیت علیهم السلام

یکی از پیروان اهل بیت علیهم السلام در شهر مدینه همسرش را خدمت حضرت

زهرا علیها السلام فرستاد، تا پرسد، آیا شوهرم از شیعیان شما می باشد یا نه؟

حضرت زهرا علیها السلام پاسخ کلی داد و فرمود:

حدیث 120:

قالت: ان كنت تعمل بما امرناك و تنتهي عما زجرناك عنه فانت من شيعتنا و

الا فلا

(اگر به آن چه به شما امر می کنیم، عمل می کنی و از آن چه شما را برحذر می داریم، دوری می کنی از شیعیان مایی والا هرگز!!)

آن شخص پس از شنیدن پاسخی کلی، مضطرب شد و با توجه به ضعفها و سستی های خود گفت: وای بر من که همیشه در آتش جهنم خواهم بود، همسرش نگرانی و زاری او را با سخنان مطرح شده، خدمت حضرت زهرا علیها السلام بازگو نمود.

حضرت فاطمه علیها السلام پاسخ داد:

حدیث 121:

قالت: قولی له: لیس هكذا

شیعتنا من خیار اهل الجنة، و کل محببنا و موالی اولیائنا و معادی اعدائنا،  
والمسلم بقلبه و لسانه لنا  
لیسوا من شیعتنا اذا خالفوا اوامرنا و نواهینا فی سائر الموبقات، و هم مع ذلک  
فی الجنة

و لكن بعد ما يطهرون من ذنوبهم بالبلايا و الرزايا

اوفی عرصات القیامه بانواع شدائدها

اوفی الطباق الاعلی من جهنم بعدا بها الی ان نستنقذهم بحبنا و نقلهم اعلی  
حضرتنا

(از من) به همسرت بگو چنین نیست (که او قضاوت کرده است) شیعیان ما از بهترین افراد اهل بهشتند و همه دوستان ما و دوستان دوستان ما و دشمنان دشمنان ما همه در بهشت خواهند بود. آری کسی که با قلب و زبان تسلیم ما اهل بیت شده، اما از اوامر ما سرپیچی کند و نواهی و موارد پرهیز را محترم نشمرد از شیعیان واقعی ما نخواهد بود

گرچه این گروه نیز پس از پاک شدن از گناهان، و تحمل مشکلات روز قیامت و قرار گرفتن اندک زمانی در طبقات بالای جهنم و چشیدن عذاب، اهل بهشت خواهند بود و ما به خاطر دوستی شان با ما نجاتشان داده و آنان را به پیشگاه خودمان انتقال خواهیم داد (226)

ششم: شهادت و شاهد

1- اولین شهادت باطل در اسلام

- ف. فدک حدیث 154

2- آگاهی از شهادت خویش

- ع. آگاهی از شهادت خویش، حدیث 135 و 136 و 137

3- آگاهی از شهادت حسین علیه السلام

- ع. آگاهی از شهادت خویش، حدیث 139

4- پرسش از پیامبر صلی الله علیه و آله پیرامون شهادت حسین علیه السلام

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله حوادث تلخ آینده را برای حضرت زهرا علیها السلام توضیح داد، و در تداوم مباحث آینده نگری، به شهادت حضرت اباعبدالله علیه السلام اشاره کرد، حضرت فاطمه علیها السلام پرسید:

حدیث 122:

قالت: یا ابتاه من یقتل ولدی و قره عینی و ثمره فوادی؟

قال صلی الله علیه و آله شر امه من امتی

قالت: یا اباه اقرا جبرئیل عنی السلام و قل له فی ای موضع یقتل؟ (227)

قال صلی الله علیه و آله فی موضع یقال له کربلا!



(ای پدر! چه کسی فرزندم و نور چشم و میوه دلم حسین علیه السلام را شهید می کند؟)

فرمود: بدترین افراد امت من

بار دیگر پرسید:

(ای پدر! سلام مرا به حضرت جبرئیل برسان و از او بپرس که در کجا حسین

علیه السلام مرا شهید می کنند؟)

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: در سرزمینی که به آن «کربلا» می گویند.

و در روایت دیگری فرمود:

حدیث 123:

قالت: یا ابه سلمت و رضیت و توکلت علی الله

(ای پدر! در برابر خواسته های خدا تسلیم و راضی ام و بخدا توکل کرده ام

(228)

5- صحبت از شهادت کودکی که متولد نشده بود

در یکی روزهای بارداری حضرت زهرا علیه السلام پیامبر صلی الله علیه و آله به دخترش اطلاع

داد که:

حضرت جبرئیل خبرهایی از فرزند تو بما رسانده است که در کربلا به

شهادت می رسد.

فاطمه علیه السلام در حالی که در هاله ای از غم و اندوه قرار گرفته بود، فرمود:

حدیث 124:

قالت: لیس لی فیه حاجة یا ابة

(ای پدر! به چنین کودکی نیازی ندارم)

رسول خدا صلی الله علیه و آله ادامه داد که:

دخترم این فرزند تو حسین علیه السلام است و نه امام معصوم از او پدید می آیند  
که عامل تداوم و بقاء دین خدا می باشند

حضرت زهرا علیها السلام فرمود:

قالت یا رسول الله قد رضیت عن الله عزوجل <sup>(229)</sup>

(ای رسول خدا! از خداوند عزیز و بزرگ راضی و سپاسگزارم <sup>(230)</sup>)

## 6- شاهد شهادت فرزند بودن!

هنگام هجوم ناکثان و منافقان به منزل امام علی علیه السلام، و دفاع بی نظیر و  
افشاگرانه حضرت زهرا علیها السلام، که با جوابهای دندان شکن، ادعاهای آنان را باطل  
و با بیان حقیقت رسوایشان نمود، و چون شیر در برابر صفهای کینه توزان امروز  
و فراریان جنگهای دیروز، ایستاد. و یک تنه از حریم حرمت ولایت دفاع کرد،  
چاره ای جز خیانت و رسوایی خود ندیدند که در منزل را به آتش کشند و  
یگانه دخت پیامبر صلی الله علیه و آله را بین در و دیوار بکوبند.

تاریخ ورق خورد، و برگ سیاه ننگ آوری بر پرونده کودتاگران سقیفه  
افزوده شد، آری شهادت کودکی که متولد نشده بود، و اسم «محسن» را  
جلوترها پیامبر گرامی اسلام برای او انتخاب کرده بود، و شاید رمز این انتخاب  
را در این واقعیت بتوان یافت که:

حضرت محسن علیه السلام اول شهید خط مقدم دفاع از ولایت است

و همه شنیدند که فاطمه علیها السلام خطاب به فضا فریاد زد:

حدیث 125:

قالت: یا فضا الیک فخذینی فوالله لقد ما فی احشائی من حمل

(آه ای فضا! مرا دریاب، سوگند به خدا، فرزندی که در شکم داشتم به

شهادت رسید <sup>(231)</sup>)

7- اشتیاق شهادت

- ش - شادی فاطمه علیها السلام حدیث 99

اول: صحیفه و کتاب حضرت زهرا علیها السلام

1- شب نزول صحیفه زهرا علیها السلام

- م - معجزات حدیث 198

2- صحیفه حضرت زهرا علیها السلام

جابر بن عبدالله انصاری می گوید:

وارد منزل امام علی علیه السلام شدم، صحیفه ای در دستان فاطمه علیها السلام دیدم، که رنگ سبز زیبای آن مرا به یاد زمرد انداخت و در آن کتابی قرار داشت به سفیدی و روشنی نور خورشید، گفتم: پدر و مادرم فدای شما، ای دختر رسول خدا! آن چیست که در دستان شما قرار دارد؟ پاسخ داد:

حدیث 126:

قالت: هذا لوح اهداه الله الی ابی رسول الله صلی الله علیه و آله فیه اسم ابی و اسم بعلی و اسم ابنی و اسماء الاوصیاء من ولدی فاعطانیه لیبشرنی بذلك (این کتابی است که خداوند آن را به پدرم رسول خدا صلی الله علیه و آله اهداء فرمود، در این کتاب نام پدرم، و نام شوهرم (امام علی علیه السلام) و نام دو فرزندم و امامانی که از فرزندانم می باشند، نوشته شده است، این کتاب به من هدیه شده است، این کتاب به من هدیه شده است تا بشارت فرح بخشی برای من باشد (232)

جابر پرسید: آیا اجازه می دهید این کتاب را مشاهده و مطالعه کنم؟

فرمود: نه ممکن نیست، مطالب موجود در این کتاب را فقط پیامبر خدا صلی الله علیه و آله

و امام علی علیه السلام و امامان معصوم علیهم السلام می توانند مطالعه نمایند. (233)

### 3- مطالب صحیفه فاطمه علیها السلام از اسرار است

آن چه از روایات اسلامی و توضیحات حضرت زهرا علیها السلام معلوم می شود این است که مطالب و مباحث صحیفه فاطمه علیها السلام جزو اسرار الهی است که فقط در اختیار رهبران معصوم علیهم السلام قرار می گیرد.

جابر بن عبدالله انصاری می گوید: خدمت حضرت زهرا علیها السلام رسیدم، کتاب صحیفه را با رنگی سفید و روشن در دستان مبارک آن حضرت مشاهده کردم، پرسیدم:

این کتاب زیبا چیست؟ آیا اجازه می دهید آن را مطالعه کنم؟ پاسخ داد:

حدیث 127:

قالت: فیها اسماء الائمه من ولدی یا جابر لولا النهی لکنت افعل، لکنه قد نهی

ان یمسها الا النبی او وصی نبی او اهل بیت نبی <sup>(234)</sup>

(در این صحیفه اسامی امامانی ثبت شده است که همه از فرزندان من می باشند. ای جابر! اگر نهی نشده بود که غیر از ما آن را ننگرند، اجازه می دادم که مطالعه نمایی، هیچ کس حق ندارد، این صحیفه را مطالعه کند، مگر رسول خدا یا

وصی پیامبر صلی الله علیه و آله یا اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله <sup>(235)</sup>

### 4- آگاهی جابر از برخی مطالب صحیفه

مطالب و مباحث صحیفه حضرت زهرا علیها السلام جزو اسرار الهی بوده و فقط در اختیار اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله قرار داشت، اما برخی از اصحاب رسول خدا مانند جابر بن عبدالله انصاری با اجازه حضرت زهرا علیها السلام فقط از مباحث کلی آن تا حدودی اطلاع پیدا کرده و یا برخی از صفحات آن را دیده اند.

جابر نقل می کند: خدمت حضرت زهرا علیها السلام رسیدم، صحیفه نورانی را دیدم،

پرسیدم چه کتابی است؟ فرمود:

حدیث 128:

قالت: هذا لوح اهداه الله الى رسول الله ﷺ فيه اسم ابي و اسم بعلى و اسم ابني و اسماء الاوصياء من ولدي فاعطانيه ليسرني  
قال جابر، فيه اثنا عشر اسماء قلت اسماء من هولاء؟  
قالت: هذه اسماء الاوصياء اولهم ابن عمي و احد عشر من ولدي آخرهم القائم ﷺ

قال جابر: فرأيت فيها محمدا في ثلاثه مواضع و عليا في اربعة مواضع  
(این کتابی است که خدا آن را به پیامبر ﷺ اهدا فرمود: در این کتاب نام پدرم و شوهرم و اسم دو فرزندم و امامانی که همه از فرزندان من می باشند وجود دارد، رسول خدا آن را به من عطاء فرمود، تا خوشحالم کند.  
جابر گفت: دوازده نامی که در این کتاب است چه کسانی می باشند؟  
فرمود:

(این نام های جانشینان پیامبر، اول آنها علی ﷺ و یازده نفر دیگر که همه از نسل من می باشد و آخرین آنها حضرت قائم ﷺ است (236))

راه مصرف صدقات، حدیث 142

صله رحم، حدیث 57

صبر و بردباری فاطمه ﷺ، حدیث 162

## ط. ظ. ع

اول: عبادت فاطمه علیها السلام

ع - عرفان فاطمه علیها السلام از زبان علی علیه السلام، حدیث 130

الف - اخلاص در عبادت، حدیث 6

الف - شب ازدواج، حدیث 12 و 130

دوم: عرفان فاطمه علیها السلام

1- خدانشناسی فاطمه علیها السلام

خ - خدانشناسی

2- ترک دنیا پرستی

د - دنیا و دنیازدگی

3- نزول ملائکه و سلام فاطمه

م - معجزات و کرامات، ح 197 و 198 و 196

4- شکر در مشکلات و سختیها

ز - ساده زیستی و کار روزانه، حدیث 88

5- خداگرایی قبل از تولد

در آن روزهای سخت و مصیبت بار آغاز بعثت رسول اکرم صلی الله علیه و آله که از هر طرف، فشارهای اقتصادی و اجتماعی و روانی به خانواده پیامبر صلی الله علیه و آله تحمیل می شد، و دروغگویان بی پروا و بت پرستان بی ایمان، دعوت الهی رسول خدا را تکذیب می نمودند، حضرت خدیجه نگران آینده و تنهائی پیامبر صلی الله علیه و آله، و نیز نگران مصیبت ها و چگونگی مقابله با انواع تهاجمات قریش بود.

او، دل‌تنگ و مضطرب نشستند بود که صدای دل‌نوازی او را آرامش بخشید،  
فاطمه زهرا علیها السلام در شکم مادر، به دلداری مادر پرداخت و فرمود:

حدیث 129:

قالت: یا اماه لا تحزنی و لا ترهبی فان الله مع ابی  
(مادر جان! اندوهگین و مضطرب نباش زیرا پروردگار جهانیان یار و یاور  
پدرم (رسول الله صلی الله علیه و آله می باشد) <sup>(237)</sup>)

### 6- خداگرائی فاطمه علیها السلام در سنین کودکی

روزی که حضرت خدیجه علیها السلام از دنیا رفت، حضرت زهرا علیها السلام به دور پدر  
می چرخید و می پرسید:

حدیث 130:

قالت: یا ابه این امی  
(پدر جان، مادرم کجاست؟)  
جبرئیل علیه السلام فرمود: یا رسول الله! سلام ما را به فاطمه برسان، و به او اطلاع  
ده که مادرش خدیجه در خانه های بهشتی با آسیه و مریم زندگی می کند.  
قالت: ان الله هو السلام و منه السلام و الیه السلام <sup>(238)</sup>  
(بدرستی که خدا حقیقت اسلام است و از اوست سلام و سلام به سوی اوست)  
<sup>(239)</sup>

### 7- عرفان فاطمه از زبان علی علیه السلام

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله پس از ازدواج حضرت علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام، و سپری  
شدن مراسم عروسی، ابتدا از علی علیه السلام پرسید: همسرت فاطمه علیها السلام را چگونه  
یافتی؟

امام پاسخ داد:



نعم العون علی طاعه الله  
(خوب یار و یآوری است در اطاعت کردن از خدا)  
سپس از دخترش پرسیدند: شوهرت را چگونه یافتی؟ فرمود:  
حدیث 131:

قالت: خیر بعل

(بهترین شوهر است (240))

سوم: ارزش علم و عالم اسلامی

1- ارزش پرسش و پاسخ

امام علی علیه السلام نقل کرد که روزی یکی از زنان مدینه خدمت زهرا علیها السلام رسید  
و گفت:

مادر پیری دارم که در مسائل نماز سوالاتی دارد، و مرا فرستاده است تا  
مسائل شرعی نماز را از شما بیروم  
حضرت زهرا علیها السلام فرمود: بیروم.  
و آنگاه مسائل فراوانی مطرح کرد و پاسخ شنید  
در ادامه پرسشها، آن زن خجالت کشید و گفت:  
ای دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله! بیش از این نباید شما را به زحمت اندازم حضرت  
فاطمه علیها السلام فرمود:

حدیث: 132

قالت: هاتی وسلی عما بدا لک، ارایت من اکثری یوما یصعد الی سطح بحمل  
ثقیل و کراه مائة الف دینار یتقل علیه؟  
قالت: لا

فقالت: اكرتريت انا بكل مساله باكثر من ملء ما بين الثرى الى العرش لو لؤا  
فاحرى ان لا يتقل على (241)

(ياز هم بيا و آن چه سوال داری پیرس، آیا اگر کسی را روزی اجیر نمایند  
که بار سنگینی را به بام ببرد و در مقابل صد هزار دینار طلا مزد بگیرد، چنین  
کاری برای او دشوار است؟

گفت: خیر، حضرت ادامه داد:

من هر مساله ای را که پاسخ می دهم، بیش از فاصله بین زمین و عرش  
گوهر و لؤلؤ پاداش می گیرم، پس سزاوارتر است که بر من سنگین نیاید (242)

## 2- ارزشمندی یک حدیث

شخصی از مومنین مدینه روایتی را از حضرت زهرا علیها السلام درخواست نمود،  
حضرت به فضا فرمود، آن روایت را که بر کاغذی نوشته شده است بیاور، پس  
از جستجوی فراوان اطلاع داد که روایت مورد نظر گم شده است، حضرت زهرا  
علیها السلام ناراحت شده فرمود:

حدیث 133:

ویحک اطلبیها فانها تعدل عندی حسنا و حسینا (243)

(وای بر تو، بگرد و پیدا کن، زیرا ارزش معنوی این حدیث نزد من برابر با  
ارزش حسن و حسین علیهما السلام است (244))

با توجه به این رهنمود ارزشمند، نکات ظریفی نسبت به ارزش علم و  
تحقیقات اسلامی برای ما روشن می شود، مانند:

1- حضرت زهرا علیها السلام تمام روایات و احادیث پیامبر صلی الله علیه و آله را می نوشت.

2- احادیث نوشته شده را طوری نگهداری می فرمود که زود متوجه می شد،

فلان روایت در جای خود قرار دارد یا نه؟ (سیستم بایگانی روایات داشت.)

3- آیا در جهان علم می توان کسی را سراغ داشت که ارزش یک روایت را با ارزش فرزندانش، همانند امام حسن و امام حسین علیهما السلام برابر بداند؟

### چهارم: علم و آگاهی حضرت زهرا علیها السلام

#### 1- آگاهی از زمان شهادت

الف - روایت اسماء

اسماء بنت عمیس، همسر جعفر طیار می گوید:

هنگام شهادت حضرت زهرا علیها السلام در کنار او بودم، به من فرمود:

حدیث 134:

ان جبرئیل اتی النبی لما حضرته الوفاة بكافور من الجنة، فقسمة اثلاثا، ثلثا

لنفسه، و ثلثا لعلی و ثلثا لی و كان اربعین درهما

فقلت یا اسماء ایتینی ببقیه حنوط والدی فضعیه عند راسی وانتظرینی هنیهة

ثم ادعینی فان اجبتک و الا فاعلمی انی قد قدمت علی ابی <sup>(245)</sup>

(هنگام وفات پیامبر صلی الله علیه و آله، حضرت جبرئیل مقداری از کافور بهستی برای

رسول خدا آورد پیامبر صلی الله علیه و آله آن را سه قسمت کرد. یک قسمت آن را برای خود

برداشت، و قسمت دیگر آن را برای علی (علیه السلام) و قسمت آخر آن را

برای من گذاشت که (وزن) آن چهل درهم بود.

ای اسماء آن مقدار کافور را بیاور و کنار سرم بگذار، اندکی صبر کن و در

انتظار من باش سپس مرا صدا بزن، اگر جواب تو را ندادم، بدان که به پدرم

رسول خدا صلی الله علیه و آله ملحق شده ام)

اسماء می گوید: اندکی صبر کردم و آنگاه فاطمه علیها السلام را صدا زدم، جوابی

نشنیدم، دانستم که به ملکوت اعلی پیوسته است.

ب - روایت سلمی

«سلمی ام بنی رافع» نقل می کند که:

در لحظه های واپسین زندگانی حضرت زهرا علیها السلام در خدمتش بودم، آبی برای غسل و شستشوی بدن خواست. فوراً آماده کردم. سپس فرمود: لباسهای تازه مرا بیاورید.

لباسهای آن حضرت را آوردم، آنها را پوشید و وارد اطاق خود شد، و در بستر استراحت رو به قبله قرار گرفت، آنگاه خطاب به من فرمود:  
حدیث 135:

قالت: یا اماه انی مقبوضة الّا انی قد فرغت من نفسی و انی قد اغتسلت  
فلا یکشفنی احد <sup>(246)</sup>

ای مادر! من در همین لحظه، قبض روح می شوم و به سوی پروردگارم  
خواهم رفت، بدرستی که از جانم فارغ شدم. من غسل کرده ام (و با لباسهای  
پاکیزه آمیدم)، پس هیچکس لباس از تن من برنگیرد <sup>(247)</sup>  
پس از آن دست راست خود را زیر سر نهاد و روی به قبله آرمید و جان به  
جان آفرین تسلیم فرمود.

## 2. آگاهی از لحظه شهادت

الف - روایت ابن عباس

ابن عباس نقل می کند:

حضرت زهرا علیها السلام در لحظه های واپسین شهادت، دست حسن و حسین  
علیهم السلام را گرفت و به طرف قبر رسول خدا شتافت، سپس بین قبر و منبر پیامبر  
صلی الله علیه و آله دو رکعت نماز خواند، پس از نماز، حسن و حسین علیهم السلام را در آغوش  
خود فشرد و با آنها وداع نمود و فرمود:  
پدرتان علی علیه السلام در حال نماز خواندن است، پیش پدر بمانید.

آنگاه خود به سوی منزل حرکت کرد. همسر جعفر طیار «اسماء» را صدا زد و فرمود:

حدیث 136:

قالت: لا تفاقدینی فانی فی هذا البیت واضعه جنبی ساعه، فاذا مضت ساعه و لم اخرج فنادینی، فان اجبتک فادخلی والا فاعلمی انی الحقت برسول الله صلى الله عليه وآله

(ای اسماء! جایی نمی روم، در این اطاق ساعتی استراحت می کنم، پس از گذشت یک ساعت، اگر از اطاق بیرون نیامدم، مرا صدا کن، اگر جوابت دادم وارد شو، اما اگر پاسخی نشنیدی، بدان که به رسول خدا صلى الله عليه وآله پیوسته ام (و این دنیا بار سفر بستم <sup>(248)</sup>))

ب - رازگوئی با همسر

حضرت زهرا عليها السلام در ساعات آخر زندگانی خویش با امام علی علیه السلام رازی را افشا کرد، و از لحظه های وفات خویش خبر داد:

حدیث 137:

قالت: یا ابالحسن، رقدت الساعه فرایت حبیبی رسول الله صلى الله عليه وآله قصر من الدر الابيض، فلما رأنی قال صلى الله عليه وآله: «هلمی الی یا بنیه فانی الیک مشتاق» فقلت والله انی لاشد شوقا منک الی لقائک، فقال: «انت اللیله عندی» و هو الصادق لما وعد والموفی لما عاهد

(ای ابالحسن! در همین ساعت به خواب رفته بودم، محبوبم، رسول خدا را در قصری از مروارید سفید دیدم، چون مرا دید، فرمود: دخترم! به نزد من بشتاب که سخت مشتاق توام، پاسخ دادم: سوگند به خدا، اشتیاق من برای زیارت شما شدیدتر است، در این هنگام پدرم فرمود: تو امشب در پیش ما

خواهی بود، رسول خدا آن چه وعده دهد، راست است و به آن چه عهد و پیمان بندد وفا می کند (249)

### 3- آگاهی از شهادت حسین علیه السلام در کربلا

در زمزمه ها شاعرانه، از مشکلات اقتصادی، و سپس به شهادت حضرت اباعبدالله علیه السلام در کربلا، اشاره می فرماید:

حدیث 138:

امسوا جیاعا و هم اشبالی اصغرهم یقتل فی القتال  
بکربلا یقتل باغتیال لقاتلیه الویل مع وبال

1- فرزندانم دیشب را گرسنه به روز آوردند، کوچکترین آنان «حسین» در میدان جنگ کشته می شود.

2- در کربلا فرزندم را با حيله و تزویر شهید می کنند، نکبت و عذاب بر

قاتلانش باد (250)

### 4- علم بی نهایت

عمار یاسر نقل می کند: روزی حضرت فاطمه علیها السلام خطاب به حضرت امیرالمؤمنین فرمود:

حدیث 139:

ادن لاءحدثک بما کان و بما هو کائن و بما لم یکن الی یوم القیامه حین تقوم الساعه (251)

(علی جان! نزدیک بیا تا اطلاع دهم، شما را از آن چه در گذشته اتفاق افتاد و آن چه در حال به وقوع پیوستن است و آن چه در آینده رخ خواهد داد (252))

### 5- آگاهی از حوادث تلخ آینده

هنگام وفات غمبار رسول خدا صلی الله علیه و آله، تا سخنان پدر را شنید که فرمود:

برای فرزندانم گریه می کنم «ابکی لذریتی» بشدت گریست.

رسول خدا ﷺ فرمود: دخترم گریه مکن، آرام باش!

حضرت فاطمه علیها السلام پاسخ داد:

حدیث 140:

لست ابکی لما یصنع بی من بعدک و لکنی ابکی لفراقک یا رسول الله <sup>(253)</sup>  
(یدرم برای آن چه بعد از تو بر ما روا می دارند، گریه نمی کنم، بلکه گریه  
من از فراق و دوری تو است ای رسول خدا <sup>(254)</sup>)

### 6- اطلاع از شهادت

بعضی در مبارزه و دفاع از آینده خویش بی خبرند، و گروهی نمی دانند که  
سرنوشت آنها در جهاد و مبارزه به کجا می انجامد؟

اما یگانه دخت پیامبر ﷺ از آینده دفاع و مبارزه خویش باخبر بود، و از  
شهادت خود خبر می داد؟ روزی به امام علی علیه السلام فرمود:

حدیث 141:

قالت: یا ابالحسن ان رسول الله عهد الی و حدثنی انی اول اهلہ لحوقا به و لا  
بد منه فاصبر لامر الله تعالی و ارض بقضائه

(ای ابالحسن! همانا رسول خدا ﷺ با من پیمان بسته و خبر داده است که  
من اول کسی خواهم بود که به آن حضرت می پیوندم و گریزی از آن نیست، در  
برابر اوامر و فرمان و خواست خداوند بزرگ بردبار و به حکم او راضی باش  
<sup>(255)</sup>)

پنجم: علم بی نهایت، حدیث 139

غ. ف

اول: ماجرای سیاسی فدک

1- فدک، حق الهی فاطمه علیها السلام

پس از استقرار حکومت کودتائی سقیفه، ابوبکر، بر اساس مشورت با صاحب نظران خود، فدک را که رسول خدا صلی الله علیه و آله در دوران زندگانی خود به امر الهی به فاطمه علیها السلام بخشیده بود، غصب و کارگران آن حضرت را بیرون کرده و آن مزرعه را در اختیار خود گرفت.

حضرت زهرا علیها السلام برای اثبات حقانیت خویش چنین فرمود:

حدیث 142:

قالت: اما فدک فان الله عزوجل انزل علی نبيه قرانا یامر فیه باتیان حقی قال

الله تعالی

«فأت ذالقربی حقه»

فكنت انا و ولدی اقرب الخلائق الی رسول الله صلی الله علیه و آله فنحلنی و ولدی فدکا

فلما تلا علیه جبرئیل علیه السلام «والمسکین و ابن سبیل» فقال رسول الله صلی الله علیه و آله:

الیتامی: الذین یاتمون بالله و برسوله و بذی القربی

والمساکین: الذین اسکنوا معهم فی الدنیا و الاخره

واین السبیل: الذی یسلک مسلکهم

قال عمر: فاذا الخمس و الفی ء کله لکم و لموالیکم؟

فقالت: اما فدک، فواجبها الله لی و لولدی دون موالینا و شیعتنا و اما الخمس

فقسمه الله لنا و لموالینا و اشیاعنا کما یقرأ فی کتاب الله.

قال: فما لسائر المهاجرین و الانصار و التابعین؟



قالت: ان كانوا موالينا و من اشياعنا فلهم الصدقات التي قسمها الله و اوجبها  
في كتابه

فان الله عزوجل رضى بذلك و رسوله رضى به  
قسم على الموالاه و المتابعه لا على المعاداه و المخالفه، و من عادانا فقد عادى  
الله و من خالفنا فقد خالف الله و من خالف الله فقد استوجب من الله العذاب الاليم  
و العقاب الشديد فى الدنيا و الاخره  
قال: هاتى بينه يا بنت محمد على ما تدعين.

قالت: قد صدقتم جابر بن عبدالله و جرير بن عبدالله، لم تساءلوهما البينه و  
بينتى فى كتاب الله. (256)

(اما درباره فدک، همانا خداوند بزرگ قرآن را بر پیامبرش نازل فرمود، و در  
آن امر کرد که حق من داده شود.)  
«آت ذالقربى حقه»

چون من و فرزندانم نزدیکترین مردم به پیامبر ﷺ بودیم. رسول خدا فدک  
را به من و فرزندانم اعطا فرمود و آن گاه که حضرت جبرئیل آیه «درماندگان و  
مسافران» (257) را بر پیامبر اسلام تلاوت کرد، پدرم فرمود:

«یتیمان و مساکین» کسانی هستند که در سایه بارگاه الهی دست بر دامان  
پیامبر خدا و خاندانش دارند و با فاطمه و فرزندان او زندگی می کنند در دنیا و  
آخرت و «ابن السبیل» آنهايند که راه اهل بیت ﷺ را می روند)  
عمر (با حالت اعتراض) گفت:

پس خمس و غنائم جنگی و اموال عمومی کشور همه مال شما و پیروان  
شماست؟!  
پاسخ داد:

(اما باغهای فدک، خداوند در قرآن (بخشیدن) آن را به من و فرزندانم واجب کرده است، غیر از پیروان و شیعیان ما. اما خمس را خداوند برای ما و عموم پیروان و شیعیان ما تقسیم فرموده است، همان گونه که در قرآن خوانده می شود)

(عمر) دیگر بار پرسید: پس سهم دیگر مهاجرین و انصار و تابعین چیست؟

فاطمه علیها السلام توضیح داد:

(آنها اگر پیروان و شیعیان ما باشند، از صدقات مشخص شده در کتاب خدا بهره مند می باشند. خداوند بزرگ و پیامبرش به این گونه تقسیم اموال عمومی رضایت داده اند که میزان بهره بردن از اموال عمومی، دوستی و اطاعت از خدا و اهل بیت علیهم السلام است نه دشمنی و مخالفت، و (آگاه باشید) هر کس با ما دشمنی کند با خدا دشمنی کرده است. هر کس با ما مخالفت کند با خدا مخالفت کرده است و آن کسی که با خدا دشمنی و مخالفت کند، عذاب دردناک و مجازات شدید از ناحیه خداوند در دنیا و آخرت بر او واجب می گردد.)

عمر (خود را به بیراهه زده، پس از شنیدن اینهمه آیات و استدلالهای روشن قرآنی) گفت: ای دختر محمد! برای ادعای خود دلیل و مدرک بیاور!

حضرت فاطمه علیها السلام جواب داد:

(شما جابر بن عبدالله و جریر بن عبدالله را قبول دارید و سخن آنان را تصدیق می کنید و از آنها دلیل و مدرک نمی خواهید «هر چه خواستند و گفتند پذیرفتند و به آنها دادید» (چه شده است که از من دلیل و بینه می طلبید؟)

مدرک من در قرآن است <sup>(258)</sup>

## 2- مطالبه حق از ابوبکر

حضرت زهرا علیها السلام در مطالبه حق خود نسبت به فدک، خطاب به ابوبکر فرمود:

قالت: ان رسول الله صلى الله عليه وآله جعل لي فدك فاعطني اياها

(پیامبر اسلام فدک را برای من قرار داده است فدک را بمن برگردانید <sup>(259)</sup>)

و در سخنان ارزشمند دیگری فرمود:

حدیث 144:

قالت: يا ابا بكر لم تمنعني ميراثي من ابي رسول الله و اخرجت وكيلى من

فدك و قد جعلها لي رسول الله صلى الله عليه وآله باءمر الله تعالى <sup>(260)</sup>

(ای ابوبکر! چرا مانع رسیدن من به میراث پدرم می شوی؟ و کارگزاران مرا

از فدک بیرون کردی؟ در صورتی که رسول خدا به امر پروردگار فدک را به من

بخشیده است <sup>(261)</sup>)

## 3- کیفیت اعطای فدک به فاطمه علیها السلام

وقتی آیه «و آت ذالقربی حقه» نازل شد، جبرئیل به رسول خدا عرض کرد:

«اعط فاطمه فدکا»

(یا رسول الله) فدک را به فاطمه علیها السلام عطا کن

پیامبر اسلام، نزول آیه و امر الهی را به فاطمه زهرا علیها السلام ابلاغ فرمود و ادامه

داد:

فیمنعوك اياه من بعدی

(دخترم! فدک مال تو است، در آن تصرف نما، گرچه می دانم، پس از من آن

را غصب می کنند و از دست تو می گیرند)

حضرت فاطمه علیها السلام فرمود:

حدیث 145:

قالت: لست احدث فيها حدثا و انت حی  
انت اولی بی من نفسی و مالی لک... انفذ فیها امرک  
(ای رسول خدا) تا زنده ای من هرگز در (باغات) فدک تصرفی نخواهم کرد.  
تو بر من سزاوارتری و اموال من، مال تو است، اما برای اثبات حق من در فدک،  
مدرک و سند آن را محکم و استوار فرما)  
آنگاه رسول گرامی ﷺ مردم را منزل خویش جمع کرد و حکم الهی را به  
همگان ارائه فرمود. (262)

#### 4- سند فدک را پیامبر ﷺ نوشت

امام باقر علیه السلام نقل فرمود: رسول خدا ﷺ پس از نزول آیه «ذی القربی»  
فاطمه زهرا را طلبید و سند فدک را به اسم آن حضرت نوشت که پس از غصب  
فدک، آن را به ابوبکر نشان داد و فرمود:

حدیث 146:

قالت: هذا کتاب رسول الله ﷺ لی و لابنی (263)

(این نامه را رسول خدا ﷺ برای من و فرزندانم نوشته است)

#### 5- بشارت اعطای فدک به فاطمه و فرزندان فاطمه علیها السلام

انس بن مالک نقل می کند:

حضرت زهرا علیها السلام پس از غصب باغهای فدک خطاب به ابوبکر فرمود:

حدیث 147:

قالت: لقد علمت الذی ظلمتنا عنه اهل البیت من الصدقات و ما افاء الله علینا

من الغنائم فی القرآن سهم ذوی القربی

«واعلموا انما غنمتم من شیء فان لله خمسة و للرسول و لذی القربی» (264)

قال ابوبکر: یسلم الیکم کاملاً؟

قالت: افلک هو؟ و لا قربائک؟

قال ابوبکر: اصرف فی مصالح المسلمین

قالت: لیس هذا حکم الله تعالی ان رسول الله ﷺ لم یعهد الی فی ذلک بشی

ء الا انی سمعته یقول لما انزلت هذه الآیة «واعلموا انما غنمتم...»

ابشروا آل محمد فقد جاءکم الغنی (265)

قال ابوبکر: لم یبلغ علمی من هذه الایه ان اسلم الیکم هذا السهم کله کاملاً

(ای ابوبکر!) تو می شناسی و می دانی که حق ما اهل بیت غصب شده است

حقی که از صدقات و غنائم داریم که خداوند در آیه مربوط به غنائم و مصرف

خمس آن را توضیح داده است

«اگر بخدا و آنچه بر بنده خود در روز فرقان که دو گروه بهم رسیدند، نازل

کردیم، ایمان آورده اید، بدانید هرگاه چیزی را به غنیمت گرفتید، خمس آن

برای خداوند و پیامبر و خویشاوندان و یتیمان و مسکینان و در راه ماندگان

است»

ابوبکر گفت: آیا فدک را بطور کامل باید تسلیم شما کنم و (مال شماست؟)

حضرت زهرا علیها السلام پاسخ داد:

(آیا فدک مال تو است؟ و یا به نزدیکان تو اختصاص دارد؟)

ابوبکر گفت: من آن را در رابطه با مصالح مسلمین خرج می کنم.

حضرت زهرا علیها السلام فرمود:

(این حکم الهی نیست (که اموال مشخص مردم را تصاحب کنی) و پدرم

رسول خدا چنین دستوری بما نداده است. در صورتی که از پدرم رسول خدا

پس از نزول آیه 41 انفال شنیدم که فرمود: بشارت باد ای فرزندان محمد ﷺ که مایه غنا و بی نیازی شما رسیده است) ابوبکر که دیگر عذری نمی توانست بیاورد، به تفسیر شخصی خویش متوسل شد و گفت:

علم من اجازه نمی دهد که طبق این آیه، فدک را تماما به شما تحویل دهم (266)

جای بسی شگفتی است، رسول گرامی اسلام ﷺ پس از نزول همین آیه، فدک را به فاطمه علیها السلام می بخشد، اما علم ابوبکر برابر قرآن و فرمان الهی و عمل رسول خدا ﷺ اجازه نمی دهد تا دست از غضب فدک بردارد؟!

دوم: فدک میراث پیامبر و اموال فاطمه علیها السلام است

#### 1- مطالبه میراث پیامبر صلی الله علیه و آله

جابر بن عبدالله انصاری نقل می کند که حضرت زهرا علیها السلام پس از غضب فدک به ابوبکر فرمود:

حدیث 148:

قالت: اعطني میراثی من ابی رسول الله صلی الله علیه و آله

(میراث پدرم را به من بازگردان.)

ابوبکر گفت: پیامبر ارث نمی گذارد. «النبی لا یورث»

فقالت: الم یرث سلیمان داود؟

(آیا سلیمان (بیغمبر) از داوود بیغمبر ارث نبرده است؟ (267))

ابوبکر عصبانی شد و پاسخ داد: «پیامبر ارث نمی گذارد»

فقالت: الم یقل زکریا فهب لی من لدنک ولیا یرثنی و یرث من آل یعقوب؟

(268)

(آیا زکریای پیامبر نفرمود که خدایا فرزندی به من عطا فرما تا از من و از آل یعقوب ارث ببرد؟)

ابوبکر تکرار کرد که «پیامبر ارث نمی گذارد»

فقلت: الم یقل یوصیکم الله فی اولادکم للذکر مثل حظ الانثیین؟<sup>(269)</sup>

حضرت زهرا علیها السلام ادامه داد که:

(ای ابوبکر! آیا قرآن کریم نفرموده است که خدا وصیت کرده در فرزندان شما، پسر دو برابر دختر ارث می برد؟ «پس ارث دختر از پدر غیر قابل انکار است»)

و ابوبکر همان سخن اول خود را که مخالف آیات قرآن بود تکرار کرد که «پیامبر ارث نمی گذارد»<sup>(270)</sup>

## 2- اثبات ارث با آیات قرآن

حضرت زهرا علیها السلام وقتی غضب فدک را محکوم کرد، از ابوبکر پرسید: چرا

ارث مرا از رسول خدا غضب کردید؟

ابوبکر پاسخ داد: پیامبر ارث نمی گذارد.

حضرت فاطمه علیها السلام با آیات قرآن ادعای او را مردود شمرد و فرمود:

حدیث 149:

قالت اکفرت بالله؟ و کذبت بکتابه؟ قال الله:

یوصیکم الله فی اولادکم للذکر مثل حظ الانثیین<sup>(271)</sup>

(ابوبکر! آیا به خدا کافر شده ای و کتاب خدا را تکذیب کرده ای؟ خداوند

در قرآن کریم فرموده است: وصیت می کند خداوند شما را درباره فرزندانان که

پسر دو برابر دختر ارث می برد.<sup>(272)</sup>

### 3- اثبات ارث با مناظره و استدلال عقلی و شرعی

حضرت زهرا علیها السلام پس از غضب فدک در یک مناظره کوبنده از ابوبکر

سؤال کرد:

حدیث 150:

قالت: یا ابابکر من یرثک اذا مت؟

(ای ابوبکر چه کسی از تو ارث می برد، هنگامی که مردی؟)

ابوبکر پاسخ داد: (زن و فرزندانم)

حضرت زهرا ادامه داد:

فما لی لا یرث رسول الله صلی الله علیه و آله؟

(پس چه شده است که من (دختر رسول خدا) از پدرم ارث نمی برم؟)

ابوبکر پاسخی نداشت. فقط ادعای خود را مطرح کرد که «پیامبر ارث نمی

گذارد»

حضرت زهرا علیها السلام در حالی که خشمی مقدس همه وجود او را گرفته بود،

فرمود:

حدیث 151:

قالت: والله لاءدعون الله علیک و الله لا اکلمک بکلمه ما حییت <sup>(273)</sup>

(سوگند به خدا تو را نفرین می کنم، سوگند به خدا تا زنده ام کلمه ای با تو

صحبت نخواهم کرد <sup>(274)</sup>)

### 4- مناظره کوبنده و اولین شهادت باطل

امام صادق علیه السلام نقل فرمود: پس از غضب فدک با ادعای ساختگی ابوبکر که

«پیامبر ارث نمی گذارد»، حضرت زهرا علیها السلام خطاب به ابوبکر فرمود:

حدیث 152:



قالت: يا ابا بكر ادعيت انك خليفه ابي و جلست مجلسه و انك بعثت الي وكيلى فاخرجته من فدك و قد تعلم ان رسول الله ﷺ تصدق بها على و ان بذلك شهودا

قال ابوبكر: ان النبى لا يورث

قالت: زعمت ان النبى ﷺ لا يورث

«و ورث سليمان داود (275)»

و ورث يحيى زكريا

و كيف لا ارث انا ابي؟

قال ابوبكر ان عائشه و عمر شهدا انهما سمعا رسول الله ﷺ يقول ان النبى لا يورث.

(اى ابوبكر! ادعای خلافت و جانشینی پدرم را داری و بر جای او نشسته ای و آنگاه افرادی را به سوی وکیل من در فدک فرستادی و او را بیرون کردی! در حالی که خوب می دانی رسول خدا ﷺ فدک را به من بخشیده است و من بر این بخشش گواهانی دارم.)

ابوبکر گفت: پیامبر ارث نمی گذارد.

حضرت زهرا عليها السلام برای اثبات ارث پیامبران از آیات قرآن استفاده کرد و فرمود:

(و گمان داری که پیامبر ارث نمی گذارد. در صورتی که در قرآن آمده است: «حضرت سلیمان از داوود پیامبر ارث برد» و حضرت یحیی از زکریا ارث برده است، چگونه من از پدرم ارث نمی برم؟)

ابوبکر که جوابی نداشت، گفت:

(عائشه و عمر شهادت می دهند که رسول خدا فرمود:

پیامبر ارث نمی گذارد

«ناگهان از حدیث جعلی به شهادت آن دو تن تنزل کرد»

حضرت زهرا علیها السلام جواب داد: (276)

حدیث 153:

قالت: فقالت: هذا اول شهادة زور شهدا بها في الاسلام، فان فدكا انما هي تصدق بها على رسول الله صلى الله عليه وآله ولي بذلك بينه (این اولین شهادت باطل است که آن دو تن در اسلام گواهی دادند. زیرا فدک به من بخشیده شده و رسول خدا آن را به من عطا فرمود و بر این بخشش دلیل و مدرک دارم. (277))

#### 5- اثبات ارث با شهادت شاهدان

پس از آنکه ابوبکر در برابر استدلالهای روشن قرآنی حضرت زهرا علیها السلام جوابی برای غضب فدک نداشت، و برای اثبات حدیث جعلی به شهادت عائشه و عمر متوسل شد، لازم بود در برابر شهادت دروغین آنها از شهادت شاهدان صادق استفاده شود.

از این رو، ام ایمن و اسماء بنت عمیس به نفع حضرت زهرا علیها السلام در اعطای فدک از طرف رسول خدا به دخترش گواهی دادند. اما عمر و ابوبکر تسلیم نمی شدند.

حضرت فاطمه علیها السلام فرمود:

حدیث 154:

فقالت: الم تسمعا من ابی رسول الله صلى الله عليه وآله يقول:

اسماء بنت عمیس و ام ایمن من اهل الجنة؟

قالا بلی.

فقلت: امراءتان من الجنة تشهدان بباطل؟

ثم قالت قد اخبرني ابي باني اول من يلحق به فوالله لاءشكونهما (278)

(آيا مگر از پدرم رسول الله ﷺ نشنیده اید که فرمود: اسماء و ام ایمن از

اهل بهشتند؟ (279)

ابوبکر و عمر گفتند: آری شنیدیم.

حضرت فاطمه عليها السلام فرمود:

(پس چرا با شهادتشان فدک را تحویل من نمی دهید؟) آیا دو زن بهشتی به

باطل شهادت داده اند؟)

و چون پاسخ مثبتی از آن دو نفر نشنید در حالی که درد آلود، رسول خدا را

می خواند، فرمود:

(پیامبر خدا مرا خبر داده است، من اول کسی هستم که به آن حضرت ملحق

می گردم. پس سوگند به خدا که از ابوبکر و عمر در حضور پیامبر شکایت می

کنم.)

و در روایت دیگری آمده است که پس از شهادت باطل عائشه و عمر در

اثبات حدیث ادعایی ابوبکر، حضرت زهرا عليها السلام از امیرالمومنین عليه السلام و ام ایمن

که شاهدان صادق اعطای فدک از طرف رسول خدا صلی الله علیه و آله به دخترش بودند،

درخواست گواهی نمود

امام علی عليه السلام و ام ایمن شهادت دادند که «فدک را رسول خدا صلی الله علیه و آله به

فاطمه بخشیده است»

آن گاه حضرت زهرا عليها السلام به ابوبکر فرمود: دیگر چه می گوئید؟

حدیث 155:

فقلت: علی عليه السلام و ام ایمن یشهدان بذلک (280)

(علی علیه السلام و ام ایمن شهادت می دهند که فدک را رسول خدا صلی الله علیه و آله بمن بخشیده است <sup>(281)</sup>)

اگر شهادت ملاک است، پس فدک را به من برگردانید.  
اما متأسفانه پاسخ شنید که:

ای دختر رسول خدا! فدک را فقط با شهادت دو مرد یا یک مرد و دو زن می توانیم به شما برگردانیم. <sup>(282)</sup>

و یادشان رفته بود که اسماء بنت عمیس و ام ایمن قبلاً شهادت داده بودند و ابابکر قول داده بود «اگر ام ایمن شهادت دهد، فدک را برمی گردانم» <sup>(283)</sup>  
اما پس از گواهی او بهانه دیگری مطرح کرد که  
(دو زن با یک مرد باید شهادت دهند)

#### سوم: غصب فدک

سران سقیفه ابتدا غصب فدک را با ادعای حدیث جعلی و شهادت شهود می خواستند اسلامی جلوه دهند، اما استدلالهای قرآنی حضرت زهرا علیها السلام، و افشاگریهای کوثر قرآن، همه آن ترفندها را نقش بر آب نمود و ناچار شدند با سرنیزه و سیلی زدن و فشار و قدرت، فدک را در دست خود نگهدارند.

وقتی ابوبکر از حدیث دروغین دست کشید و به شهادت گواهان تکیه نمود، حضرت زهرا علیها السلام پس از گواهی امیرالمومنین علیه السلام و ام ایمن به ابوبکر فرمود:

حدیث 156:

قالت: ان ابی اعطانی فدکا و علی علیه السلام و ام ایمن یشهدان

(بدرستی که پدرم فدک را به من بخشید و علی علیه السلام و ام ایمن هم شهادت می دهند)

ابوبکر به ظاهر تسلیم شد، دستور داد کاغذی آوردند که در آن نوشت:  
«فدک جزو اموال فاطمه علیها السلام است، به او بازگردانید»  
حضرت زهرا علیها السلام نامه خلیفه را گرفت به طرف منزل می آمد که عمر در  
بین راه، توطئه غصب فدک را افشا کرد، و با حرکت خشن خود نشان داد که  
جعل حدیث و شهادت شاهدان، و طرح مباحث حقوقی در غصب فدک، همه  
بهانه ای بیش نبود.

عمر با خشونت پرسید: از کجا می آیی فاطمه علیها السلام؟

حضرت زهرا علیها السلام پاسخ داد:

حدیث 157:

قالت: جئت من عند ابی بکر اخبرته ان رسول الله صلی الله علیه و آله اعطانی فدکا و ان  
علیا و ام ایمن یشهدان لی فاء عطانیها و کتب لی بها <sup>(284)</sup>  
(از نزد ابوبکر می آیم، به او خبر دادم که رسول خدا فدک را به من اعطا  
فرمود و علی علیه السلام و ام ایمن بر حقانیت من گواهی می دهند. بنابراین ابوبکر  
تسلیم شد و نامه ای (جهت بازگرداندن فدک) برای من نوشت)  
عمر قدم پیش گذاشت و گفت: نامه ابابکر را بده  
حضرت زهرا علیها السلام امتناع ورزید

اما عمر با شدت نامه ابوبکر را گرفت و بر آن آب دهان انداخت و سیلی به  
صورت زهرا علیها السلام نواخت و نامه را پاره کرد و سوزاند. <sup>(285)</sup>

چهارم: کشاندن ماجرای فدک به اجتماعات مسلمین

آن گاه که ادعاها دروغین از آب درآمد

و ماسکهای بظاهر اسلامی فرو افتاد

و جواب استدلالهای قرآنی و شهادت شاهدان صادق را نادیده گرفتند و نامه و حکم حکومتی خود را به هیچ انگاشتند و بر آن آب دهان انداختند و آن را سوزاندند و در تداوم حرکت نظامی، برهان و استدلال دختر پیامبر ﷺ را با سیلی و شلاق پاسخ دادند، چاره ای جز افشاگری و کشاندن ماجرای فدک به اجتماعات مسلمین وجود نداشت

باید با مردم حرف می زد و مردم را بیدار می نمود.

### 1- مناظره در اجتماع مسلمین

حضرت فاطمه علیها السلام همراه با حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام و فرزندانش حسن و حسین علیهما السلام به سوی خانه های مهاجرین و انصار رفت و آنها را به یاری طلبید و روزی دیگر در جمع مسلمین ابوبکر و عمر را مخاطب قرار داد تو فرمود:

حدیث 158:

قالت: ایست فدک فی یدی؟ و فیها و کیلی و قد اکت غلتها و رسول الله

صلی الله علیه و آله حی؟

قالا بلی

قالت: فلم تساءلانی فی البینه علی ما فی یدی؟!

قالا: لانها فیء المسلمین

قالت: لهما و الناس حولهما یسمعون:

افتريد ان تردا ما صنع رسول الله صلی الله علیه و آله و تحكما فینا خاصه بما لم تحكما فی

سائر المسلمین؟ ایها الناس اسمعوا ما ركبهاها. اءراءیتما ان ادعیت ما فی یدی

المسلمین من اموالهم تسالونتی البینه ام تسالونهم؟

قالا: لا بل نسالک

قالت: فان ادعى جميع المسلمين ما فى ىدى تسالونهم البينه ام تسالوننى؟  
فغضب عمر و قال: ان هذا فى ء للمسلمين.

قالت: حسبى انشدكم بالله ايها الناس اما سمعتم رسول الله ﷺ يقول: ان ابنتى  
سيده نساء اهل الجنة؟ (286)  
قالوا: اللهم نعم.

قالت: افسيده نساء اهل الجنة تدعى الباطل و تاخذ ما ليس لها؟ ارايتم لو ان  
اربعه شهدوا على بفاحشه او رجلين بسرقة اكنتم مصدقين على؟  
قال عمر: نعم و نوقع عليك الحد

فقالت: كذبت و لومت الا ان تقر انك لست على دين محمد ﷺ ان الذى  
يجيز على سيده نساء اهل الجنة شهادة او يقيم عليها حدا لملعون كافر بما انزل  
الله على محمد ﷺ ان اذهب الله عنهم الرجس و طهرهم تطهيرا لا تجوز عليهم  
شهادة لانهم معصومون من كل سوء مطهرون من كل فاحشه:

(آيا باغات فدك در دست من نبود؟

و وكلا و كارگران من در آن كار نمى كردند؟

و من از ميوه ها و سبزيجات آن نمى خوردم؟

آن هم در روزهاى كه رسول خدا زنده بودند؟

عمر و ابوبكر گفتند: آرى

حضرت فاطمه ؑ ادامه داد:

(پس آن چه كه در دست من بود، براى گرفتن آن چرا از من سوال نكرديد؟

و از مدرک و سند آن نپرسيديد؟)

عمر و ابوبكر گفتند: براى اين كه فدك جزو اموال مسلمين است.

حضرت زهرا عليها السلام خطاب به آن دو نفر در حالی که جمعیت فراوانی اطرافشان گرد آمده بودند فرمود:

(آیا شما اراده کردید آن چه را که رسول خدا صلی الله علیه و آله انجام داده است، دگرگون سازید؟

و درباره ما اهل بیت حکمی نمایید که درباره دیگران روا نمی دارید؟ ای مردم مدینه! بشنوید، این دو نفر چه می گویند و چه می کنند؟ از شما دو نفر می پرسم:

آیا اگر من اموالی را که در دست مسلمانان است، ادعا نمایم از من دلیل و مدرک می خواهید، یا از دیگران و صاحبان اموال؟)

گفتند: از تو که مدعی اموال دیگرانی حضرت فاطمه عليها السلام دیگر بار پرسید:

(حال اگر مسلمانان اموالی را که در دست من است، ادعا نمایند، از آنها باید دلیل و مدرک بطلبید یا از من؟)

عمر در حالی که سخت عصبانی شده بود جواب نداد و همان حرف قبلی را تکرار کرد که: فدک جزو اموال مسلمین است.

حضرت زهرا عليها السلام خطاب به جمعیت حاضر فرمود:  
(کافی است، شما را بخدا سوگند می دهم

ای مردم! آیا از پیامبر اسلام شنیدید که می فرمود:

همانا دخترم فاطمه سید و بزرگ زنان اهل بهشت است؟)

جمعیت همگی گفتند: آری از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدیم.

پس از اعتراف عموم مردم حضرت ادامه داد:



ای مردم آیا سید و بزرگ زنان بهشتی ادعای باطل می کند و اموالی را می گیرد که مال او نیست؟ ای مردم چگونه فکر می کنید اگر چهار نفر علیه من به عمل زشتی شهادت دهند و یا دو نفر شهادت دهند که من دزدی کردم آیا آنها را تصدیق می کنید؟)

در میان سکوت مسلمانان و ابوبکر، عمر گفت:

آری و بر تو حد جاری می سازیم.

حضرت زهرا علیها السلام فرمود:

(دروغ گفتمی و دشمنی و پستی خود را ظاهر ساختی،

مگر آن که اقرار کنی که بر دین محمد صلی الله علیه و آله نیستی.

آن کس که بخود اجازه می دهد تا بر سید زنان بهشتی شهادت دروغ روا

دارد یا بر او حدی جایز شمارد، کافر و مورد لعن و نفرین الهی است.

زیرا آیات الهی را که بر پیامبر اسلام نازل شده است، منکر شده

خدائی که زشتی ها و پلیدیها را از اهل بیت دور کرده و آنها را از هر گونه

گناه و لغزشی پاک نموده، اجازه نمی دهد که کسی شهادت دروغ بر ضدشان

مطرح نماید، به علت آن که اهل بیت علیهم السلام از بدی معصوم و از هر عمل زشتی

پاک و مطهرند <sup>(287)</sup>)

## 2- به یاری طلبیدن مسلمانان

در تداوم افشاگریهای اجتماعی، حضرت زهرا علیها السلام به طرف خانه های

مهاجرین و انصار می رفت و آنان را به یاری می طلبید تا غضب فدک را ساده

نشانند. روزی خطاب به معاذ بن جبل فرمود:

حدیث 159:

قالت: يا معاذ بن جبل اني قد جئتک مستنصره و قد بايعت رسول الله ﷺ  
 على ان تنصره و ذريته و تمنعه مما تمنع منه نفسک و ذريتک و ان ابابکر قد  
 غصبنى على فدک و اخرج وکيلي منها  
 (ای معاذبن جبل! همانا نزد تو آمده ام و از تو طلب یاری دارم.  
 زیرا که با پیامبر خدا ﷺ بیعت کردی تا پیامبر و فرزندان او را یاری و از  
 آنان دفاع کنی همچنان که از خود و خاندان خود دفاع می کنی.  
 بدرستی که ابوبکر حق مرا در فدک غصب کرده است و وکیل و کارگران مرا  
 اخراج نموده است (288))

### 3- آگاهی از پیمان شکنی مخالفان ولایت

در همان لحظه های آغازین اعلام ولایت امیرالمؤمنین عليه السلام در غدیر خم، و  
 تحقق بیعت عمومی برای ولایت، حضرت زهرا عليها السلام از پیمان شکنی، و دورویی  
 مخالفان غدیر، آگاهی داشت

آنگاه که حارث بن نعمان مخالفت کرد و گفت:

خدایا اگر ولایت علی عليه السلام بحق از طرف تو اعلام شد سنگی بر من فرود  
 آید و به زندگی من خاتمه دهد

که فوراً عذاب الهی رسید، و سنگی از آسمان فرود آمد و او را کشت  
 حضرت زهرا عليها السلام نگاهی معنادار به امام علی عليه السلام نمود و فرمود:

حدیث 160:

قالت اتظن يا ابالحسن ان هذا الرجل وحده؟ والله ما هو الا طليعه قوم لا  
 يلبثون ان يكشفوا عن وجوههم اقنعتها عندما تلوح لهم الفرصه  
 (ای ابوالحسن! آیا گمان می کنی در مخالفت با غدیر، این مرد تنهاست؟

سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره اشان فرو نیافتاده است.

و آنگاه که فرصت بدست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت (289)  
علی علیه السلام در پاسخ فرمود:

من دستور خدا و پیامبر را انجام می دهم و بخدا توکل می کنم که بهترین یاری دهنده است.

4- سخن رانی افشاگرانه در مسجد

خ - خطبه ها، خطبه حضرت در مسجد حدیث 57

پنجم: فضائل فاطمه علیها السلام از کلام پیامبر صلی الله علیه و آله

1- فاطمه علیها السلام بزرگ زن جهانیان

در آخرین لحظه های زندگانی پیامبر صلی الله علیه و آله فاطمه علیها السلام بشدت گریست، رسول خدا صدای گریه دخترش را شنید، مطالبی را آهسته به او منتقل فرمود که فاطمه خندید، و علت آن را اینگونه توضیح داد که:

حدیث 161:

قالت: فبکیت بکائی الذی رایت فلما رای حزنی سارنی الثانیه فقال صلی الله علیه و آله: یا

فاطمه اما ترضین ان تکونی سیده نساء العالمین؟

فضحکت (290)

(وقتی حال رسول خدا را آن چنان دیدم، گریستم گریه ای که شما دیدید. وقتی پدرم حزن و اندوه مرا مشاهده فرمود، دوباره با من نجوا کرد و فرمود: ای فاطمه! آیا راضی و خشنود نیستی که سید و بزرگ زنان جهانیان باشی؟ پس خندیدم (و شاد شدم ((291)))

## 2- فاطمه عليها السلام بزرگ زن بانوان بهشتی

حضرت فاطمه عليها السلام فرمود:

در لحظه های آخر زندگانی، وقتی پدر صدای گریه مرا شنید، فرمود:

حدیث 162:

یا بنیه انه لیس احد من نساء المسلمین اعظم رزیه منک فلا تکونی من اذنی

امراه صبرا انک سیده نساء اهل الجنة <sup>(292)</sup>

(دختر عزیزم! هیچ کدام از زنان مسلمانان ارزش و مقام تو را ندارند. پس در

صبر و بردباری همانند کمترین زنان نباش، زیرا تو سید و بزرگ زنان بهشتی

<sup>(293)</sup>

## ق

اول: قرآن و تلاوت قرآن

### 1- فضیلت قرائت قرآن

حضرت فاطمه علیها السلام نسبت به تلاوت برخی از سوره های قرآن فرمود:

حدیث 163:

قالت: قاری ء الحديد، و اذا وقعت، والرحمن، يدعى فى السموات والارض،

ساکن الفردوس

(تلاوت کننده سوره «حید و واقعه و الرحمن» در آسمانها و زمین اهل

بهشت خوانده می شود <sup>(294)</sup>)

### 2- اشتیاق تلاوت قرآن

و در رهنمود ارزشمند دیگری فرمود:

حدیث 164:

قالت: حبيب الى من دنياكم ثلاث:

تلاوه كتاب الله و النظر فى وجه رسول الله و الاءنفاق فى سبيل الله

(از دنیای شما سه چیز محبوب من است:

1- تلاوت قرآن

2- نگاه به چهره رسول خدا صلی الله علیه و آله

3- انفاق در راه خدا <sup>(295)</sup>)

3- سفارش به خواندن قرآن بر روی قبر خویش

و - وصیت های شخصی

دوم: قضاوت

مشکل قضاوت میان کودکان - ت - تربیت کودک حدیث 45

سوم: معاد و قیامت

1- یاد قیامت

رسول گرامی اسلام روزی فاطمه ع.ا.س. را نگران و اندوهگین یافت و پرسید:

حزن و اندوه تو برای چیست؟

پاسخ شنید:

حدیث 165:

قالت: یا ابه ذکرت المحشر و وقوف الناس عراة یوم القیامه، واسواتاه یومئذ

من الله عزوجل <sup>(296)</sup>

(ای پدر! یاد آوردم روز محشر و توقف مردم را در آن روز، در حالی که

برهنه اند. وای از زشتیها در پیشگاه خدای بزرگ در آن روز <sup>(297)</sup>)

2- ترس از عذاب قیامت - ت - ترس حدیث 46

## ک. گ

### گریه های مداوم فاطمه علیها السلام

پس از وفات رسول خدا صلی الله علیه و آله و پیش آمدن مشکلات و مصیبتها بر اهل بیت علیهم السلام عزاداری و گریه های حضرت زهرا علیها السلام تداوم داشت، و طبیعی بود که سران حکومت کودتا، احساس خطر می کردند.

افرادی را خدمت امیرالمؤمنین فرستادند، تا گریه ها و عزاداری حضرت فاطمه علیها السلام را کنترل نماید.

و امام علی علیه السلام به آن حضرت اطلاع داد که گروهی آمده اند و می گویند:

فاطمه علیها السلام یا شب گریه کند و یا روز!

حضرت فاطمه علیها السلام جواب داد:

حدیث 166:

قالت: یا ابالحسن ما اقل مکتی بینهم و ما اقرب مغیبی من بین اظهرهم فوالله

لا اسکت لیلا و لا نهارا و اءلحق بابی رسول الله صلی الله علیه و آله

(ای ابالحسن، چقدر اندک است، ماندن من در میان مردم و چقدر نزدیک

است، زمان پنهان شدن من از جمعشان! سوگند به خدا هرگز سکوت نمی کنم،

نه در شب و نه در روز، (گریه های مداوم را تعطیل نمی نمایم) تا این که به

پدرم رسول الله صلی الله علیه و آله ملحق گردم. (298)

حضرت علی علیه السلام فرمود: هر طور دوست داری عمل کن!

و آن گاه جائی را در بقیع بنام «بیت الاحزان» برای فاطمه علیها السلام درست کرد

تا به عزاداری و گریه های خود ادامه دهد (299)

### اول: حق مالکیت خصوصی

حضرت زهرا علیها السلام نسبت به حق مالکیت خصوصی و احترام به اموال دیگران

فرمود:

حدیث 167:

قالت: الرجل احق بصدر دابته و صدر فراشه والصلاحه فی منزله الا امام یجتمع

الناس علیه <sup>(300)</sup>

(هر فردی سزاوارتر است به سواری از اسب خویش، و اداره خانه و خانواده

خویش و نماز خواندن در منزل خویش. مگر فردی که مردم درخواست نماز

جماعت از او داشته باشند <sup>(301)</sup>)

و در کلام ارزشمند دیگری فرمود:

حدیث 168:

قالت: صاحب الدابه احق بصدرها <sup>(302)</sup>

(صاحب مرکب سزاوارتر است به سواری از مرکب خویش <sup>(303)</sup>)

### دوم: انواع مبارزات سیاسی

#### 1- یادآوری و هشدار

در برابر گروهی که می خواستند، عذر تقصیر بیاورند و گذشته ها را بگونه

ای فراموش نمایند، فرمود:

حدیث 169:

قالت: تعلمون ان عمر جاءنی و حلف لی بالله ان عدتم لیحرقن علیکم البیت؟

<sup>(304)</sup>



(شما می دانید که عمر پشت درب خانه ما آمد و سوگند یاد کرد که اگر از بیعت سرپیچی کنم، خانه را بر سر ما آتش خواهد زد (305))

## 2- افشاگری و محکومیت

ابوبکر و عمر، پس از تقویت حکومت خویش و سرکوبی مخالفان، برای جلب افکار عمومی به فکر دلجوئی از حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَامُ و جبران اشتباهات گذشته افتادند، و با تلاش فراوان همراه با امام علی عَلَيْهِ السَّلَامُ به خدمت آن یگانه دخت پیامبر رسیدند

سلام کردند. عذرخواهی نمودند که:

(گذشته ها گذشت و اشتباهاتی تحقق یافت، به هر حال شما دختر پیامبر رحمت، باید گذشته ها را نادیده انگارید و ما را عفو فرمائید.)

حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَامُ برای آن که واقعیت ها را به همه انسانها در طول تاریخ بشناسند، و به آنها نیز بفهماند که هر گذشته ای را نمی توان نادیده انگاشت و در برابر انحراف ملت و سیر ارتجاعی حکومت نمی شود بی تفاوت ماند، آنها را به سخنان رسول گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ توجه داد و فرمود:

حدیث 70: 1

قالت: نشدتكما الله الم تسمعا رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يقول:

فاطمه بضعه منى من آذاها فقد آذانى؟

رضا فاطمه من رضای و سخط فاطمه من سخطى؟

فمن احب فاطمه ابنتى فقد احبنى، و من ارضى فاطمه فقد ارضانى؟!!

قالا نعم

قالت: فانى اشهد الله و ملائكته انكما اسخطتمانى و ما ارضيتمانى و لئن لقيت

النبي لا شكونكما اليه. (306)

(شما را بخدا سوگند می‌دهم آیا شنیده اید که رسول خدا ﷺ فرمود:  
فاطمه پاره تن من است و من از اویم، هر که او را بیازارد مرا آزرده  
خشنودی فاطمه موجب خشنودی من است و خشم و غضب فاطمه خشم و  
غضب من، هر کس فاطمه را دوست بدارد مرا دوست داشته و هر کس فاطمه را  
خشنود سازد مرا خشنود ساخته است؟)

ابوبکر و عمر پاسخ دادند آری (این کلمات را از پیامبر شنیدیم).

حضرت زهرا علیها السلام پس از اعتراف آن دو نفر فرمود:

(خدا و ملائکه را بشهادت می‌طلبم که شما دو نفر مرا به خشم آوردید و  
آزردید و موجبات خشنودی مرا فراهم نکردید. اگر با پدرم رسول خدا ملاقات  
کنم، شکایت شما را نزد پدرم خواهم برد. <sup>(307)</sup>)

### 3- افشاگری و سرزنش مردم

پس از آنکه برای ابوبکر بیعت گرفتند، و مردم سکوت و انزوا را برگزیدند،

حضرت زهرا علیها السلام فرمود:

حدیث 171:

قالت: ما رایت کالیوم قط حضروا اسوء محضرا، ترکوا نبیهم صلی الله علیه و آله جنازه بین  
اظهرنا واستبدوا بالاءمر دوننا.

(من هرگز روزی همانند امروز ندیدم که امت اسلامی زشت‌ترین صحنه‌ها  
را پدید آوردند، جنازه رسول خدا را در برابر ما واگذاشتند و خودسرانه و  
مستبدانه دیگران را به جای ما نشانند <sup>(308)</sup>)

### 4- سرزنش و توبیخ پیمان شکنان

پس از خیانت دنیاپرستان، و سکوت و بی تفاوتی خودپرستان ترسو، و ایجاد  
انحراف و سیر ارتجاعی در امت اسلامی، حضرت زهرا علیها السلام به سرزنش

خیانتکاران پرداخته و وجدانهای خفته آنان را با شلاق ملامت بیدار کرد، و خطاب به مردم فرمود:

حدیث 172:

قالت: ویلکم ما اسرع ما ختم الله و رسوله فینا اهل البیت! و قد اوصاکم رسول الله ﷺ باتباعنا و مودتنا و التمسک بنا (وای بر شما! چه زود به خدا و پیامبرش درباره ما اهل بیت، خیانت کردید! در صورتی که رسول گرامی اسلام به شما سفارش نمود تا از ما پیروی کنید، ما را دوست داشته باشید و دست از ما نکشید. (309)

#### 5- افشای عوامل مصیبتها

دختر طلحه در یکی از روزهای غمبار پس از وفات رسول خدا ﷺ خدمت فاطمه علیها السلام رسید، از گریه ها و ناله های جانکاه آن حضرت سخت نگران شد و با شگفتی پرسید:

فاطمه جان چه چیزی شما را این گونه به گریه و زاری واداشته است؟

پاسخ فرمود:

حدیث 173:

فقالت: تسالیبني عن هنه حلق بها الطائر، و حفی بها السائر، رفعت الی السماء اثرا، و رزئت فی الارض خیرا ان قحیف تیم، و احوول عدی، جاریا ابا الحسن فی السباق حتی اذا تفریا بالجناق، اسرا له الشنان و طویاه الاعلان فلما خبا نورالدين و قبض النبی الامین نطقا بفورهما، و نفتا بسورهما وادالا فدک

فيا لهاكم من ملك ملك انها عطيه رب الاعلى للنجى الاوفى و لقد نحلنيها  
للصبيه السواعب عن نجله و نسلى، و آنها البعلم الله و شهاده امينه فان انتزعا منى  
البلغه و منعانى اللمظه

فاحتسبها يوم الحشر زلفه، و ليجدنها آكلوها ساغره حميم فى لظى جحيم<sup>(310)</sup>  
(ای دختر طلحه، آیا از مصیبت و رویداد تلخی می پرسی که در همه جا  
انتشار یافته است؟ گویا بر پر مرغان نوشته و در جهان پراکنده شده، گویا  
پیکهای چابک سوار سرعت آن را به همه جهانیان ابلاغ کرده اند که گرد و  
غبار آن تا آسمان بالا رفت و تاریکی مصیبت آن زمین را فرا گرفت، (می دانی  
مصیبتها چگونه شکل گرفته اند؟)

از پست ترین قبائل عرب، قبیله «تیم» ابوبکر بن ابی قحافه، و از حيله  
بازترین قبائل عرب قبیله «عدی» عمر بن الخطاب بر علی عليه السلام ستم روا  
داشتند، پرچم مسابقه برافراشتند تا بر علی عليه السلام پیشی بگیرند. چون موفق  
نشوند، بغض و کینه علی عليه السلام را در دل گرفتند اما پنهان داشتند.

آن گاه که نور دین بخاموشی گرائید و پیامبر صلى الله عليه وآله وسلم رحلت کرد، آن بغضها و  
کینه ها را به زبان آوردند و بر مرکب آرزو سوار گشتند و ستمها روا داشتند،  
«فدک» را غصب کردند

با شگفتی به «فدک» بنگرید، چه بسیار پادشاهانی که مالک سرزمین «فدک»  
شدند. و هم اکنون اثری از آنها وجود ندارد!

فدک هدیه الهی بود که به پیامبرش بخشید و رسول گرامی اسلام آن را برای  
تامین زندگی فرزندانم بمن سپرد

واگذاری فدک «بمن و فرزندانم» با حکم و علم خداوند بزرگ و شهادت و  
گواهی جبرئیل امین صورت گرفت.

پس اگر (بابکر و عمر) آن را با ستم غضب کردند و وسیله زندگی فرزندانم را قطع نمودند با یاد روز قیامت بر این مصیبت صبر می نمایم، و زود است که خورندگان اموال فدک، عذاب الهی را در دوزخ نظاره گر و در آن غوطه ور باشند (311)

## 6- یاری طلبیدن از مهاجرین و انصار

حضرت فاطمه عَاصِمَاتُ در تداوم مبارزات سیاسی به آگاهی اجتماعی توجه کامل داشت، و وجدانهای خفته را بیدار می کرد.

روزی خطاب به مهاجرین و انصار فرمود:

حدیث 174:

قالت: یا معشر المهاجرین والانصار انصرو الله فانی ابنه نبیکم و قد بايعتم رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ یوم بايعتموه ان تمنعوه و ذریته مما تمنعون منه انفسکم و ذراریکم

فقول رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بیعتکم

(ای جماعت مهاجرین و انصار! خدا را یاری کنید. بدرستی که من دختر پیامبر شما هستم، در صورتی که شما با رسول خدا بیعت کردید که از پیامبر و فرزندانش دفاع کنید، همان گونه که از خود و فرزندان خودتان دفاع می کنید. پس بر بیعت خود با رسول خدا استوار بمانید (312))

## 7- سخنرانیهای افشاگرانه

- خ - خطبه ها. خطبه اول

## 8- اعلان بیزاری و نفرین

مبارزه منفی 1 «اعتصاب سخن با ابوبکر

سوم: انواع مبارزه منفی

### 1- اعتصاب در سخن با ابوبکر

پس از ماجرای زشت تهاجم به خانه امام علی علیه السلام، و جسارتهای فراوان درون مسجد، و غضب فدک، و بی اثر ماندن گواهی شاهدان، و مباحث استدلالی حضرت زهرا علیها السلام و تداوم سیاستهای کودتایی سران سقیفه، در مبارزه منفی با آنان خطاب به ابوبکر فرمود:

حدیث 175:

قالت: والله لا اکلمک ابدًا، والله لادعون الله علیک فی کل صلوه <sup>(313)</sup> (سوگند بخدا از این پس هرگز با تو سخن نخواهم گفت، سوگند به خدا شکایت تو را به خداوند خواهم نمود و در هر نماز تو را نفرین خواهم کرد. <sup>(314)</sup>)

### 2- اعتصاب در سخن گفتن با ابوبکر و عمر

پس از آن که آنها از آسیاب افتاد، و هر چه خواستند روا داشتند، در روزهای واپسین حیات دختر پیامبر صلی الله علیه و آله، برای جلب افکار عمومی، ابوبکر و عمر به فکر عیادت و دلجویی از حضرت زهرا علیها السلام افتادند و زبان به عذر خواهی گشودند، و فکر می کردند که حضرت زهرا علیها السلام با آنان دشمنی خصوصی دارد، ولی پاسخ قاطع را دریافت نمودند که فرمود:

حدیث 176:

قالت: والله لا اکلمکما من راسی کلمه حتی التقی ربی فاشکونکما الیه بما صنعتما به و بی ارتکبتما منی <sup>(315)</sup>

(سوگند بخدا بعد از این با شما دو نفر حتی یک کلمه نیز سخن نمی گویم، تا به ملاقات خدا بشتابم و شکایت شما دو نفر را به خدا می برم، و توضیح خواهم

داد که شما با خدا (و دین او) و با من چه کردید و چه اعمالی را مرتکب شدید  
(316)

### 3- اعتصاب در حرف زدن با عمر

پس از تهاجم به منزل علی علیه السلام، و دفاع شایسته حضرت زهرا علیها السلام و جرات و جسارت عمر در آتش زدن درب منزل، حضرت فاطمه علیها السلام فرمود:  
حدیث 177:

قالت: یا ابابکر ما اسرع ما اغرتم علی اهل بیت رسول الله صلی الله علیه و آله؟ و الله لا اکلم عمر حتی القی الله صلی الله علیه و آله (317)

(ای ابوبکر! چه زود پنهانی خود را علیه اهل بیت رسول خدا ظاهر کردید؟ سوگند به خدا تا زنده ام با عمر سخن نخواهم گفت. (318))

### 4- فلسفه وصیتنامه سیاسی حضرت زهرا علیها السلام

همه می پرسند: چرا قبر فاطمه علیها السلام مخفی است؟  
چرا مراسم کفن و دفن آن یگانه دخت پیامبر صلی الله علیه و آله، بگونه ای مخفی و پنهان برگزار شده است؟  
چرا مراسم تشییع جنازه و نماز بر پیکر کوثر قرآن، بدون اطلاع مردم مدینه، غریبانه برگزار گردید؟

و پاسخ می شنود که: حضرت زهرا علیها السلام خود وصیت کرده بود.  
می پرسیم چرا؟

فلسفه وصیتنامه آن بزرگوار چیست؟

برای روشن شدن حقایق تاریخی، و علل و عوامل وصیتنامه سیاسی، در تداوم خط مبارزه منفی حضرت زهرا علیها السلام باید متن وصیتنامه را بدقت ارزیابی کرد.

حضرت زهرا علیها السلام در کاغذی نوشت که:

حدیث 178:

لا تصلى على امه نقضت عهد الله و عهد ابى رسول الله صلی الله علیه و آله فى امير المؤمنين  
على عليه السلام و ظلموا لى حقى واخذوا ارثى و حرقوا صحيفتى التى كتبها لى ابى  
بملك فدك

و كذبوا شهودى، و هم والله جبرئيل و ميكائيل و امير المؤمنين و ام ايمن  
وطنت عليهم فى بيوتهم و امير المؤمنين يحملنى و معى الحسن و الحسين ليلا و  
نهارا الى منازلهم، و اذكرهم بالله و رسوله الا تظلمونا و لا تغصبونا حفنا الذى  
جعل الله لنا،

فيجيئوننا ليلا و يقعدون عن نصرتنا نهارا

فجمعوا الحطب الجزل على بابنا و اتوا بالنار ليحرقوه و يحرقونا... فهذه امه

تصلى على؟! !!

(امتى که عهد و پیمان خدا و پیامبرش را در ولایت و رهبری علی عليه السلام  
شکستند و نادیده گرفتند، حق ندارند بر پیکر من نماز بگذارند، آنها که نسبت به  
حق ما ظالم روا داشتند، وارث مرا آتش کشیدند، آنها که گواهان و شاهدان مرا  
تکذیب نمودند، «سوگند بخدا که گواهان من حضرت جبرئیل و میکائیل و  
امیرالمؤمنین علی عليه السلام و ام ایمن بودند»

آنها که در روز یاری و حمایت از ما در خانه های خود خزیدند و دست از  
یاری ما کشیدند امام علی عليه السلام مرا همراه با حسن و حسین شب و روز برای  
بیداری امت غفلت زده به خانه های مهاجر و انصار می برد و من آنها را نسبت  
به خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله و حقوق الهی هشدار می دادم و می گفتم:



به ما اهل بیت ظلم روا مدارید، و حق مسلمی را که خدا به ما بخشیده است، غصب نکنید. در تاریکی شب جواب مساعد می دادند که شما را یاری می کنیم، اما در روز روشن دست از یاری ما برمی داشتند!

تا آن که به خانه ما هجوم آوردند، و با جمع آوری هیزم فراوان و آتش زدن آن خواستند، خانه را و ما را که در آن بودیم در آتش بسوزانند.

آیا چنین امتی سزاوار است که بر من نماز بگزارد؟! (319)

5- نفرین کردن به دشمن

- اعلان بیزاری و نفرین به ابوبکر، حدیث 71

6- شکوه از ظالمان

- ش - شکوه ها

چهارم: مشکلات زندگی

س - ساده زیستی

م معجزات - نزول غذای بهستی

1- فاطمه علیها السلام و تحمل گرسنگیها:

الف - شکوه از گرسنگی

پیامبر گرامی اسلام روزی وارد منزل فاطمه علیها السلام شد و فرمود:

دخترم در چه حالی و چگونه زندگی می کنی؟

پاسخ شنید که:

حدیث 179:

قالت: انی لوجعه و انه لیزیدنی انی مالی طعام آکله.

(درد گرسنگی بی تابم کرده و هر لحظه رو به فزونی است و غذایی ندارم تا

رفع گرسنگی کنم. (320)

رسول گرامی اسلام فرمود:

یا بنیه الا ترضین ان تکونی سیده نساء العالمین؟

(دخترم آیا راضی نیستی که بزرگ زنان جهانیان باشی؟)

قالت: یا ابة فاین مریم بنت عمران؟

فاطمه ع پرسید:

(پس حضرت مریم چه مقامی دارد؟)

قال: تلک سیده عالمها و انک سیده نساء العالمین والله زوجتک سیدا فی

الدنیا والآخره

فرمود: حضرت مریم بزرگ زن جهان خود بود، و تو بزرگ زنان جهانیان

هستی، سوگند به خدا، تو را همسر کسی قرار داده ام که در دنیا و آخرت از

بزرگ مردان جهان است. <sup>(321)</sup>

ب - گرسنگی طاقت فرسا

پیامبر اسلام، یک روز صبح وارد منزل دخترش فاطمه شد، سلام کرد و

فرمود: دخترم چگونه صبح کردی؟

پاسخ شنید:

حدیث 180:

فقالت: والله اصبحت وجعه وقد اضربی الجاوع <sup>(322)</sup>

(سوگند به خدا صبح کردم در حالت گرسنگی شدید، بگونه ای که گرسنگی

به من زیان رسانده (و توان جسمی مرا کاسته است) <sup>(323)</sup>)

ج - شکوه از فقر و نداری با پدر

فاطمه ع مشکلات زندگی و فشار گرسنگی ها را تحمل می کرد، و هرگز

با همسایگان و دوستان راز زندگی خویش را مطرح نمی فرمود، اما هر گاه

کاسه صبرش لبریز می شد، و درد و ضعف گرسنگی تاب و توان او را می ربود، خدمت پیامبر می رفت و سفره دل می گشود. روزی بر پدر وارد شد و عرض کرد:

حدیث 181:

قالت: السلام علیک یا رسول الله

و الله ما اصبح یا نبی الله فی بیت علی طعام و لا دخل بین شفقی طعام منذ خمس و لا لنا تاغیه و لا راغیه و لا اصبح فی بیته سفة (324)

(سلام بر تو ای رسول خدا! سوگند به خدا در خانه علی علیه السلام 5 روز است که بدون غذا صبح کرده ام، و هرگز غذایی را در دهان نگذاشته ام، نه گوسفندی داریم و نه شتری و نه غذایی و نه آبی (325))

2- تحمل فقر و نداری

روزی امام علی علیه السلام فرمود:

فاطمه جان آیا غذایی موجود است که بیاوری؟ پاسخ شنید:

حدیث 182:

قالت: والذی عظم حقک ما کان عندنا منذ ثلاث الا شیء اثر تک به (326)

(سوگند به خداوندی که حق و قدر تو را بزرگ شمرد، سه روز است که غذایی کافی در منزل نداریم و همان مقدار ناچیز خوراکی را به شما بخشیدم و خود گرسنگی را تحمل نمودم. (327))

امام علی علیه السلام فرمود: چرا اطلاع ندادی؟

پاسخ داد:

حدیث 183:

قالت: كان رسول الله ﷺ نهاني ان اسالك شيئا فقال ﷺ لا تسالي ابن عمك شيئا ان جاءك بشي ء عفوا و الا فلا تساليه. (328)

رسول خدا ﷺ مرا نهی فرمود که چیزی از تو درخواست نمایم و به من سفارش فرمود: چیزی از پسر عمویت درخواست مکن، اگر چیزی برای تو آورد بپذیر والا تو درخواست چیزی نداشته باش (329)

پس از شنیدن سخنان و مشاهده ایتارگری فاطمه عليها السلام امام از منزل خارج شد، و با وام گرفتن از دوستان، مشکلات خانواده را برطرف نمود.

### 3- تحمل کمبودهای رفاهی

حضرت زهرا عليها السلام روزی در خدمت پدر از مشکلات زندگی، و کمبودهای رفاهی، سخن به میان آورد و فرمود:

حدیث 184:

قالت: انی و ابن عمی مالنا فراش الا جلد كبش ننام علیه باللیل و نعلف علیه ناضحنا بالنهار (330)

(من و پسر عمویم چیزی از وسائل رفاهی نداریم، مگر پوست گوسفندی که شب ها بر روی آن می خوابیم و روزها بر روی آن شتر خود را علف می دهیم.)

رسول گرامی اسلام ﷺ فرمود:

یا بنیه اصبری فان موسى بن عمران اقام مع امراته عشر سنين مالهما فراش الا عباءة قطوانیه

(دخترم عزیزم! صبر و تحمل داشته باش، زیرا موسی بن عمران ده سال با همسرش زندگی کرد و فرشی جز یک قطعه عبادی قطوانی نداشتند. (331)

#### 4- تحمل فشارهای سخت زندگی

الف - وسائل ساده زندگی

رسول گرامی اسلام ﷺ روزی بر دخترش فاطمه عليها السلام وارد شد و از نزدیک فشارهای سخت زندگی را بر خانواده عزیزانش مشاهده کرد

در حالی که دخترش را نگران می دید، پرسید:

فاطمه جان در چه حالی بسر می بری و چرا نگرانی؟

پاسخ شنید:

حدیث 185:

قالت: حالنا کماتری فی کساء نصفه تحتنا و نصفه فوقنا <sup>(332)</sup>

(حال و وضع ما همین است که می نگرید. با عبائی زندگی می کنیم که نصف آن فرش زیر ماست و بر روی آن می نشینیم و (هم روانداز ما است) نصف آن را بر روی خود می کشیم)

ب - شکوه از گرسنگی

و در روایت سلیمان بن بریده، نقل شده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسید: دخترم چرا نگران و ناراحتی؟

در جواب پدر گفت <sup>(333)</sup>

حدیث 186:

قالت: قله الطعم و کثره الهم و شده السقم <sup>(334)</sup>

(فشار گرسنگی و کمی طعام و غذا، و فراوانی اندوه و شدت بیماری و

گرفتاری مرا نگران کرده است <sup>(335)</sup>

#### 5- مشکلات اقتصادی و بچه داری

الف - همدردی با شوهر

علی علیه السلام در یکی از روزهای گرم شهر مدینه وارد منزل شد و از فاطمه علیها السلام پرسید: غذایی در منزل موجود است تا رفع گرسنگی نمایم؟

حضرت زهرا علیها السلام پاسخ داد:

حدیث 187:

قالت: ما عندنا شیء و اننی منذ یومین اعلل الحسن و الحسین صلی الله علیه و آله (336)

(در خانه چیزی نداریم و من دو روز است که با بهانه های مختلف فرزندانم حسن و حسین علیهما السلام را بگونه ای سرگرم می کنم، تا بیتابی زیاد نکنند (337))  
ب - درد دل با پدر

روزی دیگر فرزندان فاطمه علیها السلام جد بزرگوارشان را جلوی درب منزل مشاهده کردند.

سوی پیامبر صلی الله علیه و آله، شتافتند و کمی بعد بر روی دوش رسول خدا جای گرفتند و زبان به شکوه گشودند که:

یا رسول الله! گرسنه ایم

به مادرمان بگو قرص نانی به ما دهد، تا رفع گرسنگی نمایم.

پیامبر صلی الله علیه و آله در همان حالت، به فاطمه علیها السلام فرمود: دخترم! به دو فرزندم طعام بده.

پاسخ شنید:

حدیث 188:

قالت: ما فی بیتی شیء الا برکه رسول الله صلی الله علیه و آله (338)

(در خانه ما چیزی به جز برکت وجود رسول خدا صلی الله علیه و آله وجود ندارد. (339))

ج - سپاس در تنگدستی

اسماء بنت عمیس می گوید: رسول خدا در خانه فاطمه را کوید و فرمود:  
کجا هستند حسن و حسین من؟

فاطمه زهرا علیها السلام فرمود:

حدیث 189:

قالت: اصبحنا و لیس فی بیتنا شیء یدوقه ذاتقتی و انا لنحمد الله تعالی  
(صبح کردیم در حالی که چیزی در خانه ما نیست تا رفع گرسنگی نمایم و  
ما در هر حال خدای بزرگ را سپاسگزاریم. <sup>(340)</sup>

د - درخواست از شوهر:

گاهی تهیدستی و گرسنگی آنچنان به فاطمه علیها السلام فشار می آورد که برای  
بچه داری و تربیت فرزند ناچار به امیرالمؤمنین می فرمود:

حدیث 90: 1

قالت: یا علی اذهب الی ابی فاتنا منه شیئا <sup>(341)</sup>

(علی جان! به خانه رسول خدا برو و چیزی جهت رفع گرسنگی از پدرم  
بطلب <sup>(342)</sup>)

ه - شکوه ها با پدر:

حضرت زهرا علیها السلام مشکلات اقتصادی و سختیهای بچه داری را با صبر و  
بردباری تحمل می فرمود، و نزد کسی افشا نمی کرد، گاهی که رسول خدا صلی الله علیه و آله  
مصرانه می پرسید:

چرا رنگ تو پریده است؟ چرا رنگ فرزندانم حسن و حسین دگرگون شده  
است؟

ناچار می شد وضعیت زندگی را با پدر در میان بگذارد و می فرمود:

حدیث 191:

قالت: يا ابه ان لنا ثلاثا ما طعمنا و ان الحسن و الحسين اضطربا على من شده  
الجوع ثم رقدا كانهما فرخان متوفان (343)  
(پدر جان! سه روز است که غذا نخورده ایم و فرزندانم حسن و حسین از  
شدت گرسنگی بی تاب شده اند، هم اکنون مانند جوجه های پرکنده از گرسنگی  
به خواب رفته اند (344)

### پنجم: معجزات فاطمه عليها السلام

#### 1- سخن گفتن در هنگام ولادت

حضرت زهرا عليها السلام هنگام ولادت، چون بر روی زمین قرار گرفت، لب به  
سخن باز کرد و به یگانگی خدای بزرگ و نبوت پدر و امامت شوهر و  
فرزندانش گواهی داد.

حدیث 192:

قالت: واشهد ان لا اله الا الله و ان ابی رسول الله سید الانبیاء و ان بعلى سید  
الاصیاء و ولدی ساده الاسباط (345)  
(شهادت می دهم که خدایی جز خداوند جهانیان نیست و همانا پدرم رسول  
خدا بزرگ پیامبران آسمانی است و شوهرم بزرگ امامان است و فرزندانم  
سادات و بزرگان امت اسلامی اند. (346)

#### 2- درخواست نزول غذای بهشتی

در یکی از روزهای سخت زندگی که گرسنگی بر خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله فشار  
آورد، حضرت فاطمه عليها السلام وضو گرفت و پس از خواندن دو رکعت نماز دست  
به دعا برداشت و عرض کرد:



قالت: يا الهی و سیدی هذا محمد نبیک و هذا علی ابن عم نبیک الهی انزل  
علینا مائده من السماء کما انزلتها علی بنی اسرائیل اکلوا منها و کفرو بها اللهم  
انزلها علینا فانا بها مومنون. (347)

(خدایا! سرورا! این پیغمبر تو محمد ﷺ است و این علی علیه السلام پسر عموی  
پیغمبر توست. ای خدای من! مائده ای از آسمان برایشان بفرست، چنانکه بر بنی  
اسرائیل فرستادی و آنان از آن غذا خوردند و ناسپاسی کردند، ای پروردگار  
من! آن مائده را بر ما فرو فرست که ما در قبال آن مومنانیم.)

ناگهان ظرفی از غذا و طعام بهشتی نازل شد که بوی عطر آن منزل علی  
علیه السلام را معطر ساخت، امام علی علیه السلام پرسید:

انی لک هذا؟

این غذای عطر آگین از کجاست؟

قالت: هو من عندالله.

فقال النبی ﷺ: الحمد لله الذی ارانی مثلها کمثل مریم کلما دخل علیها زکریا  
المحراب وجد عندها رزقا قال یا مریم انی لک هذا؟ قالت هو من عند الله. (348)

فاطمه علیها السلام پاسخ داد: (از جانب پروردگار است)

رسول خدا ﷺ فرمود: حمد و ستایش خداوندی را که دختری بمن عطا

فرمود، مانند حضرت مریم که

«هرگاه زکریای پیغمبر در محراب عبادت او حاضر می شد، پیش او

خوردنی می یافت. می گفت: این ها از کجاست؟ مریم جواب می داد: از جانب

پروردگار (349)»

در روزگار قحطی و گرسنگی، اکثر مردم مدینه با مشکلات فراوانی زندگی

می کردند، و رسول گرامی اسلام سخت گرسنه بود، و شب و روز برای مساکین

و فقرا تلاش می کرد، و گاهی سنگ بر شکم مبارک می بست، تا درد گرسنگی قابل تحمل باشد.

در آن روزهای سخت، روزی درب خانه فاطمه را کوبید و فرمود:

دخترم آیا چیزی در منزل داری که رفع گرسنگی نمایم؟

حضرت زهرا علیها السلام پاسخ داد، نه پدرم:

رسول خدا بازگشت، اما زهرای مطهر نتوانست تحمل کند و دست به دعا

برداشت، غذایی معطر و پاکیزه از بهشت نازل شد

تا چشمان فاطمه علیها السلام به غذای بهشتی و الطاف کریمانه الهی افتاد فرمود:

حدیث 194:

قالت: والله لاءوثرن بها رسول الله على نفسي و غيري:

(سوگند به خدا ایثار کرده و پیامبر را بر خود و بر دیگران مقدم می دارم.)

آن گاه ظرف پر از غذا و گوشت بریان شده را برای رسول خدا فرستاد

پیامبر صلی الله علیه و آله پرسید:

من این لک هذا؟

این غذا از کجا برای تو آمده است؟

پاسخ داد:

حدیث 195

قالت هو من فضل الله ان الله يرزق من يشاء بغير حساب (350)

(این غذا از فضل و رحمت الهی است. بدرستی که خداوند هر کس را

بخواهد، بدون حساب روزی می دهد (351)

### 3- مشاهدات غیبی حضرت فاطمه علیها السلام

امام صادق علیه السلام مشاهدات غیبی و کرامات حضرت زهرا علیها السلام را در واپسین لحظه های حیات چنین نقل فرمود:  
آن هنگام که فاطمه علیها السلام (بین مغرب و عشا) در حال احتضار بود نگاه تندی کرد و فرمود:

حدیث 196:

قالت: السلام علی جبرئیل، السلام علی رسول الله، اللهم مع رسولک، اللهم فی رضوانک و جوارک و دارک دارالسلام  
ثم قالت: اءترون ما اءری؟  
فقیل لها ماترین؟

قالت: هذه مواكب اهل السموات و هذا جبرئیل و هذا رسول الله صلی الله علیه و آله و يقول یا بنیه اقدمی فما امامک خیر لک <sup>(352)</sup>  
(سلام بر جبرئیل، سلام بر رسول خدا صلی الله علیه و آله، خدایا با رسول خدا صلی الله علیه و آله ای صله ایلیعه لآو هستم، خدایا در رضوان و جوار رحمت تو در خانه تو، دارالسلام، هستم)

بعد به حاضران فرمود: آیا آنچه می بینم شما هم می بینید؟  
بعضی از حاضران گفتند: ای دختر رسول خدا! چه می بینی؟  
فرمود: اینجا سواران آسمانی قرار دارند. آن جبرئیل و این رسول خدا صلی الله علیه و آله است که می فرماید: ای دخترم! نزد ما بیا که آن چه (از نعمتها و رضوان الهی) در پیش داری، برای تو بهتر است <sup>(353)</sup>

### 4- مشاهده جبرئیل و عزرائیل

حضرت علی علیه السلام نقل فرمود:

در لحظه های شهادت، حضرت زهرا علیها السلام نگاه به اطراف خود کرد و فرمود:  
قالت: السلام علیکم:

یابن عم قد اتانی جبرئیل مسلما و قال لی  
السلام یقرا علیک السلام یا حبیبة حبیب الله و ثمرة فواده الیوم تلحقین  
بالرفیع الاعلی و جنة الماعوی

ثم انصرف عنی تقول «علیکم السلام»

فقلت: یابن عم هذا و الله میکائیل و قال لی کقول صاحبه

ثم تقول و «علیکم السلام»

قالت: یابن عم هذا و الله الحق و هذا عزرائیل قد نشر جناحه بالمشرق  
والمغرب و قد وصفه لی ابی و هذه صفته، السلام علیک یا قابض الارواح عجل  
بی و لا تعذبنی

ثم سمعناها تقول:

الیک ربی لا الی النار <sup>(354)</sup>

(سلام بر شما. «ای فرشتگان و جبرئیل امین»

ای پسر عمو!

جبرئیل در حالی که بر من سلام می کرد، نزد من آمد و فرمود:

خداوند بر تو سلام می کند، ای محبوبه حبیب خدا!

و میوه قلب رسول الله!

امروز تو در ملکوت الهی و بهشت موعود ملحق خواهی شد)

بعد روی از ما گرداند و باز به گروهی دیگر از ملائکه سلام داد و فرمود:

(ای پسر عمو! سوگند به خدا که این حضرت میکائیل است و همانند جبرئیل

بر من سلام کرد و بشارت های او را داد.)

بار دیگر به گروه دیگر سلام کرد و گفت:

(ای پسر عمو، سوگند به خدا که این حق است. این حضرت عزرائیل است که بال و پرش مشرق و مغرب عالم را فرا گرفته. پدرم چنین اوصافی درباره او را به من اطلاع داده بود و حال این همان ویژگی است. سلام بر تو ای گیرنده روح آدمی! در قبض روح من عجله مکن و مرا آزار نده)

در پایان ما می شنیدیم که می فرمود:

(خدایا بسوی تو می آیم، نه بسوی آتش<sup>(355)</sup>)

#### 5- نزول ملائکه و سلام فاطمه علیها السلام

ابو بصیر از امام باقر علیه السلام نقل می کند که:

در یکی از شبهای جمعه هنگامه سحر، حضرت جبرئیل و اسرافیل و میکائیل بر حضرت زهرا علیها السلام نازل شدند و دیدند که دختر پیامبر صلی الله علیه و آله مشغول نماز است، همه ایستادند، تا نماز تمام شد. آنگاه دسته جمعی به حضرت فاطمه علیها السلام سلام کردند و گفتند:

خداوند بزرگ به شما سلام می رساند

سپس کتاب صحیفه را در حجره آن بزرگ زنان بهشتی گذاشتند. حضرت زهرا علیها السلام پاسخ داد:

حدیث 198:

قالت: لله السلام و منه السلام و الیه السلام و علیکم یا رسل الله السلام<sup>(356)</sup>

(سلام از آن خداست و از اوست سلام، و بسوی اوست سلام، و بر شما ای

فرستادگان خدا! سلام و درود باد.<sup>(357)</sup>)

ششم: مقام مادر

به کودکان و فرزندان سفارش ارزنده ای نسبت به مقام والای مادر دارد، و

یادآور حدیث معروف رسول خدا ﷺ است که فرمود:

«بهشت زیر پای مادران است»

حضرت زهرا علیها السلام به یکی از فرزندان سفارش فرمود که:

حدیث 199:

قالت: الزم رجلها فان الجنة تحت اقدامها

(در خدمت مادر باش، زیرا بهشت زیر پای مادران است. <sup>(358)</sup>)

هفتم: مهمان نوازی

خ - از خود گذشتگی و ایثار

م - مشکلات اقتصادی

ن. و

اول: وصیتهای شخصی فاطمه علیها السلام

### 1- وصیت به یادآوری

حضرت زهرا علیها السلام در لحظه های واپسین زندگی به امیرالمؤمنین علی علیه السلام وصیت کرد:

حدیث 200:

قالت: یا ابالحسن لم یبق لی الا رمق من الحیاة و حان زمان الرحیل والوداع فاستمع کلامی فانک لا تسمع بعد ذلک صوت فاطمه ابدًا اوصیک یا ابالحسن ان لا تنسانی و تزورنی بعد مماتی  
(ای ابالحسن! بیشتر از لحظه ای از زندگانی ام نمانده است و زمان کوچ و خداحافظی فرا رسیده است.

سخنان مرا بشنو، زیرا پس از این صدای فاطمه را هرگز نخواهی شنید، تو را وصیت می کنم ای ابالحسن! که مرا فراموش نکنی و پس از وفاتم، مرا زیارت نمایی <sup>(359)</sup>

### 2- وصیت به قرآن خواندن در شب اول مرگ

و در کلمات ارزشمند دیگری به امام علی علیه السلام وصیت کرد که:

حدیث 201:

قالت: اذا انامت فتول انت غسلی و جهزنی و صل علی و انزلنی قبری والحدنی و سو التراب علی و اجلس عند رءسی قباله وجهی فاکثر من تلاوه القرآن و الدعاء فانها ساعه یحتاج المیت فیها الی انس الاحیاء و انا استودعک الله تعالی و اوصیک فی ولدی خیرا <sup>(360)</sup>

(وقتی من وفات کردم، تو غسل و کفن مرا به عهده گیر و بر من نماز بگذار و مرا درون قبر قرار بده، دفنم کن و سنگ قبر را بر روی قبرم گذار و خاک بر آن ریز و آن را هماهنگ نما. آنگاه بالای سرم روبروی من بنشین، و زیاد قرآن بخوان و دعا کن، زیرا در چنین لحظه هایی، میت به انس گرفتن بازندگانی محتاج است.

من تو را به خدا می سپارم و درباره فرزندانم سفارش به نیکوکاری دارم.  
(361)

### 3- وصیت به ازدواج با امامه

یکی از وصیتهای سفارش به ازدواج علی علیه السلام با دختر خواهرش جناب «امامه» بود که فرمود:

حدیث 202:

قالت: جزاک الله عنی خیر الجزاء یابن عم رسول الله صلی الله علیه و آله اوصیک اولاً ان تتزوج بعدی باینه اختی امامه فانها تکون لولدی مثلی فان الرجال لا بد لهم من النساء (362)

(ای پسر عموی پیامبر صلی الله علیه و آله! خداوند تو را پاداش نیکو دهد.

اولین وصیت من به تو این است که: چون مردان نیاز به زنان دارند، پس از من با دختر خواهرم «امامه» ازدواج کن، زیرا او همانند من با فرزندانم مهربان است (363)

### دوم: وصیتهای سیاسی

#### 1- وصیت به مخفی بودن مراسم تدفین

حضرت زهرا علیها السلام در تداوم مبارزات منفی علیه کودتاگران سقیفه، به امام علی علیه السلام وصیت کرد:



حدیث 203:

قالت: انی اوصیک ان لایلی غسلی و کفنی سواک

و اذا انامت فاء دفنی لیلا و لا توذنن بی احدا

و لا توذنن بی ابابکر و عمر

و بحق محمد رسول الله ﷺ ان لا یصلی علی ابوبکر و لا عمر<sup>(364)</sup>

(همانا من تو را وصیت می کنم که:

غسل و کفن کردن مرا کسی غیر از تو انجام ندهد

و وقتی وفات کردم، مرا شب دفن کن و هیچ کس را خبر نکن

و ابوبکر و عمر را نیز مطلع نساز

و تو را سوگند می دهم بحق رسول خدا ﷺ که ابوبکر و عمر بر جنازه من

نماز نخوانند.<sup>(365)</sup>

امام صادق علیه السلام نقل فرمود:

حضرت زهرا علیها السلام در لحظه های آخر زندگی خطاب به علی علیه السلام فرمود:

حدیث 204:

قالت: اذا توفیت لا تعلم احدا الا ام سلمه و ام ایمن و فضه و من الرجال ابنی

و العباس و سلمان و عمارا و المقداد و اباذر و حذیفه و لا تدفنی الا لیلا و لا

تعلم قبری احدا

(وقتی وفات کردم هیچ کس را اطلاع نده مگر ام سلمه و ام ایمن و فضه را از

زنان، و از مردان دو فرزندم حسن و حسین علیهما السلام و عباس و سلمان و عمار و

مقداد و اباذر و حذیفه را خبر کن

مرا دفن نکن مگر در شب

و قبر مرا به هیچ کس اطلاع نده (تا مخفی بماند)<sup>(366)</sup>

حضرت زهرا علیها السلام به اسماء بنت عمیس فرمود:

حدیث 205:

قالت: یا اسماء اذا انامت فاغسلینی انت و علی بن ابی طالب علیهما السلام و لا تدخلینی علی احدا

(ای اسماء! وقتی من از دنیا رفتم تو و علی علیهما السلام مرا غسل دهید و هیچکس را بر سر جنازه من راه ندهید <sup>(367)</sup>)

## 2- وصیت به عدم شرکت ظالمان در مراسم تدفین

حضرت زهرا علیها السلام خطاب به امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمود:

حدیث 206:

قالت: اوصیک ان لا یشهد احد جنازتی من هولاء الذین ظلمونی و اخذوا حقی فانهم عدوی و عدو رسول الله و لا تترك ان یصلی علی احد منهم و لا من اتباعهم وادفنی فی اللیل اذا وهنت العیون و نامت الابصار <sup>(368)</sup>

(تو را وصیت می کنم که هیچ کس از آنان که به من ظلم کرده اند و حق مرا غصب نمودند، نباید در تشییع جنازه من شرکت کنند

زیرا آنها دشمنان من و دشمنان رسول خدا صلی الله علیه و آله می باشند

و اجازه نده که فردی از آنها و پیروانشان بر من نماز بگزارد

مرا شب دفن کن، آن هنگام که چشم ها آرام گرفته و دیده ها به خواب فرو رفته باشند <sup>(369)</sup>)

سوم: وصیتنامه نوشته شده

پس از وفات فاطمه علیها السلام، حضرت امیرالمؤمنین وصیتنامه نوشته شده همسرش را درآورد و گشود و مطالعه فرمود. عبارات و مطالب ارزشمند آن چنین بود:

## حدیث 207:

بسم الله الرحمن الرحيم. هذا ما اوصت به فاطمه بنت رسول الله، اوصت وهى تشهد ان لا اله الا الله و ان محمدا عبده و رسوله و ان الجنة حق والنار حق و ان الساعة آتیه لا ریت فیها و ان الله یبعث من فی القبور

یا علی انا فاطمه بنت محمد ﷺ زوجنی الله منک لا کون لک فی الدنیا والاخره انت اولی بی من غیرى، حنطنی و غسلنی و کفنی باللیل و صل علی وادفنی باللیل و لا تعلم احدا و استودعک الله واقراء علی ولدی السلام الی یوم القیامه (370)

(بنام خداوند بخشاینده و مهربان، این وصیتنامه فاطمه، دختر رسول خداست، در حالی وصیت می کند که شهادت می دهد، خدایی جز خدای یگانه نیست و محمد ﷺ بنده و پیامبر اوست و بهشت حق است و آتش جهنم حق است و روز قیامت فرا خواهد رسید و شکی در آن نیست و خداوند مردگان را زنده وارد محشر می کند.

ای علی ؑ، من فاطمه دختر محمد هستم، خدا مرا به ازدواج تو درآورد، تا در دنیا و آخرت برای تو باشم. تو از دیگران بر من سزاوارتری، حنوط و غسل و کفن کردن مرا در شب به انجام رسان و شب بر من نماز بگزار و شب مرا دفن کن و هیچکس را اطلاع نده. تو را بخدا می سپارم و بر فرزندانم تا روز قیامت سلام و درود می فرستم (371)

۵. ی

یاری و کمک کردن

1- ضرورت یاری کردن به کارگر منزل

الف - تقسیم کار

رسول گرامی اسلام ﷺ پس از سال ها تحمل مشکلات، و سفارش به صبر و بردباری، کارگری برای حضرت زهرا علیها السلام انتخاب و سفارشات لازم را ارائه فرمود.

روزی مشاهده کرد که کارگر منزل در حال استراحت و فاطمه زهرا علیها السلام مشغول کار کردن است، علت آن را پرسید، حضرت زهرا علیها السلام پاسخ داد:

حدیث 208:

قالت: یا رسول الله علی یوم و علیها یوم <sup>(372)</sup>

(ای رسول خدا! (کار منزل را عادلانه تقسیم کردم،) روزی مال من و روزی دیگر بعهده او است)

اشک در چشمان پیامبر ﷺ حلقه زد و فرمود:

خدا آگاهتر است که رسالت را در کدام خانواده قرار دهد <sup>(373)</sup>

ب - کار فراوان

در تداوم کار فراوان منزل، و آرد کردن گندم ها با آسیاب سنگی فرمود:

حدیث 209:

قالت: و الله انی اشتکی یدی مما طحن بالرحی

(سوگند بخدا که از دو دستان خود شکایت دارم، از بس که با آسیاب سنگی

آرد کردند <sup>(374)</sup>)

## 2- یاری کردن علی علیه السلام

الف - مطرح کردن فضیلت ها

حضرت زهرا علیها السلام در یاری امام علی علیه السلام فرمود:

حدیث 210:

قالت: ان ابی صلی الله علیه و آله نظر الی علی و قال: هذا و شیعته فی الجنه

(روزی پدرم رسول خدا «که درود خدا بر او و خاندان او باد» به علی علیه السلام

نگاه کرد و (با اشاره با او) فرمود: این مرد و پیروان او در بهشتند <sup>(375)</sup>)

و در گفتار ارزشمند دیگری به شیعیان علی علیه السلام بشارت بهشت جاویدان داد

و فرمود:

حدیث 211:

قالت: ان رسول الله صلی الله علیه و آله یصلی علی لعلی یا ابالحسن اما انک و

شیعتک فی الجنه <sup>(376)</sup>

(رسول گرامی اسلام «که درود خدا بر او و خاندان او باد» به علی علیه السلام

فرمود: ای ابالحسن! همانا تو و پیروان تو در بهشت (موعود) خواهید بود <sup>(377)</sup>)

ب - طرح واقعیت ها

پس از غصب خلافت و پیدایش ماجراهای تلخ مصیبت بار در مدینه،

حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام همراه با فاطمه زهرا علیها السلام برای بیداری مردم، و

دفاع از حقوق مسلم خویش، شبانه به منازل مهاجر و انصار رفته اتمام حجت

می کردند، خیلی ها عذر بدتر از گناه می آوردند که چرا شما زودتر از دیگران

امامت خود را مطرح نکردید؟ و اجازه دادید دیگران بصحنه بیایند؟ حالا دیگر

کاری از پیش نمی توان برد

امام علی علیه السلام توضیحات لازم را می داد. و فاطمه زهرا علیها السلام در جواب عذر تراشیها، می فرمود:

حدیث 212:

قالت: ما صنع ابوالحسن الا ما كان ينبغي له و لقد صنعوا ما الله حسيهم و طالبهم

(ابوالحسن علی علیه السلام کاری انجام نداد، بجز آن که سزاوار بود «مانند، انجام مراسم تدفین رسول خدا صلی الله علیه و آله و جمع آوری قرآن» تا انجام گیرد و اما امت پیمان شکن کارهای ناروایی انجام داده اند که تنها خدا آنها را محاسبه و رسیدگی خواهد کرد. (378))

### 3- یاری کردن شیعیان

پس از آگاهی به مقدار درهم و دیناری که مهریه آنحضرت قرار گرفت، خطاب به پیامبر اسلام فرمود:

حدیث 213:

قالت: يا رسول الله ان بنات الناس يتزوجن بالدراهم فما الفرق بيني و بينهن؟  
اسالك ان تردها و تدعوا الله ان يجعل مهرى الشفاعة فى عصاه امتك  
(ای پیامبر خدا! همانا دختران مردم در ازدواج خود درهمها را مهریه خود قرار می دهند. پس فرق من با آنها چیست؟

از تو می خواهم، درهم و دینار را مهریه من قرار ندهی، بلکه از خدا بخواهی تا مهریه من، شفاعت کردن از گنهکاران امت تو باشد. (379))

## پی نوشت ها:

- 1- آیه 82 اسراء
- 2- اصول کافی ج 1، ص 73 حدیث 10.
- 3- خطبه 125 نهج البلاغه المعجم المفرس
- 4- نظم الفبائی، احادیث نهج الحیاه بر اساس الفبای فارسی است.
- 5- خطبه 1/233 نهج البلاغه المعجم المفهرس.
- 6- الف - قال الشيخ الطوسي اخبرنا جماعة عن ابي المفضل عن محمد بن جعفر ابن قيس بن مسكان من اصل كتابه عن عبدالله بن الحسين بن جابر عن عبدالحميد ابن عبدالرحمن بن بشير الحماني عن عبدالله بن اقيس بن الربيع عن ابي هارون العيد عن ابي سعيد الخدري قال (امالي طوسي)  
ب - عن سيف عن نجم عن ابي جعفر بن محمد عليه السلام عن ابيه عليه السلام قال: (مناقب ابن شهر آشوب)  
ج - تفسير فرات بن ابراهيم عن عبيدالله بن كثير بن ابي سعد خدري قال: (تفسير فرات الكوفي)  
د- ابن شيرويه الديلمي عن الخدري و ابي هريره:  
7- 1. كشف الغمه ج 2، ص 26 و يك جلدی ص 141 و 142: على بن عيسى اربلي (متوفای 692 هجری)  
2. مناقب ابن شهر آشوب ج 2 ص 77 فصل المسابقه بالخساء: ابن شهر آشوب سروي (متوفای 588 هجری)  
3. كتاب عوالم ج 11، ص 158 باب 5 ابواب فضائلها: بحرانی اصفهانی (قرن 12)  
4. رياحين الشريعة ج 1، ص 193: محلاتی  
5. بحارالانوار ج 37 ص 103 و ج 93 ص 147، كتاب الزكاه: علامه مجلسی (متوفای محلاتی 1110 هجری)  
6. فضائل الخمسه ج 2 ص 147.  
7. مستدرک الوسائل ج 7 ص 219.

8. امالی ج 2 ص 228 مجلس 29 ص 616 ح 8/1272: محمد بن حسن طوسی (متوفای 460 هجری)
9. احقاق الحق ج 10 ص 323. ج 18 ص 50: قاضی نورالله شوشتری شهید (متوفای 1019 هجری)
10. ذخائر العقبی ص 45 محب الدین طبری شافعی (متوفای 649 هجری)
11. المعیار و الموازنه ص 236: ابو جعفر اسکافی معتزلی (متوفای 240 هجری)
12. کوکب الدری ج 1 ص 171 مجلس 11: شیخ محمود حائری مازندرانی
13. محجبه البیضاء ج 4 ص 214 کتاب اخلاق ائمه، ملامحسن فیض کاشانی (متوفای 1091 هجری)
14. ینابیع الموده ص 199: باب 56 فضائل اهل البیت: سلیمان بلخی قندوزی حنفی (متوفای 1293 هجری)
15. کفایه الطالب ص 223: الگنجی شافعی (متوفای 658 هجری)
16. فضائل سید النساء ص 6: علامه ابو حفص
17. لئالی الاخبار ج 1، ص 83: جلال الدین سیوطی (متوفای 911 هجری)
18. تفسیر برهان ج 1 ص 282: سید هاشم بحرانی (متوفای 1107 هجری)
19. مصباح الانوار (بنقل بحار الانوار ج 93 ص 147): هاشم بن محمد
20. تفسیر عیاشی ج 1 ص 171: ابی النصیر سمرقندی عیاشی (متوفای 320 هجری)
21. تفسیر الکشاف (درباره قصه زکریا و مریم علیها السلام) ج 1، ص 303: زمخشری معتزلی حنفی (متوفای 538 هجری)
22. الصحاح ج 6 ص 2282: ابی نصر فارابی جوهری (متوفای 395 هجری)
23. اهل البیت ص 122. توفیق ابو علم
24. الاربعین حافظ الدمشقی
25. وسیله المال فی مناقب الال ص 89: احمد بن باکثیر الحضرمی شافعی (متوفای 1047 هجری)
26. تفسیر فرات الکوفی نقل از ابی سعید الخدری ص 83: فرات بن ابراهیم کوفی متوفای 300 هجری
27. مدینه المعاجز ج 1 ص 329 معجزه 107. سید هاشم بحرانی.
28. مصباح الانوار شیخ طوسی به نقل بحار الانوار ج 93 ص 147



29. غایبه المرام ص 187. نقل از امالی شیخ
30. حلیه الابراج ج 2، ص 269 باب الحادی و ثلاثون حدیث 7: علامه بحرانی
- 8- امالی: الهمدانی عن عمر بن سهل بن اسماعیل الدینوری عن زید بن اسماعیل الصائغ عن معاویه بن هشام عن سفیان عن عبدالملک بن عمیر عن خالد بن ربیع قال: (امالی صدوق)
- 9- 1. بحار ج 41 ص 46، باب 103، خبر الناقه: علامه مجلسی (متوفای 1110 هجری)
2. امالی، صدوق، مجلس 71 ص 379 حدیث 10: شیخ صدوق (متوفای 381 هجری)\*
3. مناقب ابن شهر آشوب ص 79 ج 2: ابن شهر آشوب (متوفای 588 هجری)
4. لالی الاخبار ج 3، ص 26: جلال الدین سیوطی شافعی (متوفای 911 هجری)
5. حلیه الابراج ج 2 ص 276 حدیث 1: علامه بحرانی
- 10- به فصل ن انواع مبارزات افشاگری ها ت حدیث 170 (افشاگری و محکومیت
- 9مراجعه کنید روات و مدارک آن مشترک است. «32 مدرک و 7 دسته از روات»
- 11- عم حسن بن علی ع عن امه ع قالت.
- 12- کنز العمال ج 9 ص 336 (عن علی ع و عن ام سلمه): حسام الدین متقی هندی حنفی (متوفای 975 هجری)
- 13- حدثنا عبدالله، حدثنی ابی، حدثنا یعقوب قال حدثنی ابی عن محمد بن اسحق قال حدثنی یزید بن ابی حبیب عن سلیمان عن امه ام سلیمان (مسند احمد)
- 14- 1. مسند احمد ج 6 ص 282 (قال رسول الله ص من ذی الحجه الی ذی الحجه): احمد بن حنبل (متوفای 241 هجری)
2. کنز العمال ج 5 ص 235 حدیث 12729: حسام الدین متقی هندی حنفی (متوفای 975 هجری)
- 15- 1. عده الداعی ص 233 طبع هند - و - 218 احمد بن فهد حلی (متوفای 841 هجری)
2. بحار الانوار ج 67 ص 249 و ج 70 ص 249 و ج 71 ص 184
3. تنبیه الخواطر ج 2، ص 427 (مجموعه ورام): ورام ابن ابی فراس مالکی (متوفای 605 هجری)
4. عوالم ج 11 ص 623. بحرانی اصفهانی (متوفای قرن 12 هجری)
5. تفسیر امام حسن عسگری ع 327 حدیث 177.
6. مجموعه ورام ح 2، ص 108: شیخ ورام (متوفای 605 هجری)
7. سنن نسائی ج 2 ص 237: احمد بن شعیب شافعی (متوفای 303 هجری).

- 16- تفسیر امام حسن عسگری (ع) ص 345
2. بحارالانوار ج 72 ص 401 باب 78 حدیث 42 - و - ج 401 / 75: علامه مجلسی (متوفای 1110 هجری)
3. کتاب عوالم ج 11 ص 628 حدیث 185: بحرانی اصفهانی (متوفای قرن 12 هجری)
4. المستدرک ج 2، ص 375 حدیث 3 و ج 12 ص 262 ش حدیث 14062: محدث نوری
- 17- معقل بن یسار و ابوقبیل و ابن اسحاق و حبیب بن ابی ثابت و عمران بن الحصین و ابن غسان و الباقر علیه السلام:
- 18- 1. مختصر تاریخ دمشق ج 17 ص 337 شماره 174: ابن مکرّم انصاری.  
2. ملحقات احقاق الحق ج 23 ص 477: مستدرک حدیث تزویج فاطمه علیها السلام  
3. مناقب ابن شهر آشوب ج 3 ص 344: ابن شهر آشوب (متوفای 588 هجری)  
4. در بحر المناقب ص 5.
5. احقاق الحق ج 5 ص 273: قاضی نورالله شوشتری شهید (متوفای 1019 هجری)
- 19- 1. احقاق الحق ج 5 ص 117 و 273: قاضی نورالله شوشتری شهید (متوفای 1019 هجری)
2. الروضه ص 127 (مخلوط):
3. بحارالانوار ج 43 ص 149 عن ابن عباس یرفعه الی سلمان الفارسی: علامه مجلسی (متوفای 1110 هجری)
4. در بحرالانواق (مخطوط) «بنقل احقاق الحق»
5. مناقب ابن شهر آشوب ج 3 ص 344. ابن شهر آشوب مازندرانی (متوفای 588 هجری)
- 20- تفسیر علی بن ابراهیم قال عن ابی عن بعض اصحابه رفعه:
- 21- 1. بحارالانوار ج 43 ص 99 باب 5 ح 11 تزویجها علیها السلام: علامه مجلسی (متوفای 1110 هجری)
2. تفسیر البرهان ج 4، ص 247 سوره نجم حدیث 5: هاشم بحرانی (متوفای 1107 هجری)
3. کتاب عوالم ج 11 ص 238 باب 9 حدیث 1. بحرانی اصفهانی (قرن 12)
4. مناقب ابن شهر آشوب ج 1 ص 256: ابن شهر آشوب (متوفای 588 هجری)
5. تفسیر علی بن ابراهیم قمی ج 2 ص 313 سوره نجم: علی بن ابراهیم قمی (متوفای 307 هجری).

- 22- (لف) - ابن بطه باسناده عن اعمش عن ابی صالح عن عبد صالح عن عبدالرزاق عن معمر عن ابی نجیح عن مجاهد عن اب عباس قال: مناقب ابن شهر آشوب
- (ب) - ابوالحسن محمد بن عبدالخواحد، اخبرنا: علی بن عمرالحافظ حدثنا محمد بن احمد بن ابراهیم الکتاب حدثنا احمد بن عبدالله بن زید الهشمی حدثنا عبدالرزاق اخبرنا: معمر عن ابن ابی نجیح عن مجاهد عن ابی عباس. (احقاق الحق)
- (ج) - ابوالحسین محمد بن احمد بن محمد بن شاده المودب باصحابان و اخته ام سلمه اسماء قالا حدثنا ابو محمد عبدالله بن محمد بن جعفر بن حبان - املاء - حدثنا ابو یحیی عبد الرحمن بن سلم الرازی حدثنا محمد بن غیلان حدثنا احمد بن صالح المقری عن ابراهیم بن الحجاج عن عبدالرزاق عن معمر عن ابن ابی نجیح عن مجاهد عن ابن عباس قال.
- 23- 1. بحارالانوار، ج 43 ص 133 باب 5 حدیث 32: علامه مجلسی (متوفای 1110 هجری)
2. شرح نهج البلاغه ج 3، ص 257: ابن ابی الحدید معتزلی (متوفای 656 هجری)
3. مناقب آل ابیطالب: ابن شهر آشوب (به نقل بحار) ج 3 ص 365 و ج 1 (س) 256: ابن شهر آشوب (متوفای 588 هجری)
4. المراجعات ص 303: سید شرف الدین عاملی
5. مختصر تاریخ دمشق ج 17 ص 136: ابن مکرم انصاری
6. جامع الاحادیث ج 4 ص 377: ابوجعفر بن احمد قمی
7. کنز العمال ج 13 ص 108: متقی هندی حنفی (متوفای 975 هجری).
8. ریاحین الشریعه ج 1 ص 101: محلاتی
9. کشف الغمه (به نقل بحار) ج 1 ص 491 باب تزویجها عَلَيْهَا: مرحوم اربلی (متوفای 692 هجری)
10. احقاق الحق ج 5 ص 267 (قسمت اول رواین موجود است): قاضی نورالله شوشتری شهید (متوفای 1019 هجری)
11. کوکب الدری ج 1 ص 166 مجلس 9: حائری مازندرانی
12. کتاب ابن مردویه (نقل مناقب)
13. الروض الفائق ص 348 مجلس 42: شیخ خریفیش (متوفای 810 هجری) ک
- 24- (الف) محمد بن مظفر البزاز عن عمر بن عبدالله بن عمران عن احمد بن بشیر عبدالله بن موسی عن قیس عن ابی هارون عن ابی سہید الخدری قال... (ارشاد مفید)

ب) عن ابن عباس يرفعه الى سلمان الفارسي قال...

ج) حدثنا احمد بن الحسن القطان و علي بن احمد بن موسى الدقاق و محمد بن احمد السناس و عبدالله بن محمد الصائغ رضي الله عنهم، قالوا: حدثنا ابو العباس احمد بن يحيى بن زكريا القطان، قال حدثنا ابو محمد بكر بن عبدالله بن حبيب، قال، حدثني علي بن محمد، قال: حدثنا الفضل بن عباس، قال: حدثنا عبد القدوس الوراق، قال: حدثنا محمد بن كثير، عن الاعمش. (امالي صدوق) د) و حدثنا الحسين بن ابراهيم بن احمد المكتب، قال: حدثنا احمد بن يحيى القطان، قال: حدثنا بكر بن عبدالله بن حبيب، قال: حدثني عبدالله بن يحيى محمد بن باطويه، قال: حدثنا محمد بن كثير، عن الاعمش. (بحار الانوار ج 37 ص 91).

ه) و اخبرنا سليمان بن احمد بن ايوب اللخمي فيما كتب الينا من اصبهان، قال م حدثنا احمد بن القاسم بن مساور الجوهري سنة ست و ثمانين و مائتين، قال: حدثنا الوليد بن الفضل العنزي، قال: حدثنا مند بن علي العنزي، عن الاعمش، و حدثنا محمد بن ابراهيم بن اسحاق انطالقاني، قال: حدثني ابو سعيد الحسين بن علي العدوي، قال: حدثنا علي بن عيسى الكوفي، قال م حدثنا جرير بن عبد الحميد، عن الاعمش. (امالي شيخ صدوق)

و) علامه ابن المغازي قال: اخبرنا ابو طالب محمد بن احمد بن عثمان بن الفرغ بن الازهر الصيرفي البغدادي رحمه الله، قدم علينا واسطا، حدثنا ابوبكر محمد بن الحسن بن سليمان، حدثنا عبدالله بن محمد بن عبدالله العكبري، حدثنا عمر بن شيبه بن عبيده النميري، قال حدثني المدائني قال: وجه المنصور الى الاعمش يدعوه.

قال: وحدثنا محمد بن الحسن، حدثنا عبدالله بن محمد بن عبدالله العكبري حدثنا عبدالله بن عتاب بن محمد تحدثنا الحسن بن عرفه، حدثنا ابو معاوية، قال: حدثنا الاعمش، قال: ارسل الى المنصور.

و حدثنا محمد بن الحسن، حدثنا عبدالله بن محمد بن عبدالله العكبري، حدثنا عبدالله بن عتاب بن محمد العبدي، حدثنا احمد بن علي العمي، حدثنا ابراهيم بن الحكم، قال حدثني سليمان بن سالم، حدثني الاعمش، قال: بعث الى ابو جعفر المنصور. (مناقب ابن مغازي)

اخبرني ابي عن جدي (ع) ابيه قال: كنا مع رسول الله ﷺ

25- 1. كتاب بحار الانوار ج 37 ص 91. باب 50 حديث 55 في مناقب اصحاب كساء و ج

43 ص 150 و 149 و 133. و ج 40 ص 17 باب 91. علامه مجلسي (متوفى 1110 هجري

2. مناقب علي بن ابي طالب ج 3، ص 143: ابن المغازلي.

3. کتاب امالی شیخ صدوق ص 438 / 260 مجلسی 67 حدیث 2: شیخ صدوق (متوفای 380 هجری)
4. احقاق الحق ج 5، ص 116 و 267 الی 273. و. ج 18 ص 426. و. ج 15 ص 333 حدیث 34: قاضی نورالله شوشتری شهید (متوفای 1019 هجری)
5. الارشاد ص 23 ما جاء فی فضله عَلَيْهِ السَّلَامُ: شیخ مفید (متوفای 413 هجری)
6. ریاحین الشریعه ج 1 ص 89: علامه محلاتی.
7. کتاب عوالم ج 11 ص 375: علامه بحرانی (قرن 12)
8. کشف الغمه ج 1 ص 495: مرحوم اربلی (متوفای 692 هجری)
9. در بحر المناقب ص 53: علامه ابن حسنیوه حنفی (متوفای 680 هجری)
10. کوکب الدری ج 1 ص 20 مجلس 4: حائری مازندرانی (متوفای 1300 هجری)
11. المناقب ج 3 ص 344: ابن شهر آشوب مازندرانی (متوفای 588 هجری)
12. الروضه فی الفضائل ابن شاذان
13. تاریخ بغداد ج 4، ص 196 حرف ص من آباء الاحمدین: احمد بن علی بغدادی شافعی (متوفای 463 هجری)
14. تذکره الخواص ص 318 باب 11: ابن جوزی حنفی (متوفای 654 هجری)
15. میزان الاعتدلال ج 1 ص 14: علامه ذهبی (متوفای 748 هجری)
16. مجمع الزوائد ج 9 ص 112.
17. الموافق ج 2، ص 615: عبدالرحمن بن احمد شافعی (متوفای 756 هجری)
18. نزهه المجالس ج 2، ص 236 الصفوری شافعی (متوفای 894 هجری)
19. منتخب کنز العمال ج 5، ص 39.
20. ینابیع الموده ص 421 / ج 1 ص 310 باب 56: ابن قندوزی حنفی - (متوفای 270 هجری)
21. مستدرک حاکم ج 3 ص 129: حاکم نیشابوری شافعی (متوفای 405 هجری)
22. تفسیر علی ابن ابراهیم (ابی عن بعض اصحابه، رفعه قال: 9 ج 2 ص 313 ح 7: (متوفای 307 هجری)
23. ارشاد القاوب ص 431 ج 2 حدیث سلیمان اعمش: حسن بن محمد دیلمی (متوفای 771 هجری)
24. روضه الواعظین محمد فتال نیشابوری شهید (متوفای 508 هجری)

در برخی از منابع اهل سنت، شکایت ح 1رت زهرا علیها السلام از اعتراض زنان قریش بگونه ای تحریف شده نقل گردید که با بررسیهای دقیق تاریخی، صحت ندارد و دورغ آشکار است. مانند:

25. صحیح بخاری ج 7 ص 85: محمد بن اسماعیل بخاری (متوفای 256 هجری)
26. صحیح مسلم ج 4 ص 1903: مسلم بن حجاج (متوفی 261 هجری)
27. سنن ابو داود ج 2 ص 225: ابی داوود (متوفای 275 هجری)
28. مسند احمد ابن حنبل ج 4 ص 326: احمد بن حنبل (متوفای 241 هجری)
- 26-1. غایه المرام فی رجال البخاری ص 295: علامه شیخ محمد بن داود البازلی شافعی (متوفای 925 هجری)
2. ملحقات احقاق الحقیق ج 23 ص 489.
3. الروض الفائق (بنقل احقاق ص 484) ص 348 مجلسی 42: شیخ حریش (متوفای 810 هجری)
4. کتاب الرقائق (معروف به الاخوانیات) ص 250 (مخطوط): علامه شیخ عبدالله حنفی (متوفای 800 هجری)
5. احقاق الحق ج 4 ص 481 حدیث 41: قاضی نورالله شوشتری شهید (متوفای 1019 هجری)
6. احتجاج ص 133 و 147: طبرسی (متوفای 588 هجری)
7. کتاب سلیم بن قیس ج 2 ص 643: سلیم بن قیس هلالی (متوفای 70 هجری)
8. الارشاد ج 1 ص 270: شیخ مفید (متوفای 413 هجری)
- 27- الف) قال ابوبکر فحدثنی محمد بن ذکریا عن جعفر بن محمد بن عماره الکندی عن ابیه عن حسین بن صالح بن حی عن رجلان من بنی هاشم عن زینب بنت علی بن ابیطالب علیهما السلام
- ب) قال ابوبکر فحدثنی عثمان بن عمران العجیفی عن نائل بن نجیح بن عمر عن جابر الجعفی عن ابی جعفر محمد بن علی علیهما السلام
- ج) قال ابوبکر، و حدثنی احمد بن محمد بن یزید عن عبدالله بن محمد بن سلیمان عن ابیه عن عبدالله بن الحسن بن الحسن قالوا جميعا.
- 28- شرح نهج البلاغه ج 16 ص 211: ابن ابی الحدید معتزلی ضافعی (متوفای 655 هجری)
- 29- بخشی از خطبه حضرت زهرا علیها السلام در مسجد مدینه است به حدیث 57 مراجعه فرمائید
- 30-1. تفسیر الامام العسکری ص 330

2. تفسیر البرهان ج 3 ص 245.
3. بحار الانوار ج 23 ص 259 حدیث 8.
- 31- الف) علامه شمس الدین ابن الجزری فی کتابه اسمی المناقب ص 32 (در حدیث 17 نقل شد مراجعه شود)
- ب) علی بن الحسن، عن محمد بن الحسین الکوفی، عن محمد بن علی بن زکریا عن عبدالله بن الضحا، عن هشام بن محمد عن عبدالرحمان، عن عاصم بن عمرو عن محمود بن لیبید قال. بحار الانوار ج 36.
- 32- قصص آیه 68
- 33- حج آیه 46.
- 34- 1. بحار الانوار ج 36 ص 353: باب 41 ح 224: علامه مجلسی (متوفای 1110 هجری)
2. کفایه الاثر ص 26: ابن خزاز قمی رازی (متوفای 400 هجری 9
3. کوکب الدری ج 1 ص 235 مجلس 24: حائری مازندرانی (متوفای 1300 هجری)
4. کتاب عوالم ج 11 ص 444 باب 11 بحرانی اصفهانی (متوفای قرن 12 هجری)
5. اثبات الهدی ج 2 ص 553 و ج 3 ص 127 حدیث 875: محمد بن حسن حر عاملی (متوفای 1104 هجری)
6. غایه المرام ص 96: محمد بن داود بازلی شافعی (متوفای 925 هجری)
7. صراط المستقیم ج 2 ص 123 حدیث 16: علی بن یونس عاملی (متوفای 877 هجری)
8. عوالم المعارف ج 11 ص 228 و ص 444 طبع جدید، بحرانی اصفهانی (متوفای قرن 12 هجری)
9. احقاق الحق ج 21 ص 26 و 27: قاضی نورالله شوشتری شهید متوفای 1019 هجری
10. اسمی المناقب ص 32 حدیث 5: محمد بن محمد جزری دمشقی شافعی (متوفای 833 هجری)
11. المسلسل بالاسماء ابوموسی المدینی (متوفای 581 هجری)
12. اسنی المطالب ص 49: جزری شافعی (متوفای 833 هجری).
- 35- قال شمس الدین حدثنا ابوبکر محمد بن عبدالله بن المحب المقدسی مشافهه، اخبرتنا الشیخه ام محمد زینب ابنه احمد بن عبد الرحیم المقدسیه، عن ابی المظفر محمد بن فتیان بن المسینی، اخبرنا ابوموسی محمد بن ابی بکر الحافظ، اخبرنا ابن عمه والدی القاضی ابوالقاسم عبد

الواحد بن محمد بن عبد الواحد المدني بقرائتي عليه، اخبرنا ابن عمه والدي القاضي ابوالقاسم عبد الواحد بن محمد بن عبد الواحد المدني بقرائتي عليه، اخبرنا ظفر بن داعي العلوي باسترآباد، اخبرنا و الدي و ابو احمد ابن مطرف المطرفي قالوا: حدثنا ابوسعيد الا دريسي اجازة فيما اخرج في تاريخ استرآباد، حدثني محمد به محمد بن الحسن ابوالعباس الرشيدى من ولد هرون الرشيد بسمرقند و ماكتبناه الا عنه، حدثنا ابوالحسن محمد بن جعفر الحلواني، حدثنا على بن محمد بن جعفر الالهوازي مولى الرشيد، حدثنا بكر بن احمد القصرى، حدثتنا فاطمه و زينب و ام كلثوم بنات موسى بن جعفر عليه السلام قلن حدثتنا فاطمه بنت على بن الحسين. حدثتني فاطمه و سكنيه ابنا الحسين بن على عن ام كلثوم بنت فاطمه بنت النبي عن فاطمه بنت رسول الله صلى الله عليه و سلم و رضى عنها قالت:

(الغدير ج 1 ص 197) و (ملحقات احقاق الحق ج 21 ص 26 و 27).

36- 1. احقاق الحق ج 21 ص 26 و 27: قاضى نورالله شوشترى شهيد (متوفى 1019 هجرى)

2. الغدير ج 1 ص 197: علامه امينى

3. اسمى المطالب فى مناقب على بن ابيطالب: شمس الدين ابوالخير الجزرى شافعى (متوفى 833 هجرى)

4. الضوء الامع ج 9 ص 256. شمس الدين السخاوى شافعى (متوفى 902 هجرى)

5. البدر الطالع ج 2 ص 297: شوكانى صنعانى (متوفى 1250 هجرى)

6. و مدارك حديث 16.

37- دلائل الامامه ص 38 حديث فدك: محمد بن جرير رستم طبرى امامى (متوفى 310 هجرى)

38- 1. دلائل الامامه ص 38 حديث فدك: محمد بن جرير رسم طبرى امامى (متوفى 310 هجرى)

2. خصال ج 1، ص 173 باب الثلاثة حديث 288: شيخ صدوق (متوفى 381 هجرى)

3. كتاب عوالم ج 11 ص 605

4. بحار الانوار ج 30 ص 124 حديث 2: علامه مجلسى (متوفى قرن 12 هجرى)

5. رياحين الشريعة ج 2 ص 50

6. احتجاج طبرسى ج 1، ص 109/146: احمد بن على طبرسى (متوفى 588 هجرى)

7. معانى الاخبار ص 354 حديث 1: شيخ صدوق (متوفى 380 هجرى)

8. امالى ص 384. شيخ طوسى: شيخ طوسى (متوفى 460 هجرى).



9. السقیفه و فدک ص 117: احمد بن عبدالعزیز جوهری (متوفای 393 هجری)
10. کشف الغمه ج 1 ص 492: علامه اربلی (متوفای 692 هجری)
11. نفحات اللاهوت ص 124: محقق کرکی (متوفای 937 هجری)
12. بلاغات النساء ص 19: ابن ابی طاهر مروزی (متوفای 280 هجری)
13. شرح ابن الحدید ج 16 ص 233: ابن ابی الحدید شافعی (متوفای 656 هجری)
14. کوکب الدرر ج 1 ص 227 خطبه فدک: حائری مازندرانی
15. اعیان الشیعه ج 1 ص 320: علامه امین عاملی
- 39- دلائل الامامه باسناده عن علی بن الحسین علیه السلام و فی السقیفه و فدک باسناده عن فاطمه بنت الحسین علیها السلام عنه - و - الاحتجاج عن سوید بن غفله.
- 40- 1. دلائل الامامه ص 38: محمد بن جریر رستم طبری امامی (متوفای 310 هجری)
2. خصال ج 1 ص 173 حدیث 228: محمد بن علی بن الحسین بن بابویه قمی (متوفای 381 هجری)
3. کتاب عوالم ج 11 ص 605: بحرانی اصفهانی (متوفای قرن 12 هجری)
4. بحار الانوار ج 8 ص 203 طبع قدیم - و - ج 43/158 و 161 حدیث 9: علامه مجلسی (متوفای 1110 هجری)
5. ریاحین الشریعه ج 2 ص 50: علامه محلاتی.
6. احتجاج طبرسی ج 1 ص 109/146: احمد بن علی طبرسی (متوفان 588 هجری)
7. معانی الاخبار ص 354 حدیث 1: شیخ صدوق (متوفای 380 هجری)
8. امالی ص 384. شیخ طوسی: (متوفای 460 هجری)
9. دلائل الامامه ص 39: طبری امامی (متوفای 310 هجری)
10. السقیفه و فدک ص 117: احمد بن عبدالعزیز جوهری (متوفای 393 هجری)
11. کشف الغمه ج 1 ص 492: علامه اربلی (متوفای 689 هجری)
12. نفحات اللاهوت ص 124: محقق کرکی (متوفای 937 هجری)
13. بلاغات النساء ص 19: ابن ابی طاهر مروزی (متوفای 280 هجری)
14. شرح ابی الحدید ج 16 ص 233: ابن ابی الحدید شافعی (متوفای 656 هجری)
- 41- ریاحین الشریعه ج 1 ص 93: علامه محلاتی
- 42- مدارک حدیث 21 با حدیث 57 مشترک است مراجعه شود
- 43- 1. بحر الانوار ج 43 ص 143 حدیث 11. علامه مجلسی (متوفای 1110 هجری)

2. کوکب الدرّی ج 1 ص 143 مجلس 5: حائری مازندرانی
3. کتاب عوالم ج 11 ص 387 باب 2: بحرانی اصفهانی (متوفای قرن 12 هجری)
4. کشف الغمه ج 1 ص 473: علامه اربلی (متوفای 692 هجری)
5. مصباح الانوار عن جعفر بن جعفر بن محمد علیه السلام قال... (نقل از بحار)
- 44- بحار الانوار ج 43 ص 156 و مناقب ابن شهر آشوب ج 2 ص 205
- 45- شیخ صدوق عن جعفر بن محمد المکی عن عبدالله بن اسحق مدائنی عن محمد بن زیاد عن المغیره عن سفیان عن هشام بن عروه عن ابيه عروه ابن زبیر عن ابو درداء قال...
- 46- 1. مناقب ج 2 ص 124: ابن شهر آشوب مازندرانی (متوفای 588 هجری)
2. بحار الانوار ج 84 ص 196 حدیث 5: علامه مجلسی (متوفای 1110 هجری)
3. ثالی الاخبار ج 4 ص 36: جلال الدین سیوطی شافعی (متوفای 911 هجری)
4. کتاب امالی ص 79: شیخ صدوق - و - مجالس. صدوق: شیخ صدوق (متوفای 380 هجری)

(هجری)

5. ثواب الاعمال ص 116: شیخ صدوق (متوفای 380 هجری).
- 47- 1. ناسخ التواریخ ج 2 ص 335:
2. بحار الانوار ج 43 ص 38 حدیث 40 علامه مجلسی (متوفای 1110 هجری)
3. مناقب شهر آشوب ج 3 ص 330 / ج 2 ص 94: ابن شهر آشوب (متوفای 588 هجری)
4. قوت القلوب عن جابر بن عبدالله (نقل مناقب): ابوطالب مکی (متوفای 382 هجری)
5. کوکب الدرّی ج 1 ص 143: حائری مازندرانی (متوفای قرن 13 هجری)
6. عوالم ج 11 ص 128 باب 12: بحرانی اصفهانی (متوفای قرن 12 هجری)
- 48- الف - معجم الطبرانی باسناده الی فاطمه الزهراء علیها السلام
- ب - الطبری روی من طریق احمد بن حنبل عن فاطمه علیها السلام
- ج - فی مسند احمد کتب الینا ابو جعفر الحضری قال حدثنا جندب بن والی قال حدثنا محمد بن عمر عن عباد الكلبي عن جعفر الصادق علیه السلام عن ابيه عن علی بن الحسین علیه السلام و ایضا عن فاطمه بنت الحسین هما عن الحسین عن امه فاطمه علیها السلام
- د - دلائل الامامه. ابوالحسین محمد بن هارون بن موسی، عن محمد بن علی بن الحسین بن بابویه عن علی بن محمد بن الحسین القزوینی (المعروف بابن مقبره) عن محمد بن عبدالله الحضرمی عن جندل بو والی عن محمد بن عمر الملدی، عن عباد الكلینی، عن جعفر بن محمد عن ابيه عن علی بن الحسین عن فاطمه الصغری عن الحسین بن علی، عن فاطمه علیها السلام قالت...

هه - بشاره المصطفی: عم احمد بن محمد العطرینی، عن الحسین بن محمد بن محمد بن هارون  
 عن محمد بن حمدان بن مهران، عن عبدان، عن عبدان، عن حبيب بن امغیره، عن جندل بن والی  
 عن محمد بن عمر المازنی، عن جعفر بن محمد عن ابیه عن علی بن الحسین علیه السلام عن فاطمه  
 الصغری عن الحسین بن علی علیه السلام عن امه فاطمه علیها السلام

49- ینابیع الموده ج 1 ص 376 علامه قندوزی

2. مناقب خوارزمی ص 79 حدیث 62 فصل 6: موفق بن احمد خوارزمی حنفی (متوفای 568

هجری)

3. ذخائر العقبی ص 92: محب الدین طبری شافعی (متوفای 694 هجری)

4. ریاض النضره ج 2 ص 214: محب الدین طبری (متوفای 694 هجری)

5. شرح ابن ابی الحدید ج 2 ص 449 (ط مصر): ابن ابی الحدید شافعی (متوفای 656 هجری)

6. مقتل الحسین ص 46: موفق بن احمد خوارزمی حنفی (متوفای 568 هجری)

7. مجمع الزوائد ج 9 ص 132: علامه هیثمی (متوفای 807 هجری)

8. فصول المهمه ص 125: علی بن محمد ابن صباغ مالکی (متوفای 855 هجری)

9. امالی صدوق ص 153 مجلس 34 حدیث 8: محمد بن علی بابویه قمی (متوفی 381

هجری)

10. بحار الانوار ج 39 ص 274 حدیث 52: علامه مجلسی (متوفای 1110 هجری)

11. منتخب کنز العمال: حسام الدین هندی در حاشیه مسند احمد ج 5 ص 47.

12. الاربعین حدیثا ص 65: جمال الدین هروی حنبلی (متوفای 481 هجری)

13. مفتاح النجا ص 60: علامه البدخشی

14. ارجح المطالب ص 522 و 507 علامه الامرتسری

15. دلائل الامامه ص 7: ابوجعفر محمد بن جریر طبری امامی (متوفای 310 هجری)

16. اسنی المطالب ص 70 حدیث 23: محمد بن محمد بن علی طبری (متوفای 553 هجری)

17. مستدرک الوسائل ج 1 ص 540: علامه محدث نوری

18. بشاره المصطفی ص 180: محمد بن علی طبری (متوفای 553 هجری).

50- الف - «عن جعفر بن محمد بن محمد عن آباءه علیهم السلام قال...»

1. بحار الانوار ج 3 ص 218 حدیث 49: علامه مجلسی (متوفای 1110 هجری)

2. کتاب العوالم ج 11 ص 494 و 607: بحرانی اصفهانی (متوفای 1110 هجری)

3. مصباح الانوار ص 262 (بنقل عوالم): هاشم بن محمد (متوفای 553 هجری).

- 51- محمد بن عبدالباس عن احمد بن عبدالرحمن عن محمد بن سليمان بن بزيع عن جميع بن المبارك عن اسحاق بن محمد عن ابيه عن جعفر بن محمد عن آباءه عليهم السلام:
- 52- 1. بحار الانوار ج 24 ص 230: علامه مجلسي (متوفای 1110 هجری)  
 2. کنز الفوائد ص 335: علامه کراچکی شافعی (متوفای 449 هجری)
- 53- الذریه الطاهره: حدثنا احمد بن يحيى الاودي، حدثنا جاريه بن مغلس، حدثنا عبيد بن الوسيم عن الحسين بن الحسن عن امه فاطمه بن الحسين بن الحسن عن امه فاطمه بنت الحسين عن ابيها عن فاطمه بنت رسول الله صلى الله عليه وآله قالت: سنن ابن ماجه
- 54- 1. كتاب ابن ماجه ص 1096 ج 2 باب 22: حافظ محمد بن يزيد قزوینی (متوفای 275 هجری)  
 2. کنز العمال ج 15 ص 242 حدیث 40759: متف هندی حنفی (متوفای 975 هجری)  
 3. الذریه الطاهره ص 138 حدیث 172: محمد بن احمد زازی دولابی (متوفای 310 هجری)  
 4. مسند فاطمه عليها السلام ص 100 حدیث 239: جلال الدین سیوطی شافعی (متوفای 911 هجری)
5. كتاب عوالم العلوم ج 11 ص 628: بحرانی اصفهانی (متوفای قران 12 هجری)  
 6. تغتور الباسمه ص 136 ث 43: جلال الدین سیوطی شافعی (متوفای 911 هجری)
- 55- نفائس الباب ج 3 ص 124 مخطوط و کتاب عوالم ج 11 ص 629  
 56- کنز العمال ج 12 ص 339 حدیث 35305: متفقی هندی حنفی (متوفای 975 هجری)  
 57- الف - عن زاره ابی جعفر عليه السلام قال... (بحار الانوار ج 43 ص 83)
- ب) حسن بن محمد بن سعید الهاشمی عن جعفر بن محمد العلوی عن محمد بن علی بن خلف عن حسن بن صالح ابن ابی الاسود عن ابی معشر عن محمد بن قیس قال... (امالی صدوق)
- 58- 1. لئالی الاخبار ج 1 ص 83: جلال الدین سیوطی شافعی (متوفای 911 هجری)  
 2. امالی صدوق مجلس 41 حدیث 7 ص 141: محمد بن علی بابویه قمی (متوفای 381 هجری)
3. هوالم ج 11 ص 586 و ص 130 حدیث 1: بحرانی اصفهانی (متوفای قرن 12 هجری)  
 4. بحار الانوار ج 43 ص 20 و 83 و ج 70 ص 86 باب 22: علامه مجلسي (متوفای 1110 هجری)
5. شرف النبی ص 436: علامه نیهانی کازرونی  
 6. الصواعق المحرقة ص 109: ابن حجر شافعی هیثمی (متوفای 241 هجری)

7. مسند احمد ج 5 ص 275: احمد بن حنبل (متوفای 241 هجری)
8. رشفه الصادى ص 225: ابوبكر بن شهاب العلوى شافعى
9. اصول كافى (به نقل بحار ج 43 ص 83): مرحوم كلينى (متوفای 328 هجری)
10. مكارم الاخلاق عن زاره عن ابى جعفر عليه السلام ج 1 ص 212 حديث 1/632: طبرسى (متوفای قرن 6 هجری)
11. مناقب ابن شهر آشوب ج 3، ص 343: محمد بن على شهر آشوب (متوفای 588 هجری)
12. مناقب فاطمه (بنقل شهر آشوب):
- 59- الف) الطالقانى عن محمد بن حمدان الصيدلانى عن محمد بن مسلم الواسطى عن محمد بن هارون عن خالد الحذاء عن ابى قلابه عن عبدالله زيد الجرهمى عن ابن عباس قال: (امالى صدوق)
- ب) محمد بن احمد بن البراء عن عبدالنعم بن ادريس بن سنان عن ابيه عن وهب بن مبنه عن جابر بن عبدالله و عبدالله بن عباس قالا (المعجم الكبير ص 135)
- 60- 1. بحار الانوار ج 22 ث 508: علامه مجلسى (متوفای 1110 هجری)
2. امالى صدوق ص 505/376 حديث 6 مجلس 72: محمد: على بابوي قمى (متوفای 588 هجری)
3. مناقب ابن شهر آشوب ج 1 ص 235: محمد بن على شهر آشوب (متوفای 1019 هجری)
4. احقاق الحق ج 9 ص 403 (ياورقى): قاضى نورالله شوشترى شهيد (متوفای 1019 هجری)
5. محجه البيضاء ج 8 ص 276: علامه فيض كاشانى (متوفای 1019 هجری)
6. المعجم الكبير ص 135 و علامه طبرانى (متوفای 360 هجری)
7. روضه الاحباب ص 602 علامه دشتكى
8. روضه الواعظين ج 1 ص 73: محمد بن فتال نيشابورى (متوفای 508 هجری)
- 61- 63 نور
- 62- مناقب ابن شهر آشوب ج 2 ص 320 و بحار ج 43 ص 32
- 63- الف) قاضى ابو محمد الكرخى فى كتابه عن الصادق عليه السلام قال: (از مناقب ابن شهر آشوب)
- ب) عن تفسير فرات بن ابراهيم عن اميرالمومنين عليه السلام قال:
- ج) قال العلامة ابن المغازلى اخبرنا ابو منصور زيد بن طاهر بن سيار البصرى قدم علينا واسطا عن حسين بن محمد بن يعقوب الشباطى الحافظ عن ابوبكر محمد بن عدى عن محمد بن عدى الابلى عن احمد بن محمد بن سعيد عن عبدالله بن محمد بن ابى مريم القبائى عن قاسم بن محمد عن ابيه

عن جعفر بن محمد عن ابيه محمد بن علي عن ابيه علي بن الحسين عن ابيه حسين بن علي عن امه فاطمه (سلام الله عليهم اجمعين) قالت:

- 64- مناقب ابن شهر آشوب ج 3 ص 320 محمد بن علي شهر آشوب (متوفای 588 هجری)
2. بحار الانوار ج 43 ص 32 و 33: علامه مجلسی (متوفای 1110 هجری)
3. کوکب الدرر ج 1 ص 150: حائری مازندرانی (متوفای قرن 13 هجری)
4. مناقب ابن مغازی ص 365: ابن مغازی شافعی (متوفای 483 هجری)
5. حلیه الابرار ج 1 ص 190 حدیث 9: هاشم بحرانی (متوفای 1107 هجری)
- 65- السيد الرضى (جامع نهج البلاغه) عن هارون بن موسى عن احمد بن محمد بن عمار العجلي الكوفي عن عيسى الضرير عن الكاظم عليه السلام.

- 66- 1. بحار الانوار ج 22 ص 484 حدیث 31: علامه مجلسی (متوفای 1110 هجری)
2. الطراف ص 25 الی 27: علی بن موسی بن طاووس
3. کتاب عوالم ج 11 ص 399 و 595: بحرانی اصفهانی (متوفای قرن 12 هجری)
4. خصائص الائمه ص 41: السيد الرضى (متوفای 401 هجری)
5. مقصد الراغب ص 121.
- 67- احقاق الحق ج 10 ص 435: قاضی نورالله شوشتری شهید (متوفای 1019 هجری)
2. موده القریبی ص 103: علامه حضرمی شافعی
3. مقتل الحسين ج 1 ص 80 فصل 5: موفق بن احمد مالکی خوارزمی (متوفای 568 هجری)
- 68- الف) ابو عبدالله بن ماجه فی السنن و ابو یعلی الموصلی فی المسند قال انس: (مناقب ابن شهر آشوب)

ب) روی عن ثابت بن انس:

- ج) اخیر نا سلیمان حرب، اخیرنا حماد بن زید عن ثابت عن انس قال: صحیح بخاری
- د) ابو حافظ الدارمی اخیرنا ابو النعمان عنا حماد بن زید، عن ثابت، عن انس بن مالک ان فاطمه
- 69- کتاب المنتقی ص 187: علامه ذهبی (متوفای 748 هجری)
2. کتاب عوالم ج 11 ص 457: بحرانی اصفهانی (متوفای قرن 12 هجری)
3. احقاق الحق ج 10 ص 427 و ج 19 ص 155: قاضی نورالله شوشتری شهید (متوفای 1019 هجری)

4. بحار الانوار ج 22 ص 522 حدیث 29: علامه مجلسی (متوفای 1110 هجری)

5. الطبقات الکبری ج 2 ص 311: ابن سعد (متوفای 230 هجری)

6. مسند ابی داود ج 2 ص 197: سلیمان بن داوود الجارود (متوفای 204 هجری)
7. سنن نسائی ج 2 ص 13 جزء 4 کتاب الجنائز: احمد بن شعیب نسائی شافعی (متوفای 303 هجری)
8. مستدرک حاکم ج 3 ص 163. و. ج 1 ص 381: حاکم نیشابوری شافعی (متوفای 405 هجری)
9. تاریخ خطیب بغدادی ج 6 ص 262 شماره 3292: احمد بن علی بغدادی شافعی (متوفای 463 هجری)
10. مسند احمد بن حنبل ج 3 ص 197: سلیمان بن داوود الجارود (متوفای 241 هجری)
11. صحیح ابن ماجه ج 1 ص 522 (سنن): محمد بن یزید قزوینی ابن ماجه (متوفای 273 هجری)
12. الفتوحات ج 4 ص 16: صدیقی شافعی (متوفای 1057 هجری)
13. السیره النبویه ج 3 ص 364: ابن هام (متوفای 213 هجری)
14. مختصر سیره الرسول ص 464: علامه عبدالله ابن عبدالوهاب حنبلی
15. سنن بیهقی ج 3 ص 409 و ج 4 ص 71: احمد بن حسین بیهقی شافعی (متوفای 458 هجری)
16. صحیح البخاری (کتاب بدء الخلق) ج 5 ص 15: محمد بن اسماعیل بخاری (متوفای 256 هجری)
17. صحیح نسائی ج 1 ص 261: احمد بن شعیب نسائی شافعی (متوفای 303 هجری)
18. کنز العمال ج 7 ص 261: متقی هندی حنفی (متوفای 975 هجری)
19. المعجم الصغیر ج 2 ص 112: طبرانی (متوفای 360 هجری)
20. سنن دارمی ج 1 ص 40: علامه دارمی (متوفای 255 هجری)
21. مناقب ابن شهر آشوب ج 1 ص 152: محمد بن علی شهر آشوب (متوفای 588 هجری)
22. المصنف ج 3 ص 553 حدیث 6673: عبدالرزاق بن همام صنعانی (متوفای 211 هجری)
23. مقتل الحسین علیه السلام جزء اول ص 84: موفق بن احمد خوارزمی (متوفای 528 هجری)
24. عقد الفرید ج 2 ص 171: احمد بن محمد عبد ربه الاندلسی مالکی (متوفای 328 هجری)
- 70- روایت و مدارک حدیث 38 یکی است مراجعه فرمائید
- 71- الف) حدثنا سلیمان بن حرب حدثنا حماد عن ثابت عن انس قال... سنن دارمی

ب) قال اخبرنا ابوالنعمان، حدثنا حماد بن زيد عن ثابت عن انس ابن مالك عن فاطمه  
عليها السلام (صحيح بخاری)

ج) حدثنا ابوبکر بن اسحاق الفقيه، ابنا اسماعيل بن القاضي، حدثنا سليمان بن داود حدثنا  
ابواسامه حدثني حماد بن زيد و ابنا علي بن و ابنا علي بن احمد السجزي، حدثنا بشر بن موسى،  
حدثنا سعيد بن منصور، حدثنا ابواسامه، حدثنا حماد بن زيد، عن ثابت، عن انس قال. (تاريخ بغداد)  
د) حدثنا موسى بن عيسى الزبيدي بميدنه زبيد بالمين، حدثنا ابوحمه محمد بن يوسف الزبيدي،  
حدثنا ابن قره موسى بن طارق قال: ذكر ابن جريح عن معمر، عن ثابت، عن انس مالك قال: (سنن  
بيهقي)

72- 1. صحيح بخاری ج 5 ص 15 و جزء 16 ص 249 ص 152: محمد بن اسماعيل  
بخاری (متوفای 256 هجری)

2. سنن دارمی ج 1 ص 40: علامه دارمی (متوفای 255 هجری)

3. جمع الوسائل ج 2 ص 263: علامه هروی حنفی (متوفای 1014 هجری)

4. السيره النبويه ج 3 ص 364: احمد زيني شافعي (متوفای قرن 13 هجری)

5. بدایع المنن ج 2 ص 488: علامه ساعاتی حنفی

6. مستدرک حاکم ج 1 ص 381 و ج 3 ص 163: حاکم نیشابوری شافعی (متوفای 405

هجری 9

7. تسيله اهل المصائب ص 66: علامه محمد بن... الحنبلي

8. جمع الفوائد ج 1 ص 127: علامه روادنی مالکی

9. تلخیص المستدرک ج 1، ص 381: علامه ذهبی شافعی (متوفای 748 هجری)

10. الانس الجليل ص 194: قاضي مجدالدين حنبلي

11. عقد الفريد ج 2 ص 171: احمد بن محمد عبدربه اندلسی مالکی (متوفای 328 هجری)

12. سنن ابن ماجه ج 1 ص 522: محمد بن يزيد قزوینی ابن ماجه (متوفای 275 هجری)

13. مسند احمد ج 3، ص 204: احمد بن حنبل (متوفای 214 هجری)

14. تذکره الخواص ص 285 باب 11: سبط بن جوزی (متوفای 654 هجری)

15. تيسير الوصول ج 2، ص 292: علامه شيباني شافعي (متوفای 944 هجری)

16. سنن بيهقي ج 4 ص 71 و ج 3 ص 409: احمد بن حسين بيهقي شافعی (متوفای 458

هجری)

17. تاريخ بغداد ج 6 ص 262: خطيب بغدادی شافعی (متوفای 463 هجری)



18. المنتقى ص 178: علامه ذهبی شافعی (متوفای 748 هجری)
19. احقاق الحق ج 19 ص 155: ج 10 ص 427: قاضی نورالله شوشتری شهید (متوفای 1019 هجری)
20. اسدالغایه ج 5 ص 524: ابن اثیر (متوفای 606 هجری)
21. مند ابی داوود ج 2 ص 197: سلیمان بن داود الجاورد (متوفای 204 هجری)
22. سنن نسائی ج 4 ص 13: احمد بن شعیب نسائی شافعی (متوفای 303 هجری)
- 73- ریاحین الشریعه ج 1 ص 249
- احقاق الحق ج 10 ص 427 الی 430 (عباراتی مشابه حدیث 37 وجود دارد)
3. کتاب عوالم ج 11 ص 487: بحرانی اصفهانی (متوفای قون 12 هجری)
4. کوکب الدری جزء اول ص 241: حائری مازندرانی
5. بیت الاحزان (ترجمه 9 ص 110 فصل 14: شیخ عباس قمی)
6. علم الیقین کاشانی ص 686 ج 2 فصل 20: فیض کاشانی (متوفای 1019 هجری)
- 74- بحارالانوار ج 43 ص 176 (روی ورقه بن عبدالله الازدی) باب 7: علامه مجلسی (متوفای 1110 هجری)
2. کوکب الدری ص 238: حائری مازندرانی (متوفای قرن 13 هجری)
3. المنتقى ص 178: علامه ذهبی شافعی (متوفای 748 هجری)
4. عوالم ج 11 ص 486 باب 12:
- 75- بحارالانوار ج 43 ص 176 باب 7 علامه مجلسی (متوفای 1110 هجری)
2. کوکب الدری جزء اول ص 241 مجلس 26: حائری مازندرانی (متوفای قرن 13 هجری)
3. کتاب و عوالم ج 11 ص 487 باب 2: بحرانی اصفهانی (متوفای قرن 12 هجری)
4. و مدارک و اسناد حدیث 41 مراجعه شود.
- 76- الف) بحارالانوار ج 181/43 (عن ابی بکر الجعابی و ابی نعیم الفضل بن دکین و اشعبی عن مسروق)
- ب) روی ابونعیم فی حلیه الاولیاء بسنده عن ابی جعفر الباقر ع.
- 77- 1. اعیان الشیعه ص 319 - ج 1 (رهلی) علامه امین عاملی
2. مناقب ابن شهر آشوب (بنقل اعیان) ج 3 ص 362 محمد بن علی شهر آشوب (متوفای علامه اینم عاملی 588 هجری)

3. احقاق الحق ج 19 ص 173 (یاورقی): قاضی نورالله شوشتری شهید (متوفای 1019 هجری)
4. و مدارک اسناد حدیث 41 مراجعه شود
5. روضه الواعضین ص 181: محمد بن فتال نیشابوری (متوفای 508 هجری)
6. اهل البیت ص 166: ابوعلم
7. حلیه الاولیاء: ابوالفرج اصفهانی زیدی (متوفای 402 هجری)
- 78- 1. الوافی ج 7 ص 571 حدیث 6613: فیض کاشانی (متوفای 402 هجری)
2. بحار الانوار ج 43 ص 157 حدیث 7: علامه مجلسی متوفای 1110 هجری
3. کتاب عوالم ج 11 ص 450 حدیث 2: بحرانی اصفهانی (متوفای قرن 12 هجری)
4. من لا یحضره الفقیه ج 1 ص 297 حدیث 907: شیخ صدوق (متوفای 380 هجری)
5. احقاق الحق ج 19 ص 153: قاضی نورالله شوشتری شهید متوفای 1019 هجری
6. اعیان الشیعه ص 319: علامه محسن امین
7. ریاحین الشریعه ج 1 ص 245: علامه محلاتی
8. اهل البیت علیهم السلام ص 166 توفیق ابوعلم
- 79- بحار الانوار ج 45 ص 190 حدیث 36، و ج 43 ص 309: علامه مجلسی (متوفای 1110 هجری)
2. احقاق الحق ج 10 ص 654: قاضی نورالله شوشتری شهید (متوفای 1019 هجری)
3. موده القربی ص 127 (عن ابن عباس): علامه حصرمی
4. کتاب عوالم ج 11 ص 177: بحرانی اصفهانی (متوفای قرن 12 هجری)
5. مقتل الحسین ج 1 ص 123 (و روی فی المراسیل): خوارزمی (متوفای 993 هجری)
- 80- الحجر آیه 43 و 44
- 81- بحار الانوار ج 8 ص 303 حدیث 62 و ج 43 ص 88 حدیث 9 نقل از الدرود من کتاب زهد النبی صلی الله علیه و آله لا بی جعفر احمد القمی
2. ریاحین الشریعه ج 1 ص 148: علامه محلاتی.
- 82- الف)- احمد بن حنبل عن عبدالله عن ابيه عن ابواحمد عن خالد بن طهمان عن نافع بن ابی نافع عن معقل بن یسار قال: (مسند احمد)
- ب) روی عبیدالله موسی والفضل بن دکین و الحسن بن عطیه قالوا حدثنا خالد بن طهمان:

ج)حافظ بن عساكر عن ابوالقاسم بن الحصين عن ابوعلی بن المذهب عن احمد بن حفصر عن عبدالله بن احمد بن ابيه عن ابواحمد عن خالد بن طهمان عن نافع عن ابی معقل بن يسار قال: (احقاق ج 22)

83- 1. احقاق الحق ج 4 ص 150 - و - ج 20 ص 493 - و - ج 22 ص 152: قاضی نوالله شوشتری (متوفای 1019 هجرى)

2. مسند احمد بن حنبل ج 5 ص 26: احمد بن حنبل (متوفای 241 هجرى)

3. كشف الغمه ص 43 ج 1: علامه اربلی (متوفای 1110 هجرى)

4. بحار الانوار ج 38 ص 19 باب 56: علامه مجلسی (متوفای 1110 هجرى)

5. العتانيه ص 289 (ط مصر): ابوعمان اللثبي جاحظ

6. تلخيص متشابه في الرسم ج 2 ص 834: خطيب بغدادی (متوفای 463 هجرى)

7. ذخائر العقبی ص 78: محب الدين طبرى (متوفای 694 هجرى)

8. الرياض النضره ج 2 ص 192: محب الدين طبرى (متوفى 694 هجرى)

9. المراجعات ج 1 ص 305: شيد شرف الدين عاملى

10. فضائل الخمسه ج 1 ص 180:

11. مرقاه المفاتيح ج 11 ص 335: علامه هروى حنفى (متوفای 401 هجرى)

12. مختصر تاريخ دمشق ابن منظور (متوفای 711 هجرى)

84- على بن احمد الاهوازى عن احمد بن عبيد الصفارت عن عبدالله بن ايوب عن ابوالوليد

الطيالسى عن ابوهاشم صاحب الزعفرانى عن محمد بن عبدالله عن انس بن مالك قال: (احقاق ج

10)

85- 1. طبقات الكبرى ج 1 ص 400: ابن سعد (متوفای 230 هجرى)

2. مجمع الزوائد ج 10 ص 312: حافظ هيثمى (متوفای 807 هجرى)

3. المعجم الكبير ص 41 (مخلوط) علامه طبرانى (متوفای 360 هجرى)

4. ذخائر العقبی ص 47: محب الدين طبرانى (متوفای 360 هجرى)

5. بحار الانوار ج 20 ص 245 حديث 10: علامه مجلسی (متوفای 1110 هجرى)

6. احقاق الحق ج 10 ص 285: قاضی نورالله شوشتری (متوفای 1019 هجرى)

7. رساله القشيرييه ص 72: علامه عبدالکريم بن هوازن الشافعي (متوفای 465 هجرى)

8. اتحاف الساده المتقين ج 7 ص 391: زبيدى حنفى (متوفای 379 هجرى)

9. اخلاق النبي ﷺ ص 298: حافظ ابو محمد بن حيان اصفهاني (متوفای 369 هجرى)

10. ینابیع الموده ص 235 باب 56: قندوزی حنفی (متوفای 1294)
11. وسلیه المال ص 90 (مخلوط): علامه حضرمی
12. عیوان اخبار الرضا علیه السلام باسانیده الثلاثه عن الرضا علیه السلام عن آبائه، عن علی علیه السلام ج 2 ص 40: شیخ صدوق (متوفای 381 هجری)
13. حلیة الابراج ج 1 ص 242 حدیث 14: علامه بحرانی (1107 هجری)
- 86- مدارک و اسناد آن با حدیث 57 مشترک است مراجعه کنید
- 87- الف - راوندی باسناده عن موسی بن جعفر عن آبائه علیهم السلام قال:
- ب - الجعفریات: اخبرنا عبدالله، اخبرنا محمد، حدیثی موسی قال حدیثی ابی، عن ابیه عن جدہ جعفر بن محمد عن ابیه علیه السلام.
- 88- مناقب ص 380 حدیث 428: ابن مغازی شافعی (متوفای 483 هجری)
2. مستدرک الوسائل ج 14 ص 289: میرزا حسن نوری طبری (متوفای 1320 هجری)
3. بحار الانوار ج 43 ص 91. و. ج 101 ص 38: علامه مجلسی (متوفای 1110 هجری)
4. کتاب عوالم ج 11 ص 223 و 629: علامه بحرانی (متوفای قرن 12 هجری)
5. ریاحین الشریعه ج 1 ص 149: حائری مازندرانی (متوفای 1300 هجری)
6. کوکب الدری ج 1 ص 149: حائری مازندرانی (متوفای 1300 هجری)
7. احقاق الحق ج 10 ص 258: قاضی نورالله شوشتری (متوفای 1019 هجری)
8. نوادر راوندی ص 14: باسناده عن موسی بن جعفر عن آبائه علیهم السلام: سید فضل الله راوندی (متوفای 549 هجری)
9. الجعفریات ص 95: محمد بن محمد اشعث
10. المناقب ص 210 (مخلوط):
- عبدالله الشافعی (متوفای 483 هجری)
- 89- عدہ من اصحابنا عن احمد بن ابی عبدالله عن اسماعیل بن مهران عن عبید بن معاویه عن معاویه بن شریح عن سیف بن عمیره عن عمرو بن شمر عن جابر بن ابی جعفر علیه السلام عن جابر بن عبدالله الانصاری قال: (الکافی)
- 90- 1. مستدرک الوسائل ج 14 ص 282: محدث نوری (متوفای 1320 هجری)
2. مشکاه الانوار ص 195: علی طبرسی (متوفای 548 هجری)
3. بحار الانوار ج 2 ص 379 و ج 43 ص 62 باب 3: علامه مجلسی (متوفای 1110 هجری)

4. وسائل الشيعه ج 14 ص 158. و. ج 20 ص 216 ح 3 باب 120: شيخ حر عاملی (متوفای 1104 هجری)

5. فروع کافی ج 5 ص 528 (باب الدخول علی النساء): مرحوم کلینی رازی متوفای 328 هجری)

6. لئالی الاخبار ج 1 ص 83: سیوطی شافعی (متوفای 911 هجری)

7. نورالثقلین ج 3 ص 587 حدیث 87: علامه عروسی حویزی (متوفای 1112 هجری)

8. کوکب الدرری ج 1 ص 170: علامه حائری مازندرانی (متوفای 1300 هجری)

9. محجه البيضاء ج 6 ص 103 - و- ج 7 ص 324 علامه فیض کاشانی (متوفای 1091 هجری)

91- الف - علی بن عیسی عن ابن عباس قال... کشف الغمه ج 2 ص 67

ب - سلمه بن الخطاب عن احمد بن یحیی بن زکریا عن ابيه عن حمید بن المثنی عن ای عبدالرحمن الحداد (ع) ابی عبدالله قال... (وسائل الشيعه ج 2 ص 876)

ج - ابن عبدالبر الاندلسی عن قتیبه بن سعد بن محمد بن موسی عن عون بن محمد بن علی بن ایطالب عن امه ام جعفر بنت محمد بن کھفر و عن عماره بن المهاجر عن ام جھفر قالت... (الاستیعاب ج 2 ص 752).

د - خوارزمی عن احمد بن الحسین عن ابو عبدالله الحافظ، عن ابو محمد الحسن بن محمد بن یحیی العلوی عن جده یحیی بن الحسن عن بکر بن عبدالوهاب عن محمد بن عمر الواقدی عن عمر بن محمد بن عمر بن علی عن ابيه عن علی بن الحسین عن ابن عباس قال... (احقاق الحق ج 10 ص 474)

ه - قال خطیب البغدادی فی (موضح اوھام الجمع و التفریق ج 2 ص 403) اخبرنا ابوبکر محمد بن عمر بن محمد بن اسماعیل الداوودی عن عمر بن احمد بن عثمان الواعظ عن عبدالله بن محمد البغوی عن عون بن محمد بن علی بن ایطالب عليه السلام عن امه ام جھفر ابنه محمد بن جعفر بن ابی طالب (رض) عن اسماء ابنه عمیس قالت:

92- 1. الاستیعاب ج 2 ص 752 - و- ج 4 ص 378 عن ابی: ابن عبدالبر مالکی (متوفای 463 هجری)

2. کشف الغمه ج 2 ص 67: علامه اربلی (متوفای 692 هجری)

3. السنن الكبرى ج 4 ص 34: البيهقي الشافعي (متوفای 458 هجری)

4. ذخائر العقبی ص 53: محب الدین طبری (متوفای 694 هجری)

5. حليه الاولياء ج 2 ص 94: حافظ ابونعيم اصفهاني (متوفى 430 هجرى)
6. تاريخ الاسلام ج 2 ص 94: علامه الذهبى (متوفى 748 هجرى)
7. وفاء الوفا ج 2 ص 93: علامه سمهودى (متوفى 1104 هجرى)
8. اعلام النساء ج 3 ص 1221: عمر رضا كحاله. و. ج 4 ص 130
9. وسيله المال ص 92: الحضرمى
10. رباحسن الشريعه ج 2 ص 60: علامه محلاتى
11. احقاق الحق ج 10 ص 474 و 470 و 471: قاضى نورالله شوشترى شهيد (متوفى 1019 هجرى)
12. بحار الانوار ج 2 ص 67. و. ج 43 ص 212/189. و. ج 78 ص 250 و 255: علامه مجلسى (متوفى 1110 هجرى)
13. مقتل الخوارزمى ص 82: موفق بن احمد 10 خطب خوارزمى (متوفى 568 هجرى)
14. وسائل الشيعه ج 2 ص 876: شيخ حر عاملى (متوفى 1104 هجرى)
15. كوكب الدرى (جزء اول) ص 261: علامه حائرى مازندرانى
16. مناقب ابن شهر آشوب ج 3 ص 364: ابن شهر آشوب (متوفى 588 هجرى)
17. التهذيب ج 1 ص 469 حديث 1540: شيخ طوسى (متوفى 460 هجرى)
18. عوالم ج 11 ص 511: علامه بحراني اصفهاني
19. مفتاح النجا ص 103 (مخلوط): علامه سيوطى شافعى (متوفى 911 هجرى)
20. الطبقات الكبرى ج 8 ص 28: ابن سعد (متوفى 230 هجرى)
21. الثغور الباسمه ص 17: علامه سيوطى شافعى (متوفى 911 هجرى)
22. موضح اوهام الجمع و التفريق ج 2 ص 403: خطيب بغدادى (متوفى 463 هجرى)
23. كنز العمال ج 16 ص 289: متقى هندى
24. انساب الاشراف ص 405: بلاذرى (متوفى 279 هجرى)
- 93- الف - على بن عيسى عن ابن عباس قال... (كشف الغمه ج 2 ص 67)
- ب - سلمه بن الخطاب عن احمد بن يحيى بن زكريا عن ابيه عن حميد بن المثنى عن ابي عبدالرحمن الحذا عن ابي عبدالله قال... (وسائل الشيعه ج 2 ص 876)
- ج) ابن عبدالبر الاندلسى عن قتيبه بن سعيد عن محمد بن موسى عن عون بن محمد بن على بن ابيطالب عن امه ام جعفر بنت محمد بن جعفر و عن عمارة بن المهاجر عن ام جعفر قالت.... (الاستيعاب ج 2 ص 752)

د- خوارزمی عن احمد بن الحسين عن ابو عبدالله الحافظ، عن ابو محمد الحسن بن محمد بن يحيى العلوى عن جده يحيى بن الحسن عن بكر بن عبد الوهاب عن محمد بن عمر الواقدى عن عمر بن محمد بن عمر بن على عن ابيه عن على بن الحسين عن ابن عباس قال... (احقاق الحق ج 10 ص 474)

ه- قال خطيب البغدادي في (موضوع اوهام الجمع و التفريق ج 2 ص 403) اخبرنا ابو بكر محمد بن عمر بن محمد بن اسماعيل الداودي عن عمر بن احمد بن عثمان الواعظ عن عبدالله بن محمد البغوي عن عون بن محمد بن على بن ابي طالب عليه السلام عن امه ام جعفر ابنه محمد بن ابي طالب (رض) عن اسماء ابنه عميس قالت:

94- 1. الاستيعاب ج 2 ث 752 - و - ج 4 ص 378 عن ابي: ابن عبدالله مالكي (متوفى 463 هجرى)

2. كشف الغم ج 2 ص 67: مرحوم اربلى (متوفى 692 هجرى)

3. السنن الكبرى ج 4 ص 34: البيهقي الشافعي (متوفى 458 هجرى)

4. ذخائر العقبى ص 53: محب الدين طبرى (متوفى 694 هجرى)

5. حليه الاولياء ج 2 ص 43: حافظ ابونعيم اصفهاني (متوفى 430 هجرى)

6. تاريخ الاسلام ج 2 ص 94: علامه ذهبى (متوفى 748 هجرى)

7. وفاء الوفا ج 2 ص 93: سمهودى (متوفى 1104 هجرى)

8. اعلام النساء ج 3 ص 1221: عمر رضا كحاله. و. ج 4 ص 130

9. وسيله المال ص 92: الحضرمي

10. رياحين الشريعة ج 2 ص 60: علامه محلاتي

11. احقاق الحق ج 10 ص 474 و 470 و 471: قاضى نورالله شوشترى (متوفى 568 هجرى)

(هجري)

12. بحار الانوار ج 2 ص 67. و. ج 43 ص 204/192. و. ج 28 ص 304: علامه مجلسي

(متوفى 1110 هجرى)

13. مقتل الخوارزمي ص 82: خوارزمي (متوفى 568 هجرى)

14. وسائل الشيعه ج 2 ص 876: شيخ حر عاملي (متوفى 1014 هجرى)

15. كوكب الدرى (جزء اول) ص 261: علامه حائرى مازندراني

16. مناقب ابن شهر آشوب ج 3 ص 364: ابن شهر آشوب (متوفى 588 هجرى)

17. التهذيب ج 1 ص 469 حديث 1540: شيخ طوسى (متوفى 460 هجرى)

18. عوالم ج 11 ص 511: علامه بحرانی اصفهانی
19. مفتاح ص 103 (مخلوط): علامه سیوطی شافعی (متوفای 911 هجری)
20. الطبقات الكبرى ج 8 ص 28: ابن سعد (متوفای 230 هجری)
21. الثغور الباسمه ص 17: علامه سیوطی شافعی (متوفای 911 هجری)
22. موضح اوهام الجمع و التفريق ج 2 ص 403: خطیب بغدادی (متوفای 463 هجری)
23. كنز العمال ج 16 ص 289: متقی هندی حنفی (متوفای 975 هجری)
24. انساب الاشراف ص 405: بلاذری (متوفای 279 هجری)
- 95- الف - فی رجال الكشي - روی جعفر غلام عبدالله بن بكير عن عبدالله بن محمد بن نهيك عن النصيبی عن ابی عبدالله عليه السلام قال: قال اميرالمومنين (ع):
- ب - فی مهج الدعوات: عن الشيخ على بن الحسين محمد بن على بن عبدالصمد عن جده عن الفقيه ابی الحسن عن ابی البركات على بن الحسن الجوزی. عن الصدوق عن الحسن بن محمد بن سعيد عن فرات ابن ابراهيم عن جعفر بن محمد بن بشرويه عن محمد بن ادريس ابن سعد سلمان الفارسی عن ابیه قال (2)
- ج) دلائل طبری قال: روی علی بن الحسن الشافعی عن یوسف بن یعقوب القاضی عن محمد بن الاشعث عن محمد بن عون الطائی، عن داود بن ابی هند، عن ابان، عن سلمان رضی الله عنه قال...
- د - الثاقب فی المناقب و ابوجعفر المشهدی باسناده عن عاصم بن الاحول عن زرین جیش عن سلمان قال:
- 96- 1. بحار الانوار ج 22 ص 352. و. ج 43 ص 66. و. ج 91 ص 226: علامه مجلسی متوفای 1110 هجری)
2. مهج الدعوات ص 7: ابن طاووس حسنی (متوفای 664 هجری)
3. دلائل الامامه ص 28: محمد بن هریر طبری (متوفای 460 هجری)
4. رجال کشی ص 6: محمد: بن حسن طوسی (متوفای 460 هجری)
5. کتاب عوالم ج 11 ص 161: علامه بحرانی اصفهانی
6. ریاحین الشریعه ج 1 ص 135: علامه محلاتی
7. الثاقب فی المناقب 123: ابن حمزه محمد بن علی طوسی (متوفای 600 هجری)
- 97- ریاحین الشریعه ج 1 ص 105
- 98- آیه 102 آل عمران
- 99- آیه 28 سوره فاطر



- 100- توبه آيه 129  
 101- توبه آيه 49  
 102- آل عمران آيه 85  
 103- مائده آيه 50  
 104- نمل آيه 16.  
 105- مريم آيه 6  
 106- انفال آيه 75  
 107- نساء آيه 11  
 108- بقره 180.  
 109- انعام آيه 67  
 110- آل عمران 144  
 111- قبيله مادر بزرگ اوس و خزرج بود.  
 112- توبه آيه 13  
 113- ابراهيم آيه 8  
 114- الشعراء آيه 227  
 115- مريم آيه 6  
 116- نمل آيه 16.  
 117- يوسف 18  
 118- غافر آيه 78  
 O روايت خطبه اول

«1»: العلامة احمد بن ابى طاهر المعروف بابن طيفور، من ابناء خراسان، ولد ببغداد سنه 204، و توفى سنه 280 هجرية. قال فى كتابه القيم «بلاغات النساء» ص 12: «قال ابوالفضل: ذكرت لابى الحسين زيد بن على بن الحسين بن على بن ابى طالب - صلوات الله عليهم - كلام فاطمه عليها السلام عند منع ابى بكر فدك اياها، و قلت له: ان هولاء يزعمون انه انه مصنوع و انه من كلام ابى العيناء» الخبر منسوق البلاغه على الكلام» فقال لى: رايت مشايخ آل ابى طالب يروونه عن آبائهم و يعلمونه ابناءهم، و قد حدثني ابى، عن جدى يبلغ به فاطمه على هذه الحكايه و رواه مشايخ الشيعة و تدارسوه بينهم قبل ان يولد جد ابى العيناء، و قد حدث به الحسن بن علوان عن عطيه العوفى انه سمع عبد الله بن الحسن يذكر عن ابيه ثم قال ابوالحسين: و كيف يذكر هذا من كلام فاطمه فينكرونه

و هم يروون من كلام عائشه عند موت ابيها ما هو اعجب من كلام فاطمه يتحققونه لو لا عداوتهم لنا اهل البيت ثم ذكر الحديث.

«2»: و ذكر ايضا ص 14 طريقا آخر، قال: حدثني جعفر بن محمد رجل من اهل ديار مصر لقيته بالرافقه قال: حدثني ابي قال: اخبرنا موسى بن عيسى قال: اخبرنا عبد الله بن يونس قال: اخبرنا جعفر الاحمر، عن زيد بن علي رحمه الله عليه عن عمته زينب بنت الحسين عليها السلام قالت: لما بلغ فاطمه عليها السلام اجماع ابي بكر على منعها فدك لاثت خمارها - الخبر.

«3»: العلامة ابن ابي الحديد المعتزلى قال فى «شرح النهج» ج 16، ص 252 ذيل كتابه عليه السلام الى عثمان بن حنيف (45): قال المرتضى: و اخبرنا ابو عبدالله المرزبانى قال: حدثني علي بن هارون قال: اخبرني عبيدالله بن احمد بن ابي طاهر، عن ابيه قال: «ذكرت لابي الحسين زيد بن علي بن الحسين بن علي بن ابي طالب عليه السلام»

كلام فاطمه عليها السلام عند منع ابي بكر اياها فدك فقلت له: ان هولاء يزعمون انه مصنوع و انه من كلام ابي العيناء، لان الكلام منسوق البلاغه، فقال لى: رايت مشايخ ال ابي طالب يروونه عن آبائهم و يعلمونه اولادهم، و قد حدثني به ابي عن جدى يبلغ به فاطمه عليها السلام على هذه الحكاياه. و قد رواه مشايخ الشيعة و تدارسوه قبل ان يوجد جد ابي العيناء و قد حدث الحسين بن علوان عن عطيه العوفى انه سمع عبدالله بن الحسن بن الحسن يذكر عن ابيه هذا الكلام». ثم قال ابو الحسين زيد: «و كيف تنكرون هذا من كلام فاطمه عليها السلام و هم يروون من كلام عائشه عند موت ابيها ما هو اعجب من كلام فاطمه عليها السلام و يحققونه لولا عداوتهم لنا اهل البيت.

ثم ذكر الحديث...

«4»: و ذكر ايضا طريقا آخر ص 249، اخبرنا ابو عبيدالله محمد بن عمران المرزبانى قال: حدثني محمد بن احمد الكاتب قال: حدثنا احمد عبيد بن ناصح النحوى قال حدثني الزيادى قال: حدثنا الشرقى بن القظامى، عن محمد بن اسحاق قال: حدثنا صالح بن كيسان، عن عروه، عن عائشه قالت: لما بلغ فاطمه اجماع ابي بكر على منعها فدك، لاثت خمارها على راسها - الحديث.

«5»: و قال ايضا ص 210: و جميع ما نورده فى هذا الفصل من كتاب ابي بكر احمد بن عبد العزيز الجوهرى فى السقيفه و فدك و ما وقع من الاختلاف و الاضطراب عقيب و فاه النبى صلى الله عليه و آله و ابوبكر الجوهرى هذا عالم، محدث، كثير الادب، ثقه، ورع، اثنى عليه المحدثون ورووا عنه مصنفاته.... قال ابوبكر: فحدثني محمد بن ذكرى قال: حدثني جعفر بن محمد بن عماره الكندى قال: حدثني ابي، عن الحسين بن ساحل بن حى قال حدثني رجلان من بنى هاشم عن زينب بنت علي بن ابي طالب عليها السلام قال: و قال جعفر بن محمد بن علي بن الحسين، عن ابيه.

قال ابوبكر و حدثني عثمان احمد بن محمد بن يزيد، عن عبدالله بن محمد بن سليمان، عن ابيه، عن عبدالله بن حسن بن الحسين، قالو جميعا: لما بلغ فاطمه عليها السلام اجماع ابي بكر على منعها فدك، لاثت خمارها و اقبلت في لمة من حفدتها - الى آخر الخطبه.

«6»: ورودى الصدوق (ره) بعض فقراتها المتعلقة بالعلل في «علل الشرايع» عن ابن المتوكل عن السعد آبادى، عن البرقى، عن اسماعيل بن مهران، عن احمد ابن محمد بن جابر، عن زينب بنت على عليها السلام.

قال: و اخبرنا على بن حاتم، عن محمد بن مسلم، عن عبدالجليل الباقطاني، عن الحسن بن موسى الخشاب، عن عبدالله بن محمد العلوى، عن رجال من اهل بيته، عن زينب بن على عليها السلام، عن فاطمه عليها السلام بمثله.

و اخبرني على بن حاتم، عن ابن ابي عمير، عن محمد بن عماره، عن محمد بن ابراهيم المصرى، عن هارون بن يحيى، عن عبيدالله بن موسى العبسى، عن حفص الاحمر، عن زيد بن على، عن عمته زينب بت على عليها السلام، عن فاطمه عليها السلام....

«7»: حدثني ابو الفضل محمد بن عبدالله، قال حدثنا ابو العباس احمد بن محمد بن سعيد الهمداني، قال حدثنا احمد بن محمد بن عثمان بن سعيد الزيارت قال حدثنا محمد بن الحسين الغضبانى، قال حدثنا احمد بن محمد بن ابن نصر البزنطى عن السكونى عن ابان بن عثمان الاحمر عن ابان بن تغلب الربعى عن عكرمه عن ابن عباس قال لما بلغ فاطمه اجماع ابي بكر على منع فدك.

و اخبرني ابو الحسين محمد بن هارون بن موسى التلعكبرى، قال حدثنا ابي، قال حدثنا ابو العباس احمد بن محمد بن سعيد لهمداني، قال حدثني محمد بن المفضل بن ابراهيم بن المفضل بن قيس الاشعري، قال حدثنا على بن حسان عن عمه عبدالرحمان بن كثير عن ابي عبدالله جعفر بن محمد عن ابيه عن جده على بن الحسين عن عمته زينب امير المومنين قالت لما اجمع ابوبكر على منع فاطم فدكا.

قال ابو العباس: و حدثنا محمد بن المفضل بن ابراهيم الاشعري، قال حدثني ابي، قال حدثنا احمد بن محمد بن عمرو بن عثمان الجعفى، قال حدثني ابي عن جعفر بن محمد عن عبيه عن جده على بن الحسين عن عمته زينب بنت امير المومنين و غير واحد ان فاطمه لما اجمع ابوبكر على منعها فدكا

و حدثني القاضى ابو اسحاق ابراهيم بن مخلد بن جعفر بن سهل بن حمران الدقاق، قال حدثني ام الفضل خديجد بنت محمد بن ابي الثلج، قال حدثنا ابو عبدالله محمد بن احمد الصفوانى، قال حدثنا ابو احمد عبدالعزيز بن يحيى الجلودى البصرى، قال حدثنا محمد بن زكريا قال حدثنا جعفر بن

عماره الكندي، قال حدثني ابي عن الحسن بن صالح بن حي قال (و ما رات عيناي مثله) قال حدثني رجلان من بني هاشم عن زينب بنت علي قال لما بلغ فاطمه اجماع ابي بكر على منع فدك و انصراف و كيلها عنها لاثت خمارها الحديث.

«8»: قال الصفواني وحدثني محمد بن محمد بن يزيد مولى بني هاشم، قال حدثني عبدالله بن محمد بن سليمان بن عبدالله بن الحسن بن الحسن عن عبدالله بن الحسن بن جماعة من اهله و ذكر الحديث.

«9»: قال الصفواني وحدثني ابي عن عثمان، قال حدثنا نايل بن نجيب عن عمر بن شمر عن جابر الجعفي عن ابي جعفر عن آباءه و ذكر الحديث  
«10»: قال الصفواني وحدثنا عبدالله بن ضحاک، قال حدثنا هشام بن محمد عن ابيه ابن و عوانه.

«11»: قال الصفواني وحدثنا ابن عائشه ببعضه وحدثنا العباس بن بكار، قال حدثنا حرب بن ميمون عن زيد علي عن آباءه عليه السلام قالوا لما بلغ فاطمه (س) اجماع ابي بكر على منعها فدك و انصرف عاملها منها لاثت دلائل الامامه ص 30.

«12»: و عن محمد بن موسى بن المتوكل عن علي بن الحسين السعد آبادي عن احمد بن ابي عبدالله البرقي عن اسماعيل بن مهران عن احمد محمد بن جابر عن زينب بنت علي عليها السلام قالت (ابن سند مربوط به فقره ن فرض الله الايمان... الى... والامر بالمعروف مصلحه) از خطبه معروف حضرت می باشد.) وسائل الشيعه ج 1 ص 13 و 14

«13»: احمد بن ابي طاهر حدثني جعفر بن محمد رجل من اهل ديار مصر لقيته بالرافضه قال: حدثني ابي قال: اخبرنا موسى بن عيسى، قال اخبرنا عبدالله بن يونس قال: اخبرنا جعفر الاحمر، عن زيد بن علي، عن عمته زينب بنت الحسين قالت: «احقاق الحق ج 10 ص 296»

«14»: قال ابوبكر فحدثني محمد بن زكريا، قال: حدثني جعفر بن محمد بن عمارة الكندي قال حدثني ابي، عن الحسين به صالح بن حي، قال: حدثني رجلان من بني هاشم عن زينب بنت علي بن ابي طالب عليه السلام قال: و قال جعفر بن محمد بن علي بن الحسين، عن ابيه قال ابوبكر: وحدثني عثمان بن عمران العجيفي عن نائل بن بخيع بن عمير بن شمر عن جابر الجعفي، عن ابي جعفر محمد بن محمد علي بن الحسين، عن ابيه قال ابوبكر: و حدثني بن عمران العجيفي عن نائل به بخيع بن عمير بن شمر عن جابر الجعفي، عن ابي جعفر محمد بن علي عليه السلام «احقاق الحق ج 10 ص 296»

«15»: و قال ابوبكر اخبرنا ابو عبيد الله محمد بن عمران المرزباني قال: حدثني محمد بن احمد الكاتب قال: حدثنا احمد بن عبيد بن ناصح النحوي قال: حدثني الزيادي قال: حدثنا الشرقي بن القطامي عن محمد بن اسحاق قال: حدثنا صالح بن كيسان عن عروه، عن عائشه قالت: «16»: و نقلتها من كتاب السقيفه عن عم ربن شبه تاليف ابى بكر احمد بن عبدالعزيز الجوهري من نسخه قديمه مفروءه على مولفها المذكور، قرئت عليه فى ربيع الاخر سنه اثنتين و عشرين و ثلاثمائه روى عن رجاله من عده طرق. كشف الغمه ج 2 ص 40

«17»: ابن المتوكل عن السعد آبادى عن البرقى عن اسماعيل ابن مهران و عن احمد بن محمد ابن جابر عن زينب بنت عائشه - (لله فيكم عهد قدمه الكيم... .. و انتهوا عما نهاكم عنه)

«18»: قال الصدوق (ره) اخبرنا على ابن حاتم عن محمد ابن اسلم عن عبدالجليل الباقطاني عن الحسين ابن موسى الخشاب عن عبدالله ابن محمد العلوى عن رجال من اهل بينه عن زينب بنت على عن فاطمه بمثله.

«19»: و قال الصدوق (ره) اخبرني على ابن حاتم عن محمد ابن ابى عمير عن محمد ابن عماره عن محمد ابن ابراهيم المصرى عن هارون ابن يحيى الناشب عن عبيدالله ابن موسى العبسى عن عبيدالله ابن موسى المعمرى عن حفص الاحمر عن زيد ابن على عن عمته زينب بنت على عن فاطمه بمثله. «بحار الانوار ج 6 ص 107»

O مدارك و اسناد خطبه اول

- 119-1. كتاب الشافى ص 231: تاليف سيد مرتضى (متوفى 436 هجرى)
2. كتاب طرائف ص 263: تاليف سيد بن طاووس (متوفى 664 هجرى)
3. كتاب معانى الاخبار ص 354: تاليف شيخ صدوق (متوفى 381 هجرى)
4. كتاب سقيفه بن نقل كشف الغمه ج 2 ص 40 تاليف جوهري (متوفى 393 هجرى) (عن عمر بن شبه)
5. كتاب شرح ابن الحديد ج 16 ص 236: تاليف ابن ابى الحديد معتزلى (متوفى 656 هجرى)
6. كتاب كشف الغمه ج 1 ث 492 و ج 2 ص 52: تاليف اربلى (متوفى 692 هجرى)
7. مروج الذهب ج 2 ص 311: تاليف طبرسى (متوفى 346 هجرى)
8. كتاب احتجاج ج 1 ص 147: تاليف طبرسى (متوفى 588 هجرى)
9. كتاب بلاغات النساء ص 19: تاليف ابن ابى طاهر مروزي متوفى 280 هجرى)
10. كتاب مناقب ج 2، ص 206: تاليف ابن شهر آشوب متوفى 588 هجرى)

11. کتاب بحارالانوار ج 43 ص 158: تالیف علامه مجلسی (متوفای 1110 هجری)
12. شرح ابن ابی الحدید ج 16 ص 234: ابن ابی الحدید معتزلی (متوفای 655 هجری)
13. دلائل الامامه ص 40 و 41: طبرسی امامی (متوفای 310 هجری)
14. لسان العرب ماده «لم» ج 3 ص 397: ابن منظور (متوفای 711 هجری)
15. اهل البيت عليه السلام ص 157: ایتاد توفیق ابو علم
16. اعلام النساء ج 4 ص 116: عمر رضا کحاله
17. النص و الاجتهاد ص 106 و 107: سید شرف الدین
18. الدرہ البیضاء ص 1: محمد تقی الرضوی
19. المراجعات ص 103: سید شرف الدین
20. نهایه ابن اثیر ج 4 ص 273 (در ترجمه لغت لمه): ابن اثیر جذری (متوفای 630 هجری)
21. کتاب الفدک: جوهری (متوفای 393 هجری)
22. تاریخ بغداد: خطیب بغدادی (متوفای 484 هجری)
23. تذکره الخواص ص 285: سبط بن الجوزی حنفی (متوفای 654 هجری)
24. کتاب لثالی: جلال الدین سیوطی شافعی (متوفای 911 هجری)
25. مختصر تنزیه الشریعه: علی بن محمد بن العراق
26. فائق اللغه (در ماده لمه و هنبته): زمخشری (متوفای 538 هجری)
27. الفاظ الکتابه 0 قسمتی از خطبه): عبدالرحمن بن عیسی شافعی
28. تاریخ الکامل (قسمتی از خطبه): ابن اثیر (متوفای 606 هجری)
29. لمعه البیضاء
30. تاریخ یعقوبی (قسمتی از خطبه): احمد بن ابی یعقوب (متوفای 292 هجری)
31. کتاب امالی: شیخ صدوق (متوفای 381 هجری)
32. علل الشرایع باب 182: شیخ صدوق (متوفای 381 هجری)
33. من لا یحضره الفقیه (باب معرفت کبائر): جلد 3 ص 567 حدیث 4940 شیخ صدوق (متوفای 381 هجری)
34. کتاب مجالس: شیخ مفید (متوفای 413 هجری)
35. مقاتل الطالبین: ابوالفرج اصفهانی (متوفای 356 هجری)
36. تلخیص الشافی ج 3 ص 140/139: شیخ طوسی (متوفای 460 هجری)
37. مقتل خوارزمی ص 77: موفق بن احمد مکی اخطب خوارزم (متوفای 568 هجری)

38. كشف المحجبه ص 124: سيد بن طاووس (متوفای 664 هجری)
39. كتاب عوالم ج 11 ص 476: بحرانی اصفهانی
40. وسائل الشيعه ج 1 ص 13 و 14: شيخ حر عاملی
41. احقاق الحق ج 10 ص 296 و 304: قاضی نورالله شوشتری (متوفای 1019 هجری)
42. الامامه و السياسه ج 2 ص 14: ابن قتیبه حنفی (متوفای 270 هجری)
43. اسدالغابه ج 2، ص 522: ابن اثیر جزری (متوفای 270 هجری)
44. الاصابه ص 61: ابن حجر عسقلانی شافعی (متوفای 270 هجری)
45. كتاب امالی ص 25: شيخ مفید (متوفای 270 هجری)
46. الاستيعاب ص 377: ابن عبدالبر مالکی (متوفای 270 هجری)
47. تاريخ ابن کثیر ج 12 ص 441: ابن کثیر جزری (متوفای 270 هجری)
48. تاريخ ابن اعثم کوفی ص 441: ابن اعثم کوفی (متوفای 270 هجری)
49. تبصره العوام ص 440: سيد مرتضى (متوفای 270 هجری)
50. تفسير كشاف ج 1 در آیه ذی القربی: زمخشری (متوفای 270 هجری)
51. سيره حلبی ج 3 ص 390: حلبی شافعی (متوفای 270 هجری)
52. شرح نهج البلاغه ج 5 ص 105: ابن میثم بحرانی (متوفای 679 هجری)
53. صحيح مسلم ج 2 ص 72: مسلم بن حجاج (متوفای 679 هجری)
54. عقدالفرید ج 2 ص 6: ابن عبد ربه مالکی (متوفای 328 هجری)
55. كتاب سليم بن قيس ص 67: (متوفای 70 هجری)
56. مجالس ص 87: شيخ صدوق (متوفای 270 هجری)
57. مسند احمد ج 1 ص 60: احمد بن حنبل (متوفای 270 هجری)
58. سنن ابن ماجه: محمد بن یزید (متوفای 273 هجری)
59. مستدرک ج 3 ص 153: حاکم نیشابوری (متوفای 273 هجری)
60. مستدرک الوسائل ج 3 ص 154: محدث نوری
61. میزان الاعتدال ج 2 ص 172: ذهبی (متوفای 273 هجری)
62. مجمع النورین ص 126: ابوالحسن مرندی
63. مطالب السؤل ص 11: ابن طلحه شافعی (متوفای 273 هجری)
- 120 - مائده 80
- 121 - اعراف 96

122- زمرا 51

123- رعد 5

124- كهف 50

125- بقره آيه 12 و 104 كهف

126- يونس 35.

127- سورة هود آيه 28

O روايت خطبه دوم

1. المفضل محمد بن عبدالله. قال حدثنا ابوالعباس احمد بن سعيد الهمداني قال حدثني محمد بن الفضل بن ابراهيم بن الفضل ابن قيس الاشعري، قال حدثنا علي بن حسان عن عمه عبدالرحمان بن كثير عن ابي عبدالله جعفر عن محمد عن ابيه عن جده علي بن الحسين قال لما رجعت فاطمه الى منزلها و توفيت في تلك الشكايه دخلن عليها السناء المهاجرات والانصاريات عائدات فقلن لها كيف اصبحت يا بنت رسول الله؟ فقالت: «دلائل الامامه ص 40»

2. وحدثني ابواسحاق ابراهيم بن مخلد بن جعفر الباقر حى قال حدثني ام الفضل خديجه بنت ابي بكر محمد بن احمد ابن ابي الثلج قال حدثنا ابو عبدالله محمد بن احمد الصفواني قال حدثنا ابو احمد عبد العزيز بن يحيى الجلودى قال حدثني محمد بن زكريا قال حدثني ابي عن عبدالله ابن الحسن بن الحسن عن امه فاطمه بنت الحسين قالت لما اشدت عله فاطمه اجتمع عندها نساء المهاجرين و الانصار و قلن لها كيف اصبحت يا بنت رسول الله؟ فقالت:

«دلائل الامامه ص 40 و 39»

3. و روى صاحب كتاب السقيفه عن رجاله عن عبدالله بن الحسين، عن امه فاطمه بنت الحسين، قالت: لما اشدت بفاطمه (س) الوجع و اشدت علتها، اجتمعت عندها نساء المهاجرين و الانصار فقلن لها: يا بنت رسول الله كيف اصبحت عن ليلتك؟

«كشف الغمه ج 2 ص 52»

4. حدثنا احمد بن حسن قطان قال حدثنا - عبدالرحمن بن محمد اللحينى قال حدثنا

ابوالطيب محمد

بن الحسين بن حميد اللخمي قال حدثنا ابو عبدالله محمد بن زكريا قال حدثنا محمد بن عبدالرحمن المهلبى قال حدثنا عبدالله بن محمد سليمان عن ابيه عن عبدالله بن الحسين عن امه فاطمه بنت الحسين عليها السلام قالت لما اشدت عله فاطمه (س) بنت رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم و غلبها اجتمع



عندها نساء المهاجرين و الانصار فقلن لها يا بنت رسول الله كيف اصبحت عن ليلتك: فقالت (س)  
«معانى الاخبار شيخ صدوق»

5. و حدثنا بهذا الحديث ابوالحسن على بن محمد بن الحسن المعروف بابن مقبره (مغيره خ ل)  
القزوينى.

قال: اخبرنا ابو عبدالله جعفر بن محمد بن حسن بن جعفر بن حسن بن على بن ابي  
طالب عليه السلام.

قال: حدثنى محمد نب على الهاشمى قال: حدثنا عيسى بن عبدالله بن محمد بن عمر بن على بن  
ابيطالب عليه السلام

قال حدثنى ابي، عن ابيه، عن جده، عن على بن ابيطالب عليه السلام

قال: لما حضرت فاطمه (س) الوفاه دعتنى فقالت: امنفذ انت وصيتى وعهدى؟

قال: قلت: بلى، انفذها، فاوصت الى وقالت اذا انامت فادفنى ليلا و لا توذنن وجلين ذكرتها، قال  
فلما اشتدت علتها لجمع اليها نساء المهاجرين و الانصار فقلن: كيف اصبحت يا بنت رسول الله  
صلى الله عليه وآله من علتك؟

فقال: اصبحت و الله عائفه لدنياكم - و ذكر الحديث نحوه

«معانى الاخبار شيخ صدوق»

6. الحفار عن اسماعيل بن على الدعبلى عن احمد بن على الخزار عن ابن سهل الدقاق عن  
عبدالرزاق - تحويل سند.

قا الدعبلى و حدثنا اسحاق بن ابراهيم الديرى عن عبدالرزاق.

عن معمر عن الزهرى عن عبيدالله بن عبدالله بن عتبه بن مسعود عن ابن عباس قال: دخلن نسوه  
من المهاجرين و الانصار على فاطمه بنت رسول الله صلى الله عليه وآله يعدنها فى عليها فقلن السلام عليك يا  
بنت رسول الله (ص) كيف اصبحت فقالت اصبحت و الله عائفه لدنياكن قلاليه لرجالكن (الحديث).

«امالى ج 1 ص 384: شيخ طوسى»

7. روى ابو جعفر محمد بن جرير بن رستم الطبرى باسناده المتصل الى ابي عبدالله الصادق عليه السلام

عن ابيه عن جده على بن الحسين عليه السلام

قال: لما مرضت فاطمه عليه السلام المرضه التى توفيت فيها دخلن عليها نساء المهاجرين و الانصار  
عائدت لها فقلن لها كيف اصبحت يا بنت رسول الله صلى الله عليه وآله

فقالت: اصبحت و الله عائفه لدنياكن (الحديث) «دلائل الامامه طبرى»

O (اسناد و مدارك خطبه دوم)

- 128- 1. کتاب معانی الاخبار: تالیف شیخ صدق (متوفای 381 هجری)  
 2. کتاب احتجاج ج 1 ص 108: تالیف طبرسی (متوفای 588 هجری)  
 3. کتاب امالی ج 1 ص 384: تالیف شیخ طوسی (متوفای 460 هجری)  
 4. کتاب دلائل الامامه ص 39: تالیف محب الدین طبری (متوفای 310 هجری)  
 5. کتاب بلاغات النساء ص 32: تالیف ابن ابی طاهر (متوفای 280 هجری)  
 6. کتاب کشف الغمه ج 2 ص 147: اربلی (متوفای 692 هجری)  
 7. کتاب شرح ابن ابی الحدید ج 16 ص 233: تالیف ابن ابی الحدید معتزلی (متوفای 656 هجری)

8. کتاب اعلام النساء ج 4 ص 123: تالیف رضا کحاله  
 9. کتاب بحار الانوار ج 43 ص 161: تالیف علامه مجلسی (متوفای 1110 هجری)  
 10. بحار الانوار ج 43 ص 158: مرحوم مجلسی (متوفای 1110 هجری)  
 11. کتاب السقیفه: احمد بن عبدالعزیز جوهری (متوفای 393 هجری)  
 12. کتاب عوالم ج 11 ص 445: بحرانی اصفهانی  
 13. احقاق الحق ج 10 ص 306: قاضی نورالله شوشتری (متوفای 1019 هجری)  
 129- الف - امالی شیخ مفید: قال اخبرنی محمد بن عمر الجعابی عن ابی الحسین العباس بن مغیره: ابی بکر احمد بن منصور الرمادی عن سعید بن عفیر عن ابی لهیععه عن خالد بن یزید عن ابن ابی هلال عن مروان بن عثمان قال لما بویع الناس.....  
 ب - عن عبدالله بن عبدالرحمن.....  
 ج - روی ابو محمد بن مسلم بن قتیبه عن ابی عفیر عن ابی عون، عن عبدالله بن عبدالرحمن الانصاری قال خرجت فاطمه (س) فوقف علی الباب وقالت....

O اسناد و مدارک خطبه سوم

- 130- 1. الامامه و السیاسه ج 1 ص 12  
 131- محمد 24  
 132- غافر 78  
 133- 1. احتجاج طبرسی ص 106: احمد بن علی طبرسی (متوفای 588 هجری)  
 2. کتاب عوالم ج 11 ص 476: بحرانی اصفهانی  
 3. بحار الانوار ج 8 ص 111 (ط قدیم): علامه مجلسی (متوفای 1110 هجری)  
 4. ریاحین الشریعه ج 1 ص 337: علامه محلاتی

5. اعیان الشیعه ج 1 ص 317: سید محسن امین عاملی
6. دلائل الامامه ص 36: محمد بن جریر طبری امامی (متوفای 310 هجری)  
 (در برخی از منابع روایی این سخنرانی همراه با سخنرانی اول ثبت شده که جزو عبارات تکمیلی سخنرانی اول بحساب آمده و حدود 65 مدرک ارزشمند دارد)
- 134- الف - محمد بن عباس عن سهل بن محمد العطار عن احمد بن عمرو الدهقان عن محمد بن کثیر عن عاصم بن کلب عن ابیه عن ابی هریره قال: «کنز الکرارجکی»  
 ب - امالی طوسی: من بیه عن المفید عن محمد بن الحسن المقرئ عن محمد بن سسهل عن احمد بن عمر عن محمد بن کثیر عن عاصم بن کلب عن ابیه عن ابی هریر قال:  
 ج - الشیخ فی امالیه قال اخبرنا محمد بن محمد قال اخبرنا ابونصر محمد بن الحسن المقرئ قال حدثنا محمد بن سهل العطار - قال حدثنا محمد بن کثیر مولى عمر بن عبدالعزیز قال حدثنا عاصم بن کلب عن ابیه عن ابی هریره)
- 135- 1. تفسیر برهان ج 4 ص 317: علامه بحرانی اصفهانی (متوفای 1109 هجری)  
 2. امالی طوسی ج 1 ص 190: محمد بن الحسن طوسی (متوفای 460 هجری)  
 3. بحار الانوار ج 36 ص 59: علامه مجلسی (متوفای 1110 هجری)  
 4. وسائل الشیعه ج 9 ص 463: علامه حر عاملی (متوفای 1104 هجری)  
 5. المجالس ص 116: شیخ طوسی (متوفای 460 هجری)  
 6. کنز جامع الفوائد (خطی): کراجکی (متوفای 449 هجری)  
 7. کوکب الدر ج 2 ص 118: (حائری مازندرانی)  
 8. کتاب عوالم ج 11 ص 589: علامه بحرانی اصفهانی  
 9. لئالی الاخبار ج 3 ص 71: سیوطی (متوفای 911 هجری)  
 10. مستدرک الوسائل ج 1 ص 215: محدث نوری  
 11. مناقب ج 2 ص 74: ابن شهر آشوب (متوفای 588 هجری)  
 12. حلیه الابراج ج 1 ص 213: علامه هاشم بحرانی (متوفای 1109 هجری)
- 136- الف - من بعض کتاب المناقب عن ابی الفرج محمد بن المسکی عن المضفر بن احمد بن عبدالواحد عن محمد بن علی الحلوانی عن کریمه بنت احمد ابن محمد المروزی و اخبرنی ایضا به عالیا قاضی القضاة محمد بن الحسین البغدادی عن الحسین ابن محمد بن علی الزینبی عن الکریمه. فاطمه بنت احمد ابن محمد المروزیه بمکه عن ابی علی زاهر بن احمد عن معاذ بن یوسف

الجرجاني عن احمد بن محمد بن غالب عن عثمان ابن ابي شبيبته عن (ابن) نصير عن مجالد عن ابن عباس قال:

ب - في كتاب قديم من مولفات العامه قال حدثنا ابوبكر احمد بن علي الطرشيشي... قال حدثنا كريمه بنت احمد بن محمد بن حاتم المروزي... قالت اخبرنا ابوعلى زاهر ابن احمد (الفقيه بسرخس) قال حدثنا معاذ ابن يوسف الجرجاني قال: حدثنا احمد بن محمد بن غالب عن عثمان ابن ابي شبيهه عن ابن نمير عن مجالد عن ابن عباس:

ج - وحدثنا اخي الامام الاجل سراج الدين شمس الاثمه امام الحرمين ابوالفرج محمد بن احمد المكي املاء جزاه الله عنى خيرا، حدثنا القاضي الامام الاجل جمال القضاة ابوالفتح المضفر بن احمد بن عبدالواحد بخلوان، في شهر الله المبارك رمضان سنه عشر و خمسمائه، اخبرنا الشيخ الفقيه ابوبكر محمد بن علي الحلواني في جامع حلوان في جمادى الاولى سنه اربع وستين و اربعماء، اخبرتنا كريمه بنت احمد بن محمد المروزي بمكه، حرسها الله سنه خمس و خمسين و اربعماء قرائه عليها و انا حاضر سمع.

د - و اخبرني بهذا الحديث عليا قاضي القضاة نجم الدين ابومنصور محمد بن الحسين بن محمد البغدادي فيما كتب الى من همدان بروايته، عن الامام نور الهدى ابي طالب الحسين بن محمد بن علي الزنبيبي بروايته عن الكريمه فاطمه بنت احمد بن محمد المروزيه بمكه حرسها الله، بهذا الاسناد هذه السياقه قيل لهان اخبركم الشيخ الامام ابوعلى زاهر بن احمد حدثنا معاذ بن يوسف الجرجاني، حدثنا احمد بن محمد بن غالب حدثنا عثمان بن ابي شبيهه حدثنا نمير عن مجالد عن ابي مجلز عن ابن عباس

137- 1. احقاق الحق ج 10 ص 321: قاضي نورالله شوشتری (متوفای 1019 هجری)

2. مقتل الحسين ص 71: خوارزمی (متوفای 568 هجری)

3. بحار الانوار ج 43 ص 73: علامه مجلسی (متوفای 1110 هجری)

4. كتاب عوالم ج 11 ص 168: علامه بحرانی

5. مستدرک الوسائل ج 14 ص 417: علامه محدث نوری

6. رياحين الشريعه ج 1 ص 132: علامه محلاتی

138- صف 8

139- الف - محمد بن يحيى عن محمد بن الحسن عن محمد بن اسماعيل عن صالح بن عقبه

عن عبدالله بن محمد الجعفي عن ابي جعفر و ابي عبدالله عليهما السلام

ب - عن سليم بن قيس

ج - حسين بن حمدان عن محمد بن اسماعيل و علي بن عبدالله الحسن عن ابي شعيب و محمد بن نصير عن عمر بن الفرات عن محمد بن المفضل عن مفضل بن عمر قال قال الصادق...

(بحارالانوار ج 53 ص 18)

140- 1. بحارالانوار ج 53 ص 18. و. ج 8 ص 229. و. ج 28 ص 268: علامه مجلسي

(متوفای 1110 هجری)

2. الوافي ج 2 ص 188: علامه فيض كاشاني (متوفای 1091 هجری)

3. اصول كافي ج 1 ص 460 محمد بن يعقوب كليني (متوفای 329 هجری)

4. ارشاد ديلمی ص 176: حسن بن الحسن ديلمی (متوفای 771 هجری)

5. رياحين الشريعة ج 1 ص 267: علامه محلاتي

6. كتاب عوالم ج 11 ص 401 و 409: بحراني اصفهاني

7. اثبات الوصيه ص 110: مسعودی (متوفای 346 هجری)

8. الامامه و السياسيه ج 1 ص 12: ابن قتيبيه حنفي (متوفای 276 هجری)

9. اعلام النساء ج 3 ص 1206: عمر رضا كحاله

10. احتجاج طبرسي ص 83: طبرسي (متوفای 588 هجری)

11. كتاب سليم بن قيس ص 83: (متوفای 588 هجری)

12. امام علي ج 1 ص 225: عبدالفتاح عبدالمقصود

13. بيت الاحزان ص 107: محدث قمی

141- 1. بحارالانوار ج 53 ص 18. و. ج 8 ص 229. و. ج 28 ص 268: علامه مجلسي

(متوفای 1110 هجری)

2. الوافي ج 2 ص 188: علامه فيض كاشاني (متوفای 1091 هجری)

3. اصول كافي ج 1 ص 460 محمد بن يعقوب كليني (متوفای 329 هجری)

4. ارشاد ديلمی ص 176: حسن بن الحسن ديلمی (متوفای 771 هجری)

5. رياحين الشريعة ج 1 ص 267: علامه محلاتي

6. كتاب عوالم ج 11 ص 401 و 409: بحراني اصفهاني

7. اثبات الوصيه ص 110: مسعودی (متوفای 346 هجری)

8. الامامه و السياسيه ج 1 ص 12: ابن قتيبيه حنفي (متوفای 276 هجری)

9. اعلام النساء ج 3 ص 1206: عمر رضا كحاله

10. احتجاج طبرسي ص 83: طبرسي (متوفای 588 هجری)

11. كتاب سليم بن قيس ص 83: (متوفى 588 هجرى)
12. امام على ج 1 ص 225: عبدالفتاح عبد المقصود
13. بيت الاحزان ص 107: محدث قمى
- 142- الف - عن جوهرى عن ابى بكر الباهلى عن اسماعيل بن مجالد عن الشعبي قال:
- ب - روى ابن حنزابه فى غرره عن زيد بن اسم قال:
- ج - روى ابو محمد بن مسلم قتيبه عن ابى عفير عن ابى عون عبدالله بن رحمن الانصارى قال:
- د - ابو عمرو احمد بن محمد القرطبى المروانى المالكى (المشهور بابن عبد ربه الاندلسى المترفى  
سنه 328 الهجرى:
- ه - سليم بن قيس عن ابان ابن ابى عياش عنه عن سلمان و عبدالله بن عباس:
- 143- 1. عقد الفريد ج 28 ص 322. و. ج 3 ص 63: ابن عبدربه مالكى (متوفى 328 هجرى)
2. تاريخ ابن شحنه (ياورقى تاريخ كامل ابن اثير ج 7 ص 164): ابن شحنه حنفى (متوفى  
815 هجرى)
3. انساب الاشراف ج 1 ص 568: بلاذرى (متوفى 276 هجرى)
4. الامه و السياسه ج 1 ص 12/13 - 14: ابن قتيبه حنفى (متوفى 276 هجرى)
5. تاريخ ج 1 ص 164: ابوالفداء شافعى (متوفى 732 هجرى)
6. اعلام النساء ج 3 ص 1207: عمر رضا كحاح
7. الامام على عليه السلام ج 1 ص 225: عبدالفتاح عبد المقصود
8. الغدير ج 7 ص 78. و. ج 5 ص 373 و 369 ج 7 ص 77. و. ج 10 ص 124: علامه  
امينى
9. بحار الانوار ج 28 ص 322 و ج 43 ص 197: علامه مجلسى (متوفى 1110 هجرى)
10. شرح ابن ابى الحديد ج 1 ص 134. و. ج 2 ص 19: ابن ابى الحديد شافعى معتزلى  
(متوفى 656 هجرى)
11. اثبات الوصيه ص 123: مسعودى (متوفى 346 هجرى)
12. رياضين الشريعه ج 1 ص 291 و 260: علامه محلاتى
13. احتجاج طبرسى ص 83: مرحوم طبرسى (متوفى 588 هجرى)
14. كتاب سليم بن قيس ص 83: (متوفى 70 هجرى)
15. كتاب عوالم ج 11 ص 401: علامه بحراني اصفهاني

16. کوکب الدرّی ج 1 ص 168: علامه حائری مازندرانی

17 غرر ابن حنزابه

144- حسین بن حمدان عن محمد بن اسماعیل و علی بن عبدالله الحسنی عن ابی شعب و محمد بن تصیر عن عمر بن الفرات عن محمد بن المفضل عن مفضل بن عمر عن الصادق علیه السلام قال:

145- بحار الانوار ج 5 ص 18 (طبع قدیم) بحار ج 28 ث 339: علامه مجلسی (متوفای 1110 هجری)

146- شوری 23

1. کتاب عوالم ج 11 ص 414: علامه بحرانی اصفهانی

2. ریاحین الشریعه ج 1 ص 270: علامه محلاتی

3. بحار الانوار ج 8 ص 233 (طبع قدیم): علامه مجلسی (متوفای 1110 هجری)

147- کتاب عوالم ج 11 ص 414 و بحار الانوار ج 8 ص 233 (طبع قدیم)

148- محمد بن یعقوب عن محمد بن یحیی عن محمد بن الحسن بن اسماعیل عن

صالح بن عقبه عن عبدالله بن محمد الجعفی عن ابی جعفر و ابی عبدالله علیه السلام قال:

149- 1- اصول کافی ج 1 ص 460: محمد بن یعقوب کلینی (متوفای 329 هجری)

2. الوافی ج 2 ص 188: علامه فیض کاشانی (متوفای 1091 هجری)

3. بیت الاحزان ص 139: شیخ عباس قمی

4. بحار الانوار ج 28 ص 250 حدیث 30: علامه مجلسی (متوفای 1110 هجری)

5. عوالم ج 11 ص 601 حدیث 58.

2- الوافی ج 2 ص 188

150- ابوجعفر الطوسی فی اختیار الرجال عن ابی عبدالله علیه السلام عن سلمان الفارسی:

151- کتاب عوالم ج 11 ص 211: علامه بحرانی اصفهانی

2. ابن شهر آشوب ج 3 ص 340/118: ابن شهر آشوب مازندرانی (متوفای 588 هجری)

3. بحار الانوار ج 43 ص 47 و ج 28 ص 206 و ج 27 ص 227: علامه مجلسی (متوفای

1110 هجری)

4. تاریخ یعقوبی یعقوبی ج 2 ص 116: ابن واضح (متوفای 292 هجری)

5. احتجاج طبرسی ج 2 ص 116: ابن واضح (متوفای 292 هجری)

6. روضه کافی ج 8 ص 238: محمد بن یعقوب کلینی (متوفای 329 هجری)

7. رجال شیرخ طوسی
8. الوافی ج 2 ص 187: علامه فیض کاشانی (متوفای 1019 هجری)
9. اختصاص شیخ مفید ص 185: (متوفای 413 هجری)
10. بیت الاحزان ص 103: شیخ عباس قمی
- 152- الف) فی روایه العیاشی
- ب - عن عمرو بن ابی المقدم عن ابیه قال...
- ج - حسین بن محمد عن المعلی عن الوشاء عن ابان عن ابی هاشم قال...
- د- ابوجعفر الطوسی فی اختیار الرجال عن ابی عبدالله عَلَيْهِ السَّلَامُ و عن سلمان الفارسی:
- 153- کتاب عوالم ج 11 ص 211 و 599: علامه بحرانی اصفهانی
2. مناقب ابن شهر آشوب ج 3 ص 188: ابن شهر آشوب (متوفای 588 هجری)
3. بحار الانوار ج 43 ص 47. و. ج 28 ص 252: علامه مجلسی (متوفای 1110 هجری)
4. ریاحین الشریعه ج 1 ص 128 و 265: علامه محلاتی
5. تاریخ یعقوبی ج 2 ص 116: ابن واضح (متوفای 292 هجری)
6. کوکب الدری ج 1 ص 187: علامه حائری مازندرانی
7. احتجاج طبرسی ص 86: مرحوم طبرسی (متوفای 588 هجری)
8. روضه کافی ج 8 ص 238: محمد بن یعقوب کلینی (متوفای 329 هجری)
9. الوافی ج 2 ص 187: علامه فیض کاشانی (متوفای 1091 هجری)
- 10 تفسیر ج 2 ص 66: عیاشی (متوفای 300 هجری)
11. اختصاص ص 181: شیخ مفید (متوفای 413 هجری)
- 154- الف - فی روایه العیاشی
- ب - عن عمرو بن ابی المقدم عن ابیه قال...
- ج - حسین بن محمد عن المعلی عن الوشاء عن ابان عن ابی هاشم قال...
- د- ابوجعفر الطوسی فی اختیار الرجال عن ابی عبدالله عَلَيْهِ السَّلَامُ و عن سلمان الفارسی:
- 155- 1. کتاب عوالم ج 11 ص 406: علامه بحرانی اصفهانی
2. اختصاص شیخ مفید ص 181: (متوفای 413 هجری)
3. بیت الاحزان ص 102: شیخ عباس قمی
4. بحار الانوار ج 28 ص 228: علامه مجلسی (متوفای 1110 هجری)
5. تفسیر عیاشی ج 2 ص 67: (متوفای 300 هجری)



6. فروع کافی ج 8 ص 238: محمد بن یعقوب کلینی (متوفای 329 هجری)
7. الوافی ج 2 ص 187: علامه فیض کاشانی (متوفای 1091 هجری)
- 156- الف - فی روایه العیاشی
- ب - عن عمر بن ابی المقدم عن ابیه قال:
- ج - حسین بن محمد عن المعلی عن الوشاء عن ابان عن ابی ہاشم قال...
- د- ابو جعفر الطوسی فی اختیار الرجال عن ابی عبداللہ علیہ السلام و عن سلمان الفارسی:
- 157- 1. کتاب عوالم ج 11 ص 211 و 599: علامه بحرانی اصفہانی
2. مناقب ابن شہر آشوب ج 3 ص 118: ابن شہر آشوب (متوفای 588 هجری)
3. بحار الانوار ج 43 ص 47. و ج 28 ص 228: علامه مجلسی (متوفای 1110 هجری)
4. ریاحین الشریعہ ج 1 ص 128 و 265: علامه محلاتی
5. تاریخ یعقوبی ج 2 ص 116: ابن واضح (متوفای 292 هجری)
6. کوکب الدرہ ج 1 ص 199: علامه حائری مازندرانی
7. احتجاج طبرسی ص 86: طبرسی (متوفای 588 هجری)
8. روضہ کافی ج 8 ص 238: محمد یعقوب کلینی (متوفای 329 هجری)
9. الوافی ج 2 ص 187: علامه فیض کاشانی (متوفای 1019 هجری)
10. تفسیر عیاشی ج 2 ص 66: (متوفای 300 هجری)
11. اختصاص ص 181: شیخ مفید (متوفای 413 هجری)
- 158- الف - فی روایه العیاشی
- ب - عن عمرو بن ابی المقدم عن بیہ عن جدہ قال...
- ج - حسین بن محمد عن المعلی عن الوشاء عن ابان عن ابی ہاشم....
- 159- کتاب عوالم ج 11 ص 406: علامه بحرانی اصفہانی
2. اختصاص شیخ مفید ص 181: (متوفای 413 هجری)
3. بیت الاحزان 102: شیخ عباس قمی (متوفای 1359 هجری)
4. بحار الانوار ج 28 ص 227: علامه مجلسی (متوفای 1110 هجری)
5. تفسیر عیاشی ج 2 ص 67: (متوفای 300 هجری)
6. فروع کافی ج 8 ص 238: محمد بن یعقوب کلینی (متوفای 329 هجری)
7. کتاب الوافی ج 2 ص 187: علامه فیض کاشانی (متوفای 1091 هجری)
8. کوکب الدرہ ج 1 ص 196: علامه حائری مازندرانی

- 160- كوكب الدرى ج 1 ص 196: علامه حائرى مازندرانى
- 161- ذخائر العقبي ص 53: محب الدين طبرسى (متوفى 694 هجرى)
2. زهره الرياض: ابن شدم (متوفى 999 هجرى)
- 162- الف - ابن مقبره عن محمد بن عبدالله الحضرمى عن جندل بن والى عن محمد بن عمر المازنى عن عباد الكلبى عن جعفر بن محمد بن ابى عن على بن الحسين عن فاطمه الصرى عن الحسين بن على عن اخيه الحسن بن على عليه السلام قال:
- ب - روى عن جعفر بن محمد عن ابيه عن على بن الحسين عن فاطمه الصغرى عن الحسين بن على عن اخيه الحسن بن على ابن ابيطالب عليه السلام قال....
- ج - احمد بن محمد بن عبدالرحمن المروزى عن جعفر المقرئ عن محمد بن الحسن الموصلى عن محمد بن عاصم عن ابى زيد الكحال عن ابيه، عن موسى بن جعفر عن ابيه عن آباءه عليه السلام، قال:
- د- اخبرنى الشريف ابو محمد الحسن بن احمد، المحمدى انقيب قال اخبرنى ابو جعفر محمد على بن حسين بن موسى، قال حدثنا محمد بن الحسن القزوينى المعروف بابن مغيره عبدالله الحضرمى قال حدثنا جندل بند والى قال حدثنا محمد بن عمر المازنى عن عبادالضى عن جعفر بن محمد عن ابيه عن ابىه عن الحسين بن على بن الحسين عن فاطمه الصغرى بنت الحسين عن اخيه الحسن عليه السلام:
- 30- 1. كشف الغمه ج 2 ص 25: مرحوم اربلى (متوفى 689 هجرى)
2. بحار الانوار ج 43 ص 82: علامه مجلسى (متوفى 1110 هجرى)
3. علل الشرايع ج 1 ص 183: شيخ صدوق (متوفى 380 هجرى)
4. دلائل الامامه ص 56: طبرسى امامى (متوفى 310 هجرى)
5. لئالى الاخبار ج 4 ص 107: سيوطى شافعى (متوفى 911 هجرى)
6. مستدرک الوسائل ج 5 ص 244: محدث نورى (متوفى 1320 هجرى)
7. مصباح الانوار ص 226: هاشم بن محمد (متوفى 553 هجرى)
8. وسائل الشيعه ج 4 ص 1151: شيخ حر عاملى (متوفى 1104 هجرى)
9. روضه الواعظين ص 277: محمد بن فتال نيشابورى (متوفى 508 هجرى)
- 164- الف - فى الكافى: عن احمد بن محمد الكوفى قال حدثت عن ابن جمهور عن ابيه عن محمد بن سنان عن المفضل بن عمر عن ابى عبدالله عليه السلام و عن الاصم عن حريز عن محمد بن مسلم عن ابى عبدالله عليه السلام قال: قال اميرالمؤمنين عليه السلام

ب - فی الخصال: باسناده عن امیرالمؤمنین علیه السلام

165- 1. بحارالانوار ج 2 ص 522: علامه مجلسی (متوفای 1110 هجری)

2. وسائل الشیعه ج 2 ص 892: شیخ حر عاملی (متوفای 104 هجری)

3. فروع کافی ج 3 ص 218: محمد بن یعقوب کلینی (متوفای 329 هجری)

4. خصال ج 2 ص 159: شیخ صدوق (متوفای 381 هجری)

166- 1. بحارالانوار ج 59 ص 104: علامه مجلسی (متوفای 1110 هجری)

2. مستدرک الوسائل ج 1 ص 300: محدث نوری (متوفای 1320 هجری)

167- بحارالانوار ج 92 ص 404 و 405: علامه مجلسی (متوفای 1110 هجری)

(مهج الدعوات باسنادنا الی ابی المفضل الشیبانی «من الجزء الثالث من امالیه» باسناده نصه الی مولانا الحسن بن مولانا علی بن ابیطالب علیه السلام عن امه فاطمه بنت رسول الله صلی الله علیه و آله «و جدناه باسناد صحیح»)

168- 1. مهج الدعوات ص 7 و 140: ابن طاووس (متوفای 664 هجری)

2. بحارالانوار ج 92 ص 37 و 38. و ج 91 ص 227: علامه مجلسی (متوفای 1110 هجری)

(هجری)

3. دلائل الامامه ص 28: طبری امام (متوفای 310 هجری)

4. ریاحین الشریعه ج 1 ص 136: علامه محلاتی.

169- الف - معنای الاخبار: عن احمد بن الحسن القطان عن عبدالرحمن ابن محمد عن یحیی ابن حکیم عن ابی قتیبه عن الاصبغ بن زید عن سعید بن رافع عن زید بن علی عن آباءه عن فاطمه علیه السلام

ب - حدثنا الوالحسین محمد بن هارون بن موسی التلعکبری، قال اخبرنی ابو جعفر، محمد بن علی بن الحسن بن موسی بن بابویه القمی، قال حدثنا ابوسعید احمد بن الحسن القطان قال حدثنا ابوالعباس عبدالرحمان ابن محمد بن حماد قال حدثنا ابوسعید یحیی بن حکیم قال حدثنا الاصبغ بن زید سعید بن نافع عن زید بن علی عن آباءه عن فاطمه ابنه النبی (صلی الله علیه و آله)

170- 1. وسائل الشیعه ج 5 ص 29 و ج 7 ص 384 باب 41: شیخ حر عامی (متوفای

1104 هجری)

2. معانی الاخبار ص 399: شیخ صدوق (متوفای 381 هجری)

3. دلائل الامامه ص 4: طبرسی امامی (متوفای 310 هجری)

4. لئالی الاخبار ج 3 ص 44: سیوطی شافعی (متوفای 911 هجری)

5. كنز العمال ج 7 ص 766: متقی هندی حنفی (متوفای 975 هجری)
6. ریاحین الشریعه ج 1 ص 215: علامه محلاتی
7. عوالم ج 11 ص 627 و 626: علامه بحرانی اصفهانی
8. مجمع الزوائد ج 2 ص 66: حافظ هیثمی (متوفای 807 هجری)
- 171- الغدیر ج 2 ص 318: علامه امینی
- نزه المجالس ج 2 ص 226: علامه صفوری شافعی (متوفای 894 هجری)
- 172- دلائل الامامه، عن ابی الحسین محمد بن هارون بن موسسی، قال حدثنا ابراهیم بن حماد القاضی قال حدثنا الحسن بن عرفه قال حدثنا عمر بن عبدالرحمن ابوجعفر الایادی عن لیث بن ابی سلیم عن عبدالله بن الحسن عن فاطمه بن الحسین علیه السلام عن ابیها، عن امه فاطمه علیها السلام قالت:
- 173- دلال الامامه: طبری امامی (متوفای 310 هجری)
2. كنز العمال ج 7 ص 225: متقی هندی حنفی (متوفای 975 هجری)
3. تاریخ بغداد ج 12 ص 50: احمد بن علی بغدادی شافعی (متوفای 463 هجری)
- 174- مستدرک الوسائل ج 7 ص 366 (جدید). و. ج 1 ص 565: محدث نوری (متوفای 1320 هجری)
2. کتاب عوالم ج 11 ص 625: علامه بحرانی اصفهانی
3. دلائل الامامه ص 7: علامه مجلسی (متوفای 1110 هجری)
- 175- بحار الانوار ج 35 ص 245: علامه مجلسی (متوفای 1110 هجری)
2. کشف الغمه ص 49: مرحوم م اربلی متوفای 689 هجری
3. ینایع الموده ص 493: علامه قندوزی شافعی (متوفای 1294 هجری)
4. فضائل الخمسه ج 1 ص 256: مرحوم فیروز آبادی (متوفای 1410 هجری)
5. مناقب خوارزمی (عن ابن عباس و قد ذکره الثعلبی و غیره من مفسری القرآن المجید 9
6. تفسیر فرات الکوفی ص 196 (ابوالقاسم العلوی عن فرات بن ابراهیم معننا، عن جعفر بن محمد، عن ابیه عن جده علیه السلام قال:
- 176- الف - حافظ ابونعیم عن ابی العلاء، اخبرنا ابوعلی الحداد، اخبرنا ابونعیم اخبرنا ابراهیم بن احمد، اخبرنا جده ابو حصین، اخبرنا یحیی الحمانی، اخبرنا قیس، عن عبدالله بن عمران، عن علی بن زید عن سبید بن المسیب عن علی علیه السلام انه قال:
- ب - جابر الجعفی عن سعید بن المسیب عن علی علیه السلام انه قال:

- ج - حدثنا عبدالله بن محمد بن عثمان الواسطي، حدثنا يعقوب بن ابراهيم بن عباد بن العوام، حدثنا عروبن عون، حدثنا هشيم، حدثنا يونس، عن الحسن، عن انس قال:
- 177- 1. كشف الغمه ج 2 ص 23 ج 1 ص 466 (ط قديم): مرحوم اربلى (متوفى 689 هجرى)
2. مكارم الاخلاق ص 267 ج 1 ص 497: طبرسى (متوفى 548 هجرى)
3. بحار الانوار ج 101 ص 36. و. ج 100 ص 238. و. ج 37 ص 69. و. ج 43 ص 84: علامه مجلسى (متوفى 1110 هجرى)
4. مستدرک ابن بطريق: (متوفى 600 هجرى)
5. مناقب ابن شهر آشوب ج 3 ص 341: ابن شهر آشوب مازندراني (متوفى 588 هجرى)
6. حليه الاولياء ج 2 ص 41 و 175: ابوالفرج اصفهاني زیدی (متوفى 402 هجرى)
7. کنز العمال ج 8 ص 315. و. ج 16 ص 601: متقى هندی حنفی (متوفى 975 هجرى)
8. احقاق الحق ج 10 ص 223 و 257: قاضى نورالله شهيد شوشترى (متوفى 1019 هجرى)
9. محجه البيضاء ج 3 ص 104: علامه فيض كاشانى (متوفى 1091 هجرى)
10. كتاب عوالم ج 11 ص 179: علامه بحراني اصفهاني
11. مصباح الانوار ص 224 (مخطوط)
12. مقتل خوارزمى ج 1 ص 62: خوارزمى (متوفى 993 هجرى)
13. مجمع الزوائد ج 4 ص 255 و ج 9 ص 202: حافظ هيلى (متوفى 807 هجرى)
14. فضائل الخمسه ج 3 ص 153 و 154: مرحوم فيروز آبادى (متوفى 1410 هجرى)
15. مستدرک الوسائل ج 14 ص 289: محدث نورى (متوفى 1320 هجرى)
16. دعائم الاسلا ج 2 ص 214: قاض ينعمان مصرى (متوفى 363 هجرى)
17. كوكب الدرى ج 1 ص 149: علامه حائرى مازندراني
18. وسائل الشيعه ج 14 ص 43: شيخ حر عاملى (متوفى 1104 هجرى)
19. ارجح المطالب ص 244: علامه عبدالله حنفى
20. اسعاف الراغبين ص 187: محمد العيان شافعى (متوفى 1206 هجرى)
21. مناقب الاخيار ص 56 ابن اثير (متوفى 606 هجرى 9)
22. اعيان الشيعه ص 321: مرحوم امينى عاملى
23. كتاب الكبائر ص 71: الذهبى (متوفى 748 هجرى)
24. مناقب ابن مغازى شافعى ص 381: (متوفى 483 هجرى)

- 178- الف - تفسیر ثعلبی عن جعفر بن محمد علیه السلام قال...
- ب - تفسیر القشیری عن جابر بن عبدالله الانصاری عن جعفر بن محمد علیه السلام قال:
- 179- بحار الانوار ج 43 ص 86: علامه مجلسی (متوفای 1110 هجری)
2. مناقب ابن شهر آشوب ج 3 ص 342: ابن شهر آشوب (متوفای 588 هجری)
3. تفسیر نوالثقلین ج 5 ص 594: علامه حویزی (متوفای 1112 هجری)
4. تفسیر البرهان ج 4 ص 467: شیخ حر عاملی (متوفای 1104 هجری)
5. عوالم العلوم ج 11 ص 133: علامه بحرانی اصفهانی
- 180- کتاب زهد النبی صلی الله علیه و آله عن ابی جعفر احمد القمی (بنقل سید بن طاووس) عن علی علیه السلام بحار ج 8 ص 303 حدیث 61.
- 181- کتاب زهد النبی صلی الله علیه و آله عن ابی جعفر احمد القمی (بنقل سید بن طاووس) عن علی علیه السلام (بحار ج 8 ص 303) حدیث 61.
- 182- 1. بحار الانوار ج 8 ص 303: علامه مجلسی (متوفای 1110 هجری 9
2. کوکب الدری ج 1 ص 175: علامه حائری مازندرانی
3. تفسیر البرهان ج 2 ص 346: علامه بحرانی اصفهانی
4. ریاحین الشریعه ج 1 ص 148: علامه محلاتی
5. کتاب عوالم ج 11 ص 264 و 587: علامه بحرین اصفهانی
6. لئالی الاخبار ج 1 ص 84: سیوطی شافعی (متوفای 911 هجری)
7. الدورع الواقیه: ابن طاووس (متوفای 664 هجری)
8. فرائد السمطین (مخطوط) ص 24 (به این حدیث اشاره ای دارد): علامه حموینی (متوفای 722 هجری)
9. شرح المواهب ج 2 ص 7 (اشاره ای دارد)
- 183- الف - نوادر الراوندی باسناده عن موسی بن کعفر عن آبائه علیهم السلام قال...
- ب - اخرج ابونعیم عن انس عن سعید بن المسیب عن علی علیه السلام قال...
- 184- بحار الانوار ج 43 ص 92. و. ج 100 ص 250: علامه مجلسی (متوفای 1110 هجری)
2. نوادر راوندی ص 14: علی بن الحسین راوندی (متوفای 573 هجری)
3. کتاب عوالم ج 11 ص 223. 629: علامه بحرانی اصفهانی
4. مناقب ابن مغازی ص 381: ابن مغازی شافعی (متوفای 483 هجری)

5. حلیه الاولیاء ج 2 ص 40: ابوالفرج اصفهانی زیدی (متوفای 402 هجری 9
6. مقتل خوارزمی ص 63: خوارزمی (متوفای 993 هجری)
7. مناقب الخیار ص 56: ابن الاثیر (متوفای 606 هجری)
8. کتاب الكبائر ص 71: ذهبی (متوفای 748 هجری)
9. مجمع الزوائد ج 9 ص 202. و. ج 4 ص 255: هیثمی (متوفای 807 هجری)
10. کوکب الدرر ص 149 ج 1: علامه حائری مازندرانی
- 185- الف - فی الحلیه الاوزاعی عن الزهری قال:
- ب - احقاق الحق روی من طریق الدولابی عن ام سلمه عن علی عَلِيٍّ قال:
- 186- احقاق الحق ج 10 ص 266: قاضی نورالله شهید شوشتری (متوفای 1091 هجری)
2. ذخائر العقبی ص 105: محب الدین طبری (متوفای 694 هجری)
3. کتاب عوالم ج 11 ص 587: علامه بحرانی اصفهانی
4. صفوه الصفوه ج 2 ص 4: ابن الجوزی (متوفای 654 هجری)
5. مناقب ج 3 ص 341: ابن شهر آشوب مازندرانی (متوفای 588 هجری)
6. بحار الانوار ج 43 ص 84 و 85: علامه مجلسی (متوفای 1110 هجری)
7. و مدارک حدیث 93
8. مسند احمد ج 6 ص 298: احمد بن حنبل (متوفای 241 هجری)
- 187- عن علی عَلِيٍّ من طریق الدولابی عن ام سلمه
- 188- 1. کنز العمال ج 15 ص 507: متقی هندی حنفی (متوفای 975 هجری)
2. بحار الانوار ج 43 ص 134 و 84. 85: علامه مجلسی (متوفای 1110 هجری)
3. احقاق الحق ج 10 ص 266) اطحن مره و اعجن مره): قاضی نوراله شوشتری (متوفای 1019 هجری)
4. صفوه الصفوه ج 2 ص 4: ابن الجوزی (متوفای 654 هجری)
5. ذخائر العقبی ص 105: محب الدین طبری (متوفای 694 هجری)
6. کتاب عوالم ج 11 ص 587: علامه بحرانی اصفهانی
7. و مدارک حدیث 92:
8. مسند احمد ج 6 ص 298: احمد بن حنبل (متوفای 241 هجری)
9. تاریخ العروس ج 8 ص 112: علامه زبیدی حنفی (متوفای 1205 هجری)

189- حدثني ابوالحسن احمد بن الفرغ بن منصور بن محمد، قال حدثنا ابوالحسن علي بن الحسين بن موسى بن بابويه القمي، قال حدثنا ابو اسحاق ابراهيم بن محمد بن سعيد الثقفي، قال حدثني عثمان بن سعيد قال حدثني احمد بن حماد بن احمد الهمداني، قال حدثنا عمرو بن ثابت عن ابيه عن محمد بن علي بن الحسين بن علي قال:

- 190- 1. دلائل الامامه ص 49: طبري امامي (متوفى 310 هجرى)
2. كتاب عوالم ج 11 ص 205: علامه بحراني اصفهاني
3. مجموعه ورام ج 2 ص 230: شيخ ورام (متوفى 605 هجرى)
4. بحار الانوار ج 43، ص 76: علامه مجلسي (متوفى 1110 هجرى)
5. مسند احمد ج 3 ص 150: احمد بن حنبل (متوفى 241 هجرى)
6. ذخائر العقبى ص 51: محب الدين طبري (متوفى 694 هجرى)
7. مجمع الزوائد ج 10 ص 316: هيتمي (متوفى 807 هجرى)
8. اءسعاف الراغبين ص 188: شيخ محمد الصيان
9. تاريخ دمشق ج 10 ص 332: ابن عساكر (متوفى 571 هجرى)
10. وسيله المال ص 91: لامه حضرمي
11. ينابيع الموده ص 200: قندوزي حنفي (متوفى 1294 هجرى)
12. الكامل فى الرجال ج 2 ص 591: ابن عدى جرجاني
13. احقاق الحق ج 10 ص 276 (اشاره دارد): قاضى نورالله شوشترى (متوفى 1019 هجرى)
14. رياحين الشريعه ج 1 ص 126: علامه محلاتي
15. الخرائج ج 2 ص 530: قطب راوندى (متوفى 573 هجرى)

191- الف - ابوالعباس الحميرى تعن سندی بنمحمد، عن ابى البختري عن ابى عبدالله عليه السلام عن ابيه عليه السلام قال:

- ب - عن سيف عن نجم عن ابى جعفر عليه السلام قال...
- ج - عن جعفر بن محمد عن ابيه عليه السلام قال:
- د - عبدالله بن جعفر فى قرب الاسناد عن السندی بن محمد عن ابى البختري عن ابى عبدالله عن ابيه عليه السلام قال:

- 192- 1. مستدرک الوسائل ج 13 ص 48: محدث نوری (متوفى 1320 هجرى)
2. بحار الانوار ج 43 ص 81 و 31: علامه مجلسي (متوفى 1110 هجرى)
3. وسائل الشيعه ج 14 ص 123: شيخ حر عاملي (متوفى 1104 هجرى)



4. قرب الاسناد ص 25 حديث 170: حميري (متوفى 290 هجرى)
5. كتاب عوالم ج 11 ص 217: علامه بحراني اصفهاني
6. رياحين الشريعة ج 1 ص 193: علامه محلاتي
7. تفسير البرهان ج 1 ص 282: علامه بحراني اصفهاني
8. لئالي الاخبار ج 1 ص 83: سيوطي (متوفى 911 هجرى)
9. كوكب الدرى ج 1 ص 151: علامه حائرى مازندراني
- 193- 1. كشف الغمه ج 2 ص 62: مرحوم اربلى (متوفى 629 هجرى)
2. كتاب عوالم ج 11 ص 507 و 610: علامه بحراني اصفهاني
- 194- امالى طوسى عن ابى غالب عن احمد بن الرازى عن خاله عن الاشعري عن البرقى عن ابن اسباط عن داوود عن يعقوب بن شعيب عن ابى عبدالله عليه السلام قال:
- 195- 1. بحار الانوار ج 43 ص 95 و 114: علامه مجلسى (متوفى 1110 هجرى)
2. امالى ص 42 مجلس ثانى: شيخ طوسى (متوفى 460 هجرى)
- 196- ابواسحاق ابراهيم بن احمد الطبرى القاضى عن قاضى ابوالحسن على بن عمر بن الحسن بن على بن مالك السيارى عن محمد بن زكريا الغلابى عن جعفر بن محمد بن عماره الكندى عن ابى جابر الجعفى عن ابى جعفر محمد بن على بن الحسين عليه السلام عن ابيه عن جده عن ابيه عن محمد بن عمار بن ياسر قال سمعت ابى يقول:
- 197- دلائل الامامه ص 26 و چاپ جديد ص 103: طبرى امامى (متوفى 310 هجرى)
2. كتاب عوالم ج 11 ص 334 باب 5: علامه بحراني اصفهاني
- 198- 1. دلائل النبوه روى باسناده عن محمد بن عبدالله بن عمرو بن عثمان ان امه فاطمه بنت الحسين عليه السلام حدثته (كتاب عوالم ج 11 ص 92).
2. فى روايه ترمذى عن عائشه قالت:
3. حمويه عن ابى الحسين عن ابى خلفه عن العباس بن الفضل عن عثمان بن عمر اسرائيل عن ميسره بن حبيب عن المنهال بن عمرو عن عايشه بنت طلحه عن عائشه قالت:
4. عن عروه ابن زبير عن عائشه: (بحار الانوار ج 43 ص 25)
5. و بالاسناده عن مسلم عن ابى كامل فضيل بن حسين عن ابى عوانه من فراس عن عامر عن مسروق عن عائشه قالت: (بحار الانوار ج 43 ص 25)
6. وبالاسناد عن منصور بن ابى مزاحم عن ابراهيم بن سعد عن ابيه عن عروه عن عائشه و عن زهير بن حرب عن يعقوب بن ابراهيم عن ابيه عن جده عروه عن عائشه:

7. فضل بن دكين ابونعيم عن زكريا ابن ابى زائده فراس بن يحيى عن عامر الشعبي عن مسروق عن عائشه (الطبقات الكبرى ج 2 ص 247)
8. فى صحيح المسلم و قال: حدثنا ابو كامل الجحدري: فضيل بن حسين قال: حدثنا ابو عواوئه عن فراس عن عامر عن مسروق عن عايشه قالت: (العمده ص 386)
9. فى صحيح المسلم قال: حدثنا ابوبكر بن ابى شيبه حدثنا عبدالله بن نمير حدثنا ابى حدثنا زكريا عن فراس عن عامر عن مسروق (ع) عايشه قالت: (العمده ص 396)
10. فى روايه ابى بكر الجعابى و ابن نعيم الفضل بن دكين و العشى عن مسروق و فى الشنن عن القزوينى و الابانه عن الاكبرى و المسند عن الموصلى و الفضائل عن احمد باسانيدهم عن عروه عن مسروق قالت عائشه: (مناقب ابن شهر آشوب ج 3 ص 362)
11. حدثنا عبدالله، ابى حدثنا يعقوب بن ابراهيم، حدثنا ابى عن ابىه ان عروه بن الزبير يحدثه عن عايشه.
12. حدثنا محمد بن بشار، حدثنا عثمان بن عمر، اخبرنا اسرائيل، عن ميسره ابن حبيب، عن المنهال بن عمرو، عن عائشه بنت طلحه عن عائشه ام المومنين قالت:
13. اخبرنا سعيد بن سليمان عن عباد بن العوام، (ع) هلال بن موسى جناب، عن عكرمه عن ابن عباس قال.
14. روى ابونعيم احمد بن عبدالله الاصفهاني بسنده عن مسروق عن عائشه قالت:
15. على بن الحسن بن الحسن بن محمد، عن هاورن بن موسى، عن محمد بن على ابن معمر، عن عبدالله بن معبد، عن موسى ابن ابراهيم، عن عبدالكريم بن هلال عن اسلم عن ابى الطفيل عن عمار قال: لما حفر رسول الله الوفاه... (بحار الانوار ج 22 ص 536)
16. ابوالفضل الشيباني عن عبدالرزاق بن سليمان بن غالب الازدى عن الحسن ابن على عن عبدالوهاب بن همام الحميرى، عن ابن ابى شيبه، عن شريك عن الركين بن الربيع عن القاسم بن حسان، عن جابر بن عبدالله انصارى قال: (بحار النوار ج 36 ص 307)
17. سمعاني باسناده عن ابى هارون العبدى عن ابى سعيد الخدرى قال:
18. من كتاب كفايه الطالب عن الدار قطنى عن رجاله عن ابى هارون العبدى عن ابى سعيد الخدرى (بحار الانوار ج 38 ص 10)
19. عن على بن هلال عن ابىه: (بحار الانوار ج 51 ص 78)
20. ابن الوليد عن الصفار عن ابن يزيد عن حماد بن عيسى عن ابن اذينه عن ابان بن عياش و ابراهيم بن عمر اليماني عن سليم بن قيس الهلالي عن سلمان الفارسى قال:

21. سلیمان بن داوود الهاشمی عن ابراهیم بن سعد عن ابیه عن عروه عن عائشه (الطبقات  
الکبری ج 2 ص 247)

- .....
1. الطبقات الکبری ج 2 ص 247. و. ج 8 ص 26: ابن سعد (متوفای 231 هجری)
  2. صحیح مسلم ج 4 ص 143. و. ج 2 باب فضائل فاطمه عائشہ: مسلم بن حجاج قیشری  
نیشابوری (متوفای 261 هجری)
  3. کفایه الطالب: دارقطنی
  4. دلائل النبوه ج 7 ص 164: علامه بیهقی شافعی (متوفای 569 هجری)
  5. صحیح ترمذی ج 5 ص 700: محمد بن عیسی ترمزی (متوفای 279 هجری)
  6. صحیح بخاری ج 6 ص 12. و. ج 4 ص 248. و. ج 8 ص 78 و ج 26/5: محمد بن اسماعیل  
بخاری (متوفای 256 هجری)
  7. الانحاف ج 1 ص 296: علامه سبرای شافعی (متوفای 1171 هجری)
  8. انوار المحمدیه ص 581: علامه نبهانی شافعی
  9. السیره النبویه ج 3 ص 339: ابن هشام (متوفای 213 هجری)
  10. ذخائر الموارث ج 4 ص 226: عبدالغنی نابلسی (متوفای 1143 هجری)
  11. الثغور الباسمه ص 13: سیوطی شافعی (متوفای 911 هجری)
  12. مشارق الانوار ص 62 و 75: حمزای مالکی
  13. حلیه الاولیاء ج 2 ص 40 (بأسناده عن ابن عباس): ابوالفرج اصفهانی زیدی (متوفای 402  
هجری)
  14. مسند احمد ج 6 ص 77 و 240 و 282: احمد بن حنبل (متوفای 241 هجری)
  15. کشف الغمه ج 1 ص 453: مرحوم اربلی (متوفای 588 هجری)
  16. عمدہ القاری ج 18 ص 63 و ج 16 ص 223: ابن احمد حبلی حنفی (متوفای 855  
هجری)
  17. مجمع بحار الانوار ج 2 ص 281.
  18. ارشاد ص 89: شیخ مفید (متوفای 413 هجری)
  19. تاریخ الاسلام ج 2 ص 95: الذهبی (متوفای 748 هجری)
  20. مشکاه المصابیح ج 3 ص 254: خطیب العمری (متوفای 741 هجری)
  21. طبقات ابن سعد ج 2 ص 247: ابن سعد (متوفای 230 هجری)

22. عقد الفريد ج 2 ص 3: ابن عبدريه (متوفای 328 هجرى)
23. الجمع بين رجال الصحيحين ج 2 ص 611. علامه حميدى (متوفای 488 هجرى)
24. الانس الجليل ص 192: مجيد الدين حنبلى (متوفای 928 هجرى)
25. شفاء الغرام ج 2 ص 384: ابى الطيب فارسى مالکى (متوفای 832 هجرى)
26. تهذيب الكمال ج 22 ص 745: جمال الدين معزى شافعى (متوفای 944 هجرى)
27. تاريخ دمشق ج 11 ص 418. و. ج 9 ص 335 (مخطوط) عن يحيى بن جعه. و. ج 1 ص 239: ابن عساكر شافعى (متوفای 571 هجرى):
29. جامع الاصول ج 1 ص 86: ابن اثير (متوفای 694 هجرى)
30. وسيله المال ص 88: علامه حصرمى
31. دخائر العقبي ص 41 و 135: محب الدين طبرى (متوفای 649 هجرى)
32. ارجح المطالب ص 255: علامه عبدالله حنفى
33. فتح الملك المعبود ج 3 ص 23: امين بن خطاب مصرى
34. احقاق الحق ج 10 ص 439. و. ج 19 ص 24: قاضى نورالله شوشترى (متوفای 1019 هجرى)
35. كنز العمال ج 13 ص 677: متقى هندی حنفى (متوفای 975 هجرى)
36. فتح البيان ج 1 ص 354 باسناده عن ام حبيبه: صديق حسن خان
37. سنن دارمى ج 1 ص 37 عن ابن عباس: علامه دارمى (متوفای 255 هجرى)
38. نهايه الارب ج 18 ص 360: نویری شافعى (متوفای 732 هجرى)
39. مجمع الزوائد ج 9 ص 23 و 165. و. ج 8 ص 253: حافظ هيثمى (متوفای 807 هجرى)
40. فتح البلدان ج 1 ص 354: علامه بلاذرى (متوفای 279 هجرى)
41. تفسير ابن كثير ج 4 ص 561: ابن كثير شافعى (متوفای 982 هجرى)
42. و الكاف الشاف ص 189: ابن حجر عسقلانى متوفای شافعى (متوفای 258 هجرى)
43. الكشف ج 4 ص 649: ز مخشرى (متوفای 538 هجرى)
44. ارجح المطالب ص 225: علامه عبدالله حنفى
45. جامع الصغير حديث 21032: سيوطى شافعى (متوفای 911 هجرى)
46. محاضره الاوائل ص 8
47. كنوز الحقائق ص 203: علامه المناوى شافعى (متوفای 1031 هجرى)
48. كوكب الدرى ج 1 ص 21: علامه حائرى مازندرانى

49. فتح الكبير ج 1 ص 471: علامه نبهانی شافعی
50. روض الفائق ص 327: کازرونی مصری (متوفای 810 هجری)
51. مکاشفه القلوب ص 266: محمد بن محمد الخزائی (متوفای 505 هجری)
52. شرح ابن ابی الحدید ج 2 ص 591: ابن ابی الحدید معتزلی (متوفای 656 هجری)
53. البدء و التاريخ ج 5 ص 61: ابن مطهر مقدسی (متوفای 355 هجری)
54. امتناع الاسماء ص 547: علامه مقریزی (متوفای 845 هجری)
55. بحار الانوار ج 22 ص 536. و. ج 36 ص 328. و. ج 38 ص 10. و. ج 51 ص 91. و. ج 28 ص 52. و. ج 37 ص 67. و. ج 43 ص 51. 181: علامه مجلسی (متوفای 1110 هجری)
56. کفایه الاثر ص 304 و 16 و 17: علی بن محمد حزاز قمی رازی (متوفای 400 هجری 9)
57. کمال الدین ص 262: ابن بابویه قمی (متوفای 381 هجری)
58. فرائد السمطين باسناده عن علی بن علی الهلالی: علامه حموی (متوفای 722 هجری)
59. مفتاح النجا ص 18 (مخطوط): علامه بدخشی
60. توضیح الدلائل ص 329: احمد بن هلال شافعی
61. اسد الغایه ج 4 ص 42 عن سفیان بن عیینه. و. ج 5 ص 523 م ابن اثیر (متوفای 630 هجری)
62. فضائل الخمسه ج 1 ص 173: علامه فیروز آبادی (متوفای 1410 هجری)
63. ملحقات احقاق الحق ج 23 ص 259
64. انساب الاشراف ج 1 ص 552: بلاذری (متوفای 279 هجری)
65. امالی صدوق ص 595: شیخ صدوق (متوفای 381 هجری)
66. العمده ابن بطریق ص 386 حدیث 764 و 765: ابن بطریق (متوفای 600 هجری)
67. مناقب ابن شهر آشوب ج 3 ص 362: ابن شهر آشوب مازندرانی (متوفای 588 هجری)
68. مصابیح السنه ج 2 ص 204: علامه بغوی شافعی (متوفای 510 هجری)
69. البدايه و النهايه ج 2 ص 61. و. ج 5 ص 226: ابن کنیر شافعی (متوفای 774 هجری)
70. تاریخ الكبير ج 1 ص 298: ابن عساکر شافعی (متوفای 571 هجری)
71. الاستیعاب ج 2 ص 750: ابن عبدالبر مالکی (متوفای 338 هجری)
72. منتخب التاريخ ج 1 ص 298: ابن عساکر شافعی (متوفای 571 هجری)
73. محجبه البيضاء ج 4 ص 209: علامه فیض کاشانی (متوفای 1091 هجری)
74. ینابیع الموده ص 172 باب 55 ص 203: قندوزی حنفی (متوفای 1294 هجری)

75. مسند ابوداود ص 196 (ط. حيدر آباد): سليمان بن داود (متوفای 204 هجری)
76. مقتل الحسين ص 54: ابوالمويد بن احمد خوارزمی (متوفای 993 هجری)
77. الاصابه ج 4 ص 367: ابن حجر عسقلانی شافعی (متوفای 852 هجری)
78. الخصائص ج 2 ص 265: السيوطی شافعی (متوفای 911 هجری)
79. كتاب عوالم ج 11 ص 90: علامه بحرانی اصفهانی
80. روضه الواعظین ص 181: ابن فثال نیشابوری (متوفای 508 هجری)
81. تذکره خواص ص 309: ابن جوزی (متوفای 454 هجری)
82. المختار فی مناقب الاخيار ص 56: علامه بستوی حنفی (متوفای 1007 هجری)
83. طرح التثريب ج 1 ص 149: زين الدين ابوالفضل
84. نظم درالسمطين ص 179: زندی حنفی (متوفای 748 هجری)
85. تاريخ الخميس ج 2 ص 162: حسين محمد ديار بكری (متوفای 852 هجری)
86. تذهيب التهذيب ص 134: ابن حجر عسقلانی شافعی (متوفای 852 هجری)
87. وسيله المال ص 87: علامه حضرمی
89. سنن ابن ماجه ج 1 ص 518 حديث 1621: محمد بن يزيد قزوینی (متوفای 275 هجری)
90. مرآه المومنين ص 183: ولی الله الڪمئتي
91. سير اعلام النبلاء ج 2 ص 120: علامه ذهبي شافعی (متوفای 748 هجری)
92. ارشاد الساری ص 6 و 8 و 81: علامه قسطنانی شافعی (متوفای 923 هجری)
93. تفريح الاحباب ص 407: قريشى حلبى حنفى
94. حياه الصحابه ج 2 ص 314: محمد بن يوسف الكاندهلوى
95. كامل ابن اثير ج 2 ص 219: ابن اثير (متوفای 630 هجری)
96. امالى طوسى ج 1 ص 191: شيخ طوسى (متوفای 460 هجری)
97. سنن ترمذى ج 701/5: محمد بن عيسى ترمزى (متوفای 279 هجری)
- 199-1. تفسير الامام عسكرى (ينقل بحار) حديث 229
2. الاحجاج طبرسى ج 1 ص 18 (بالاسناد عن ابى محمد عليه السلام):
3. كتاب عوالم ج 11 ص 627
4. بحار الانوار ج 2 ص 8. و. ج 8 ص 179 و 180 (مسند عنا ابى محمد عليه السلام)
- 200- مناقب شهر آشوب ج 3 ص 389: ابن شهر آشوب (متوفای 588 هجری)
2. مسند احمد ج 6 ص 283: احمد بن حنبل (متوفای 241 هجری)

3. کتاب عوالم ج 11 ص 619: علامه بحرانی اصفهانی

4. بحار الانوار ج 43 ص 286: علامه مجلسی (متوفای 1110 هجری)

5. فتح الباری: ج 8 ص 97: ابن حجر عسقلانی شافعی (متوفای 258 هجری)

6. فضائل خسمه ج 3 ص 21: علامه فیروز آبادی (متوفای 1410 هجری)

201- مدارک و روایات اشعار 103 تا 105 مشرک است.

202- الف =

روی ابو صالح، و مجاهد و الضحاک و الحسن، و عطاء و قتاده و مقاتل و الیث و ابن عباس و ابن مسعود و ابن جبر و عمرو بن شعیب و الحسن بن مهران و النقاش و الثعلبی و الواحدی فی تفاسیرهم و صاحب اسباب النزول و الخطیب المکل فی الاربعین و ابوبکر الشیرازی فی نزول القرآن فی امیرالمؤمنین علیه السلام و الاشعری فی اعتقاد اهل السنه و ابوبکر محمد بن احمد بن الفضل النحوی فی العروس فی الزهد و روی اهل البيت علیهم السلام عن الاصبع بن نباته عن الباقر علیه السلام مناقب ابن شهر آشوب ج 3 ص 373»

= ب

ابن بابویه قال حدثنا محمد بن ابراهیم ابن اسحق قال حدثنا ابواحمد عبدالعزیز یحیی الجلودی قال حدثنا محمد بن زکریا قال حدثنا شعیب بن واقد قال حدثنا القاسم بن بهرام عن لیث عن مجاهد عن ابن عباس. و حدثنا محمد بن ابراهیم بن اسحق قال حدثنا ابواحمد عبدالعزیز بن یحیی الجلودی قال حدثنا الحسن بن مهران قال حدثنا سلمه بن خالد عن الصادق جعفر بن محمد علیه السلام عن ابيه... «تفسیر البرهان ج 4 ص 412»

= ج

الطالقانی عن الجلودی عن الجوهری عن شعیب بن واقد عن القاسم بن بهرام عن لیث عن مجاهد عن ابن عباس و حدثنا محمد بن ابراهیم بن اسحاق، عن عبدالعزیز بن یحیی الجلودی عن الحسن بن مهران عن مسلمة بن خالد عن الصادق جعفر بن محمد عن ابيه علیه السلام: «امالی صدوق»

203- کتاب امالی ص 213 حدیث 11: شیخ صدوق (متوفای 380 هجری)

2. کتاب عوالم ج 11 ص 588: علامه بحرانی اصفهانی

3. بحار الانوار ج 35 ص 238 الی 240: علامه مجلسی (متوفای 1110 هجری)

4. احقاق الحق ج 9 ص 119. و ج 18 ص 339. و ج 20 ص 157 الی 166: قاضی نورالله

شوشتری (متوفای 1019 هجری)

5. مناقب ابن شهر آشوب ج 3 ص 373: ابن شهر آشوب (متوفای 558 هجری)

6. تفسیر نورالثقلین ج 5 ص 471: علامه حویزی (متوفای 1112 هجری)
7. تفسیر البرهان ج 4 ص 412 و 413: علامه هاشم بحرانی
8. نورالابصار ص 102: شبلیجی شافعی
9. فضائل الخمسه ج 1 ص 258: علامه فیروز آبادی (متوفای 1410 هجری)
10. تفسیر فرات الکوفی ص 177: فرات الکوفی (متوفای 300 هجری)
- 204- ورقه بن بدالله الازدی عن فضه امه فاطمه ع
- 205- بحارالانوار ج 43 ص 174 و 178: علامه مجلسی (متوفای 1110 هجری)
- 2 کتاب عوالم ج 11 ص 490: علامه بحرانی اصفهانی
3. ریاحین الشریعه ج 2 ص 73: علامه محلاتی
- 206- سیره نبوی ج 3 ص 364: دینی دحلان (متوفای 1300 هجری)
2. کتاب عوالم ج 11 ص 455: علامه بحرانی اصفهانی
3. عیوان الاثر ج 2 ص 340: علامه یعمری
4. موده القریبی ص 103: علامه حضرمی
5. نورالابصار ص 53: شبلیجی شافعی
6. احقاق الحق ج 10 ص 434: قاضی نورالله شوشتری (متوفای 1019 هجری)
7. اعلام النساء ج 4 ص 113: عمر رضا کحاله
8. عیون الاخبار ج 2 ص 340: ابن قتیبہ حنفی (متوفای 276 هجری)
9. السیره النبویه ج 3 ص 364: ابن هشام (متوفای 213 هجری)
- 207- احقاق الحق ج 10 ص 433
2. شرح نهج البلاغه ج 4 ص 93. ابی الحدید و ج 2 ص 17
3. اعلام النساء ج 3 ص 1308
4. الوافی ج 2 ص 188
5. فروع الکافی ج 8 ص 376.
6. بحارالانوار ج 43 ص 196.
7. بلاغات النساء ص 12. ابن طیفور
8. الغدیر ج 7 ص 192 و 79
9. کوکب الدرر جزئ اول ص 222
10. اعیان الشیعہ ج 1 ص 318



11. دلائل الامامه ص 35
12. احتجاج طبرسي ص 92
13. الطرائف ص 265
14. مناقب ابن شهر آشوب ج 3 ص 136.
15. تفسير نورالثقلين ج 4 ص 187
16. تفسير البرهان ج 3 ص 265
17. امالي شيخ مفيد ص 41
18. رياحين الشريعه ج 1 ص 338
19. الفائق ج 3 ص 217
20. البدء و التاريخ ج 5 ص 68
21. مجمع بحارلانوارج ج 3 ص 491
22. تاج العروس ج 1 ص 654
23. الابدال ج 1 ص 164
24. طبقات ابن سعد 853
25. بلاغات النساء ص 12
- 208- اخرج حافظ ابن عساكر من طريق طاهر بن يحيى الحسيني عن ابيه عن جده عن جعفر بن محمد الصادق عليه السلام عن علي عليه السلام قال...
- 209- 1. فصول المهمه ابن صباغ ص 141
2. مناقب ابن شهر آشوب ج 1 ص 242
3. وفاء الوفاء ج 2 ص 444:
4. اعلام النساء ج 1 ص 1205
5. السيره النبويه ج 3 ص 391: زيني دحلان
6. فتاوى الفقيه، ابن حجر ج 2 ص 18
7. الاتحاف ص 9
8. شرح الشمائل ج 2 ص 210
9. بحارالانوار ج 79 ص 106
10. ارشاد الساري ج 2 ص 390
11. احقاق الحق ج 10 ص 435. و. ج 19 ص 159.

12. كتاب عوالم ج 11 ص 597
13. رياحين الشريعة ج 1 ص 241
14. مشارق الانوار ص 63:
15. الغدير ج 6 ص 165 وج 5 ص 147
16. اهل البيت ص 164. توفيق ابو علم
17. وسيله النجاه ص 28 و 231
18. تفسير الخطيب الشربيني ج 1 ص 349
19. الاتحاف ص 9.
20. صلح الاخوان ص 57.
- 210- اخرج حافظ ابن عساكر من طريق طاهر بن يحيى الحسينى عن ابيه عن جده عن جعفر بن محمد الصادق عليه السلام عن علي عليه السلام قال:
- 211- 1. فصول المهمه ابن صباغ ص 141
2. مناقب ابن شهر آشوب ج 1 ص 242
3. وفاء الوفاء ج 2 ص 444:
4. اعلام النساء ج 1 ص 1205
5. السيره النبويه ج 3 ص 391: زينى دحلان
6. فتاوى الفقيه، ابن حجر ج 2 ص 18
7. الاتحاف ص 9
8. شرح الشمائل ج 2 ص 210
9. بحار الانوار ج 79 ص 106
10. ارشاد السارى ج 2 ص 390
11. احقاق الحق ج 10 ص 435. و. ج 19 ص 159.
12. كتاب عوالم ج 11 ص 597
13. رياحين الشريعة ج 1 ص 241
14. مشارق الانوار ص 63:
15. الغدير ج 6 ص 165 وج 5 ص 147
16. اهل البيت ص 164. توفيق ابو علم
17. وسيله النجاه ص 28 و 231

18. تفسير الخطيب الشرييني ج 1 ص 349

19. الاتحاف ص 9.

20. صلح الاخوان ص 57.

212- احقاق الحق ج 19 ص 160

2. كتاب عوالم ج 11 ص 487

3. رياحين الشريعه ج 1 ص 249

4. كوكب الدرى ج 1 ص 241

5. وسيله النجاه ص 28

6. اهل البيت ص 162.

213- الف - روى عن محمودبن لبيد قال:

ب - على بن الحسين عن محمد بن الحسين الكوفى عن محمد بن على زكريا عن عبدالله بت

الضحاك عن هشام بن محمد عن عبدالرحمن عن عاصم بن عمرو عن محمودبن لبيد قال:

214- 1. رياحين الشريعه ج 1 ص 247

2. بحار الانوار ج 36 ص 353 باب 41.

3. بيت الاحزان ص 167 - 165.

4. كفايه الاثر بنقل بحار الانوار

215- 1. كتاب عوالم ج 11 ص 454.

2. مناقب. ج 1 ص 242

3. وفاء الوفاء ج 2 ص 443

4. السيره النبويه ج 3 ص 364 احمد دحلان

5. روضه الاحباب ص 613

6. جمع الوسائل ج 2 ص 263.

7. تاريخ الخميس ج 2 ص 340

8. فتوحات الربانيه ج 3 ص 160.

9. نور الابصار ص 53.

10. وسيله النجاه ص 28 و 231.

11. عيوان الاثر ج 2 ص 340

12. عيوان التواريخ ج 1 ص 80. خوارزمى

13. مقتل الحسين ج 1 ص 80 خوارزمی
14. احقاق الحق ج 10 ص 431 و ج 19 ص 160
15. اعلام النساء ج 4 ص 113
16. رياحين الشريعة ج 1 ص 241
17. الغدير ج 5 ص 147 و ج 6 ص 165.
- 216- 1. مجمع النورين ص 153. 2. عوالم ج 11 ص 491.
- 217- عوالم ج 11 ص 491
- 218- الف = ابو عبدالله محمد بن عبدالله (المعروف بابن ناصرالدين الدمشقي) عن ابوبكر بن محمد الحسين الاجري قال... ب = قال ابوبكر بن محمد بن الحسين الاجري في كتابه الشريعة:
- 219- كتاب عوالم ج 11 ص 597: علامه مجلسي (متوفای 1110 هجرى)
2. احقاق الحق ج 10 ص 438: علامه حائرى مازندراني
3. برد الاكباد عند فقد الاولاد ص 44. ناصر الدين دمشقي: علامه بحراني اصفهاني
4. كتاب الشريعة: ابوبكر بن محمد الاجري: علامه محلاتي
- 220- بحار الانوار ج 43 ص 176: علامه مجلسي (متوفای 1110 هجرى)
2. كوكب الدرى جزء اول ص 240: حائى مازندراني
3. كتاب عوالم ج 11 ص 486: بحراني اصفهاني
4. رياحين الشريعة ج 1 ص 246: ذبيح الله محلاتي
- 221- الف = الخطيبى صاحب كتاب الهدايه الكبرى عن محمد بن اسماعيل و على بن عبدالله الحسينيان عن ابى شعيب محمد بن نصير، عن ابن الفرات عن محمد بن المفضل عن المفضل بن عمر عن ابى عبدالله الصادق عليه السلام قال...
- ب = حسين بن حمدان عن محمد بن اسماعيل و على بن عبدالله الحسنى عن ابى و شعيب و محمد بن نصير عن عمرو بن الفرات عن محمد بن المفضل عن المفضل بن عمر قال سئلت سيدى الصادق ع
- 222- كتاب عوالم ج 11 ص 442: علامه بحراني اصفهاني
2. الهدايه الكبرى: ابن حمدان خصبى (متوفای 358 هجرى 9
3. خليه الابراج ج 2 ص 62: سيد هاشم بحراني (متوفای 1107 هجرى)
4. بحار الانوار ج 53 ص 19 - و - ج 43 ص 156 و 214؛ علامع مجلسي (متوفای 1110 هجرى)

- 223- ریاحین الشریعه ج 2 ص 40: علامه محلاتی
2. بحارالانوار ج 43 ص 157: علامه مجلسی (متوفای 1110 هجری)
3. مناقب ابن شهر آشوب ج 2 ص 205 و 49: ابن شهر آشوب (متوفی 588 هجری)
4. کتاب عوالم ج 11 ص 478 و 605: علامه بحرانی اصفهانی
- 224- احقاق الحق ج 19 ص 160: قاضی نورالله شوشتری (متوفای 1019 هجری)
2. کتاب عوالم ج 11 ص 487: علامه بحرانی اصفهانی
3. ریاحین الشریعه ج 1 ص 249: علامه محلاتی
4. بحارالانوار ج 43 ص 177 (این حدیث بصورت شعر آمده است که مدارک آن با فراز 110 مشترک است): علامه مجلسی (متوفای 1110 هجری)
5. کوکب الدری ج 1 ص 241: علامه حائری مازندرانی
6. وسیله النجاه ص 28: مولوی هندی حنفی
7. اهل البيت عليه السلام ص 162 ابو علم
- 225- احقاق الحق ج 19 ص 129 و ج 10 ص 367: قاضی نورالله شوشتری (متوفای 1019 هجری)
2. وسیله النجاه ص 217: مولوی هندی حنفی
3. اخبار الدول و آثار الاول ص 88: علامه احمد بن یوسف دمشقی
4. نزهه المجالس ج 2 ص 229: عبدالرحمن الصفوری شافعی (متوفای 894 هجری)
5. تجهیز الجیش ص 102: علامه امان الله دهلوی
6. کتاب عوالم ج 11 ص 354: علامه بحرانی اصفهانی
7. السبعیات محمد الحنفی المهندی
- 226- بحارالانوار ج 65 ص 155: علامه مجلسی (متوفای 1110 هجری)
2. تفسیر برهان ج 4 ص 21: علامه بحرانی اصفهانی (متوفای 1107 هجری)
3. کتاب عوالم ج 11 ص 620: علامه بحرانی اصفهانی
4. تفسیر امام حسن عسگری عليه السلام ص 248/308
5. لئالی الاخبار ج 5 ص 156: سیوطی شافعی (متوفای 911 هجری)
- 227- 1. جعفر بن محمد القراری معنعنا عن ابی عبدالله عليه السلام قال
- 228- 1. تظلم الزهراء ص 95
2. بحارالانوار ج 44 ص 264: علامه مجلسی (متوفای 1110 هجری)

3. تفسير فرات الكوفى ص 55: فرات الكوفى (متوفى 300 هجرى)

229- الف = فى علل الشرائع: ابى عن عن الحميرى عن على ابن اسماعيل عن سعدان عن

بعض الرجاله عن ابى عبدالله قال:

ب = ابن المتوكل عن السعد آبادى عن البرقى عن ابيه عن ابن ابى عمير عن غير واحد عن ابى

بصير عن ابى عبدالله عليه السلام

ج = ابن المتوكل عن الحميرى عن ابن عيسى عن ابن محبوب عن ابن زئائب قال: قال

ابوعبدالله عليه السلام

د = فى كامل الزياره: ابى عن سعد عن محمدابن حماد عن اخيه احمد: محمدبن عبدالله عن ابيه

قال: سمعت ابا عبدالله عليه السلام يقول:

ه = ابن بابويه قال حدثنا احمدبن الحسين «ره» قال حدثنا بكر بن عبدالله بن حبيب عن تميم بن

عبدالله بن بهلول قال حدثنا على بن حسان الواسطى عن عبدالرحمان بن كثير الهاشمى قالت قلت

لابى عبدالله عليه السلام فقالت فاطمه عليها السلام

و = ابوالقاسم جعفر بن محمد بن قولويه فى كامل الزيارات قال حدثنى محمد بن جعفر الرزاز قال

حدثنى محمد بن الحسين بن ابى الخطاب عن محمد بن سعيد الزيات قال حدثنى رجل من اصحابنا

عن ابى عبدالله عليه السلام قال...

ز = محمد بن عباس عن محمد بن همام عن عبدالله بن جعفر عن الخشاب عن ابراهيم ابن يوسف

العبدى عن ابراهيم بن صالح عن الحسين ابن زيد عن آباءه قال:

ح = احمد بن الحسن عن احمد بن يحيى عن ابن حبيب عن ابن بهلول عن على بن حسان عن

عبدالرحمن بن المثنى الهاشمى قال: ان ابى عبدالله قال:

230- 1. بحار الانوار ج 25 ص 260 - و - ج 44 ص 221 و 333 - و - ج 23 ص 272 -

و - ج 36 ص 185: علامه مجلسى (متوفى 1110 هجرى)

2. علل الشرايع ص 79: شيخ صدوق (متوفى 381 هجرى)

3. كمال الدين ج 2 ص 87: شيخ صدوق (متوفى 381 هجرى)

4. تفسير البرهان ج 4 ص 173: علامه بحراني اصفهاني (متوفى 1107 هجرى)

231- كوكب الدرى جزء اول ص 135: علامه حائرى مازندراني (متوفى قرن 13 هجرى)

2. بحار الانوار ج 43 ص 198: علامه مجلسى (متوفى 1110 هجرى)

232- 1. الطالقاني عن الحسن ابن اسماعيل عن سعد بن محمد بن نصر القطان عن عبيدالله بن محمد السلمي عن محمد بن عبدالرحيم عن محمد بن محمد عن العباس بن ابي عمرو عن صدقه بن ابي عمرو عن صدقه بن ابي موسى عن ابي نضرة قال (جابر):

2. الاعلامه الحموي في فوائد السمطين روى باسناده عن محمد بن ابراهيم اسحاق الطالقاني قال: حدثنا الحسن بن اسماعيل.... (بقية الرواه مثل الرواه المذكور في الصدر الى ابن نضرة عن محمد بن علي الباقر عن جابر)

3. سعد و الحميري معا، عن صالح بن ابي حماد و الحسن ابن طريق معا، عن بكر بن صالح و حدثنا ابي و ابن المتوكل و ما جيلويه و احمد ابن علي ابن ابراهيم و ابن ناتانه و الهمداني رضى الله عنهم جميعا عن علي عن ابيه عن بكر بن صالح عن عبدالرحمن بن سالم عن ابي بصير عن ابي عبدالله قال: ...

4. الفحام عن عمه، عن احمد بن عبدالله بن علي الراس، عن عبدالرحمان بن عبدالله العمري، عن ابي سلمه يحيى بن المغيرة قال: حدثني اخي محمد بن المغيرة عن محمد بن سنان عن سيدنا ابي عبدالله جعفر بن محمد عليه السلام قال، ...

5. قال ابراهيم بن محمد بن ابي بكر بن حمويه الحموي:

(انباني المشايخ الكرام السيد الامام جمال الدين رضى الاسلام احمد بن طاووس الحسنى و السيد الامام النسابة جلال الدين عبدالحميد بن فخارين معد بن فخارالموسوى و علامه زمانه نجم الدين ابوالقاسم جعفر بن الحسن بن يحيى بن سعيد الحلبيون رحمه الله كتابه عن السيد الامام شمس الدين شيخ الشرف فخارين معد بن فخارالموسوى عن شاذان بن جبرئيل القمي عن جعفر بن محمد الدورستى عن ابيه عن ابي جعفر بن محمد بن علي بن الحسين بن موسى بن بابويه القمي رضى الله عنه قال حدثني ابي و محمد بن الحسن رضى الله عنهما قالوا بنانا سعد بن عبدالله و عبدالله بن جعفر الحميرى جميعا عن ابي الخير صالح بن ابي حماد و الحسن بن طريف جميعا عن بكر بن صالح و حدثنا ابي و محمد بن موسى بن المتوكل و محمد بن علي ماجيلويه و احمد بن علي بن ابراهيم و الحسن بن ابراهيم بن ناتانه و احمد بن زيادالمهداني رضى الله عنهم قالوا حدثنا علي بن ابراهيم بن هاشم رضى الله روحهما عن بكر بن صالح عن عبدالرحمان بن سالم عن ابي بصير عن ابي عبدالله عليه السلام قال:

6. محمد بن يحيى و محمد بن عبدالله عن عبدالله بن جعفر عن الحسن بن طريف و علي بن محمد عن صالح بن ابي حماد عن بكر بن صالح عن عبدالرحمن بن سالم عن ابي بصير عن ابي عبدالله عليه السلام قال: قال ابي لجابر الانصارى:

7. الشيخ شرف الدين النجفي عن المقلدين غالب الحسنی (ره) عن رجاله باسناد متصل الى عبدالله بن سنان الاسدي عن جعفر بن محمد عليه السلام قال قال ابي لجابر بن عبدالله...
8. عن علي بن الحسن بن شاذويه و احمد بن هارون العامي جميعا عن محمد بن عبدالله بن جعفر الحميري عن ابيه عن جعفر بن محمد بن مالك عن درست عن عبدالله بن القاسم عن عبدالله بن جبله عن ابي السفاتج عن جابر عن ابي جعفر عن جابر بن عبدالله (الانصاري):
9. العلامة الحموي في فرائد السمطين روى باسناده عن ابن بابويه قال حدثنا علي بن الحسين المودب و الحمد بن هارون الفامي قالا، انبانا محمد بن عبدالله بن جعفر الحميري عن ابيه عن جعفر بن محمد بن مالك الفراري الكوفي عن محمد بن نعمه السلولي عن درست عن عبدالحميد عن عبدالله بن القاسم عن عبدالله بن حيله عن ابي السفاتج عن جابر الجعفي عن ابي جعفر محمد بن علي الباقر عليه السلام عن جابر بن عبدالله انصاري قال:
10. ابن شاذويه و الفامي معا عن محمد الحميري، عن ابيه عن القراري عن مالك السلولي عن دريت، عن عبدالحميد عن عبدالله بن قاسم، عن عبدالله بن جبله عن ابي السفاتج عن جابر الجعفي، عن ابي جعفر محمد بن علي الباقر عن جابر بن عبدالله انصاري قال: ...
- 233- بحار الانوار ج 36 ص 194: علامه مجلسي (متوفى 1110 هجرى)
2. كمال الدين ص 178: شيخ صدوق (متوفى 381 هجرى)
3. عيون الاخبار ص 25: ابن قتيبه دينوري حنفي (متوفى 276 هجرى)
4. احقاق الحق ج 13 ص 55. و. ج 4 ص 123 و ج 5 ص 115: قاضى نورالله شوشترى (متوفى 1019 هجرى)
5. اصول كافي ج 1 ص 527: مرحوم كليني (متوفى 328 هجرى)
6. كتاب عوالم ج 11 ص 615: علامه بحراني اصفهاني
7. امالي صدوق ص 182: شيخ صدوق (متوفى 381 هجرى)
8. اختصاص ص 205: شيخ مفيد (متوفى 413 هجرى)
9. تفسير البرهان ج 2 ص 123: علامه بحراني اصفهاني (متوفى 1107 هجرى)
10. وسائل البرهان ج 2 ص 491: شيخ حر عاملي (متوفى 1104 هجرى)
11. الوافي ج 2 ص 296: علامه شيخ فيض كاشاني (متوفى 1091 هجرى)
12. بحر المناقب ص 33: علي بن ابراهيم
13. امالي طوسي ج 1 ص 297: شيخ طوسي (متوفى 460 هجرى)
14. فرائد السمين: علامه الحموي شافعي (متوفى 722 هجرى)



15. امالی ص 182: شیخ صدوق (متوفای 381 هجری)
16. کفایه الاثر ص 196: علی بن محمد خزار قمی رازی (متوفای 400 هجری)
17. غایه المرام ص 40: محمد بن داود بازلی شافعی (متوفای 925 هجری)
18. احتجاج طبرسی ص 41: (متوفای 588 هجری)
19. کتاب الغیبه ص 210 و 212: شیخ طوسی (متوفای 460 هجری)
20. کتاب الغیبه ص 29: نعمانی (متوفای 342 هجری)
21. اعلام الوری ص 373: فضل بن حسن طبرسی (متوفای 548 هجری)
- 234- مدارک این حدیث با حدیث شماره 126 یکی است، مراجعه شود.
- 235- رواه و مدارک این حدیث با حدیث شماره 126 یک است، مراجعه می شود.
- 236- روایت و اسناد و مدارک این حدیث با حدیث 126 یکی است، مراجعه شود.
- 237- الجنه العاصمه ص 190
2. روض الفائق ص 255 و 314: شیخ حزیفیش کازرونی (متوفای 810 هجری)
- 238- قال المفید «ره» عن ابن قولویه عن ابیه عن سعد عن ابن عیسی عن العباس ابن عامر عن ابان عن برید عن الصادق علیه السلام
- 239- 1. بحارالانوار ج 16 ص 1 - و ج 43 ص 27 و 28: علامه مجلسی (متوفای 1110 هجری)
2. المجالس ص 110: شیخ مفید (متوفای 413 هجری)
3. کتاب عوالم ج 11 ص 579: علامه بحرانی اصفهانی
4. امالی طوسی ج 1 ص 178: شیخ طوسی (متوفای 460 هجری)
5. الخرائج و الجرائح: قطب الدین الراوندی (متوفای 537 هجری)
6. ینابیع الموده ص 262: قندوزی حنفی (متوفای 1294 هجری)
7. ذریه الطاهره حدیث 24 تا 65: محمد بن احمد دولابی (متوفای 310 هجری)
8. کشف الغمه ج 1 ص 511: مرحوم اربلی (متوفای 692 هجری)
9. سیره نبوی ج 1 ص 159: ابن هشام (متوفای 588 هجری)
- 240- مناقب ابن شهر آشوب ج 3 ص 355 و 356: ابن شهر آشوب (متوفای 588 هجری)
2. کوکب الدرری ج 1 ص 166: علامه حائری مازندرانی (متوفای قرن 13 هجری)
3. بحارالانوار ج 43 ص 133 و 117: علامه مجلسی (متوفای 1110 هجری)
4. کتاب ابن مردویه

- 241- تفسیر الامام العسکری قال ابو محمد العسکری عن علی ع قال ...
- 242- بحار الانوار ج 2 ص 3: علامه مجلسی (متوفای 1110 هجری)
2. تفسیر امام عسکری ع ص 340
3. محجہ البیضاء ج 1 ص 30: علامه فیض کاشانی (متوفای 1091 هجری)
4. کتاب عوالم ج 11 ص 621: علامه بحرانی اصفهانی
5. لئالی الاخبار ج 2 ص 254: سیوطی شافعی (متوفای 911 هجری)
- 243- اخبرنا قاضی ابوبکر محمد بن عمر الجعابی عن ابو عبدالله محمد بن العباس بن محمد بن ابی محمد یحیی بن المبارک الیزدی عن خلیل بن اسد ابوالاسود النوشجانی عن رویم بن یزید المنقری عن سوارین معصب الهمدانی عن عمرو بن قیس عن سلمه بن کهیل عن شقیق بن سلمه عن ابن مسعود قال:
- 244- دلائل الامامہ ص 1: محمد بن جرید طبری (متوفای 310 هجری)
2. سفینه البحار ج 1 ص 229: شیخ عباس قمی (متوفای 1359 هجری)
3. کتاب عوالم ج 11 ص 620: علامه بحرانی اصفهانی
4. مستدرک الوسائل ج 12 ص 81: محدث (متوفای 1320 هجری)
5. مجمع الزوائد ج 28 ص 169 (باسنادہ عن ابی مسعود): ہیشمی (متوفای 807 هجری)
- 245- کشف الغمہ ج 2 ص 62: علامه اربلی (متوفای 692 هجری)
2. بحار الانوار ج 43 ص 186: علامه مجلسی (متوفای 1110 هجری)
3. وسائل الشیعہ ج 2 ص 731: شیخ حر عاملی (متوفای 1104 هجری)
4. کتاب عوالم ج 11 ص 584: علامه بحرانی اصفهانی
5. بیت الحزان (ترجمہ) ص 248: شیخ عباس قمی (متوفای 1359 هجری)
- 246- الف = عن ابی بابویہ مرفوعا الی سلمی ام بنی رافع
- ب = امالی طوس عن ابن حمویہ عن ابی الحسین عن ابی خلیفہ عن العباس بن الفضل عن محمد بن ابی رجال عن ابراہیم عن سعد عن ابی عبدالله بن علی ابن ابی رافع عن ابیہ عن سلمی قالت ...
- ج = ابو عبدالله حمویہ ابن علی البصری و احمد بن حنبل و ابو عبدالله بن بطہ باسانیدہم عن سلمی قالت ...
- د = یزید بن ہارون عن ابراہیم بن سعد عن محمد بن اسحاق عن علی بن ابی رافع عن ابیہ عن سلمی قالت ..

هه. مسند احمد ابن حنبل عن عبدالله بن احمد بن حنبل عن محمد بن يونس عن معصب بن عبدالله الزبيري عن ابراهيم بن سعد عن محمد بن اسحاق عن عبدالله بن علي بن ابي رافع عن ابيه عن امه سلمى قالت...

247- 1. كتاب العمده ص 389: ابن بطريق (متوفى 600 هجرى)  
2. مناقب ابن شهر آشوب ج 3 ص 364: ابن شهر آشوب (متوفى 588 هجرى)  
3. بحارالانوار ج 43 ص 183 و 188. و ج 78 ص 246: علامه مجلسى (متوفى 1110 هجرى)

4. الطبقات الكبرى ج 8 ص 27 و 28: محمد بن سعد زهرى (متوفى 230 هجرى)
5. ذخائر العقبى ص 53: محب الدين طبرى شافعى (متوفى 694 هجرى)
6. مسند احمد بن حنبل ج 6 ص 461: احمد بن حنبل (متوفى 241 هجرى)
7. حليه الاولياء ج 2 ص 64 و 65: مرحوم اربلى (متوفى 430 هجرى)
8. اسد الغابه ج 5 ص 590: على بن محمد جزرى ابن اثير (متوفى 430 هجرى)
9. كشف الغمه ج 2 ص 64 و 65: مرحوم اربلى (متوفى 692 هجرى)
10. اعلامالنساء ج 4 ص 130: عمر رضا كحاله
11. الاصابه ج 4 ص 367: ابن حجر عسقلانى شافعى (متوفى 852 هجرى)
12. كوكب الدرى ج الول ص 265: علامه حائرى مازندرانى
13. امالى ج 2 ص 15: شيخ طوسى متوفى 460 هجرى)
14. كتاب مقتل خوارزمى ج 1 ص 81: خوارزمى (متوفى 568 هجرى)
15. كتاب عوالم ج 11 ص 483: علامه بحراني اصفهاني
16. مجمع الزوائد ج 9 ص 210: حافظ هيثمى (متوفى 807 هجرى)
17. ينابيع الموده ص 202: قندوزى حنفى (متوفى 1294 هجرى)
18. احقاق الحق ج 10 ص 465: قاضى نورالله شوشترى (متوفى 1019 هجرى)
19. مستدرک الوسائل ج 1 ص 104 (طبع قديم): محدث نورى (متوفى 1320 هجرى)
20. اعيان الشيعه ج 1 ص 321: سيد امين عاملى (متوفى 1371 هجرى)
21. فضائل الخمسه ج 3 ص 162: فيروز آبادى (متوفى 1410 هجرى)
- 248- 1. كتاب عوالم ج 11 ص 508 و 514 «پاورقى»: علام بحراني اصفهاني
2. كشف الغمه ج 2 ص 62: مرحوم اربلى متوفى 692 هجرى)
3. وسائل الشيعه ج 2 ص 31: شيخ حر عاملى (متوفى 1104 هجرى)

4. بحارالانوار ج 43 ص 186: علامه مجلسی (متوفای 1110 هجری)
5. موده القریبی ص 131: علامه همدانی
6. احقاق الحق ج 10 ص 453: قاضی نوالله شوشتری (متوفای 1019 هجری)
- 249- کتاب عوالم ج 11 ص 491: علامه بحرانی اصفهانی
2. بحارالانوار ج 43 ص 179 حدیث 15: علامه مجلسی (متوفای 1110 هجری)
- 250- کتاب امالی ص 258: شیخ صدوق (متوفای 381 هجری)
2. کتاب عوالم ج 11 ص 588: علامه بحرانی اصفهانی
3. احقاق الحق ج 9 ص 119 و 117: قاضی نوالله شوشتری (متوفای 1019 هجری)
4. بحارالانوار ج 35 ص 239: علامه مجلسی (متوفای 1110 هجری)
5. مناقب ج 3 ص 374: ابن شهر آشوب (متوفای 588 هجری)
6. تفسیر نورالثقلین ج 5 ص 471: علامه حویزی (متوفای 1112 هجری)
7. تفسی البرههان ج 4 ص 412: علامه بحرانی اصفهانی
8. نورالابصار ص 102: شبلینجی شافعی
9. فضائل حارثه بن قدامه قال حدثنی سلمان قال حدثنی عمار. مرحوم فیروز آبادی
- 251- روی حارثه بن قدامه قال حدثنی سلمان قال حدثنی عمار.
- 252- بحارالانوار ج 43 ص 8: علامه مجلسی (متوفای 1110 هجری)
2. کوکب الدری ج 1 ص 122: علامه حائری مازندرانی
3. کتاب عوالم ج 6 ص 7. و. ج 11 ص 12: علامه بحرانی اصفهانی
4. ریاحین الشریعه ج 1 ص 158: علامه محلاتی
- 253- المفید عن الصدوق عن ایبه عن احمد بن ادریس عن محمد بن عبدالجبار عن ابن ابی عمیر عن ابان بن عثمان: ابان بن تغلب عن عکرمه عن عبدالله بن العباس قال:
- 254- امالی ج 1 ص 191: شیخ طوسی (متوفای 460 هجری)
2. ریاحین الشریعه ج 1 ص 239: علامه محلاتی
3. بحارالانوار ج 28 ص 41. و. ج 43 ص 156: علامه مجلسی (متوفای 1110 هجری)
4. کوکب الدری ج 1 ص 148: علامه حائری مازندرانی
5. کتاب عوالم ج 11 ص 329: علامه بحرانی اصفهانی
6. اثبات الهداه ج 1 ص 572: شیخ عاملی (متوفای 1104 هجری)
- 255- روایت فوق با مدارک فراوانی نقل شده است:

اول از طریق عائشه: محمد بن بشار عن عثمان بن عمر عن اسرئیل عن مسیره ابن حبیب عن المنهال بن عمرو عن عائشه بنت طلحه عن عائشه ام المومنین قالت:

1. صحیح ترمذی ج 13 ص 249 (ط. الصادقی بمصر) ترمذی (متوفای 279 هجری)
2. جامع الاصول ج 10 ص 86 (ط. المحمدیه بمصر): ابن اثیر شافعی (متوفای 606 هجری)
3. الطبقات الکبری ج 2 ص 247: (ط. مصر): ابن سعد واقدی (متوفای 230 هجری)
4. صحیح بخاری ج 5 ص 21 ج 6 ص 10 (ط. الامیریه مصر): احمد بن حنبل (متوفای 241 هجری)

5. الادب المفرد 244: الحافظ البخاری (متوفای 256 هجری)
6. مسند احمد ج 6 ص 77 و 240 و 282 (ط. المیمنیه مصر): محمد بن اسماعیل بخاری (متوفای 256 هجری)

7. صحیح مسلم ج 7 ص 142 (ط. حبیبی مصر): مسلم بن حجاج (متوفای 261 هجری)
8. عقد الفراید ج 2 ص 3 (ط. الشریفه مصر): ابن عبدریه مالکی (متوفای 328 هجری)
9. ذخائر العقبی ص 4 (ط. مکتبه القدسی مصر): طبری شافعی (متوفای 694 هجری)
10. الجمع بین رجال الصحیحین ج 1 ص 611 (مخلوط): حمیری اندلسی (متوفای 488 هجری)

11. تاریخ الاسلام ج 2 ص 95 (ط. دارالمعارف مصر): خطیب العمری (متوفای 748 هجری)

12. مشکاه المصابیح ج 3 ص 254 (ط. الشریفه مصر): خطیب العمری (متوفی 741 هجری)
13. عمدہ القاری ج 18 ص 63 و ج 16 ص 223 (ط. المنبریہ مصر)
14. ارشاد الساری ج 6 ص 555 (ط. مصر): علامه فتسلانی شافعی (متوفای 923 هجری)
15. کنز العمال ج 16 ص 281 (ط. حیدرآباد): متقی هندی حنفی (متوفای 975 هجری)
16. الثغور الباسمه فی مناقب سیدتنا فاطمه ع ص 13 (ط. بمبئی): سیوطی شافعی (متوفای 911 هجری)

17. الانش الجلیل ص 192 (ط. قاهره): مجدالدین حنبلی (متوفای 928 هجری)
18. ذخائر المواریت ج 4 ص 226 (ط. قاهره): عبدالغنی نابلسی حنفی (متوفای 1143 هجری)

19. مجمع بحار الانوار ج 2 ص 281 (ط. لکهنو): محمد طاهر الصدیقی (متوفای 986 هجری)
20. الاتحاف ج 10 ص 396 (ط. مصر): محمد بن حسن قرطبی حنفی (متوفای 379 هجری)

21. انوارالمحمدیه ص 581 (ط. بیروت): علامه نبهانی بیروتی شافعی
  22. السیره النبویه ج 3 ص 339 (ط. مصر): زینی دخلان شافعی (متوفای 1304 هجری)
  23. مشارق الانوار ص 75 (ط. مصر) حسن الحمزاوی مالکی
  24. ارجح المطالب ص 255 (ط. لاهور): عبدالله حنفی
  25. شفاء الغرام ج 2 ص 384 (ط. مصر): ابی الطیب الفارسی مالکی (متوفای 832 هجری)
  26. فتح الملک المعبود ج 3 ص 23 (ط. قاهره): امین بن خطاب مصری
  27. فضل الله الصمد ج 2 ص 401 (قاهره): علامه جیلانی حنفی
  28. وسیله المال ص 88 (ط. دمشق): علامه حضرمی شافعی (متوفای 1047 هجری)
  29. منتخب کنز العمال ج 5 ص 96 (ط. مصر)
  30. الجامع الصغیر حدیث 21032: سیوطی شافعی (متوفای 911 هجری)
  31. محاضره الاوائل ص 8 (ط. قاهره): علامه بستوی حنفی متوفای 1007 هجری)
  32. کنوز الحائق ص 203 (ط. مصر): علامه مناوی شافعی (متوفای 1031 هجری)
  33. الکوکب الدریه ج 1 ص 471 (ط. مصر): علامه مناوی شافعی (متوفای 1031 هجری)
  34. فتح الکبیر ج 1 ص 471 (ط. مصر): علامه نبهانی شافعی
  35. الروض الفائق ص 327 (ط. قاهره): شیخ خریفیش کازرونی (متوفای 810 هجری)
  36. مکاشفه القلوب ص 166 (ط. قاهره): محمد بن محمد خزائی (متوفای 505 هجری)
  37. شرح ابن ابی الحدید ج 2 ص 61/16: ابن ابی الحدید معتزلی (متوفای 656 هجری)
  38. امتاع الاسماع ص 547 (ط. قاهره): مقریزی (متوفای 845 هجری)
  39. البدء و التاریخ ج 5 ص 61: ابن مطهر مقدسی (متوفای 355 هجری)
  40. الاعتقاد علی مذهب السلف ص 152: مقریزی (متوفای 845 هجری)
  41. الصواعق المحرقه ص 188 (ط. مصر): ابن حجر هیثمی شافعی (متوفای 974 هجری)
  42. القول الفصل ج 2 ص 39 (ط. جاوا): علامه حضرمی
  43. فضائل سید النساء ص 3 (مخلوط): ابن شاهین (متوفای 385 هجری)
- دوم - از طریق ابن عباس: اخبرنا سعید بن سلیمان عن عباد بن العوام عن هلال بن جناب عن عکمه عن ابن عباس:

1. سنن دارمی ج 1 ص 37 (ط. دمشق): علامه دارمی (متوفای 255 هجری)
2. حلیه الاولیاء ج 2 ص 40 (ط. مصر): ابوالفرج اصفهانی زیدی (متوفای 430 هجری)
3. تفسیر الکشاف: زمخشری (متوفای 538 هجری)

4. مجمع الزوائد ج 9 ص 23 (ط. قاهره): حافظ هيثمى (متوفى 807 هجره)
5. تاريخ الاسلام ج 2 ص 40 (ط. مصر): ابوالفراج اصفهاني زیدی (متوفى 774 هجرى)
6. تفسير القرآن ج 10 ص 211: ابن كثير شافعى (متوفى 774 هجرى) 9
7. نهایه الارب ج 18 ص 360 (ط. قاهره): نویری شافعى (متوفى 732 هجرى)
8. الكاف الشاف ص 189 (ط. مصر): ابن حجرى عسقلانى شافعى (متوفى 258 هجرى)
9. مشكاه المصابيح ج 3 ص 207 (ط. دمشق): خطيب العمرى (متوفى 741 هجرى)
10. فتح البيان ج 10 ص 354 (ط. مصر): صديق حسن خان
11. ارجح المطالب ص 255 (ط. لاهور): علامه عبدالله حنفى
12. انوار المحمديه ص 576 (ط. بيروت): علامه بنهاني شافعى
- سوم - از طريق ام حبيبه - فتح البيان ج 10 ص 354: صديق حسين خان  
چهارم - از طريق وائله بن الاسقع
1. كنز العمال ج 16 ص 304: متقى هندی حنفى (متوفى 975 هجرى)
2. فيض القدير ج 2 ص 366: ابن تاج العارفين شافعى (متوفى 1013 هجرى)
- پنجم - از طريق يحيى بن جعه كنز العمال ج 16 ص 282
- ششم - از طريق حسين بن علوان عن سعد بن طريف عن ابى جعفر عليه السلام قال...
111. مدارك و روايات ترجمه با متن حديث يكي است.
- 256- روى العلامة فى كشكوله المنسوب اليه عن المفضل بن عمر قال قال مولاي جعفر  
الصادق عليه السلام
- 257- آيه 177 بقره
- 258- بحار الانوار ج 8 ص 105 و مستدرک الوسائل ج 7 ص 219 و كشكول ص 203
2. مستدرک الوسائل ج 7 ص 291: محدث نوری (متوفى 1320 هجرى)
3. كشكول ص 203: سيد حيدر آملی
- 259- 1. الغدير ج 7 ص 191: علامه امينى (متوفى 1390 هجرى)
2. فتوح البلدان ص 38: بلاذرى (متوفى 279 هجرى)
3. اعلام النساء ج 4 ص 119: عمر رضا كحاله
4. كشف الغمه ج 2 ص 37: مرحوم اربلى (متوفى 692 هجرى)
5. بحار الانوار ج 43 ص 198 و ج 28 ص 302: علامه مجلسى (متوفى 1110 هجرى)

6. صحیح البخاری کتاب الخمس 1 (فضائل اصحاب النبی ﷺ): بخاری (متوفای 356 هجری)
7. کتاب المغازی ص 38 و 14: ابن یسار مدنی (متوفای 151 هجری)
8. صحیح مسلم کتاب الجهاد 49 و 53 و الاماره 19: مسلم بن حجاج متوفای 261 هجری
9. سنن نسائی کتاب الجهاد 52 و 53 و کتاب الفی ء 9: احمد بن شعیب نسائی شافعی 0 متوفای 303 هجری))
10. مسند الامام ابن حنبل ج 1 ص 4 و 6 و 9 و 10 و 13 - و - ج 2 ص 353: احمد بن حنبل (متوفای 241 هجری)
11. سنن ترمذی کتاب السیر ص 44: محمد بن عیسی ترمذی (متوفای 279 هجری)
12. تاریخ طبری ج 3 ص 208: محمد بن جریر طبری شافعی (متوفای 310 هجری)
13. مشکل الآثار ج 1 ص 48: الطحاوی حنفی (متوفای 310 هجری)
14. سنن بیهقی ج 6 ص 300: علامه بیهقی شافعی (458 هجری)
15. کفایه الطالب ص 226: گنجی شافعی (متوفای 658 هجری)
16. تاریخ ابن کثیر ج 5 ص 285 - و - ج 2 ص 93: ابن کثیر شافعی (متوفای 774 هجری)
- 260- صاحب الاحتجاج و علی بن ابراهیم القمی عن حماد بن عثمان عن ابی عبدالله علیه السلام قال:
- 261- تفسیر نور الثلین ج 4 ص 186: علامه حویزی (متوفای 1112 هجری)
2. تفسیر البرهان ج 3 ص 263: علامه بحرانی اسفہانی (متوفای 1107 هجری)
3. احتجاج ص 90: طبرسی (متوفای 588 هجری)
4. کتاب عوالم ج 11 ص 427: علامه بحرانی اسفہانی
5. بحار الانور ج 8 ص 94 طبع قدیم و ج 28 ص 302 و 303: علامه مجلسی (متوفای 1110 هجری).
- 262- مناقب ابن شهر آشوب ج 1 ص 142: ابن شهر آشوب مازندرانی (متوفای 588 هجری)
- 263- بحار الانوار ج 21 ص 23 و اعلام الوری ص 63 و 109
2. بحار الانوار ج 21 ص 23: علامه مجلسی 0 متوفای 1110 هجری)
3. اعلام الوری ص 63 و 109: فضل بن حسن طبرسی (متوفای 548 هجری)
- 264- انفال 41



265- قال ابوبکر احمد بن عبدالعزيز الجوهری اخبرنی ابوزید عمر بن شیبہ عن هارون بن عمیر عن ولید بن مسلم عن صدقه ابومعاویہ عن محمد بن عبدالله عن محمود بن عبدالرحمن بن ابی بکر عن یزید الرقاشب عن انس بن مالک قال:

266- 1. کتاب عوالم ج 11 ص 422: علامه بحرانی اصفهانی

2. شرح ابن الحدید ج 16 ص 230: ابن بی الحدید معتزلی (متوفای 656 هجری)

3. بحار الانوار ج 8 ص 139 (قدیم) و ج 28 ص 302: علامه مجلسی (متوفای 1110

هجری)

4. السقیفه و فدک ص 198 (و باسناده...). جوهری (متوفای 393 هجری)

5. و مدارک حدیث 143.

267- النمل 16

268- مریم 6

269- نساء 11

270- کشف الغمه ج 2 ص 37 و الغدیر ج 7 ص 191

271- العیاشی فی تفسیره عن مفضل بن صالح عن بعض اصحابه عن احدهما قال... ج 1 ص

235: عیاشی (متوفای 320 هجری)

272- 1. وسائل الشعه ج 17 ص 439: شیخ حر عاملی (متوفای 1104 هجری)

2. کتاب عوالم ج 11 ص 601: علامه بحرانی اصفهانی

3. تفسیر نورالتقلین ج 1 ص 405: علامه حویزی (متوفای 1112 هجری 9

4. المعه البیضاء ص 383: محمد بن علی انصاری

273- الف - اخیرنا عفان بن مسلم عن حماد بن سلمه عن الكلبي عن ابی هانی...

ب - روی ابن ابی الحدید عن احمد بن عبدالعزيز الجوهری عن عشاء ابن محمد عن ابیه قال....

ج - و روای حدیث 57 سخرنانی فاطمه عَلَيْهَا السَّلَامُ در مسجد رسول صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

274- کشف الغمه ج 2 ص 37: مرحوم اربلی (متوفای 692 هجری)

2. الغدیر ج 7 ص 230 و 229: علامه امینی (متوفای 1390 هجری)

3. اعلام النساء ج 4 ص 119: عمر رضا کحاله

4. کنز العمال ج 5 ص 637: متقی هندی حنفی (متوفای 975 هجری)

5. بحار الانوار ج 8 ص 107 (طبع قدیم) و ج 28 ص 353: علامه مجلسی (متوفای 1110

هجری)

6. شرح ابن ابی الحدید ج 16 ص 214: ابن ابی الحدید معتزلی (متوفای 656 هجری)
7. رسائل جاحظ: ص 300: عمرو بن بحر جاحظ متوفای 230 هجری 9
8. کتاب عوالم ج 11 ص 603: علامه بحرانی اصفهانی
9. الطبقات الكبرى ج 2 ص 314: محمد بن سعد زهری (متوفای 230 هجری)
10. مسند احمد ج 1 ص 10: احمد بن حنبل (متوفای 241 هجری)
11. فتوح البلدان ص 38: علامه بلاذری (متوفای 279 هجری)
12. تاریخ ابن کثیر ج 5 ص 298: ابن کثیر شافعی (متوفای 774 هجری)
- 275- نمل 16
- 276- اختصاص ص 178: شیخ مفید (متوفای 413 هجری)
2. کتاب عوالم ج 11 ص 424 و 423 و 602: علامه بحرانی اصفهانی
3. بحار الانوار ج 8 ص 103 (قدیم) و ج 28 ص 353 و 303: علامه مجلسی (متوفای 1110 هجری)
4. ریاحین الشریعه ج 2 ص 18: علامه محلاتی
5. بیت الاحزان ص 153: شیخ عباس قمی (متوفای 1359 هجری)
6. تفسیر عیاشی ج 2 ص 287 حدیث 49: عیاشی (متوفای 320 هجری 9
7. کشف الغمه ج 2 ص 478: مرحوم اربلی (متوفای 692 هجری)
8. بلاغات النساء ص 12: ابی طیفور (متوفای 280 هجری)
9. شرح ابن ابی الحدید ج 4 ص 93: ابن ابی الحدید معتزلی (متوفای 656 هجری)
10. اعلام النساء ج 3 ص 1208: عمر رضا کحاله
- 277- الف - ابو محمد عن عبدالله بن سنان عن ابی عبدالله عَلَيْهِ السَّلَامُ قال:
- ب - اختصاص مفید عن عبدالله عن احمد بن علی بن الحسین بن شاذان عن محمد بن علی بن الفضل بن عامر عن الحسین بن الفرزدق الفرازی عن محمد بن عمرو بن الطحا عن ابی محمد الحسن بن موسی عن عبدالله بن سنان عن ابی عبدالله عَلَيْهِ السَّلَامُ قال:
- 278- الف - الطرائف نقلا عن صاحب التاريخ العباسی و عن الرومی الفقیه فی تاریخه فی حوادث سنه ثمانی عشره و مائتین
- ب - ان جماعه من ولد الحسن و الحسین عَلَيْهِمَا السَّلَامُ رفعوا القصه الی المامون فروی غیر واحد منهم عن بشیر بن الولید و الواقدی و بشر بن عتاب فی احادیث یرفعونها الی محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
- 279- کتاب عوالم ج 11 ص 436: علامه بحرانی اصفهانی

2. تفسیر نورالثقلین ج 4 ص 186: علامه حویزی (متوفای 1112 هجری)
3. الطرائف: شید بن طاووس (متوفاس 664 هجری)
4. تاریخ معروف عباسی: شیخ بهایی (متوفای 1030 هجری)
5. و مدارک حدیث 155 شیخ بهایی
- 280- الف - سلیم بن قیس عن ابن ابی عیاش عن ابن عباس  
 ب - ابراهیم بن السعید الثقفی عن ابراهیم بن میمون عن عیسی بن عبدالله ابن محمد بن ابیطالب  
 عن ابیه عن جدّه عن علی ع قال:
- 281- 1. کتاب سلیم بن قیس: (متوفای 70 هجری)
2. بحار الانوار ج 28 ص 297 و 302: علامه مجلسی (متوفای 1110 هجری)
3. کتاب عوالم ج 11 ص 402: علامه بحرانی اصفهانی
4. شرح ابن ابی الحدید جلد 16 ص 214: ابن ابی الحدید معتزلی (متوفای 656 هجری)
5. الشافی ص 408: سید مرتضی (متوفاس 436 هجری)
6. تلخیص الشافی ج 3 ص 125: شیخ طوسی (متوفای 460 هجری)
7. الاحتجاج ص 58: شیخ طبرسی (متوفای 588 هجری)
- 282- 1. عن محمد بن اصحاق صاحب المغازی
2. اعیان الشیعہ ص 314: سید محسن امین عاملی (متوفای 1371 هجری)
3. الغدیر ج 7 ص 191: علامه امینی (متوفای 1390 هجری)
4. فتوح البلدان ص 38: بلاذری (متوفای 279 هجری)
- 283- الطبقات الکبری ج 2 ص 315 و کنز العمال ج 5 ص 622
2. کنز العمال ج 5 ص 622: متقی هندی حنفی (متوفای 975 هجری)
- 284- الف - السیاری عن علی بن اسباط قال لما ورد ابوالحسن موسی ع علی المهدي  
 وجدّه یرد المظالم فقال ما بال مظلمتنا لا ترد؟ ...
- ب - ابن ابی الحدید عن ابراهیم بن سعید الثقفی عن ابراهیم بن میمون عن عیسی بن عبدالله بن  
 محمد بن علی ابن ابیطالب ع عن ابیه عن جدّه عن علی ع قال:
- ج - 1. اصول کافی ج 4 (باب الفی و تفسیر الخمس): مرحوم کلینی (متوفای 328 هجری)
2. عیون الاخبار ص 233 (طبع قم): ابن قتیبہ دینوری حنفی (متوفای 276 هجری)
3. تفسیر عیاشی ج 2 ص 287: عیاشی (متوفای 320 هجری)
4. کشف الغمه ج 2 ص 38: مرحوم اربلی (متوفای 692 هجری)

5. کوکب الدرّی ج 1 ص 204: علامه حائری مازندرانی
6. شرح ابی الحدید ج 16 ص 274: ابن ابی الحدید معتزلی (متوفای 656 هجری)
7. کتاب عوالم ج 11 ص 425: علامه بحرانی اصفهانی
8. التهذیب ج 4 ص 149: شیخ طوسی (متوفای 460 هجری)
9. بحار الانوار ج 8 ص 103 (طبع قدیم) و ج 28 ص 302: علامه مجلسی (متوفای 1110 هجری)
10. اختصاص ص 178: شیخ مفید (متوفای 413 هجری)
11. تلخیص الشافی ج 3 ص 125: شیخ طوسی (متوفای 460 هجری)
12. الشافی ص 408: سید مرتضی (متوفای 436 هجری)
13. الاحجاج ص 58: شیخ طبرسی (متوفای 548 هجری)
14. الغدیر ج 7 ص 194 ثم اخذ عمر الكتاب فشقّه (نامه رسول خدا ﷺ و سند فرک را عمر گرفت و پاره کرد) نقل از سره حلبیه ج 3 ص 391: علامه حلبی شافعی و تذکر الخواص
- 285- حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَامُ فرمود: بقرت کتابی بقرالله بطنک (نامه ام را پاره کردی، خدا شکمت را پاره کند).
- اختصاص شیخ مفید - و - الشافی ص 236: سید مرتضی - و - تلخیص الشافی ص 48: شیخ طوسی و نسبت به سوزاندن نامه، مراجعه کنید به حدیث 178.
- 286- به مدارک حدیث 162 مراجعه شود (انک سیده النساء اهل الجنة)
- 287- 1. کتاب سلیم بن قیس الهمالی ص 135: (متوفای 70 هجری)
2. کتاب عوالم ج 11 ص 601: علامه بحرانی اصفهانی
3. بحار الانوار ج 8 ص 234 (طبع قدیم): علامه مجلسی (متوفای 1110 هجری)
4. مستدرک الوسائل ج 17 ص 399: محدث نوری (متوفای 1320 هجری)
5. مدارک حدیث پ 57.
- 288- کتاب سلیم بن قیس ص 134 و بحار الانوار ج 8 ص 103 و اختصاص ص 178
- 289- سیره حلبی ج 3 ص 308 و 309: حلبی شافعی (متوفای 1044 هجری)
2. نزّه المجالس ج 2 ص 209 (از تفسیر قرطبی نقل کرد): علامه صفوری شافعی (متوفای 894 هجری)
- 290- الف - 1- و بالاسناد عن مسلم عن ابی کامل فضیل بن حسین عن ابیعوانه عن فراس عن عامر عن مسروق عن عائشه قالت:

ب - و بالاسناد عن منصور بن ابی مزاحم عن ابراهیم بن سعد عن ابیه عن عروه عن عائشه و عن زهیر بن حرب عن یعقوب بن ابراهیم عن ابیه عن جدہ عن عروه عن عائشه:  
ج - فضل بن دکین ابونعیم عن زکریا ابن اب زائده عن فراس بن یحیی عن عامر الشعبي عن مسروق عن عائشه:

د- الصدوق عن احمد بن زیاد بن جعفر الهمدانی عن علی بن ابراهیم بن هاشم! عن ابیه عن محمد بن سنان عن المفضل بن عمر قال:

291- بحار الانوار ج 37 ص 67. و. ج 43 ص 51 و 181: علامه مجلسی (متوفای 1110 هجری)

2. العمده ص 202: ابن بطریق (متوفای 600 هجری)

3. صحیح مسلم ج 7 ص 143: مسلم بن حجاج قشیری (متوفای 261 هجری)

4. صحیح بخاری ج 8 ص 78: محمد بن اسماعیل بخاری (متوفای 256 هجری)

5. حلیه الاولیاء ج 2 ص 29: ابوالفرج اصفهانی (متوفای 430 هجری)

6. مناقب ابن شهر آشوب ج 3 ص 362: ابن شهر آشوب مازندرانی (متوفای 588 هجری)

7. الطبقات الکبری ج 2 ص 247. و. ج 8 ص 26: محمد بن سعد زهری (متوفای 230 هجری)

(هجری)

8. مشکل الاثار ج 1 ص 48: الطحاوی حنفی (متوفای 321 هجری)

9. احقاق الحق ج 10 ص 28 الی 41: قاضی نورالله شوشتری (متوفای 1019 هجری)

10. سنن دارمی ج 1 ص 37: علامه دارمی (متوفای 255 هجری)

11. مصابیح السنه ج 2 ص 204: علامه بغوی شافعی (متوفای 510 هجری)

12. البدایه و النهایه ج 2 ص 61: اسماعیل ابن کثیر شافعی (متوفای 774 هجری)

13. اسد الغابه ج 5 ص 523: علی بن محمد بن اثیر (متوفای 630 هجری)

14. مسند احمد بن حنبل ج 6 ص 282: احمد بن حنبل (متوفای 241 هجری)

15. جواهر البحار ج 1 ص 360: علامه نبهانی بیرونی شافعی

16. استیعاب ج 2 ص 367: ابن عبدالبر اندلسی مالکی (متوفای 463 هجری)

17. تاریخ الاسلام ج 2 ص 94: علامه ذهبی شافعی (متوفای 748 هجری)

18. الاصابه ج 4 ص 367: ابن حجر عسقلانی شافعی (متوفای 852 هجری)

19. الخصائص ج 2 ص 265: علامه سیوطی شافعی (متوفای 911 هجری)

20. کنز العمال ج 13 ص 95: متقی هندی حنفی (متوفای 975 هجری)

21. صلح اخوان صلح ص 116: علامه شیخ داوود خالدی شافعی
22. منتخب کنز العمال ج 5 ص 97
23. الروض الازهر ص 103: علامه فلندر ہندی حنفی
24. اتحاف السادہ المتقین ج 7 ص 184: علامہ زبیدی شافعی (متوفای 894 ہجری)
25. ینابیع المودہ ص 260: علامہ قندوزی حنفی (متوفای 1394 ہجری)
26. المختار فی مناقب الاخیار ص 56: علامہ ابن اثیر جزری (متوفای 630 ہجری)
27. ذخائر العقبی ج 2 ص 42: محب الدین طبری شافعی (متوفای 694 ہجری)
28. المعتصر من المختصر ج 2 ص 247: علامہ یوسف بن موسی حنفی
29. نظم درر السمطین ص 179: علامہ زرنندی حنفی (متوفای 1047 ہجری)
30. طرخ التثیث ج 1 ص 149: زین الدین ابوالفضل
31. وسیلہ المال ص 80: علامہ باکشیر الحضرمی شافعی (متوفای 1047 ہجری)
32. سیرہ النبویہ ج 2 ص 6: احمد زینی دحلان شافعی (متوفای 385 ہجری)
33. مشارق الانوار ص 105: علامہ حمزاوی مالکی
34. فضائل سیدہ النساء ص 5: علامہ شاہین (متوفای 385 ہجری)
35. التحفہ العلیہ ص 11: علامہ شافعی حضرمی (متوفای 1047 ہجری)
36. جالیہ الکدر ص 202: علامہ عبدالہادی الایباری
37. انوار امحمدیہ ص 150: علامہ نبھانی بیروتی شافعی
38. مفتاح النجاص 98: میرزا محمد خان بدخشی
39. جامع الصغیر ص 177: سیوطی شافعی (متوفای 911 ہجری)
40. جمہ الوسائل ج 1 ص 270: علامہ ہروی حنفی (متوفای 1014 ہجری)
41. خصائص ص 34: علامہ نسائی شافعی (متوفای 303 ہجری)
42. مستدرک ج 3 ص 156: حاکم نیشابوری شافعی (متوفای 258 ہجری)
43. انساب الاشراف ص 552: بلاذری (متوفای 279 ہجری)
44. تاریخ ابن عساکر ج 1 ص 298: ابن عساکر شافعی (متوفای 571 ہجری)
45. الثغور الباسمہ ص 13، سیوطی شافعی (متوفای 911 ہجری)
46. الشرف الموبد ص 54: علامہ نبھانی شافعی
47. رشفہ الصاوی ص 226: علامہ ابوبکر العلوی شافعی
48. اعلام النساء ج 3 ص 1215: عمر رضا کحالیہ

49. تاريخ الخلفاء ص 114: سيوطي شفاعي (متوفى 911 هجرى)
50. المناقب 209: علامه شافعي ابن مغازي (متوفى 483 هجرى)
51. شرح ابن ابى الحديد ج 16 ص 457: ابن ابى الحديد معتزلى (متوفى 656 هجرى)
52. موده القربى ص 103: علامه همدانى علوى
53. صحيح ترمذى ج 5 ص 660: ترمذى (متوفى 279 هجرى)
54. كفايه الطالب ص 275: كنجى شافعي (متوفى 658 هجرى)
55. تيسير الوصول ج 2 ص 154: علامه شيبانى شافعي (متوفى 944 هجرى)
56. فصول المهمه ص 127: ابن صباغ مالكي (متوفى 855 هجرى)
57. الحاوى للفتاوى ج 2 ص 267: سيوطى شافعي (متوفى 911 هجرى)
58. صواعق المحرقه ص 185: علامه هيثمي شافعي (متوفى 974 هجرى)
59. روضه الاحباب ص 665: علامه جلال الدين دشتكى
60. الحباثك فى اخبار الملائك ص 105
61. عرائس الواضحه ص 195: احمد بن محمد ثعلبى (متوفى 427 هجرى)
62. ارجح المطالب ص 24: علامه عبدالله حنفى
63. جامع الاصول ج 3 ص 317: جاحظ (متوفى 255 هجرى)
64. فتح الكبير ج 1 ص 28 و 249: علامه نيهانى شافعي
65. روض الازهر ص 300: زبيدى دمشقى شافعي (متوفى 894 هجرى)
66. معنای الاخبار ص 107 و 124: شيخ صدوق (و فاطمه سيده نساء العالمين من الاولين و الاخرين) (متوفى 381 هجرى)
67. علل الشرايع ج 1 ص 174 (و فاطمه سيده نساء العالمين من الاولين و الاخرين):  
شيخ صدوق (متوفى 381 هجرى)
68. اختصاص شيخ مفيد ص 37 و 91: (متوفى 413 هجرى)
69. دلائل الامامه 56: محمد بن جرير امامى (متوفى 310 هجرى) (صدوق عن احمد بن الحسن القطان: حسن بن على السكرى عن محمد بن زكريا الجوهري عن شعيب بن واقد عن اسحاق بن جعفر بن محمد بن عيسى بن على عن ابا عبدالله عليه السلام قال:
- 292- دلائل النبوه روى باسناد عن محمد بن عبدالله بن عمرو بن عثمان ان امه فاطمه بنت الحسين حدثته ان عائشه حدثتها انها كانت تقول:
- 293- 1. كتاب عوالم ج 11 ص 92: علامه بحراني اصفهاني

2. مشکل الاثار ج 1 ص 48: الطهاوی حنفی (متوفای 321 هجری)
  3. الاحقاق ج 10 ص 83: قاضی نورالله شوشتری (متوفای 1019 هجری)
  4. کنز العمال ج 16 ص 281 حدیث 29. و. ج 7 ص 111: متقی هندی (متوفای 975 هجر)
  5. فتح الباری ج 7 ص 82: ابن حجر عسقلانی شافعی (متوفای 258 هجری)
  6. ذخائر العقبی ص 39 و 136: طبری شافعی (متوفای 694 هجری)
  7. فضائل الخمسه ج 3 ص 141: علامه فیروز آبادی (متوفای 1410 هجری)
  8. وسیله المال ص 88 (مخلوط) علامه حضرمی شافعی (متوفای 1047 هجری)
  9. تجهیز الجیش ص 97: امان الله دهلوی
  10. بحار الانوار ج 22 ص 536. و. ج 36 ص 307. و. ج 51 ص 78. و. ج 28 ص 52: علامه مجلسی (متوفای 1110 هجری)
  11. کتاب کشف الغمه ص 44: مرحوم اربلی (متوفای 692 هجری)
  12. کمال الدین ص 262: شیخ صدوق (متوفای 381 هجری)
  13. کفایه الاثر ص 9: علی بن محمد خزاز قمی زرنندی (متوفای 400 هجری)
  14. اسدالغابه ج 4 ص 42: ابن اثیر جزری (متوفای 630 هجری)
  15. ملحقات احقاق الحق ج 23 ص 259
  16. آل محمد ص 670
- در منابع زیر حدیث (انک سیده النساء اهل الجنه) آمده است که اکثر دانشمندان اهل سنت از طریق گوناگون آن را به نقل کرده اند.
1. صحیح ترمذی ج 13 ص 197: ترمزی (متوفای 279 هجری)
  2. مسند احمد ج 5 ص 391 و ج 3 ص 64: احمد بن حنبل (متوفای 241 هجری)
  3. مستدرک حاکم ج 3 ص 151 و 154: حاکم نیشابوری (متوفای 258 هجری)
  4. حلیه الاولیاء ج 4 ص 190: ابوالفرج اصفهانی زیدی (متوفای 430 هجری)
  5. الاعتقاد ص 165: حافظ بیهقی (متوفای 458 هجری)
  6. تاریخ ابن عساکر و منتخب تاریخ ابن عساکر ج 4 ص 95: ابن عساکر شافعی (متوفای 571 هجری)
  7. مقتل الحسین ص 55: خوارزمی (متوفای 568 هجری)
  8. المختار فی مناقب الاخیار ص 56: ابن الاثیر جزری (متوفای 606 هجری)
  9. جامع الاصول ج 10 ص 82: ابن الاثیر جزری (متوفای 606 هجری)
  10. اسدالغابه ج 5 ص 574. عزالدین الجزری: ابن الاثیر جزری (متوفای 606 هجری)



11. فرائد السمطين (مخطوط): علامه حموينى شافعى (متوفى 722 هجرى)
12. كفايه الطالب ص 275: علامه گنجى شافعى (متوفى 658 هجرى)
13. وسيله المال ص 161: علامه باكتيرالحضرمى شافعى (متوفى 1047 هجرى)
14. مصابيح السنه ص 108: علامه بغوى شافعى (متوفى 510 هجرى)
15. ذخائر العقبى ص 229: محب الدين طبرى شافعى (متوفى 694 هجرى)
16. كنز العمال ج 13 ص 95: علامه متقى هندى حنفى (متوفى 975 هجرى)
17. منتخب صحيح البخارى ص 219: محمد بن عثمان بغدادى
18. تاريخ الاسلام ج 2 ص 90: علامه ذهبى شافعى (متوفى 748 هجرى)
19. سير اعلام النبلاء ج 3 ص 168: علامه ذهبى شافعى (متوفى 748 هجرى)
20. تلخيص المستدرک ج 3 ص 151: علامه ذهبى شافعى (متوفى 748 هجرى)
21. تيسير الوصول ج 2 ص 154: ابن الدبيع شيبانى شافعى (متوفى 748 هجرى)
22. البدايه و النهايه ج 3 ص 206: ابن كثير شافعى (متوفى 774 هجرى)
23. الفصول المهمه ص 127: ابن صباغ المالکى (متوفى 855 هجرى)
24. الحاوى للفتاوى ج 2 ص 267: علامه عبدالرحمن سيوطى شافعى (متوفى 911 هجرى)
25. خصائص الكبرى ج 2 ص 226: علامه عبدالرحمن سيوطى شافعى (متوفى 911 هجرى)
26. جامع الصغير ج 1 ص 7: علامه عبدالرحمن سيوطى شافعى (متوفى 911 هجرى)
27. الصواعق المحرمة ص 185: ابن حجر الهيتمى شافعى (متوفى 974 هجرى)
28. روضه الاحجاب ص 665: علامه دشتكى
29. الحباثک فى اخبار الملائک ص 105: عبدالرحمن سيوطى شافعى (متوفى 911 هجرى)
30. عرايس الواضحه ص 195: علامه الايبارى ثلعبى (متوفى 427 هجرى)
31. جاليه الكدر ص 195: علامه الايبارى
32. حسن الاسوه ص 290: علامه هندى البهوبالى
33. مفتاح النجا ص 17: علامه بدخشى
34. ينابيع الموده ص 165: علامه قندوزى حنفى (متوفى 1294 هجرى)
35. ارجح المطالب ص 241: الانرتسرى حنفى
36. تاج الجامع للاصول ج 3 ص 317: علامه بحر اللبثى الجاحظ (متوفى 255 هجرى)
37. جمع الوسائل ج 1 ص 269: علامه هروى حنفى (متوفى 1014 هجرى)
38. سعد الشموس و الاقمار ص 203: علامه شفشاونى

39. فتح الكبير ج 1 ص 28: علامه نيهانى
40. جواهر البخار ج 1 ص 360: علامه نيهانى
41. روض الازهر ص 200: علامه قلندر الهندي
42. موده القربى ص 122: علامه علوى همدانى
43. مجمع الزوائد ج 9 ص 201: حافظ الهيثمى (متوفى 807 هجرى)
44. ثغور الباسمه ص 13: سيوطى شافعى (متوفى 911 هجرى)
45. صحيح بخارى ج 4 ص 203. ج 5 ص 20: محمد بن اسماعيل بخارى (متوفى 256 هجرى)
46. خصائص ص 33: علامه نسائى شافعى (متوفى 303 هجرى)
47. مشكل الآثار ج 1 ص 48: علامه طحاوى حنفى (متوفى 321 هجرى)
48. انساب الشراف ص 405: بلاذرى (متوفى 741 هجرى)
49. مشكاه المصابيح ص 568: علامه عمرى تبريزى (متوفى 741 هجرى)
50. نظم درر السمطين ص 178: علامه زرندى حنفى (متوفى 747 هجرى)
51. ارشاد السارى ج 6 ص 80: علامه قسطلانى شافعى (متوفى 923 هجرى)
52. عمده القارى فى شرح صحيح البخارى ج 16 ص 154: علامه محمود بن العينى
53. انوار المحمديه ص 146: علامه نيهانى
54. السيف اليمانى المسول ص 9: علامه كافى تونسى
55. روض الانف ج 1 ص 160: علامه سهيلى مراکشى
56. فضائل سيده النساء ص 3: علامه ابن شاهين (متوفى 385 هجرى)
57. مرآه الجنان ص 61: علامه يافعى شافعى (متوفى 768 هجرى)
58. تجهيز الجيش ص 96: دهلوى
59. طبقات الكبرى ج 2 ص 248: ابن سعد واقدى (متوفى 230 هجرى)
60. الاصابه ج 4 ص 367: علامه عسقلانى شافعى (متوفى 852 هجرى)
61. المغازى و السير ص 286: علامه حصرمى
62. الاستيعاب ج 2 ص 750: علامه ابن عبدالبر مالكى (متوفى 463 هجرى)
63. الخصائص ج 2 ص 265: علامه سيوطى شافعى (متوفى 911 هجرى)
64. كنوز الحائق ص 103: علامه مناوى شافعى (متوفى 1031 هجرى)
65. تهذيب التهذيب ج 12 ص 441: ابن حجر عسقلانى شافعى (متوفى 852 هجرى)

66. مشارق الانوار ص 109: علامه حمزاوی مالکی
67. اسعاف الراغبین ص 128: علامه ابن الصبان شافعی (متوفای 1206 هجری)
68. مناقب و منتخب مناقب ص 5: ابن المغازی شافعی (متوفای 438 هجری)
69. القول الجلی ص 302: علامه صفی الدین حنفی بخاری
70. نہایہ الارب ج 18 ص 172: علامه نویری شافعی (متوفای 732 هجری)
71. شرح المقاصد ج 2 ص 221: علانہ تفتازانی شافعی
72. مکاشفہ القلوب ص 225: علامه محمد بن عزالی (متوفای 505 هجری)
73. معانی الاخبار ص 107: شیخ صدوق (متوفای 381 هجری)
74. امالی ص 22: شیخ مفید (متوفای 413 هجری)
75. امالی ج 1 ص 83: شیخ طوسی (متوفای 460 هجری)
- 294- . مسند الفردوس دیلمی: (متوفای 509 هجری)
2. شعب الایمان: بیہقی (متوفای 458 هجری)
3. کنز العمال ج 1 ص 528: متفی ہندی حنفی (متوفای 975 هجری)
- 295- وقایع الایام خیابانی جلد صیام ص 295
- 296- الف. تفسیر فرات بن ابراہیم عن سلیمان بن محمد معنعنا عن ابن عباس عن علی امیرالمومنین علیہ السلام قال...
- 297- بحار الانوار ج 8 ص 53 حدیث 62 و کشف الغمہ ج 2 ص 57 و لئالی الخبار ج 5 ص

65

2. کوکب الدری ج 1 ص 178: علامه حائری مازندرانی
3. کتاب عوالم ج 11 ص 148: علامه بحرانی اصفہانی
4. کشف الغمہ ج 2 ص 57 / ج 1 ص 496: مرحوم اربلی (متوفای 692 هجری)
5. لئالی الاخبار ج 5 ص 65: سیوطی شافعی (متوفای 911 هجری)
6. ریاحین الشریعہ ج 1 ص 225: علامه محلاتی
7. تفسیر فرات بن ابراہیم (بہ نقل بحار)
- 298- ورقہ بن عبداللہ لازدی عن فضہ امہ فاطمہ علیہا السلام
- 299- بحار الانوار ج 43 ص 177 و 174: علامه مجلسی (متوفای 1110 هجری)
2. بیت الحزان ص 164: شیخ عباس قمی (متوفای 1359 هجری)
3. کوکب الدری ج 1 ص 242: علامه حائری مازندرانی

300- الف - ابوجعفر محمد بن عوف بن سفیان الطائی حدثنا موسى بن ايوب النصيبى حدثنا محمد بن شعيب عن صدقه (مولى عبدالرحمن بن الوليد) عن محمد بن علي بن الحسين قال:  
 ب - طب عن برده حم طب عن قيس سعد و حبيب بن مسلمه حم عن عمر طب عن عصمه بن مالك الخطمي و عروه بن مغيث الانصارى، طس عن علي، البزار عن ابي هريره  
 ج - مسند فاطمه عليها السلام ص 33 و 52 و مجمع الزوائد ج 8 ص 108. ابونعمى عن فاطمه الزهراء عليها السلام

301- الف - ابوجعفر محمد بن عوف بن سفیان الطائی حدثنا موسى بن ايوب النيبى حدثنا محمد بن شعيب عن صدقه (مولى عبدالرحمن بن الوليد) عن محمد بن علي بن الحسين قال:  
 ب - طب بن بريده حم طب عن قيس بن سعد و حبيب بن مسلمه. حم عن طب عن عصمه بن مالك الخطمي و عن عروه بن مغيث الانصارى، طس عن علي، البزار عن ابي هريره  
 ب - مسند فاطمه عليها السلام ص 33 و 52. و. مجمع الزوائد ج 8 ص 108 ابونعيم عن فاطمه الزهراء عليها السلام

302- كتاب عوالم ج 11 ص 628: علامه بحراني

2. مسند فاطمه عليها السلام ص 33 حدص 53.

3. مجمع الزوائد ج 8 ص 108:

4. كنز العمال ج 6 ص 65.

303- 1. كتاب عوالم ج 11 ص 628: علامه بحراني

2. مسند فاطمه عليها السلام ص 33 حدص 53.

3. مجمع الزوائد ج 8 ص 108:

4. كنز العمال ج 6 ص 65.

304- الف = روى احمد بن عبدالعزيز الجوهري

ب = عبدالرزاق عن ابن المبارك حدثنا محمد بن ابراهيم عن محمد بن احمد عن محمد بن ايوب عن احمد بن عمرو البزار عن احمد بن يحيى عن محمد بن بشر عن عبيدالله بن عمر عن زيد بن اسلم عن ابيه قال...

305- 1. بحار الانوار ج 18 ص 313: علامه مجلسي (متوفى 1110 هجرى)

2. شرح نهج البلاغه ج 1 ص 130 ج 2 ص 45: ابن ابي الحديد معتزلى (متوفى 656 هجرى)

3. كنز العمال ج 2 ص 651 حدث 14138: متقى هندی حنفى (متوفى 975 هجرى)

4. الاستيعاب ج 2 ص 246. 245: ابن عبدالبر مالكي (متوفى 462 هجرى)

5. منتخب كنز العمال ج 2 ص 174

6. مصنف ج 14 ص 567: ابن ابى شيبه (متوفى 235 هجرى)

306- الف = طبرى عن محمد بن هارون بن موسى التلعكبرى عن ابيه عن محمد بن همام عن احمد البرقى عن احمد بن محمد بن عيسى عن عبدالرحمن ابن ابى نجران عن ابن سنان عن ابن نسكران عن ابى بصير عن ابى عبدالله عليه السلام قال...

ب = سليم بن قيس الهلالي براويه ابان بن ابى عياش عنه عن سلمان و عبدالله بن العباس قالوا...  
ج = على بن احمد قال حدثنا ابوالعباس احمد بن محمد بن يحيى بن عمرو بن ابى المقدم و زياد بن عبدالله قالوا...

د = ابو محمد بن مسلم بن قتيبه: ابى عفير عن ابى عون عن عبدالله بن عبدالرحمن الانصارى قال:

ج = سليم بن قيس بروايه ابن عياش عن عبدالله بن عباس قال... (بحار ج 28 ص 297)  
د = ابوالفضل الشيبانى، عن عبدالرزاق بن سليمان بن غالب الزدى عن الحسين بن على عن عبدالوهاب بن همام الحميرى عن ابن ابى شيبه عن شريك عن الركين بن الربيع عن القاسم ابن حسان عن جابر بن عبدالله الانصارى قال:

307- 1. بحار الانوار ج 28 ص 303. و. ج 43 ص 199 و 203. و. ج 36 ص 308: علامه مجلسى (متوفى 11 10 هجرى)

2. دلائل الامامه ص 45 / ج 1 ص 14 و 20: طبرى امامى (متوفى 310 هجرى)  
3. الامامه و السياسه، ج 3 ص 1214. و. ج 1 ص 13: ابن قتيبه دينورى حنفى (متوفى 276 هجرى)

4. اعلام النساء: ج 3 ص 1214 / ج 4 ص 124:

5. رسائل ص 300: جاحظ معتزلى (متوفى 255 هجرى)

6. صحيح بخارى ج 5 ص 5 و ج 6 ص 196 باب 12 و 16 و 29 و كتاب النكاح 109: بخارى (متوفى 256 هجرى)

7. صحيح مسلم ج 2 ص 72 حديث 93 و 94: مسلم بن حجاج قشيري (متوفى 261 هجرى)

8. مسند احمد ج 1 ص 6 و ج 4 ص 5 و 328 و 326 و 323: احمد بن حنبل (متوفى 241 هجرى)

9. تاريخ طبرى ج 3 ص 202: محمد بن جرير طبرى (متوفى 310 هجرى)

10. سنن البيهقي ج 6 ص 300 و ج 307/7: بيهقي شافعي (متوفای 458 هجری)
11. كفايه الطالب ص 226: گنجی شافعی (متوفای 658 هجری)
12. علل الشرايع ج 1 ص 187 باب 148: شيخ صدوق (متوفای 381 هجری)
13. كتاب عوالم ج 11 ص 603: علامه بحرانی اصفحانی
14. فضائل الخمسه ج 3 ص 155: مرحوم فيروز آبادی (متوفای 1410 هجری)
15. رياضين الشريعه ج 2 ص 53: علامه محلاتی (متوفای 1390 هجری)
16. الغدير ج 7 ص 229 و 232 و ج 9 ص 395 و ج 10 ص 124: علامه امینی
17. اعيانالشيعه ج 1 ص 318: سيد امين عاملی (متوفای 1371 هجری)
18. مرآه العقول ج 5 ص 323: علامه مجلسی (متوفای 1110 هجری)
19. احقاق الحق ج 10 ص 217: قاضي نورالله شوشتری (متوفای 1019 هجری)
20. شرح نهج البلاغه ج 16 ص 278 ابن ابی الحديد: معتزلی (متوفای 656 هجری)
22. كفايه الاثر ص 9: علي بن محمد خزازی قمی رازی (متوفای 400 هجری)
23. سنن الترمذی كتاب المناقب 60: ترمزی (متوفای 279 هجری)
24. سنن ابی داود كتاب النكاح 12: ابی داود (متوفای 275 هجری)
25. سنن ابن ماجه كتاب النكاح باب 56: ابن ماجه (متوفای 275 هجری)
26. سنن السجستاني ج 1 ص 324
27. خصائص 35: نسائی شافعی (متوفای 303 هجری)
28. مستدرک الحاكم ج 3 ص 154 و 158 و 159: حاكم نيشابوری (متوفای 258 هجری)
29. حليه الاولياء ج 2 ص 40: ابوالفرج اصفهانی زیدی (متوفای 430 هجری)
30. مشكاه المصابيح 560: خطيب العمري حنفي (متوفای 741 هجری)
31. شرح ابی الحديد ج 16 ص 278: ابن ابی الحديدی معتزلی (متوفای 656 هجری)
32. مجمع الزوائد 203/9: حافظ هيثمی (متوفای 807 هجری)
- 308- علي بن محمد الكاتب عن حسن بن علي الزعفراني، عن ابراهيم بن محمدالثقفي عن ابی اسماعيل العطار عن ابن لهيعة عن ابی الاسود عن عروه بن الزبير قال:
1. مالی ص 95: شيخ مفيد (متوفای 413 هجری)
2. الغدير ج 5 ص 372: علامه امینی متوفای 1390 هجری)
3. الامامه و السياسه ج 1 ص 12 - 14: ابن قتيبه حنفي (متوفای 282 هجری)
- 309- كتاب عوالم ج 11 ص 612: علامه بحرانی اصفهانی

2. علم الیقین ج 2 ص 678: مرحوم فیض کاشانی (متوفای 1091 هجری)
- 310- قال الطوسی و جدت هذا الحدیث بخط بعض المشائخ رحمهم الله فی کتاب لابی غانم المعلم وجد بخطه علی ظهر کتاب له حین مات:
- 311- امالی شیخ صدوق ج 1 ص 207: (متوفای 381 هجری)
2. امالی ص 117: شیخ طوسی (متوفای 460 هجری)
3. ریاحین الشریعه ج 2 ص 41: علامه محلاتی
4. بحار الانوار ج 8 (رحلی) ص 102: علامه مجلسی (متوفای 1110 هجری)
- 312- 1. کتاب سلیم بن قیس کوفی ص 134: (متوفای 76 هجری)
2. بحار الانوار ج 8 ص 103 (قدیم): علامه مجلسی (متوفای 1110 هجری)
3. کوکب الدری ج 1 ص 228: علامه حائری مازندرانی
4. اختصاص ص 183/178: شیخ مفید (متوفای 413 هجری)
5. کتاب عوالم ج 11 ص 425: علامه بحرانی اصفهانی
- 313- ابو محمد بن مسلم بن قتیبہ عن ابی عفیر عن ابی عون عن عبداللہ بن عبدالرحمن الانصاری
- 314- الغدیر ج 7 ص 230. و. ج 9 ص 387. و. ج 10 ص 124: علامه امینی (متوفای 1390 هجری)
2. الامامہ و السیاسہ ج 1 ص 30/14: ابن قتیبہ حنفی (متوفای 276 هجری)
3. اعلام النساء ج 3 ص 1214: محمد رضا کحاله
4. رسائل ص 300: جاحظ معتزلی (متوفای 255 هجری)
5. بحار الانوار ج 28 ص 357: علامه مجلسی (متوفای 1110 هجری)
6. اعیان الشیعہ ص 318: سید امین عاملی (متوفای 1371 هجری)
7. صحیح بخاری ج 5 ص 5. و. ج 6 ص 196: بخاری (متوفای 256 هجری)
8. صحیح مسلم ج 2 ص 72: مسلم بن حجاج (متوفای 261 هجری)
9. مسند احمد ج 1 ص 6: احمد بن حنبل (متوفای 241 هجری)
10. تاریخ طبری ج 3 ص 202: محمد بن جریر طبری (متوفای 310 هجری)
11. کفایہ الطالب ص 226: گنجی شافعی (متوفای 658 هجری)
12. سنن بیہقی ج 6 ص 300: بیہقی شافعی (متوفای 458 هجری)
13. کشف الغمہ ج 1 ص 477: مرحوم اربلی (متوفای 692 هجری)

- 315- الف = طبری عن محمد بن هارون بن موسى (التلعكبري) عن ابيه عن محمد بن همام عن احمد البرقي عن احمد بن محمد بن عيسى عن عبدالرحمن ابن ابي نجران عن ابن شنان عن ابن مسكان عن ابي بصير عن ابي عبدالله عليه السلام قال...
- ب = سليم بن قيس عن ابان بن ابي عياش عن سلمان و عبدالله بن العباس قال: ... بحار الانوار ج 43 ص 197)
- ج = عل بن احمد عن ابوالعباس احمد بن محمد بن يحيى بن عمرو بن ابي المقدم و زياد بن عبدالله قالا... (علل الشيع ج 1 ص 185)
- 316- 1. بحار الانوار ج 43 ص 203. و. ج 28 ص 357. و. ج 1 ص 20: علامه مجلسي (متوفای 1110 هجری)
2. علل الشرايع ج 1 ص 185: شيخ صدوق (متوفای 381 هجری)
3. امامه و السياسه ج 1 ص 13. و. ج 3 ص 1214: ابن قتيبه دینوری حنفی (متوفای 276 هجری)
4. احقاق الحق ج 10 ص 217: قاضي نورالله شوشتری (متوفای 1019 هجری)
5. كتاب عوالم ج 11 ص 402 و 498 و 500: علامه بحرانی اصفهانی
6. اعيان الشيعه ج 1 ص 318: سيد امين عاملی (متوفای 1371 هجری)
7. شرح ابن ابي الحديد ج 16 ص 218: ابن ابي الحديد معتزلی (متوفای 656 هجری)
8. كتاب سليم بن قيس: هلالی (متوفای 76 هجری)
9. دلائل الامامه ص 45: طبری امامی (متوفای 310 هجری)
10. الغدير ج 7 ص 229. و. ج 10 ص 124: محمدرضا كحاله
11. اعلام النساء ج 3 ص 1214: جاحظ معتزلی (متوفای 255 هجری)
12. رسائل ص 300: جاحظ معتزلی (متوفای 255 هجری)
13. صحيح البخاری ج 5 ص 5. و. ج 6 ص 196: بخاری (متوفای 256 هجری)
14. صحيح مسلم ج 2 ص 72: مسلم بن حجاج (متوفای 261 هجری)
15. مسند احمد ج 1 ص 6: احمد بن حنبل (متوفای 241 هجری)
16. تاريخ طبری ج 3 ص 202: محمد بن جرير طبری (متوفای 310 هجری)
17. كفايه الطالب ص 226: گنجی شافعی (متوفای 658 هجری)
18. سنن بيهقي ج 6 ص 300: بيهقي شافعی (متوفای 456 هجری)
19. رياحين الشريعة ج 2 ص 53: علامه محلاتی



20. فضائل الخمسه ج 3 ص 155: مرحوم فيروزي آبادي (متوفای 1410 هجرى)
21. كشف الغمه ج 1 ص 477: مرحوم اربلى (متوفای 692 هجرى)
- 317- الف - قال ابو عمر و احمد بن محمد القرطبي المرواني المالكي المشهور به ابن عبد ربه  
الاندلس.
- ب = عن كتاب السقيفه للجوهري باسناده عن الشعبي. و عن ابى بكر الباهلي عن اسماعيل بن  
مجاهد عن الشعبي
- ج = قال بشير بن سعد انصارى ابو محمد بن مسلم بن قتيبه عن ابى غفير عن ابى عون عن عبدالله  
بن رحمن الانصارى قال:
- 318- الغدير ج 7 ص 77: علامه امينى (متوفای 1390 هجرى)
2. الامامه و السياسه ج 1 ص 13: ابن قتيبه دينورى حنفى (متوفای 276 هجرى)
3. اعلام النساء ج 3 ص 1206: محمد رضا كحاله
4. شرح ابن ابى الحديد ج 1 ص 134. و ج 2 ص 19: ابن ابى الحديد معتزلى (متوفای 656  
هجرى)
5. عقد الفريد ج 2 ص 250. و ج 3 ص 63: ابن عبد ربه مالكي (متوفای 328 هجرى)
6. تاريخ ج 1 ص 156: ابن الفداء شافعى (متوفای 732 هجرى)
7. بحر الانوار ج 28 ص 322، 339: علامه مجلسى (متوفای 1110 هجرى)
8. انساب الاشراف ج 1 ص 586: بلاذرى (متوفای 279 هجرى)
9. تاريخ ابن شحنه پاورقى تاريخ كامل ابن اثير ج 7 ص 164: ابن شحنى حنفى (متوفای  
815 هجرى)
1. كتاب السقيفه: جوهري (متوفای 393 هجرى)
11. اثبات الوصيه ص 123: مسعودى (متوفای 346 هجرى)
12. رياحين الشريعه ج 1 ص 291: علامه محلاتى
- 319- 1. ارشاد القلوب ديلمى (بنقل كوكب الدرى ص 263): ديلمى (متوفای 771 هجرى)
2. مجمع النورين ص 147: ابولحسن مردى
3. بيت الاحزان ص 113 (قسمتى از خطبه): شيخ عباس قمى (متوفای 1359 هجرى)
4. بحار الانوار 43 ص 204 و 207 (قسمتى از حديث را آورد): علامه مجلسى (متوفای  
1110 هجرى)
5. كشف الغمه ج 1 ص 494: مرحوم اربلى (متوفای 692 هجرى)

6. علل الشرايع ج 1 ص 176: شيخ صدوق (متوفى 381 هجرى)

320- الف - من الجمع بنى الصحاح الستة من سنن ابى داوود باسناده عن النبى ﷺ

ب = روى ابن بطريق فى كتاب المستدرک باسناده الى كتاب حليه الاولياء عن الحافظ ابى نعيم

باسناده عن عمران بن حصين عن جابر بن سمره

ج = ابى نعيم عن مسروق عن عائشه مثل ما مر فى روايه مسلم و بالاسناده عن جابر الجعفى

عن الشعبى و روته فامه بنت الحسين و عائشه بنت طلحه عن عائشه...

د = يحيى بن محمد الجوانى عن حسن بن بن على بن الداعى عن جعفر بن محمد الحسن عن

محمد بن عبدالله الحافظ عن على بن حماد العدل عن احمد بن على البار عن ليث بن داوود عن

مبارك بن فضاله عن عمران حصين قال ان النبى ﷺ

321- 1. سنن ابى داوود.

2. حسله الاولياء ج 2 ص 42: ابوالفرج اصفهاني (متوفى 430 هجرى)

3. المستدرک: ابن بطريق (متوفى 600 هجرى)

4. مناقب ابن شهر آشوب مازندراني (متوفى 588 هجرى)

5. مناقب ص 399: ابن مغازى شافعى (متوفى 483 هجرى)

6. بحار الانوار ج 43 ص 37. و. ج 39 ص 278. و. ج 37 ص 68: علامه مجلسى (متوفى

1110 هجرى)

7. بشاره المصطفى ص 69: طبرى امامى قرن 6 (متوفى 553 هجرى)

8. كتاب العمده ص 387: ابن بطريق (متوفى 600 هجرى)

9. رياحين الشريعة ج 1 ص 199: علامه محلاتى

10. الاستيعاب ج 2 ص 750: ابن عبدالله مالكى (متوفى 463 هجرى)

11. ذخائر العقبى ص 42: طبرى شافعى (متوفى 694 هجرى)

12. وسيله المال ص 80: علامه حصرمى شافعى (متوفى 1074 هجرى)

13. ينابيع الموده ص 274: قندوزى حنفى (متوفى 1294 هجرى)

14. سيره النبوه ج 2 ص 6: زينى دحلان شافعى (متوفى 1300 هجرى)

15. احقاق الحق ج 10 ص 34 و ج 4 ص 44: قاضى نورالله شوشترى (متوفى 1019

هجرى)

322- الف - عمران بن حصين و جابر بن سمره نقلا عن رسول الله ﷺ

ب - شمس الدين محمد بن احمد الذهبي في سير اعلام النبلاء عن علي بن هاشم بن البريد عن كثير النواء عن عمران بن حصين قال...

323- احقاق الحق ج 4 ص 348. و. ج 19 ص 19: قاضي نورالله شوشتری (متوفای 1019 هجری)

2. نزهه المجالس ج 2 ض 226: علامه صفوري شافعي (متوفای 894 هجری)

3. حليه الاولياء ج 2 ص 42: ابوالفرج اصفهانی (متوفای 430 هجری)

4. الاستيعاب ج 2 ص 750: ابن عبدالله مالکی (متوفای 748 هجری)

5. سير اعلام النبلاء ج 2 ص 127: ذهبي شافعي (متوفای 748 هجری)

6. ينابيع الموده ص 198: قندوزي حنفي (متوفای 1294 هجری)

324- الف - ابن مغازی عن محمد بن احمد بن عثمان عن ابو عمر محمد بن العباس بن حيويه عن ابو عبدالله الحسين بن علي بن الحسين الاسدي الدهان عن علي بن الحسين البزاز عن اسماعيل بن صبيح عن يحيى عن بن مسور عن علي بن خروار عن الاصبع عن ابي سعيد الخدري يرفع الحديث.

ب - القاضي ابواسحاق ابراهيم بن احمد بن محمد الطبري عن ابوالحسن زيد بن محمد بن جعفر الكوفي قرائه عليه قال اخبرنا ابو عبدالله الحسين بن الحكم الحيري (ع) اسماعيل بن صبيح عن يحيى بن مساور عن علي بن خزور عن القاسم بن ابي سعيد الخدري رفع الحديث

325- احقاق الحق ج 17 ص 23. و. ج 18 ص 171: قاضي نورالله شوشتری (متوفای 1019 هجری)

2. دلائل الامامه ص 3 و 4: محمد بن جرير طبري امامي (متوفای 310 هجری)

3. مناقب ص 380: ابن مغازی شافعي (متوفای 483 هجری)

326- الف تفسير العياشي عن سيف عن نجم عن ابي جعفر عليه السلام قال...

ب - ابوالفداء ابن كثير قال الحافظ ابويعلى حدثنا سهل بن الحنظليه: حدثنا عبدالله بن صالح حدثني بن الهيعه: محمد بن المنكدر عن جابر قال...

327- الف تفسير العياشي عن سيف عن نجم عن ابي جعفر عليه السلام قال:

ب - ابوالفداء ابن كثير قال الحافظ ابويعلى حدثنا سه بن الحنظليه، حدثنا عبدالله بن صالح حدثني ابن الهيعه عن محمد بن المنكدر عن جابر قال....

328- 1 و تفسير عياشي ج 1 ص 171: محمد بن مسعود عياشي (متوفای 320 هجری)

2. بحار الانوار ج 14 ص 197: علامه مجلسي (متوفای 1110 هجری)

3. تفسیر البرهان ج 1 ص 282: علامه بحرانی (متوفای 1107 هجری)
4. احقاق الحق ج 10 ص 314: قاضی نورالله (متوفای 1019 هجری)
5. البدایه و النهایه ج 6 ص 111: ابن کثیر شافعی (متوفای 774 هجری)
6. ریاحین الشریعه ج 1 ص 123: علامه محلاتی
- 7.
- 329- 1. تفسیر عیاشی ج 1 ص 171: محمد بن مسعود عیاشی (متوفای 320 هجری)
2. بحار الانوار ج 14 ص 197: علامه مجلسی (متوفای 1110 هجری)
3. تفسیر البرهان ج 1 ص 282: علامه بحرانی (متوفای 1107 هجری)
4. احقاق الحق ج 10 ص 314: قاضی نورالله شوشتری (متوفای 1019 هجری)
5. ابدایه و النهایه ج 6 ص 111: ابن کثیر شافعی (متوفای 774 هجری)
6. ریاحین الشیعه ج 1 ص 123: علامه محلاتی
- 330- الف - محمد بن طریف و اسحاق بن ابراهیم بن حبیب قالا حدثنا محمد بن فضیل عن  
مجالد عن عامر عن الحارث عن علی ع سنن ابن ماجه ج 2 ص 538.
- ب - ابن الجوزی، روی عن ابن سعد قال حدثنا ابوالسامه عن مجالد عن عامر عن علی ع
- 331- 1. السیره النبویه ج 2 ص 10: زینی دحلان شافعی (متوفای 1300 هجری)
2. احقاق الحق ج 10 ص 395. و. ج 8 ص 312: قاضی نورالله شوشتری (متوفای 1019 هجری)
3. حاشیه شیره حلبیه ج 2 ص 10
4. شرح المواهب ج 2 ص 7
5. کتاب عوالم ج 11 ص 365: علامه بحرانی اصفحانی
6. اعلام النساء ج 3 ص 1201: محمد رضا کحاله
7. سنن ابن ماجه ج 2 ص 3: محمد بن یزید قزوینی (متوفای 275 هجری)
8. صفه الصفوه ج 2 ص 3: ابن جوزی حنفی (متوفای 597 هجری)
9. تذکره الخواص ص 316 و ص 16: ابن جوزی حنفی (متوفای 654 هجری)
10. ذخائر العقبی ص 34 و 49: طبری شافعی (متوفای 694 هجری)
11. منتخب کنز العمال ج 5 ص 56:
12. ذخائر الموارث ج 3 ص 30: عبدالغنی نابلسی حنفی (متوفای 1143 هجری)
13. کنز المدفون ص 473

14. المختار في مناقب الاخيار ص 56: عبالمه بستوى حنفى (متوفى 1007 هجرى)
15. وسليه المال ص 84: علامه حصرمى شافعى (متوفى 1047 هجرى)
16. الترغيب و الترهيب ج 3 ص 114: عبدالعظيم بن عبدالقوى (متوفى 656 هجرى)
17. مجمع الزوائد ج 9 ص 209: حافظ هيثمى (متوفى 807 هجرى)
18. نظم درالسمطين ص 188: زرندى حنفى (متوفى 747 هجرى)
19. كشف الغمه ج 2 ص 78: مرحوم اربلى (متوفى 692 هجرى)
20. يئابيع المود ص 197: قندوزى حنفى (متوفى 1294 هجرى)
- 332- على بن شبل عن ظفر حمدون عن ابراهيم بن اسحاق عن عبدالله ابن حماد عن صباح  
امزنى عن الحازث بن حصيره عن الاصبع بن نباته عن على عليه السلام قال:
- 333- بحارالانوار ج 37 ص 44: علامه مجلسى (متوفى 1110 هجرى)
2. امالى شيخ ت 259 (بسند الى اصبع بن نباته): شيخ مفيد (متوفى 413 هجرى)
3. كتاب عوالم ج 11: علامه بحراني اصفهاني
4. امالى طوسى ج 2 ص 20: شيخ طوسى (متوفى 460 هجرى)
5. اثبات الهداه ج 3 ص 480: شيخ حر عاملى (متوفى 1104 هجرى)
- 334- الف - ابوالمويد الموفق بن احمد اخطب خوارزم عن عبدالملك بن على بن محمد  
الهمداني عن محمدبن على بن ميمون الترسى عن محمدبن على بن عبدالرحمن عن محمدبن  
الحسين النحاس عن عبدالله بن زيدان عن محمد اسماعيل الاعشمى عن مفضل عن جابر عن  
سليمان بن بريده عن ابيه قال...
- ب - ابونصر بن رضوان و ابوغالبن بن البناء و ابومحمد عبدالله بن محمدبن بخا قالوا: انبانا  
ابومحمد الجوهري عن ابوبكر بن مالك عن عباس بن ابراهيم القراطيس عن محمدبن اسماعيل  
احمسي عن مفضل بن صالح عن جابر الجعفى عن سليما بن بريده عن ابيه قال:
- 335- مناقب خوارزمى ص 106: الموفق بن احمد بن محمد المكي (متوفى 568 هجرى)
2. كتاب عوالم ج 11 ص 377: علامه بحراني اصفهاني
3. بحارالانوار ج 38 ص 19: علامه مجلسى (متوفى 110 هجرى)
- 336- جعفر بن الحسين بن جعفر عن ابيه قال حدثنى الرياحى بالبصره عن شيوخيه...
- 337- بحارالانوار ج 41 ص 257، و كشف اليقين ص 173 و 174 و مناقب ابن شهر آشوب  
ج 2 ص 74
- 338- محمد بن ابراهيم عن زيدبن ربيع قال: ...

- 339- بحار الانوار ج 35 ص 252: علامه مجلسی (متوفای 1110 هجری)
2. تفسیر فرات ص 527: فرات کوفی (متوفای 300 هجری)
- 340- اسماء بنت عمیس عن فاطمه بنت رسول الله ﷺ
- 341- عن احمد بن ادريس (ع) ابن عيسى عن الحسين السعيد عن فضاله عن كليب بن معاوية عن ابي عبدالله عليه السلام .
- 342- بحار الانوار ج 36 ص 60 و كنز جامع الفوائد (محفوظ)
- 343- الف - ابوالفرج محمد بن احمد المكي عن مظفر بن احمد بن عبدالواحد بخلوان عن محمد بن علي الحلواني عن كريمه بنت احمد بن محمد المروزي .
- ب - محمد بن الحسين بن محمد البغدادي عن حسين بن محمد بن علي الزينبي عن فاطمه بنت احمد بن محمد المروزي عن ابو علي زاهر بن احمد عن معاذ بن يوسف الجرجاني عن احمد بن محمد بن غالب عن عثمان بن ابي شيبه عن نمير عن مجالد عن ابي مجلز عن ابن عباس
- 344- احقاق الحق ج 10 ص 320 و 321: قاضي نورالله شوشتری (متوفای 1019 هجری)
2. مقتل الحسين ص 71: خوارزمی (متوفای 568 هجری)
3. بحار الانوار ج 43 ص 72: علامه مجلسی (متوفای 1110 هجری)
4. كتاب عوالم ج 11 ص 168: علامه بحرانی اصفهانی
5. مستدرک الوسائل ج 14 ص 417: محدث نوری (متوفای 1320 هجری)
6. رياحين الشريعه ج 1 ص 132: علامه محلاتی
7. تفسیر عیاشی ج 1 ص 171: محمد بن مسعود عیاشی (متوفای 320 هجری)
- 345- الف = احمد بن محمد الخليلی عن محمد بن ابي بكر الفقيه، عن احمد بن محمد النوافلي، عن اسحاق بن يزيد عن حماد بن زرعه بن محمد عن المفضل بن عمر عن ابا عبدالله الصادق عليه السلام قال ...
- ب = عن ابي المفضل الشيباني عن موسى بن محمد الاشعري ابن بنت سعد بن عبدالله عن حسن بن محمد بن اسماعيل (المعروف بابن ابي الشوارب) عن عبيدالله بن علي بن اشيم عن يعقوب بن يزيد عن حماد قال: ... (مصباح الانوار)
- 346- بحار الانوار ج 16 ص 81: .و. ج 43 ص 3. و. ج 14 ص 197: علامه مجلسی (متوفای 1110 هجری)
2. امالی ص 475: شيخ صدوق (متوفای 588 هجری)
3. مناقب ابن شهر آشوب ج 3 ص 340: ابن شهر آشوب مازندرانی (متوفای 588 هجری)

4. اختصاص ص 31: شيخ مفيد (متوفى 413 هجرى)
5. كتاب عوالم ج 11 ص 44 و 202: علامه بحراني اصفهاني
6. مصباح الانوار ص 475: هاشم بن محمد (متوفى 553 هجرى)
7. امالى ص 594: شيخ طوسى (متوفى 460 هجرى)
8. تفسير البرهان ج 1 ص 282: سيد هاشم بحراني (متوفى 1107 هجرى)
9. دلائل الامامه ص 9: طبرى امامى (متوفى 310 هجرى)
10. روضه الواعظين ص 124: محمد بن فتال نيشابورى (متوفى 508 هجرى)
11. مدينه المعاجر ص 125: سيد هاشم بحراني (متوفى 1107 هجرى)
12. رياحين الشريعه ج 1 ص 123: علامه محلاتى
13. البدايه و النهايه ج 6 ص 111: ابن كثير شافعى (متوفى 774 هجرى)
14. كوكب الدرى ج 1 ص 125: حائرى مازندراني
15. نزاهه المجالس ج 2 ص 227: صفورى شافعى (متوفى 894 هجرى)
16. غايم المرام ص 177: محمد بن داود بازلى شافعى (متوفى 925 هجرى)
- 347- ابوالقاسم العلوى عن ففرات بن ابراهيم عن جعفر بن محمد عليه السلام عن جده قال...
- 348- آل عمران 37
- 349- 1. بحار الانوار ج 35 ص 251: علامه مجلسى (متوفى 1110 هجرى)
2. تفسير فرات بن ابراهيم ص 199: فرات الكوفى (متوفى 300 هجرى)
3. احقاق الحق ج 10 ص 322: قاضى نورالله شوشترى (متوفى 1019 هجرى)
4. نزاهه المجالس ج 1 ص 224: صفورى شافعى (متوفى 894 هجرى)
5. رياحين الشريعه ج 1 ص 133: علامه محلاتى
6. فاطمه الزهرا ص 203: نائينى
7. الثاقب فى المناقب ص 121: ابن حمزه طوسى (متوفى 600 هجرى)
8. روايات و مدارك حديث 193 تا 194 مشترك است مراجعه فرمائيد
9. تفسير عياشى ج 1 ص 171: محمد بن مسعود عياشى (متوفى 320 هجرى)
- 350- الف - روى زمخشري فى الكشاف عند ذكر قصه زكريا و مريم عليهما السلام
- ب - عن جابر بن عبدالله انصارى (ثعلبى فى تفسير و ابن المودن فى الاربعين باسناد هما عن محمد بن المنكدر عن جابر)
- ج - عن سيف بن نجم عن ابى جعفر عليه السلام

د- ابو جعفر الطوسی عن جماعه عن ابوالفضل محمد بن عبدالله عن عبدالرزاق سلیمان الازدی عن ابو عبد الغنی الحسن بن عباس الازدی عن عبدالوهاب بن عماد الخیری عن جعفر بن سلیمان البصری عن ابو هارون العبدی عن ربیہ السعدی عن حذیفه ابن الیمان قال:

ه - المناقب باسناده عن احمد بن محمد الثعلبی عن عبدالله بن حامد عن ابی محمد المزنی عن ابی یعلی الموصلی، عن سهل بن زنجله الرازی عن عبدالله بن صانع عن ابن لهیعه عن محمد بن المنکدر عن جابر بن عبدالله

351- بحار الانوار ج 43 ص 27. و. ج 21 ص 20: عالمه مجلسی (متوفای 1110 هجری)

2. کتاب عوالم ج 11 ص 164 و 208: علامه بحرانی اصفهانی

3. المناقب ج 3 ص 339/117: ابن شهر آشوب مازندرانی (متوفای 588 هجری)

4. الخرائج و الجرائح (ص) 528: قطب راوندی (متوفای 573 هجری)

5. ریاحین الشریعه ج 1 ص 125: علامه محلاتی

6. ثاقب المناقب ص 260: ابن حمزه طوسی (متوفای 600 هجری)

7. مقصد الراغب ص 117:

8. تفسیر ثعلبی ج 2 ص 20 و ص 95: (مخطوط): احمد بن محمد ثعلبی (متوفای 427 هجری)

هجری)

9. العرائس ص 57: احمد بن محمد ثعلبی (متوفای 427 هجری)

10. فرائد السمطین ج 2 ص 51: علامه حموی شافعی (متوفای 722 هجری)

11. مقتل الحسین ج 1 ص 57: خوارزمی (متوفای 568 هجری)

12. البدایه و النهایه ج 6 ص 111: ابن کثیر شافعی (متوفای 774 هجری)

13. تفسیر ابن اثیر ج 2 ص 222: ابن اثیر (متوفای 630 هجری)

14. تفسیر الدر المنثور ج 2 ص 20: سیوطی شافعی (متوفای 911 هجری)

15. روح المعانی ج 3 ص 124:

16. احقاق الحق ج 10 ص 314: قاضی نورالله شوشتری (متوفای 1019 هجری)

17. قصص الانبیاء ص 513: احمد بن محمد ثعلبی (متوفای 427 هجری)

18. تفسیر الکشاف ج 1 ص 402: الروسوی حنفی (متوفای 1127 هجری)

19. تفسیر روح البیان ج 1 ص 402: البروسوی حنفی (متوفای 127 هجری)

20. تفسیر برهان ج 1 ص 281: سید هاشم بحرانی (متوفای 310 هجری)

21. دلائل الامامه ص 51: طبری امامی (متوفای 320 هجری)



22. تفسیر عیاشی ج 1 ص 71:
23. المجالس و الاخبار ص 36: شیخ طوسی (متوفای 460 هجری)
24. الاربعین ابن المودن
25. تفسیر فرات الکوفی ص 196: فرات کوفی (متوفای 300 هجری)
26. و مدارک حدیث شماره 1.
27. مصابح الانوار: شیخ طوسی (متوفای 460 هجری)
28. غایه المرام ص 187: علامه بحرانی
29. مدینه المعجز ص 49: علامه بحرانی
30. الثاقب فی المناقب ص 259: ابن حمزه طوسی (متوفای 460 هجری)
31. امالی ج 2 ص 227: شیخ طوسی (متوفای 460 هجری)
- 352- مصباح الانوار عن جعفر بن محمد علیه السلام عن آباءه علیهم السلام و عن عبدالله بن بن الحسن عن ابیه عن جدّه
- 353- بحار الانوار: شیخ طوسی (متوفای 460 هجرری)
2. بحار الانوار ج 43 ص 200: علامه مجلسی (متوفای 1110 هجری)
3. کتاب عوالم ج 11 ص 610: علامه بحرانی اصفهانی
- 354- کتاب دلائل الامامه الطبری عن احمد بن محمد بن الخشاب عن زکریا ابن یحیی عن ابن ابی زائده عن ابیه عن محمد بن الحسن عن ابی بصیر عن ابی عبدالله علیه السلام قال قال امیرالمومنین علیه السلام
- 355- بحار ج 43 ص 209: علامه مجلسی (متوفای 1110 هجری)
2. دلائل النبوه طبری ص 43: بیهقی شافعی (مکتوفای 458 هجری)
- 356- طبری فی دلائل الامامه قال حدثنی ابوالحسن محمد بن هارون بن موسی التلعکبری عن جعفر بن محمد مالک الزاری عن محمد بن احمد بن حمدان عن علی بن سلیمان و جعفر بن محمد عن علی بن اسباط عن الحسن ابن ابی العلاء و علی بن ابی حمزه عن ابی بصیر قال. قال ابو جعفر علیه السلام
- 357- دلائل الامامه ص 28: طبری امامی (متوفای 310 هجری)
2. کتاب عوالم ج 11 ص 190: علامه بحرانی اصفهانی
- 358- مسند احمد: احمد بن حنبل (متوفای 241 هجری)
2. کنز العمال ج 16 ص 426 حدیث 45443: متقی هندی حنفی (متوفای 975 هجری)
- 359- کتاب رهره الرياض: ابن شدقم (متوفای 999 هجری)

2. کوکب ادري ج 1 ص 253: حائری مازندراينی
- 360- عن ابی عبدالله عن آبهئه قال: حائری مازندراينی
- 361- بحار الانوار ج 79 ص 27: علامه مجلسی (متوفای 1110 هجری)
2. بيت الاحزان ص 176: شيخ عباس قمی (متوفای 1359 هجری)
3. مصباح الانوار: شيخ طوسی (متوفای 460 هجری) عن ابی عبدالله عن آبهئه قال:
- 362- الف طبری عن احمد بن محمد الخشاب عن زکریا بن یحیی عن ابن ابی زائده عن ابیه عن محمد بن الحسن عن ابی نصیره عن ابی عبدالله عليه السلام قال قال امير المومنين عليه السلام
- ب - علی بن احمد عن ابی العباس احمد بن محمد بن یحیی عن عمرو بن ابی المقدم و زیاد بن عبيدالله عن اباعبدالله قال:
- 363- بحار الانوار ج 43 ص 217. و. ج 217 ص 253 و 256. و. ج 28 ص 304: علامه مجلسی (متوفای 1110 هجری)
2. علل الشرايع ج 1 ص 188: شيخ صدوق 381 هجری
3. اعيان الشيعه ج 1 ص 321: سيد امين عاملی (متوفای 1371 هجری)
4. احتجاج ص 59: طبرسی (متوفای 558 هجری)
5. كتاب سليم بن قيس ص 226: سليم بن قيس هلالی (متوفای 76 هجری)
6. دلائل الامامه: طبری امامی (متوفای 310 هجری)
7. كتاب عوالم ج 11 ص 607: علامه بحرانی اصفهانی
8. روضه الواعظين «ذكر حدثنا في مرض فاطمه عليها السلام» ص 130: ابن قتال تيشابوری (متوفای 508 هجری)
9. مناقب ج 2 ص 177: ابن شهر آشوب (متوفای 588 هجری)
- 364- الف - معانی الاخبار قال حدثنا ابوالحسن علی بن محمد بن الحسن المعروف بابن مقبره عن ابیوبعبدالله جعفر بن محمد حسن بن جعفر بن حسن بن علی بن ابیطالب:
- ب - محمد بن علی الهاشمی قال حدثنا عیسی بن عبدالله بن محمد بن عمر بن علی بن ابیطالب قال حدثنا ابی عن ابیه عن جدّه عن علی بن ابیطالب
- ج - مصباح الانوار عن جعفر بن محمد عن آباءه عليهم السلام قال:
- د - عن یحیی بن عبدالله بن محمد بن عمر بن علی عليه السلام
- 365- كشف الغمه ج 2 ص 68: مرحوم اربلی (متوفای 629 هجری)

2. بحار الانوار ج 43 ص 159. و. ج 78 ص 255. و. ج 8 ص 92 (قدیم): علامه مجلسی (متوفای 1110 هجری)
3. بیت الاحزان ص 168: شیخ عباس قمی (متوفای 1359 هجری)
4. کتاب عوالم ج 11 ص 606: علامه بحران اصفهانی
5. معانی الاخبارن شیخ صدوق (متوفای 381 هجری)
6. مصباح الانوار: شیخ طوسی (متوفای 460 هجری)
- 366- دلائل الامامه ص 44: طبری امامی (متوفای 310 هجری)
2. بحار الانوار ج 78 ص 310: علامه مجلسی (متوفای 1110 هجری)
3. بیت الاحزان ص 176: شیخ عباس قمی (متوفای 1359 هجری)
4. کوکب الدرری ج 1 ص 243: حائری مازندرانی و در مدارک زیر وصیت به دفن شبانه آمده است (دنفها علی علیہ السلام لیل)
5. صحیح بخاری ج 5 ص 139: محمد بن اسماعیل بخاری (متوفای 256 هجری)
6. سنن بیهقی ج 6 ص 300: بیهقی شافعی (متوفای 458 هجری)
7. تاریخ طبری ج 2 ص 448: محمد بن جریر طبری (متوفای 310 هجری)
8. کفایه الطالب ث 225: گنجی شافعی متوفای 658 هجری
9. شرح نهج البلاغه ج 2 ص 18 (جلد 4): ابن ابی الحدید معتزلی (متوفای 656 هجری)
10. تیسر الوصول ج 1 ص 209: علامه شیبانی شافعی (متوفای 944 هجری)
11. المصنف ج 4 ص 141: حافظ ابن ابی شیبه (متوفای 235 هجری)
12. انساب الاشراف ص 405: بلاذری (متوفای 279 هجری)
13. اکمال الرجال ص 735: علامه خطیب تبریزی (متوفای 741 هجری)
14. شذرات الذهب ج 1 ص 15: ابوالفلاح حنبلی (متوفای 768 هجری)
15. مرآه الجنان ص 61: علامه یافه ای شافعی (متوفای 768 هجری)
16. السیره الحلبيه ج 3 ص 361: حلبی شافعی (متوفای 1044 هجری)
17. الثغور الباسمه ص 15: سیوطی شافعی (متوفای 911 هجری)
18. خلاصه تذهیب الکمال ص 425
- 367- 1. عن عماره بن المهاجر عن ام جعفر
2. ذخائر العقبی ص 53: محب الدین طبری شافعی (متوفای 694 هجری)
3. السنن الكبرى ج 3 ص 396: بیهقی شافعی (متوفای 458 هجری)

4. انساب الاشراف ص 405: بلاذری (متوفای 279 هجری)
5. بدایع السنن ج 1 ص 211: علام ساعاتی حنفی
6. الاصابه ج 4 ص 367: ابن حجر عسقلانی شافعی (متوفای 852 هجری)
7. كشف الغمه ج 2 ص 61: مرحوم اربلی (متوفای 692 هجری)
8. اسدالغابه ج 5 ص 395: ابن اثیر (متوفای 630 هجری)
9. اعلام النساء ج 1 ص 46: عمر رضا کحاله
- 368- عن علی بن احمد عن ابی العباس احمد بن یحیی عن عمرو بن ابی المقدم و زیاد بن عبيدالله قال عن ابا عبدالله عليه السلام
- 369- بحارالانوار ج 43 ص 209. و. ج 78 ص 253 و 256. ج 28 ص 304: علامه مجلسی (متوفای 110 هجری)
2. علل الشرائع ج 1 ص 188: شیخ صدوق (متوفای 381 هجری)
3. اعیان الشیعه ص 321 جلد 1: سید امین عاملی (متوفای 1371 هجری)
4. احتجاج ص 59: طبرسی (متوفای 588 هجری)
5. اعلام الوری ص 149: طبرسی (متوفای 588 هجری)
6. طبقات ابن سعد ج 7 ص 79: ابن سعد واقدی (متوفای 230 هجری)
7. مجمع الزوائد ج 9 ص 210: حافظ هیثمی (متوفای 807 هجری)
8. الاصابه ج 4 ص 367: ابن حجر عسقلانی شافعی (متوفای 852 هجری)
9. عوالم ج 11 ص 607: علامه بحرانی اصفهانی
- 370- الف - عن ابن عباس قال:
- ب - ابواسحق الباقر عن خدیجه عن ابو عبدالله عن ابواحمد الجلودی عن ابوموسی اسحاق بن موسی الانصاری عن عاصم بن حمید بن یحیی بن سلیمان عن محمد بن علی: (دلائل الامامه ص 42)
- 371- بحارالانوار ج 43 ص 214: علامه حضرمی
2. بحارالانوار ج 43 ص 214. و. ج 100 ص 185. و. ج 78 ص 390: علامه مجلسی (متوفای 1110 هجری)
3. موده القربی القربی ص 131: علامه حضرمی
4. احقاق الحق ج 10 ص 454: قاضی نورالله شوشتری (متوفای 1019 هجری)
5. مجالس السنیه ج 5 ص 95: علامه امین عاملی (متوفای 1371 هجری)

6. صحیح بخاری: محمد بن اسماعیل بخاری (متوفای 256 هجری)
7. اعیان الشیعه ج 1 ص 321: سید امین عاملی (متوفای 1371 هجری)
8. کوكب الدرې ج 1 ص 266: حائری مازندرانی
9. فروع کافی ج 7 ص 48: مرحوم کلینی (متوفای 328 هجری)
10. وسائل الشیعه ج 13 ص 311: شیخ حر عاملی (متوفای 1104 هجری)
11. دلائل الامامه ص 42: طبری امامی (متوفای 310 هجر)
12. مستدرک الوسائل ج 14 ص 50: محدث نوری (متوفای 1320 هجری)
13. کتاب عاصم بن حمدي الحنات ص 23: عاثم بن حميد الحنات
- 372- العلامه ابوالمويد قال اخبرني ابوالنجيب عن حافظ ابى بكر بن مردويه اخبرنا ابراهيم بن ابان بن رسته عن ابراهيم بن عبدالله عن عبدالرحمن بن حماد عن ابوعبدالرحمت المدني عن محمد بن علي عن ابيه عليه السلام. (احقاق الحق ج 10 ص 277)
- 373- مقتل الحسين ص 69: علامه ابوالمويد (متوفای 568 هجری)
2. احقاق الحق ج 10 ص 277: قاضی نورالله شوشتری (متوفای 1019 هجری)
- 374- مناقب ج 2 ص 101: ابن شهر آشوب (متوفای 588 هجری)
- 375- ینایع الموده ص 40: قندوزی حنفی (متوفای 1294 هجری)
- 376- الف: خطیب بغدادی عن ابوالحسن محمد بن عبدالواحد بن محمد بن جعفر عن علی بن عمرو الدارقطنی عن ابوالحسن علی بن محمد بن عبیدالحافظ عن احمد بن حازم عن سهل بن عامر عن فضیل بن مرزوق عن ابی الحجاج عن محمد بن عمرو بن الحسن عن زینب عن فاطمه عليها السلام
- ب - خطیب بغدادی عن احمد بن ابراهيم عن صالح بن احمد بن یونس البزاز عن عصام بن الحكم العکبری عن جمیع بن عمر البصری عن سوار عن محمد بن جحاده عن الشعبي عن علی عليه السلام
- ج - غایه المرام عن موفق بن احمد باسناده عن محمد بن الحسين عن ابوسعید المالینی عن ابواحمد بن عدب عن ابویعلی و احمد بن الحسن الصوفی عن ابوسعید الاشج عن بلیدین سلیمان عن ابی الحجاج عن محمد بن عمرو الهاشمی عن زینب بنت علی عن فاطمه عليها السلام قالت.
- 377- مجمع الزوائد ج 10 ص 21 و ج 9 ص 289: حافظ هیثمی (متوفای 807 هجری)
2. مفتاح النجا ص 61: علامه بدخشی
3. ارجح المطالب ص 531: علامه عبدالله حنفی

4. موضح اوهام الجمع و التفريق ج 1 ص 43: خطيب بغدادى (متوفى 463 هجرى)
5. ميزان الاعتدال ص 323: علامه ذهبى (متوفى 748 هجرى)
6. ينابيع الموده ص 257: قندوزى حنفى (متوفى 1294 هجرى)
7. تاريخ بغداد ج 12 ص 289: احمد بن على بغدادى شافعى (متوفى 463 هجرى)
8. المناقب ص 67: ابن مغازلى شافعى (متوفى 483 هجرى)
9. منتخب كنز العمال در پاورقى المسند ج 5 ص 439:
10. غايه المرام ص 584: بازلى شافعى (متوفى 925 هجرى)
- 378- بحار الانوار ج 28 ص 352: علامه مجلسى (متوفى 1110 هجرى)
2. غايه المرام ص 569: بازلى شافعى (متوفى 925 هجرى)
3. الامامه و السياسه ص 12: ابن فتيه دينورى حنفى (متوفى 276 هجرى)
- 379- 1. الجنه العاصمه ص 179 (عن احمد بن يوسف الدمشقى فى اخبار الدول و آثار الاول  
ص 88 ط / بغداد)
2. اخبار الدول ص 88: احمد بن يوسف دمشقى (متوفى 1019 هجرى)
3. تجهيز الجوش ص 102: (مخطوط): امان الله دهلوى

## فهرست مطالب

2	سخن آغازین چاپ چهاردهم.....
4	مقدمه .....
12	آ: اول: آیین همسررداری .....
12	1- ایثارگری فاطمه <small>علیها السلام</small> .....
13	2- کار در خانواده .....
13	3- اوج ادب و ایثار .....
13	4- هماهنگی با شوهر: دفاع حدیث 73 .....
14	5- تحمل مشکلات اقتصادی: .....
14	6- تحمل مشکلات زندگی و خانوادگی: .....
14	7- معرفی همسر نمونه: ر- روابط اجتماعی، حدیث 84 .....
15	آ: دوم: آداب غذا خوردن: .....
15	آ: سوم: آرایش و زیبایی: .....
15	آ: چهارم: آگاهی و شناخت .....
16	الف: اول: احکام اسلامی .....
16	1- کیفیت تطهیر کودک .....
16	2- مصرف گوشت عید قربان .....
17	الف: دوم: اخلاص در عبادت .....
18	الف: سوم: اخلاق و روابط انسانی .....
18	1- خوشرویی .....
18	2- اخلاق زناشویی: .....

- 3- اخلاق اقتصادی: ..... 18
- 4- اخلاق سیاسی: ..... 18
- 5- اخلاق فردی ..... 18
- 6- اخلاق اجتماعی ..... 19
- الف: چهارم: ازدواج از دیدگاه فاطمه علیها السلام ..... 21
- 1- مشورت با دختر ..... 21
- 2- احترام متقابل دختر به نظر پدر ..... 22
- 3- پرهیز از ارزشهای دروغین در ازدواج ..... 22
- 4- شکوه از طرفداران ارزشهای جاهلی در ازدواج: ..... 23
- 5- حالات معنوی فاطمه علیها السلام در شب ازدواج: ..... 24
- الف: پنجم - افشاگریهای حضرت زهرا علیها السلام ..... 25
- الف: ششم - امامت و رهبری ..... 25
- 1- ارزش اهل بیت علیهم السلام و امامان علیهم السلام: ..... 25
- 2- ره آورد امامت (فلسفه امامت): ..... 25
- 3- نقش تربیتی پیامبر و امام علیهم السلام: ..... 25
- 4- معرفی امامان 12 گانه: ..... 26
- 5- معرفی حضرت قائم آل محمد صلی الله علیه و آله: ..... 26
- 6- ضرورت گرایش مردم به امام: ..... 26
- الف: هفتم - اثبات امامت امام علی علیه السلام «هدایت تشریحی» ..... 27
- 1- یادآوری روایات رسول خدا صلی الله علیه و آله: ..... 27
- 2- حماسه غدیر و حدیث منزلت: ..... 29
- الف - یادآوری حدیث منزلت: ..... 29
- ب - پاسخ بهانه جوها: ..... 30
- ج - عذرتراشی ممنوع: ..... 30



- 32 ..... الف: هشتم: ویژگی های امام علی علیه السلام
- 32 ..... «امام علی علیه السلام از دیدگاه حضرت زهرا علیها السلام»
- 32 ..... 1- ارزشهای امام علی علیه السلام
- 32 ..... 2- بهترین شوهر: حدیث 10
- 32 ..... 3- سوابق مبارزاتی علی علیه السلام
- 33 ..... 4- اینثارگری و بخشش امام علی علیه السلام:
- 34 ..... 5- نقش تربیتی امام علی علیه السلام
- 34 ..... 6- علل غصب خلافت امام علیه السلام
- 35 ..... 7- علی علیه السلام و جاذبه های عاشقانه در عبادت:
- 35 ..... 8- فاطمه و ارزشهای امام علی علیه السلام:
- 36 ..... 9- عامل رستگاری:
- 36 ..... 10- گریه بر مظلومیت امام علی علیه السلام
- 36 ..... 11- دفاع از امام علی علیه السلام
- 37 ..... 12- نگرانی از انبوه مشکلات علی علیه السلام
- 38 ..... الف: نهم - انفاق و سخاوت فاطمه علیها السلام
- 39 ..... الف: دهم - اینثارگری
- 40 ..... الف: یازدهم - ایمان فاطمه (علیها السلام)
- 41 ..... ب: بهداشتی
- 41 ..... 1- بهداشت دست
- 41 ..... 2- آداب غذا خوردن
- 42 ..... 3- بهداشت غذا:
- 43 ..... پ: اول: پوشش زن
- 43 ..... پ: دوم: پیامبر و فاطمه علیها السلام
- 43 ..... 1- نقش تربیتی پیامبر صلی الله علیه و آله در جامعه

- 43- تلاش برای جلب رضایت پیامبر ﷺ.....
- 44- همدردی با پدر.....
- 45- عواطف پدرانه پیامبر ﷺ.....
- 46- ناله و فریاد در هنگامه رحلت پیامبر ﷺ.....
- 47- غم و اندوه وفات پیامبر ﷺ.....
- 48- غم از دست دادن پیامبر ﷺ.....
- 48- الف - روایت معاذ.....
- 48- ب - روایت انس بن مالک.....
- 49- سوگ پدر و تنهایی و مصیبت شوهر!!.....
- 50- شکوه از دردها و خیانتها.....
- 52- ناله از تنهایی و غربت.....
- 54- یاد پدر در جمع کودکان.....
- 54- یاد پدر و اشتیاق شنیدن اذان.....
- 56- ت: اول: مباحث تربیتی.....
- 56- 1- اهمیت قضاوت میان کودکان.....
- 56- 2- بکارگیری هنر شعر در پرورش کودک.....
- 57- 3- مشکلات اقتصادی و بچه داری.....
- 57- 4- نذر کردن برای شفای کودک.....
- 58- ت: دوم: ترس از عذاب الهی.....
- 58- 1- ترس از آتش جهنم.....
- 58- 2- اندوه سفر طولانی قیامت (آخرت گرائی).....
- 59- ج: جنگ و جهاد.....
- 59- 1- شرکت حضرت زهرا علیها السلام.....
- 59- 2- فلسفه جهاد.....

- چ و ح: اول: حجاب و پوشش فاطمه علیها السلام ..... 60
- 1- پرهیز از نامحرمان ..... 60
- 2- ضرورت رعایت محرم و نامحرم ..... 60
- 3- در اوج عفت و حجاب ..... 61
- الف - نگرانی از کیفیت حمل جنازه بانوان ..... 61
- ب - سفارش به همسر ..... 62
- خ: اول: خدائشناسی فاطمه علیها السلام ..... 66
- خدائگرایی فاطمه ..... 66
- خ: دوم: خطبه ها ..... 67
- خطبه اول «سخنرانی فاطمه علیها السلام در مسجد مدینه» ..... 67
- خطبه دوم: «سخنرانی در جمع زنان مهاجر و انصار» ..... 90
- خطبه سوم: سخنرانی در میان جمعی کوچه و بازار ..... 96
- خطبه چهارم: سخنرانی در نکوهش پیمان شکنان ..... 97
- خطبه پنجم: ..... 98
- خ: سوم: از خودگذشتگی و ایثار فاطمه ..... 99
- 1- مهمان نوازی فاطمه ..... 99
- 2- از خودگذشتگی و ایثار فاطمه علیها السلام ..... 99
- خ: چهارم: خوشروئی: د- روابط اجتماعی، حدیث 84 ..... 101
- اول: دعوت مردم به قیام ..... 101
- دوم: دفاع و مبارزه حضرت فاطمه علیها السلام ..... 101
- 1- دفاع در برابر هجوم گستاخانه به منزل امیرالمؤمنین علیها السلام ..... 101
- 2- دفاع و افشاگری در برابر مهاجمان به منزل امام علی علیها السلام ..... 102
- 3- دفاع از امیرالمؤمنین علیها السلام ..... 104
- 4- دفاع از امام در مسجد ..... 105

- 106.....5- دفاع از جان امام (علیه السلام)
- 108.....6- دفاع تا رهایی و سلامت امام (علیه السلام)
- 109.....7- دفاع از اموال خویش:
- 109.....سوم: دعاهای حضرت زهرا (علیه السلام)
- 109.....1- دعا برای گناهکاران امت
- 110.....2- دعا برای همسایگان
- 110.....3- توجه به دعا حتی در هنگامه غم از دست دادن پدر
- 110.....4- تقاضای دعا برای شفای امام حسن (علیه السلام)
- 111.....5- ارزش و اهمیت دعا
- 111.....6- دعای معروف حضرت زهرا (علیه السلام)
- 112.....7- دعای بعدازظهر روز جمعه
- 113.....چهارم: دنیا و دنیازدگی
- 113.....1- ترک دنیاپرستی
- 113.....2- والاتر از دنیا:
- 113.....3. شوق شهادت و بی اعتنایی به دنیا
- 113.....4. ایثارگری های فاطمه (علیه السلام)
- 114.....5. ضرورت ساده زیستی
- 115.....ذ. ر
- 115.....اول: روابط اجتماعی
- 115.....1- کیفیت رابطه با مردم و خانواده
- 115.....2- زن و زندگی اجتماعی
- 115.....3- روابط سیاسی اجتماعی
- 115.....دوم: روزه
- 115.....1- شرایط روزه داری
- 116.....2- روزه نذری (روزه شکرگزاری)

117.....	ز
117.....	اول: زن و زندگی اجتماعی
117.....	1- آن چه برای زنان نیکو است
117.....	2- ساده زیستی و کار روزانه فاطمه <small>علیها السلام</small>
118.....	3- ساده پوشی
119.....	4- لحظه ای که زن به خدا نزدیک تر است
119.....	دوم: زن و آیین زندگی
120.....	سوم: زن و کار
120.....	1- زن و کار روزانه
120.....	2- هماهنگی زن و شوهر در کار منزل
121.....	3- تقسیم کار در خانواده
121.....	4- تقسیم کار با همسر
122.....	چهارم: زن و زینت و آرایش
122.....	1. عطر و زینت در نماز
123.....	2. استفاده دائمی از بوی خوش
124.....	3- تهیه عطر برای شب عروسی فاطمه <small>علیها السلام</small>
124.....	پنجم: بزرگ زن جهانیان
124.....	ششم: بزرگ زن بهشتی
125.....	س. ش
125.....	اول: شادی و خشنودی
125.....	1- شادی فاطمه <small>علیها السلام</small> از خبر شهادت
126.....	2- شادی ملائکه در پیروزی مؤمن
126.....	دوم: شعرهای فاطمه <small>علیها السلام</small>
126.....	1- شب ازدواج و ستودن شوهر
127.....	2- استفاده از جاذبه شعر در تربیت کودک

- 3- بیان مشکلات اقتصادی ..... 128
4. در فراق خویش ..... 130
- 5- اشعار در غم از دست دادن پیامبر ﷺ ..... 131
- سوم: شکوه های درد آلود و افشاگرانه ..... 139
- 1- شکوه از غضب امامت ..... 139
- 2- شکوه از خیانت منافقان کینه توز ..... 140
- 3- شکوه ها و آرزوی مرگ ..... 141
- 4- شکوه ها ..... 142
- چهارم: شفاعت فاطمه علیها السلام ..... 142
- پنجم: صفات شیعیان و پیروان اهل بیت علیهم السلام ..... 142
- ششم: شهادت و شاهد ..... 144
- 1- اولین شهادت باطل در اسلام ..... 144
- 2- آگاهی از شهادت خویش ..... 144
- 3- آگاهی از شهادت حسین علیه السلام ..... 144
- 4- پرسش از پیامبر ﷺ پیرامون شهادت حسین علیه السلام ..... 144
- 5- صحبت از شهادت کودکی که متولد نشده بود ..... 145
- 6- شاهد شهادت فرزند بودن! ..... 146
- 7- اشتیاق شهادت ..... 147
- ص ..... 148
- اول: صحیفه و کتاب حضرت زهرا علیها السلام ..... 148
- 1- شب نزول صحیفه زهرا علیها السلام ..... 148
- 2- صحیفه حضرت زهرا علیها السلام ..... 148
- 3- مطالب صحیفه فاطمه علیها السلام از اسرار است ..... 149
- 4- آگاهی جابر از برخی مطالب صحیفه ..... 149
- ط. ظ. ع ..... 151

151.....	اول: عبادت فاطمه <small>عليها السلام</small>
151.....	دوم: عرفان فاطمه <small>عليها السلام</small>
151.....	1- خدانشناسی فاطمه <small>عليها السلام</small>
151.....	2- ترک دنیا پرستی
151.....	3- نزول ملائکه و سلام فاطمه
151.....	4- شکر در مشکلات و سختیها
151.....	5- خداگرائی قبل از تولد
152.....	6- خداگرائی فاطمه <small>عليها السلام</small> در سنین کودکی
152.....	7- عرفان فاطمه از زبان علی <small>عليه السلام</small>
153.....	سوم: ارزش علم و عالم اسلامی
153.....	1- ارزش پرسش و پاسخ
154.....	2- ارزشمندی یک حدیث
155.....	چهارم: علم و آگاهی حضرت زهرا <small>عليها السلام</small>
155.....	1- آگاهی از زمان شهادت
156.....	2. آگاهی از لحظه شهادت
158.....	3- آگاهی از شهادت حسین <small>عليه السلام</small> در کربلا
158.....	4- علم بی نهایت
158.....	5- آگاهی از حوادث تلخ آینده
159.....	6- اطلاع از شهادت
159.....	پنجم: علم بی نهایت، حدیث 139
160.....	غ. ف
160.....	اول: ماجرای سیاسی فدک
160.....	1- فدک، حق الهی فاطمه <small>عليها السلام</small>
163.....	2- مطالبه حق از ابوبکر
163.....	3- کیفیت اعطای فدک به فاطمه <small>عليها السلام</small>

- 4- سند فدک را پیامبر ﷺ نوشت ..... 164
- 5- بشارت اعطای فدک به فاطمه و فرزندان فاطمه علیها السلام ..... 164
- دوم: فدک میراث پیامبر و اموال فاطمه علیها السلام است ..... 166
- 1- مطالبه میراث پیامبر ﷺ ..... 166
- 2- اثبات ارث با آیات قرآن ..... 167
- 3- اثبات ارث با مناظره و استدلال عقلی و شرعی ..... 168
- 4- مناظره کوبنده و اولین شهادت باطل ..... 168
- 5- اثبات ارث با شهادت شاهدان ..... 170
- سوم: غصب فدک ..... 172
- چهارم: کشاندن ماجرای فدک به اجتماعات مسلمین ..... 173
- 1- مناظره در اجتماع مسلمین ..... 174
- 2- به یاری طلبیدن مسلمانان ..... 177
- 3- آگاهی از پیمان شکنی مخالفان ولایت ..... 178
- 4- سخن رانی افشاگرانه در مسجد ..... 179
- پنجم: فضائل فاطمه علیها السلام از کلام پیامبر ﷺ ..... 179
- 1- فاطمه علیها السلام بزرگ زن جهانیان ..... 179
- 2- فاطمه علیها السلام بزرگ زن بانوان بهشتی ..... 180
- ق ..... 181
- اول: قرآن و تلاوت قرآن ..... 181
- 1- فضیلت قرائت قرآن ..... 181
- 2- اشتیاق تلاوت قرآن ..... 181
- 3- سفارش به خواندن قرآن بر روی قبر خویش ..... 181
- دوم: قضاوت ..... 182
- سوم: معاد و قیامت ..... 182
- 1- یاد قیامت ..... 182



- 182..... 2- ترس از عذاب قیامت - ت - ترس حدیث 46
- 183..... ک. گ
- 183..... گریه های مداوم فاطمه علیها السلام
- 184..... م
- 184..... اول: حق مالکیت خصوصی
- 184..... دوم: انواع مبارزات سیاسی
- 184..... 1- یادآوری و هشدار
- 185..... 2- افشاگری و محکومیت
- 186..... 3- افشاگری و سرزنش مردم
- 186..... 4- سرزنش و توبیخ پیمان شکنان
- 187..... 5- افشای عوامل مصیبتها
- 189..... 6- یاری طلبیدن از مهاجرین و انصار
- 189..... 7- سخنرانیهای افشاگرانه
- 189..... 8- اعلان بیزاری و نفرین
- 190..... سوم: انواع مبارزه منفی
- 190..... 1- اعتصاب در سخن با ابوبکر
- 190..... 2- اعتصاب در سخن گفتن با ابوبکر و عمر
- 191..... 3- اعتصاب در حرف زدن با عمر
- 191..... 4- فلسفه وصیتنامه سیاسی حضرت زهرا علیها السلام
- 193..... 5- نفرین کردن به دشمن
- 193..... 6- شکوه از ظالمان
- 193..... چهارم: مشکلات زندگی
- 193..... 1- فاطمه علیها السلام و تحمل گرسنگیها:
- 195..... 2- تحمل فقر و نداری
- 196..... 3- تحمل کمبودهای رفاهی

197	4- تحمل فشارهای سخت زندگی
197	5- مشکلات اقتصادی و بچه داری
200	پنجم: معجزات فاطمه <small>علیها السلام</small>
200	1- سخن گفتن در هنگام ولادت
200	2- درخواست نزول غذای بهشتی
203	3- مشاهدات غیبی حضرت فاطمه <small>علیها السلام</small>
203	4- مشاهده جبرئیل و عزرائیل
205	5- نزول ملائکه و سلام فاطمه <small>علیها السلام</small>
206	ششم: مقام مادر
206	هفتم: مهمان نوازی
207	ن. و
207	اول: وصیتهای شخصی فاطمه <small>علیها السلام</small>
207	1- وصیت به یادآوری
207	2- وصیت به قرآن خواندن در شب اول مرگ
208	3- وصیت به ازدواج با امامه
208	دوم: وصیتهای سیاسی
208	1- وصیت به مخفی بودن مراسم تدفین
210	2- وصیت به عدم شرکت ظالمان در مراسم تدفین
210	سوم: وصیتنامه نوشته شده
212	ه. ی
212	یاری و کمک کردن
212	1- ضرورت یاری کردن به کارگر منزل
213	2- یاری کردن علی <small>علیه السلام</small>
214	3- یاری کردن شیعیان
215	بی نوشت ها:

319..... فهرست مطالب